



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

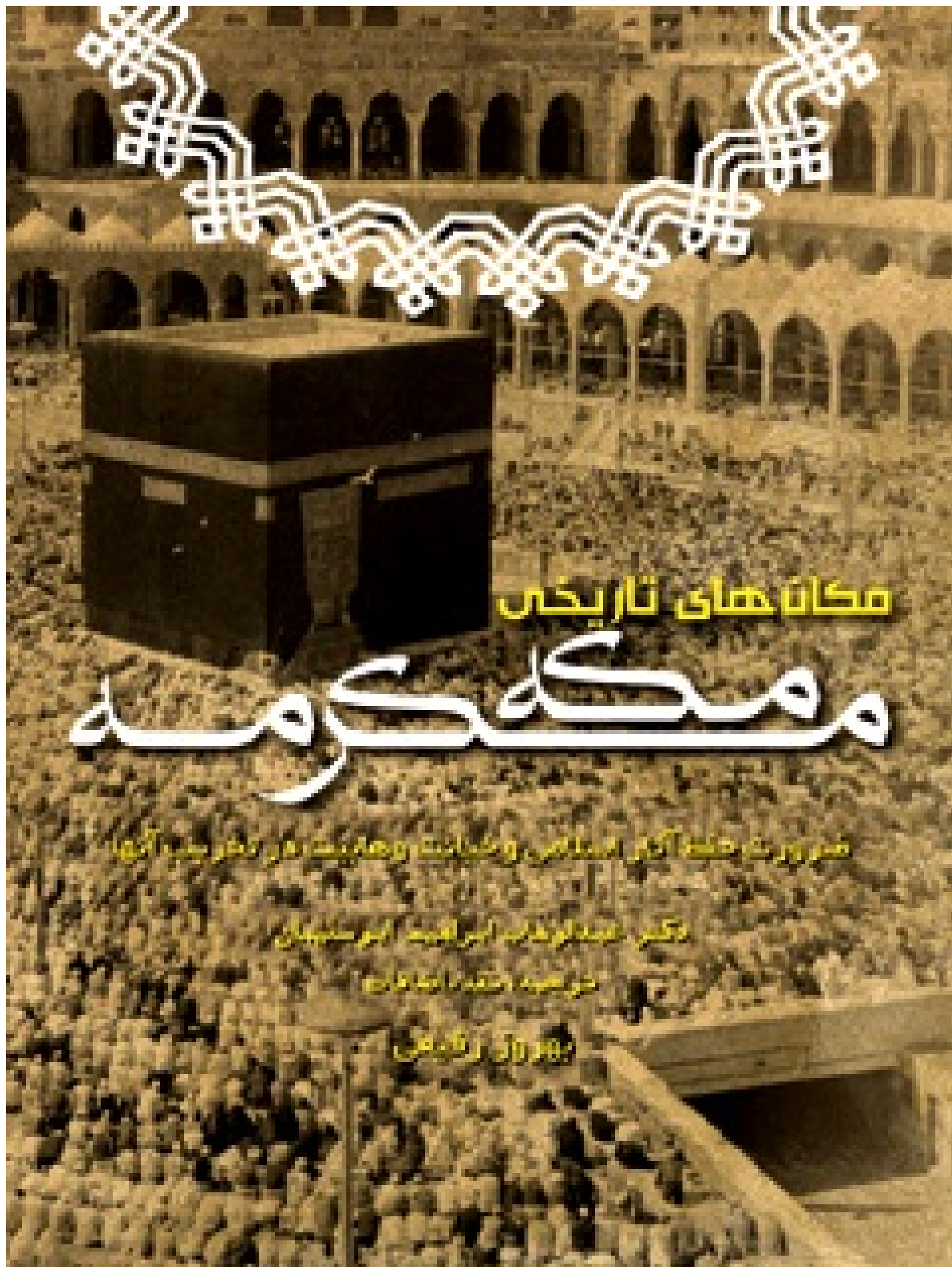
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مکان‌های تاریخی

مکه

تصویر و نگارخانه‌های تاریخی و عبادت‌گاه‌ها، بناها، آثار و مناظر دیدنی آنجا

دکتر. عبدالوهاب البرادید، نویسنده

ترجمه: سید الهادی

بهار ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکان های تاریخی مکه مکرمه (ضرورت حفظ آثار اسلامی و خیانت وهابیان در تخریب آنها)

نویسنده:

عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	مکان های تاریخی مکه مکرمه (ضرورت حفظ آثار اسلامی و خیانت وهابیان در تخریب آنها)
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۷	دیبچه
۱۹	مقدمه مترجم
۱۹	اشاره
۱۹	سرآغاز سخن
۲۰	پشت پا به آثار نیاکان پاک قوم و میراث امت
۲۲	گذر از عمر به محمد بن عبدالوهاب
۲۳	ناتوان از درک و دریافت
۲۴	آن که از او جز این انتظار نیست
۲۵	واکنش از درون
۲۶	قلمداران سوته دل
۲۶	کاری از نوع دیگر
۲۶	از رؤیای احیا تا چاره کار
۲۹	اشارتی بر محتوای کتاب
۳۵	نیم نگاهی به رویکرد استاد ابوسلیمان در این کتاب
۳۷	اشارتی کوتاه به پاره ای از کاستی های این اثر
۳۸	آشنایی با دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان
۴۰	از این ترجمه
۴۹	فصل یکم: سرآغاز نگارش درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه
۴۹	گفتار یکم: نامه حسن بصری
۵۱	گفتار دوم: نمونه هایی از مواضع سلف صالح نسبت به مکان های تاریخی

- فصل دوم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در کتاب های تاریخی ۵۷
- گفتار یکم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در سیره نگاشت های نبوی ۵۷
- گفتار دوم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در کتاب های خاص تاریخ مکه ۶۰
- گفتار سوم: مکان های تاریخی در کتاب های خاص تاریخ مکه و مدینه ۱۰۹
- گفتار چهارم: تک نگاشت هایی به نثر و نظم درباره مکان های تاریخی در مکه مکرمه ۱۱۲
- فصل سوم: مکان های تاریخی مکه مکرمه در تألیف های فقهی ۱۱۷
- گفتار یکم: مکان های تاریخی مکه مکرمه در کتاب های مناسک ۱۱۷
- گفتار دوم: تحلیل علمی عناوین فقهی مکان های تاریخی مکه مکرمه در آثار فقیهان ۱۲۷
- فصل چهارم: شواهد تواتر محلی درباره مکان های تاریخی در مکه مکرمه ۱۳۵
- گفتار یکم: نمودهای تواتر محلی ۱۳۵
- گفتار دوم: عنایت ملک عبدالعزیز به مکان های تاریخی مکه مکرمه ۱۳۷
- فصل پنجم: دیدگاه علما درباره زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه ۱۵۰
- اشاره ۱۵۰
- گفتار یکم: دیدگاه مخالفان زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه و دلایل آنها ۱۵۰
- گفتار دوم: دیدگاه موافقان زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه ۱۵۷
- فصل ششم: وضع کنونی مکان های تاریخی در مکه مکرمه ۱۷۰
- اشاره ۱۷۰
- گفتار یکم: مکان های تاریخی مکه مکرمه که اکنون از میان رفته اند ۱۷۰
- گفتار دوم: مکان های تاریخی مکه مکرمه که اکنون وجود دارند ۱۷۶
- گفتار پایانی ۱۹۰
- چکیده آنچه گذشت ۱۹۰
- پیوست ۱۹۸
- شرح حال عالمانی که در بحث مکان های تاریخی [مکه مکرمه] از آنها یاد شده است ۱۹۸
- اشاره ۱۹۸
۱. ابوولید محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی (در. ۲۵۰ ه. ق) ۱۹۹
۲. ابو عبدالله محمد بن اسحاق بن عباس فاکهی ۲۰۰

۳. ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی [حدود ۵۱۰ - ۵۹۷ ه. ق.] ۲۰۲
۴. یحیی بن شرف نووی (۶۳۱ - ۶۷۶ ه. ق.) ۲۰۸
۵. حافظ ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محب الدین طبری مکی (۶۱۵ - ۶۹۴ ه. ق.) ۲۱۰
۶. عزالدین بن جماعه کنانی، عبدالعزیز بن بدرالدین محمد بن ابراهیم دمشقی مصری (۶۹۴ - ۷۶۷ ه. ق.) ۲۱۳
۷. حافظ ابوطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی فاسی مکی مالکی (۷۷۵ - ۸۳۹ ه. ق.) ۲۲۲
۸. قاضی برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی (در. ۷۹۹ ه. ق.) ۲۲۵
۹. ابوالبقا محمد بن احمد بن محمد بن ضیاء مکی حنفی، قاضی و مفتی مکه (۷۸۹ - ۸۵۴ ه. ق.) ۲۲۶
۱۰. علی بن عبدالله بن احمد حسنی سمهودی (۸۴۴ - ۹۲۲ ه. ق.) ۲۲۸
۱۱. علی بن عبدالقادر طبری (در. ۱۰۷۰ ه. ق.) ۲۲۹
۱۲. جمال الدین محمد جارالله بن محمد [نصر الدین] بن ابی بکر بن علی بن ظهیره قرشی [مخزومی] (در. ۹۸۶ ه. ق.) ۲۳۲
۱۳. محمد علی علان [صدیقی] (۹۸۰ - ۱۰۵۸ ه. ق.) ۲۳۳
۱۴. سید غفیف الدین عبدالله بن ابراهیم بن حسن بن محمد امین میر غنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی، مشهور به محجوب (در. ۱۲۰۷ ه. ق.) ۲۳۷
۱۵. محمد بن احمد بن سالم بن محمد مالکی مکی، معروف به صباغ (۱۲۴۳ - ۱۳۲۱ ه. ق.) ۲۳۸
۱۶. عبدالله بن محمد غازی مکی حنفی (۱۲۹۰ - ۱۳۶۵ ه. ق.) ۲۴۲
۱۷. ایوب صبری پاشا (در. ۱۲۹۰ ه. ق.) ۲۴۹
- ۲۵۱ کتابنامه
- ۲۵۱ اشاره
- ۲۵۱ کتاب ها
- ۲۵۸ روزنامه ها و مجلات
- ۲۵۹ منابع و مراجع مترجم
- ۲۵۹ الف. فارسی
- ۲۶۰ ب. عربی
- ۲۷۳ نمایه ها
- ۲۷۳ اشاره
- ۲۷۴ الف) نمایه آیات
- ۲۷۵ ب) نمایه روایات

- ج) نمایه اشعار ۲۷۶
- د) نمایه نوشتارها ۲۸۰
- ه) نمایه کسان ۳۰۳
- و) نمایه مکان ها ۳۴۸
- ز) نمایه ملل و نحل، رویدادهای تاریخی، اقوام، نهادها، اشیای تاریخی، . . . ۳۸۰
- ح) نمایه اصطلاحات ۳۹۷
- درباره مرکز ۴۱۱

مکان های تاریخی مکه مکرمه (ضرورت حفظ آثار اسلامی و خیانت وهابیان در تخریب آنها)

مشخصات کتاب

سرشناسه: ابوسلیمان، عبدالوهاب ابراهیم

عنوان قراردادی: الأماكن المأثوره المتواتره فی المکه المکرمه عرض و تحلیل. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: مکان های تاریخی مکه مکرمه: ضرورت حفظ آثار اسلامی و خیانت وهابیان در تخریب آن ها / عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان؛ ترجمه، نقد و اضافات بهروز رفیعی.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۱۶ص.

شابک: ۶۴۰۰۰ ریال ۷-۴۴۹-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۴۷] - ۲۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: آثار تاریخی اسلامی -- عربستان سعودی -- مکه

موضوع: مکه (عربستان سعودی) -- آثار تاریخی

موضوع: مکه (عربستان سعودی) -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: رفیعی، بهروز، ۱۳۳۶ - ، مترجم

رده بندی کنگره: DS۲۱۱ / الف ۴۲ الف ۱۴۰۸ ۲۹۳۱

رده بندی دیویی: ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۵۹۵۴۵

ص: ۱

اشاره

دیباچه

از دوران رسالت رسول خدا (ص) علاوه بر آثار باقیمانده آیینی، مجموعه ای از آثار و ابنیه تاریخی نیز که با آن حضرت مرتبط می باشد، باقی مانده است که هر سال هزاران مشتاق را از مناطق دور و نزدیک به سرزمین وحی فرا می خواند تا فراتر از آشنایی با مفاهیم دینی، در تماس تاریخی با اماکن برجای مانده گذشته مسلمانان نخستین، در برابر دیدگان مشتاق آنان قرار گیرد.

آثار و اماکن برجای مانده در سرزمین وحی از آن جهت که روایتگر دوران رسالت و بیانگر یاد و خاطره خاتم رسولان و فداکاری های آن حضرت است، گنجینه ای بی بدیل به شمار می رود و تأثیرات شگرفی در باورها بر جای می نهد. البته جای بسی تأسف است که بسیاری از آثار برجای مانده از دوران رسالت، توسط فرقه نوظهور وهابیت تخریب شده و یا به بهانه های واهی در معرض خطر تخریب است؛ در حالی که حفظ آثار تاریخی هر قومی به منزله صیانت از میراث فرهنگی و گذشته آن ملت است که امروزه هر دولت و ملتی درصدد حفظ این میراث خویش است.

نوشته حاضر، ترجمه کتاب «الاماکن المأثوره المتواتره فی مکه المکرمه: عرض و تحلیل» اثر دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان و موضوع آن اثبات وجود مکان های تاریخی مکه مکرمه و اهمیت این اماکن نزد همه مسلمانان است که به دست محقق گرانمایه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای بهروز رفیعی ترجمه شده است.

امید است این کتاب مورد توجه علاقمندان به آثار و اماکن اسلامی قرار گیرد و در شناسایی این اماکن برای خوانندگان محترم مفید واقع شود.

در پایان پژوهشکده حج و زیارت بر خود لازم می‌داند که از زحمات بی‌شائبه مترجم محترم و تمام کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کردند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه تاریخ و سیره

کل امه تعتمد فی استبقاء مآثرها و تحصین مناقبها

علی ضرب من الضروب و شکل من الاشکال

(جاحظ، الحيوان، ۱/۷۱)

بیطن مکه آثار لاؤلکم مما بنی لمعدّ جدّه اُدد

(دیوان، بشار بن برد، ۲/۲۰۱)

سرآغاز سخن

با تخریب شماری پر شمار از مکان های تاریخی - اسلامی در دو شهر مقدس مکه مکرّمه و مدینه منوره که از سال ۱۱۸۱ ه. ش / ۱۲۱۷ ه. ق به طور رسمی و آشکارا آغاز شد و به بهانه های واهی رخ داد، احساسات مذهبی مسلمانان نادیده انگاشته و چنان رفتار شد که پنداری در جهان، مگر قوم وهابی - سعودی حاکم بر حجاز، مسلمانی نیست. (۱)

مسلمانان به زودی به عمق فاجعه پی بردند و در پی چاره بر آمدند، اما دیگر راهی مگر زنده داشت یاد و نام مکان های از دست رفته در سینه کتاب ها نمانده بود. از این رو کتابی چند درباره مکان های مقدس برجای مانده و از میان رفته این دو شهر قلمی

۱- محقق کتاب عده الانابه فی اماکن الاجابه (صفحه ۱۵ - ۱۶) ، برای سرکوب قلم کسانی که چون او نمی اندیشند، نگارنده کتاب را سرزنش می کند که چرا به مردم نتاخته و رفتار عاشقانه آنان با آثار بازمانده از رسول خدا (ص) را خلاف توحید عبدالوهابی نخوانده است. وی برای پاس داشت عدالت و نادیده نگرفتن تلاش علمی او، درباره اش چنین گفته است: اذا قیس إحصان امری یاساءه فأربی علیها فالإساءه تُغفر

گشت. طرفه آنکه در این میان به تازگی از دل خود قوم وهابی - سعودی، کتابی پدید آمده که از نوع دیگر است و به اعتبار ارزش کار و تازگی اثر و جایگاه نگارنده آن، ترجمه اش سودمند می نمود.

پشت پا به آثار نیاکان پاک قوم و میراث امت

در مکه امروزی پیشینه مکان های تاریخی - اسلامی، از میان رفته و مگر نامی از آنها بر جای نمانده است. برای معرفی اثباتی مکان های دیروزین مکه مکرمه باید کاری می شد؛ چه با رفت زمان و آمد نسیان، نام و یاد این مکان ها از ذهن و زبان مردم زدوده می شود و دور نمی نماید که در آینده روزی، برای تطهیر دامن ویرانگران، اصل بود و وجود این مکان ها رسماً (۱) از پایه بن انکار گردد (۲) و (۳) و گفت و گفتار درباره آنها شرک شماره شده و برای اثبات این یاوه، چون بسیاری از دیگر گزافه های وهابیان، کتاب سوزی و کتاب سازی شود. (۴)

۱- در همین دوره در یکی از مراکز آموزش عالی عربستان کتابی درباره فضائل مکه مکرمه منتشر گشته و در آن ادعا شده است که موضوع زادخانه نبوی در جانب شرقی حرم شریف سخنی نادرست است و چنین مکانی وجود نداشته است؛ و از قضا استاد دکتر ابراهیم ابوسلیمان در رد این گزافه گفته است: «اگر سخن عالمان و تاریخ نگاران گذشته را در باره این مکان ها گردن ننهیم، چگونه در امور دین خود به سخنان آنان اعتماد کنیم؟ (تبرک الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضله العظیم، محمد طاهر بن عبدالقادر کردی مکی، ص ۱۸) نیز عاتق بن غیث بلاذی از عالمان وهابی - سعودی عربستان، در کتاب حجیم معجم معالم الحجاز، ج ۸، ص ۱۶۴۸ و ۱۶۸۹) ذیل دو مدخل «مکتبه مکه» و «مولد النبی (ص)» به ترتیب تنها ۱۹ و ۲۹ واژه آورده است؛ البته پیشینه واژگان ذیل مدخل دوم، تکرار واژگان آمده در ذیل مدخل نخست است. وی در هر دو مورد با عبارت تردید آفرین «می گویند (یقال)» از انتساب مکان یاد شده به رسول خدا (ص) یاد کرده است. این گونه برخورد با چنین مکانی مقدس، نشان بی توجهی وهابیان به آن و تلاش گام به گام آنان برای برافتادن نام و نشان آن است.

۲- محمد حسین هیکل در سفرنامه اش که در ۱۹۳۶نگاشته شده، آورده است: «با شگفتی دیدم بسیاری از جوانان و اهل نظر در مکه مکرمه با شدت و حدت تمام می گویند: غیر از کعبه و حرا و ثور، هیچ مکان تاریخی در مکه مکرمه سند تاریخی ندارد و جملگی بی اعتبارند» (فی منزل الوحی، هیکل، ۲۰۰۲، ص ۲۰۷)

۳- در پیشگفتار مؤلف محترم، بر چنین رد و انکاری که سخت ناسخته و ناپخته افتاده، اشارت رفته است، و از قضا یکی از انگیزه های نگارش این کتاب، درافتادن با چنین رد و انکارهاست.

۴- وهابیان، نخست کتاب هایی را که در روایی بل استحباب برگزاری جشن مولود نبوی نگارش یافته بود سوختند، آن گاه در حرمت این جشن کتاب ها ساختند. نمونه اش کتاب القول الفصل فی حکم الاحتفال بمولد خیر الرسل (ص) است که شیخ اسماعیل انصاری از وهابیان عربستان نوشته و به تأیید و تقریر عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (۱۳۳۰ - ۱۴۲۰ه. ق) از مفتیان بنام وهابی - سعودی عربستان رسیده و به درخواست وی سلیمان بن منیع از اعضای شورای علمای اعلم عربستان بر آن مقدمه ای نگاشته است.

باری، میراث فرهنگی هر ملت، آینه گذشته آن است

تِلْكَ آثَارُنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا فَاَنْظُرُوا بَعْدَنَا إِلَى الْآثَارِ

از این رو دولت‌ها در سراسر جهان می‌کوشند این آینه‌ها هرچه بیشتر بازشناخت و بازسازی و حتی بازآفرینی شوند و جلا پذیرند و از دست‌گزند روزگار در امان مانند، تا آیندگان از گذشته و گذشتگان بی‌خبر نمانند و پیشینه تاریخی ملت فسانه نشود.

اما در حجاز، نه این می‌اندیشند و کار دگر می‌کنند؛ چه بزرگان این قوم بر این باورند که: «بزرگ داشت مکان‌های تاریخی جایز نیست؛ زیرا ممکن است مردم گمان‌برند این مکان‌ها ارزش معنوی دارند، و این به شرک می‌انجامد» (۱) و (۲) چون چنین است برای موحد ماندن خلاق، اتحاد و هابی - سعودی با یورش به مکان‌های مبارک (۳) در شهرهای مقدسی چون: مکه، مدینه، کربلا، پای کوبان تا توانست کوفت و سوخت و کشت و خورد (۴) و برد و به آنچه کرد نازید (۵) و آن مایه گستاخ‌گشت که اگر پایمردی

۱- این سخن، فتوای شماره ۱۶۶۲۶ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز است که در سال ۱۴۱۴ ه. ق صادر شده است.

۲- برای آشنایی با یاوگی این سخن و نقض شیرین و آشکار آن در میان مکیان، بنگرید به: تبرک الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضله العظیم، محمد طاهر بن عبدالقادر الکردی المکی.

۳- امروزه از بسیاری از این مکان‌های مقدس و تاریخی جز نامی در کتاب‌ها نمانده است.

۴- وهابیان حاکم بر عربستان پس از درهم‌کوفتن مسجد النبی و تخریب بقعه مبارک نبوی، گنجینه عظیمی از جواهرات بس‌گران‌بها و اشیای بسیار قیمتی را که ارادتمندان و سلاطین و حاکمان کشورهای اسلامی به حرم نبوی هدیه کرده بودند، به تاراج بردند و در میان خود تقسیم کردند. این پلشتی در کربلائی معلا نیز تکرار شد. هنگامی که عبدالله بن سعود پس از چیرگی مصریان بر درعیه در ۱۲۳۳ ه. ق. به اسارت نیروهای محمد علی پاشا درآمد، مقداری از این جواهرات را همراه داشت و آنها را سربهای خود تقدیم کرد تا جان به در برد، اما او را به آستانه بردند و در آنجا اعدامش کردند (السعودیون و الحل الاسلامی، جلال کشک، ص ۱۸۷، به نقل از الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، حمزه حسن، ج ۲، صص ۲۳۲ و ۲۳۳)

۵- بنگرید به: الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، ج ۲، ص ۲۳۳.

مدنیان نبود اینک از مسجدالنبی و مبارک بارگاه نبوی نیز، چونان بقیع (۱)، مگر پاره سنگی خام و نانوشته بر خاک نمانده بود. (۲)

كُحِلَّتْ بِمَنْظَرِ الْعُيُونِ عَمَائِهِ وَ أَصَمَّ نَعْيِكَ كُلَّ أُذُنٍ تَسْمَعُ (۳)

گذر از عمر به محمد بن عبدالوهاب

قوم وهابی - سعودی گزاف می بافد که می گوید: پیرو قرآن و شیوخ ثلاثه و سلف صالح است؛ چه از سوی در قرآن کریم آمده است: ... قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا (۴)؛ «... کسانی که از کار آنها آگاه شدند گفتند: ما بر بالای (جایگاه) آنان مسجدی خواهیم ساخت.»

نیز درباره مقام ابراهیم در قرآن آمده است: وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى (۵)؛ «از مقام ابراهیم نمازگاه گزینید...»؛ و از سوی دیگر نخستین کسی که بر مزار مبارک نبوی بنایی نهاد، عمر بن خطاب است. (۶) همچنین حضرت ابوطالب با افتخار درباره مقام ابراهیم گفته است:

و مَوَاطِيءِ إِبْرَاهِيمَ فِي الصَّخْرِ رَطْبُهُ عَلَى قَدَمِيهِ حَافِيًا غَيْرَ نَاعِلٍ (۷)

اما امروزه همین جماعت که عمر زده می نمایند اگر می توانستند از آنچه بر مزار مبارک نبوی است هیچ برجای نمی گذاشتند؛ مگر این قوم مدعی نیستند که خانه خدیجه کبری (علیها السلام) پس از مسجدالحرام، فری جایگاه ترین جای مکه مکره است؟ آیا آنان

۱- عالم فرزانه آیت الله محمد جواد بلاغی در رثای بقیع گفته است: يَوْمَ الْبَقِيعِ لَقَدْ جَلَّتْ مُصَيَّبَةُ وَ شَارَكَ فِي شَجَاهَا كَرَبَلَا عِظْمًا دَهَاكَ ثَامَنَ شَوَالٍ بِمَا دَهَمَا فَحَقَّ لِلْعَيْنِ إِهْمَالُ الدُّمُوعِ دَمًا

۲- بنگرید به: الشيعه في المملكة العربية السعودية، حمزه حسن، ج ۲، صص ۲۳۰ - ۲۴۴.

۳- دیوان، دعبل خزاعی، چاپ عبدالکریم اشتر، ص ۱۴۱.

۴- کهف: ۲۱.

۵- بقره: ۱۲۵.

۶- وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، سمهودی، ج ۲، ص ۴۹۱.

۷- دیوان ابی طالب عم النبوی (ص)، چاپ محمد تونجی، ص ۶۵.

امروزه از این خانه مقدس چیزی برجای نهاده اند؟

گم شده هر که چو یوسف بود گم شدنش جای تأسف بود (۱)

فانوان از درک و دریافت

قوم وهابی - سعودی چنان کرده است که پنداری تفاوت از زمین تا آسمان میان مکان هایی که رسول خدا (ص) (۲) و اهل بیت او: در آنها آمد و شد کرده اند و نماز گزارده اند و . . . و به هر روی با آن ذوات مقدس نسبتی دارند با دیگر مکان ها را در نمی یابد.

شَرَفَ الْمَحَلِّ بِقَدْرِ مَنْ قَدَّ حَلَّهُ

از این روست که برخلاف گذشتگان که حتی درباره خرده ریزها و متعلقات خانه خدیجه کبری (علیها السلام) کتاب می نگاشتند (۳)، اینان چنان بی پروا گشتند که حتی خانه خدیجه کبری (علیها السلام) که فرودگاه وحی و زادخانه زهرا (علیها السلام) و دیگر فرزندان خدیجه است را تخریب و جای آبریز کردند (۴) و زادخانه پیامبر اعظم (ص) را ویران و محل آن را علفخانه چارپایان نمودند. (۵)

۱- مخزن الاسرار، نظامی گنجوی، چاپ انجمن خوش نویسان، ص ۱۱۵.

۲- برخی از عالمان اهل سنت، مدینه منوره را به اعتبار وجود پیکر مقدس حضرت رسول اکرم (ص) در مسجدالنبی، حتی از مکه مکرمه بافضیلت تر می دانند و در این باره چنین سروده اند: جَزَمَ الْجَمِيعُ بَأَنَّ خَيْرَ الْأَرْضِ مَا قَدَّ حَاطَ ذَاتَ الْمُصْطَفَى وَ حَوَاهَا وَ نَعَمَ لَقَدْ صَدَّقُوا بِسَاكِنِهَا عَلَتْ كَالنَّفْسِ حِينَ زَكَتَ مَأْوَاهَا وَ كَسَانِي كَهْ بِرِائِنِ بَرْتَرِي گِردن نهاده اند باری این دو شهر را در فضیلت همپایه می دانند. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۱، ص ۱۳۰.

۳- محمد بن علان صدیقی (۹۸۰ - ۱۰۵۸ ه. ق.) که از علمای اهل سنت است کتابی قلمی ساخته است با عنوان النفحات الاریجه فی متعلقات بیت ام المؤمنین خدیجه.

۴- نصیحه لاختوانا علماء نجد، رفاعی، ص ۵۹.

۵- اعیان الشیعه، امین، ج ۱، ص ۱۷۵.

آن که از او جز این انتظار نیست

مگر از قومی که پیشینانش با رسول خدا (ص) و اهل بیت او: آن کردند که می دانیم و نگوییم، و پسینانش هر مسلمانی را که چونان آنان نیندیشد مشرک تر از عربان جاهلی می دانند (۱) و خود را چنان در آتش توحید ناب، سوخته می پندارند! که شأن پیامبر (ص) فرو می کاهند و به کفر گویی می رسند و گزافه می بافند (۲) و زنا می بندند (۳) و با نامسلمان حربی رقص شمشیر می کنند (۴) و مسلک اسلام صهیونیستی می گسترانند (۵)، جز این انتظار می رود؟

- ۱- بنگرید به: الشبهات، محمد بن عبدالوهاب، صص ۲۲۷ و ۲۲۸ به نقل از تاریخ العربیه السعودیه، فاسیلیف، ص ۹۳.
- ۲- اشارتی است به ترهات پاره ای از وهابیان، برای نمونه محمد بن عبدالوهاب از صلوات بر محمد و آل محمد با صدای بلند باز داشته و کسانی را که در گلدسته ها به هنگام اذان بر او صلوات می فرستادند مجازات می کرد. او حتی فردی را به این جرم کشت و آشکارا بیان داشت که از نگاه من گناه برخاستن نوای رباب از خانه روسپی از گناه صلوات بر پیامبر بر فراز گلدسته ها کمتر است. (الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیه، دحلان، ص ۴۱؛ روضه المحتاجین لمعرفة قواعد الدین، بیبریس، ص ۳۴۸)؛ حال آنکه حریفش (در. ۸۰۱ ه. ق) که از اهل سنت است گفته است: مَنْ زَارَ قَبْرَ مُحَمَّدٍ نَالَ الشَّفَاعَةَ فِي عَدِّ بِاللَّهِ كَرَّرَ ذِكْرَهُ وَ حَدِيثَهُ يَا مُشْدِي وَاجْعَلْ صِيْلَاتِكَ دَائِمًا جَهْرًا عَلَيْهِ تَهْتَدِي نِزْمًا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ كَفْتَهُ اسْتِ كِه مُحَمَّد، طارشى (چاپاری) بیش نبوده است. یکی از اطرافیانش نیز در حضور او می گوید که: چوب دستی من از محمد برتر است چه باری با آن می توان گزنده ای را کشت، حال آنکه محمد مرده است و دیگر بهره ای نمی رساند. او طارشى (چاپاری) بوده که در گذشته است (الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیه، دحلان، ص ۴۲؛ روضه المحتاجین لمعرفة قواعد الدین، بیبریس، ص ۳۴۸)
- ۳- دولت شبه جزیره انگلیس به پاس خدمات ملک عبدالعزیز به وی لقب شوالیه فرقه باث **a knight of the Order of the Bath** عطا کرد، و ملک فهد (خادم الحرمین الشریفین) هم با الیزابت، ملکه انگلیس عکسی گرفته و در آن نشان شبه جزیره انگلیس با نماد صلیب بر خود آویخته است.
- ۴- ملک عبدالله با بوش پسر در عربستان چنین کرد.
- ۵- مرادم از این اصطلاح، کنایتی است به رفتار صهیونیست پسند آل سعود و مفتیانی چون عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ رئیس وقت شورای علمای اعلم عربستان و عبدالله بن جبرین و صالح لهیدان از اعضای آن شورای فقهی که برپایی تظاهرات در حمایت از مردم غزه و تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی را رخنه در توحید و حرام می دانند، و مذبحخانه می کوشند آفتاب گل اندود کنند و قهرمانی چون سید حسن نصرالله و حزب الله پیروزش را کافر و خونشان را حلال می شمارند و دعا برای پیروزی آنان را حرام می خوانند و مزدورانه اعلام می دارند که هدف مقاومت اسلامی لبنان گشودن پای اسرائیل به سرزمین های اسلامی است. البته از مفتیان وهابی جز این نمی توان چشم داشت چرا که اینان چنان ذهن و زبان به آثار محمد بن عبدالوهاب آلوده اند که نمی توانند گونه ای دیگر ببیندیشند. کتاب ها و رسائل عبدالوهاب نمی گذارد اینان علیه صهیونیسم و صلیبیان و کمونیسم و سکولاریسم و... دم زنند در عوض آنان را برمی انگیزد تا قلم و قدم علیه مسلمانانی که در مخالفت با آرای محمد بن عبدالوهاب قلم سوده و سخن گفته اند به کار گیرند (بنگرید به: نقد الشیخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، عصام یحیی علی العماد؛ الوهابیه فکراً و ممارسه، محمد عوض الخطیب).

واکنش از درون

باری شناخت کار، آن مایه است که از همان آغاز، ردیه نویسی بر وهابیت آغاز گشت و کسانی چون سلیمان بن عبدالوهاب (برادر محمد بن عبدالوهاب) با پرداختن کتاب الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه و کتاب فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبدالوهاب (۱)، و احمد زینی دحلان با نگارش الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، و محمد بن عفالق با تحریر رساله فی رد ابن عبدالوهاب، و ابن سویدی با نوشتن کتاب المشکلات المضمیه رداً علی الوهابیه، و محمد کرد علی با کتاب الوهابیه و الشبهات فی القدیم و الحدیث، و محمد عزه دروزه در کتاب یهود الحجاز، و سید حسن صدر در رد فتاوی الوهابیین، و الرد علی فتاوی الوهابیه، و احمد محمود صبحی با کتاب جذور الارهاب فی العقیده الوهابیه، و احمد راسم نفیس در کتاب نقض الوهابیه، و عصام عماد با کتاب نقد الشیخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، و محمد حسین هیکل در بخشی از کتاب فی منزل الوحی، محمد عوض خطیب در کتاب الوهابیه فکراً و ممارسه، و محمد طاهر بن عبدالقادر کردی مکی با کتاب تبرک الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضله العظیم، و... به رد وهابیت و انتقاد از پندار و رفتار وهابیان قلم سودند و دیرنپایید که انبوهی از این دست آثار پدیدار گشت. (۲)

۱- وی که برادر بزرگ محمد بن عبدالوهاب است در این کتاب تصریح می کند که محمد بن عبدالوهاب دارای هیچ یک از شروط و ویژگی های مجتهدان بلکه دارای یک دهم یکی از این ویژگی ها هم نیست. بنگرید به: فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبدالوهاب، ص ۲۵، به نقل از: نقد الشیخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، عصام یحیی علی العماد، ص ۸۱.

۲- بیشینه آثاری که در رد بر ابن تیمیه و عبدالوهاب نگاشته شده حاصل قلم فرسای عالم غیر شیعه است. بنگرید به: السلفیه الوهابیه افکارها الاساسیه و جذورها التاريخیه، سقاف، صص ۱۳۳-۱۴۶ (در این کتاب از ۱۰۵ اثر در رد و نقد این مسلک یاد شده است) و مقاله «معجم ما الفه علماء الامه الاسلامیه للرد علی خرافات الدعوه الوهابیه» از سید عبدالله محمد علی که در آن به بیش از ۲۰۰ عنوان از مکتوبات ضد وهابیت اشاره شده است. (مجله تراثنا، شماره ۱۷، شوال ۱۴۰۹، صص ۱۴۶-۱۷۸)

قلمداران سوته دل

طبیعی بود که چندان نپاید و دلسوزان قلمزن برای معرفی مکان های تاریخی به ویژه مساجد و مزارات برباد رفته و برجای مانده در مکه مکرمه و مدینه منوره چاره ای کنند. این دست آثار کمابیش به قلم غیر وهابیان پرداخته شده است.

کاری از نوع دیگر

آنچه در این میان غریب افتاده است نگارش کتابی در بازشناخت آثار تاریخی - اسلامی مکه مکرمه به قلم یکی از عالمان رسمی دستگاه وهابی - سعودی حاکم بر عربستان: دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان (از اعضای شورای علمای اعلم عربستان و عضو هیأت تحریریه دانشنامه بزرگ مکه مکرمه و مدینه منوره)، و نشر آن در مؤسسه فرقان به ریاست احمد زکی یمانی وزیر اسبق نفت آن کشور است. (۱)

از رؤیای احیا تا چاره کار

امروزه در فراق جان گزای این مکان های مقدس هر کاری مگر احیای آنها - که به رؤیا می ماند - راستی را مویه بر آب رفته از جوی است؛ چرا که آن چه نشاید، شد و فاجعه ای سخت مصیبت بار روی داد و شماری پرشمار از مکان های تاریخی بس مقدس در ام القرای جهان اسلام از میان رفت و غمگنانه باید پذیرفت که دیگر اثری نمانده است تا دلالت بر صاحب اثر کند؛ اما در کنار و بر کنار از این اندوه کاهنده جان، چه باید کرد تا آیندگان، باری باور کنند و انکار نکنند که در مکه مکرمه، پیامبر (ص) را زادخانه و خدیجه (علیها السلام) را خانه بوده است و مسلمانان بر فراز کوه ابو قبیس در جای

۱- نیز استاد دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان، در شماره ۱۵۸۳۸ نشریه عکاظ عربستان (۲۰/ محرم/ ۱۴۳۱) در مقاله ای با عنوان: «التشکیک فی الآثار یشوش أذهان الناس / تردید آفریدن نسبت به آثار تاریخی، افکار مردم را پریشان می کند» به رد آرای رئیس هیأت امر به معروف و نهی از منکر مکه مکرمه درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه پرداخته و از جمله گفته است: «مایه ننگ و نکبت است که از مکان هایی که رسول خدا (ص) در آنها آمد و شد کرده است نگهداری نمی کنیم.»

جلوس پیامبر اکرم (ص) به هنگام شق القمر، مسجدی ساخته بودند (۱) و... و... و اینها همگی مکان‌هایی بوده است که تا پیش از سیطره سیاه و هابی - سعودی بر حجاز، جملگی برپا بودند و دلالت‌ها داشتند و دل می‌ربودند و مردم در آنها پای جای رسول الله (ص) را جان بوسه می‌زدند و بر آن رخساره می‌سودند و به دیده اش غبار می‌زدودند و آغوش عشق بر آن می‌گشودند و بدان تبرک می‌جستند که جای پای محمد (ص) است، بوی حبیب می‌دهد. (۲)

۱- رحله، ابن جبیر، ص ۸۵؛ موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، ص ۹۰۸.

۲- در استفتای عبدالله بن بلیهد قاضی القضاة وهابیان از علمای مدینه در خصوص آن چه این قوم آن را بدعت و کفرآمیز می‌خوانند که در روزنامه ام القری (مکه، ۱۷شوال، ۱۳۳۴ه. ق، شماره ۶۹) انتشار یافت از جمله آمده است که: آیا گشتن به دور ضریح نبوی و بوسیدن و دست سودن به آن و رو به آن دعا کردن مشروع است؟ ۱۴-۱۵ تن از علمای مدینه در فتوایی جمعی این اعمال را مطلقاً ممنوع و خلاف شرع معرفی می‌کنند (الرد علی الوهابیه، محمد جواد بلاغی، صص ۳۹۴۲؛ الرد علی فتاوی الوهابیه، سید حسن صدر، صص ۲۹ و ۳۰). حال آن که حضرت زهرا (علیها السلام) چون رسول الله (ص) به خاک سپرده شد بر مزار آن حضرت حاضر شد و از تربت آن برگرفت و بر دیده نهاد و چنین مرثیه سرود: *مَاذَا عَلِيٌّ مَنْ شَمَّ تُرْبَهُ أَحْمَدٌ إِنْ لَا يُشَمُّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا صَبَبَتْ عَلَيَّ مَصَائِبٌ لَوْ أَنَّهَا صَبَبَتْ عَلَيَّ الْأَيَّامِ صَبْرُونَ لِيَالِيَا* (مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۲) نیز مالک و عبدالله بن عمر، به منبر مبارک نبوی تبرک می‌جستند و ابویوب انصاری (خالد بن زید بن کلیب بن مالک بن نجار خزاعی در گذشته در ۵۰ یا ۵۱ه. ق) که از کبار صحابه است قبر مبارک را در آغوش می‌کشیده است و بلال مؤذن رسول خدا (ص) سیما بر مزار نبوی می‌سوده است. (تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۸، ص ۱۳۷؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۱، ص ۳۵۸؛ وفاء الوفا، سمهودی، ج ۴، ص ۱۴۰۳؛ الغدير، امینی، ج ۵، صص ۱۴۶۱۵۱). روشن است که این افراد از این بوسیدن و دست سودن و در آغوش کشیدن جز فرو کاستن از اندوه فراق و نشان دادن پایه و مایه دل‌بستگی خود به رسول خدا (ص) در پی چیزی دیگر نبوده‌اند: *أَمُرُّ عَلَى الدِّيَارِ دِيَارِ لَيْلِي أَقْبَلُ ذَالِجِدَارٍ وَ ذَالِجِدَارَا وَ مَا حُبُّ الدِّيَارِ شَغَفَنَ قَلْبِي وَ لَكِنْ حُبُّ مَنْ سَيَكُنُ الدِّيَارَا* (دیوان، مجنون لیلی، ص ۱۱۳) **** أَحِبُّ الْحَمِيَّ مِنْ أَجْلِ مَنْ سَيَكُنُ الْحَمِيَّ وَمِنْ أَجْلِ أَهْلِهَا تُحِبُّ الْمَنَازِلُ* از این روست که حافظ زین الدین عراقی (۷۲۵-۸۰۶ه. ق) در الفیه السیره النبویه اش می‌گوید: *وَنَعْلُهُ الْكَرِيمِ الْمَصُونَهُ طُوبَى لِمَنْ مَسَّ بِهَا جَبِينَهُ* (سبل الهدی والرشاد، صالحی، ج ۷، ص ۳۲۱) دیگری گفته است: *عَلَى رَأْسِ هَذَا الْكَوْنِ نَعْلُ مُحَمَّدٍ عَلَتْ فَجَمِيعُ الْخَلْقِ تَحْتَ ظِلَالِهِ لَمَدَى الطُّورِ مُوسَى نُودَى اخْلَعُ وَأَحْمَدُ عَلَى الْقُرْبِ لَمْ يُؤْمَرْ بِخَلْعِ نِعَالِهِ* همچنین عبدالله بن عمر، ابوحنیفه، مالک، زرقانی، ابن جماعه، سبکی، محمد بن همام که جملگی از علمای اهل سنتند تأکید کرده‌اند که دعا کردن رو به مزار شریف نبوی بهتر از دعا رو به کعبه است. (الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، دحلان، صص ۲۲ و ۲۳) برای آگاهی فزون تر از دیدگاه بزرگان روایی اهل سنت نسبت به تبرک جستن به آنچه به رسول خدا منسوب است، بنگرید به: تبرک الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضله العظیم، محمد طاهر بن عبدالقادر کردی مکی؛ الدر المنثور بآثار المصطفی و مدینه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محمد علی صالح قزنی، صص ۳۸۰ - ۴۳۰.

سَأَحْمِلُ مِنْ تُرَابِكَ فِي رِحَالِي لِكَيْ أَغْنِيَ بِهِ عَنْ كُلِّ طَيْبٍ

بِمَسْجِدِ سَيِّدِ الْأَبْرَارِ كَرَّرَ

این عاشقان با از کف دادن یاران، به آثار آنان دل خوش داشتند و با آنها معاشقه می کردند، اما اینک با از میان بردن این آثار نمی دانند نشسته در فراق یاران و آنچه از یاران است بگیرند یا ایستاده.

قُلْ لِمَنْ يَبْكِي عَلَيَّ رَسْمٌ دَرَسٍ وَاقِفًا، مَا ضَرَّ لَوْ كَانَ جَلَسٌ (۱)

باری این گره مگر با نگاشتن کتاب هایی مانند آن چه استاد ابوسلیمان پرداخته است گشودنی نیست و هم از این روست که وی با استناد به سیره نامه های نبوی و آثار موجود در تاریخ مکه مکرمه و مناسک نامه های حج و منابع فقهی و تواتر محلی، اثری درخور و خواندنی آفریده است تا شرح و شکافتی بدیع و مفید از مکان های مقدس تاریخی - اسلامی مکه مکرمه رقم خورد و چراغی باشد فرا راه جویندگان و حجتی علیه منکران وجود این مکان های مقدس و درستی انتسابشان به رسول خدا (ص) و یاران گرامی آن حضرت.

اشارتی بر محتوای کتاب

کتابی که پیش رو دارید از مقدمه، شش فصل ۲-۳ گفتاری و پیوستی برآمده است. در مقدمه به فلسفه نگارش کتاب اشاره شده است و از اهمیت میراث فرهنگی در انتقال میان نسلی فرهنگ سخن رفته است و به بایستی پیمودن راه پیشینیان در پاس داشت میراث اسلامی و تلاش برای زنده داشت یاد این میراث در دل و دماغ نسل ها و پیش گیری از گم گشت آنها در دل تاریخ پرداخته شده است.

عنوان فصل یکم، سرآغاز نگارش درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه است. گفتار نخست این فصل با اشارتی به بشارت حسن بصری به یکی از دوستانش به روا شدن دعا در شماری از مکان های مکه مکرمه و یاد آوری فضایل آنها سر می گیرد و افزوده می شود که دیگران نیز از این نکته در آثار خود یاد کرده اند.

گفتار دوم این فصل نیم نگاهی است به مواضع و دلبستگی صحابه و تابعین و تابعینِ تابعین و نسل های پسین نسبت به مکان های تاریخی بازمانده از صدر اسلام در مکه مکرمه و مدینه منوره. برای نمونه از زبان قاضی عیاض آمده است که بزرگ داشت وسایل منسوب به حضرت رسول (ص) و مکان هایی که آن حضرت در آنها رفت و شد کرده است، بزرگ داشت آن حضرت به شمار می رود. پرداختن به این امور بابی مهم در آثار پیشینیان بوده است.

فصل دوم درباره مکان های تاریخی در منابع تاریخی است. در گفتار یکم این فصل از مکان های تاریخی در سیره نگاشت های نبوی سخن رفته، از آنهاست: الاستیعاب فی معرفه الاصحاب اثر ابن عبدالبر؛ الروض الأئف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، نوشته سهیلی؛ امتاع الاسماع بما للرسول من الابناء و الاموال والحفده و المتاع، اثر مقریزی؛ سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، نوشته صالحی.

در این چند اثر به زادخانه رسول خدا (ص) پرداخته شده است.

گفتار دوم این فصل به بررسی مکان های تاریخی در کتاب های خاص تاریخ مکه

مکره اختصاص یافته است. این کتاب ها عبارتند از:

۱. اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی. نگارنده در بازشکافت مطلب از جایگاه ممتاز ازرقی و کتاب بی بدیلش در تاریخ مکه می گوید سپس از زبان ازرقی به شرح مکان های زیر می پردازد: زادخانه نبوی، خانه خدیجه (علیها السلام)، خانه ارقم بن ابی ارقم، مسجدی در بالا دست مکه کنار چاه جبیر بن مطعم، مسجد جن، مسجد شجره، مسجدی در بالادست مکه کنار سوق الغنم، مسجد سرر، مسجدی در عرفه سمت راست موقف، مسجد کبش، مسجدی در ذی طوی، غار حرا، غار ثور، مسجد البیعه، مسجد جعرانه، مسجد تنعیم.

۲. اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی. در این کتاب به مکان های زیر پرداخته شده است: زادخانه نبوی، خانه خدیجه (علیها السلام)، مکانی در اجیاد صغیر که به آن متکا (تکیه گاه) گفته می شود، مسجد خانه ارقم بن ابی ارقم، مسجدی در عرفه که مسجد ابراهیم خوانده می شود، مسجد کبش، مسجدی در بالادست مکه در ردم اعلی، مسجد حرس، مسجد البیعه، مسجد شجره، مسجد سرر، مسجدی در نزدیکی برامین، مسجدی در شعب علی (ع)، مسجدی در ذی طوی، مسجد شجره پایین تر از محله یأجج، مسجدی در کوه ثور، مسجدی در کوه حرا.

نگارنده در ادامه این گفتار به مقایسه سیاهه مکان ها در کتاب ازرقی و فاکهی می پردازد.

۳. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی. وی به مکان های زیر اشاره کرده است: مسجدی نزدیک مجزره بزرگ، مسجد الرایه، مسجدی که به آن مختبأ (مخفیگاه) گویند، مسجد ابوبکر، مسجد الاجابه، مسجد البیعه، مسجدی در منا نزدیک خانه ای معروف به دارالمنحر، مسجد کبش، مسجد خیف در منا، مسجدی در تنعیم، مسجد فتح، زادخانه نبوی، زادخانه حضرت زهرا (علیها السلام)، زادخانه علی (ع)، زادخانه امام جعفر صادق (ع)، خانه ابوبکر، خانه ارقم ابن ابی ارقم، خانه عباس بن عبدالمطلب، مسجد مرسلات.

شرح شیوه فاسی در معرفی این مکان های مقدس از دیگر مطالب این بخش از سخن است.

۴. جامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره قرشی. در گفتار پایانی این کتاب زادخانه ها، خانه ها، مسجدها، کوه ها، آرامگاه های مکه مکرمه و اکاوی شده است. زادخانه حمزه سیدالشهدا، زادخانه عمر، مساجدی که ازرقی از آنها نام برده اما اکنون از آنها اثری نیست از بحث های تازه این کتاب است.

۵. الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، قطب الدین نهروالی. سخن فرجامین این کتاب درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه است و در آن به گونه ای روشمند و مبسوط به این مکان ها پرداخته شده است. وی تنها مکان هایی را که در روزگار او شناخته شده بوده اند و اشکافته است.

۶. الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، عبدالقادر طبری. او فصل سوم کتابش را به معرفی زادخانه ها، مساجد، نوانخانه ها و محل هایی در مکه مکرمه که زیارت آنها مستحب است اختصاص داده است.

زادخانه نبوی، زادخانه حضرت زهرا (علیها السلام)، خانه خدیجه (علیها السلام)، خانه خیزران از جمله مکان های معرفی شده در این کتاب است.

۷. منائح الکریم فی اخبار مکه و البیت و ولاه الحرم، سنجاری. در این اثر، ذیل مکان های مکه و زیارتگاه های آن به این مکان های تاریخی پرداخته شده است.

۸. تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، ابن صباغ. او در فصل سوم کتاب به مکان های زیارتی مکه مکرمه اشاره نموده و از روا شدن دعا در آنها گفته است.

۹. سالنامه العربیه فی شأن الدوله العثمانیه. در شماره چاپ شده در ۱۳۰۳ هجری قمری این نشریه به مکان های تاریخی مکه مکرمه پرداخته شده است.

۱۰. العقد الثمین فی فضائل البلد الامین، خضراوی. در فصل سوم آن به بررسی ۳۱

مکان پرداخته شده است.

۱۱. افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، غازی. فصل سوم تا ششم این کتاب، خاص واکاوش مکان های تاریخی مکه مکرمه است.

۱۲. ملخص مناسک الحج و یلیه دلیل الآثار المطلوبه فی مکه المحبوه، طرابلسی. وی ۳۰ مورد از مکان هایی را که در بردارنده مشاعر مقدس است برشمارده و نقشه مکه مکرمه را ترسیم و محل مکان های تاریخی در مکه مکرمه را بر آن معلوم داشته است.

۱۳. معالم مکه التاريخيه و الاثریه، بلادی. این کتاب فراگیرترین اثر در موضوع خود است.

گفتار سوم (۱)، معرفی مکان های تاریخی مکه مکرمه در کتاب هایی که به تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره پرداخته اند. در این گفتار به دو کتاب اشاره شده است:

۱. تاریخ مکه المشرفه و المسجد الحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، ابن ضیا. فصل دوم و هفتم این کتاب درباره مکان های مقدس در مکه مکرمه است که نماز گزاردن در آنها و زیارت آنها مستحب است.

۲. موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا. این اثر پنج جلدی در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری به قلم یکی از اتباع ترکیه عثمانی که مورخ و عامل حکومت عثمانی در مکه مکرمه بوده نگارش یافته است. وی در نگارش این کتاب از منابع تاریخی و مشاهدات شخصی خود بهره برده است و تألیف کتابش هفده سال به طول انجامیده است و اثری به راستی خواندنی و در نوع خود کم نظیر آفریده است.

صبری پاشا، در جلد دوم این کتاب به ۳۹ مکان مقدس در مکه مکرمه و در جلد چهارم آن به ۴۰ مسجد میان مکه مکرمه و مدینه منوره پرداخته است.

گفتار چهارم، تک نگاشت هایی به نثر و نظم درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه.

الف. تک نگاشت هایی به نثر

۱. عده الانابه فی اماکن الاجابه، محجوب. در این اثر ذیل هر یک از مکان هایی که گفته شده است دعا در آنها روا می شود مطالبی آمده است. این کتاب در واقع شرحی است بر مکان هایی که حسن بصری گفته است دعا در آنها برآورده می شود و در قرون اخیر برخی از اهل ذوق آنها را به نظم کشیده اند.

۲. تحفه الانام فی مآثر البلد الحرام، زواوی. در این کتاب هم، به شرح مکان هایی که دعا در آنها روا می شود پرداخته شده و آمده است که فضیلت این مکان ها تابع فضیلت کسانی است که در آنها نماز گزارده، یا سکونت داشته، یا زاده شده اند.

۳. معالم مکه التاریخیه و الاثریه، بلادی. در این کتاب دانشنامه ای، مکان های تاریخی مکه مکرمه چینش الفبایی و شرح شده اند.

ب. تک نگاشت هایی به نظم

شماری از عالمان - خواه فقیه، خواه مورخ - آثاری به نظم درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه پرداخته اند، مانند: ابوجعفر احمد بن محمد مرادی، عبدالملک بن جمال الدین عصامی، محمد بن علان صدیقی.

فصل سوم، مکان های تاریخی مکه مکرمه در کتاب های فقهی. در گفتار نخست این فصل از مکان های تاریخی در آثار زیر سخن رفته است:

۱. مثير الغرام الساکن علی اشرف الاماکن، ابن جوزی. در این کتاب به هفده مکان تاریخی اعم از زادخانه و مسجد و منزل در مکه مکرمه پرداخته شده است.

۲. البحر العمیق فی مناسک العمره و الحج الی البیت العتیق، ابن ضیا. در این اثر از مکان هایی که زیارت آنها مستحب و دعا در آنها رواست ذیل مساجد، زادخانه ها، خانه ها یاد شده است.

۳. لباب المناسک و عباب المسالک، سندی مالکی. وی ذیل سه عنوان به این مکان ها اشاره نموده است: مکان های اجابت دعا؛ مکان هایی از مسجد الحرام که رسول خدا (ص)

در آنها نماز گزارده است؛ زیارت مکان هایی که به فضیلت شهره اند.

۴. ارشاد السالك الى افعال المناسك، ابن فرحون. در این کتاب، مطالب ذیل این عنوان گنجانده شده است: شرح آثار شریف مکه که شایسته است بدان ها تبرک جست.

۵. الايضاح فی مناسك الحج و العمره، نووی. او مکان های زیارتی مکه مکرمه را هیجده مورد دانسته و به شرح هر یک پرداخته است.

۶. القرى لقاصد ام القرى، محب طبری. در این اثر که عظیم ترین و برترین کتاب در مناسك است از نوزده مکان تاریخی سخن رفته است.

۷. هدايه السالك الى المذاهب الاربعه فی المناسك، ابن جماعه. در این کتاب به فضیلت زیارت زادخانه نبوی، خانه خدیجه (علیها السلام)، مسجدی در دارخیزران اشاره شده است.

۸. فتح الفتاح فی شرح الايضاح للنووی، ابن علان صدیقی. وی از فضیلت ذاتی و اکتسابی مکان های تاریخی مکه مکرمه یاد کرده و به نوزده مکان پرداخته است.

گفتار دوم این فصل درباره تحلیل علمی عناوین فقهی مکان های تاریخی مکه مکرمه در آثار فقیهان است و در آن پس از بیان مفهوم استحباب، از قول چهارده تن از بزرگان اهل سنت بر استحباب نماز گزاردن و دعا کردن در مکان های تاریخی مکه مکرمه اشارت رفته و افزوده شده است که بی گمان مکان ها به اعتبار کسی که در آنهاست یا آنچه در آنها رخ داده است بر یکدیگر برتری دارند.

فصل چهارم، شواهدی بر وجود تواتر محلی درباره مکان های تاریخی در مکه مکرمه. در گفتار یکم این فصل پس از بیان مفهوم و چگونگی حصول تواتر محلی به نمونه هایی از تواتر محلی در آثار عالمانی چون ابن ظهیره در کتاب الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البيت الشریف، و ابن ضیا در کتاب البحر العمیق فی مناسك العمره و الحج الى البيت العتیق پرداخته شده است.

گفتار دوم این فصل درباره توجه ملک عبدالعزیز به مکان های تاریخی مکه مکرمه است و در آن به حکم دادگاه شرع مبنی بر موقوفه بودن زادخانه نبوی و موافقت دادگاه

با درخواست بازماندگان شیخ عباس قطان برای ایجاد کتابخانه در آن محل مبارک، و نیز موافقت با درخواست آنان برای وقف خانه حضرت خدیجه (علیها السلام) و ایجاد مدرسه ای در آن برای حفظ قرآن کریم اشاره شده است. در متن درخواستی، مطالبی آمده است که به تواتر محلی دال بر صحت انتساب این دو مکان به رسول خدا (ص) و خدیجه کبری (علیها السلام) آشکارا دلالت دارد.

فصل پنجم، دیدگاه عالمان منتقد و معتقد زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه. در گفتار یکم این فصل به دیدگاه مخالفان زیارت این مکان های مقدس و در گفتار دوم آن به آرای موافقان این کار اشارت رفته است.

فصل ششم درباره وضع کنونی مکان های تاریخی در مکه مکرمه است. در گفتار یکم این فصل از مکان های تاریخی از میان رفته مکه یاد شده است. این مکان ها شامل ۸ مسجد و ۵ منزل است.

در گفتار دوم، مکان های تاریخی برجای مانده در مکه مکرمه معرفی و به تغییرات و تعمیرات صورت گرفته در آنها اشاره شده است. این مکان ها شامل زادخانه نبوی، مسجد الرایه، مسجد الاجابه، مسجد البیعه، مسجد خیف، مسجد ابوبکر، مسجد تنعیم، مسجد فتح، مسجد جن، مسجد جعرانه، غار حرا، غار ثور است.

در پیوست کتاب که کمابیش دامن فراخ ترین بهره آن است به شرح و شکافت زندگی علمی و برشمردن آثار مؤلفانی که درباره مکه مکرمه قلم سوده اند و در این کتاب از آثار آنان یاد شده، سخن رفته است. مؤلف با استفاده مستقیم از مقدمه محققان بر این کتاب ها به این امر پرداخته است و در این زمینه پژوهش و کاری علمی نکرده است.

نیم نگاهی به رویکرد استاد ابوسلیمان در این کتاب

مؤلف محترم با اعتراف و عنایت به فزهی جایگاه این مکان های مقدس در ذهن و زبان مسلمانان، در تلاشی ستودنی توانسته است با استناد به منابع پرشمار و گوناگون علمی و تواتر محلی، نیک اثبات کند که مکان های بررسی شده در این کتاب به راستی

در مکه مکرمه وجود داشته اند و انتسابشان به رسول خدا (ص) و اهل بیت: و صحابه گرامی آن حضرت، خدشه ناپذیر است و تردید و انکار برخی کسان، از سر ناآگاهی و بی ارزش است.

همچنین از متن کتاب برمی آید که برخلاف شیوه ناستودنی و دور از سیره و سنت قوم وهابی - سعودی، سلف صالح مورد اعتماد مؤلف بر روایی بل استحباب زیارت این مکان ها و نمازگزاردن در آنها گردن نهاده اند و برای رضای رب و پاسخ به عشق به پیامبر اکرم (ص) چنین می کرده اند.

مؤلف گرامی خواسته یا ناخواسته بر خطا بودن تخریب این مکان ها اعتراف بلکه اعتراض کرده و آنها را مبارک خوانده است و صفت مبارک را وصف کاشف برای این مکان ها دانسته و پذیرفته است که مکان ها به اعتبار کسی که در آنها آمد و شد کرده یا رخدادی که در آنها روی داده است بر یکدیگر برتری دارند. وی تصریح می کند: هر مکانی که رسول خدا (ص) در آن فرود آمده، مبارک است و هیچ مسلمان جاهلی با این امر مخالفت نمی ورزد چه رسد به عالم عاقل. با این حال به این گونه مکان ها توجه نمی شود؛ نمونه اش مسجدالبیعه است که به تازگی مخروبه آن در پس کوه عقبه کشف شده است.

وی گاه متأثر از فطرت مسلمانی خود از باقی ماندن پاره ای از مکان های مقدس در مکه مکرمه ابراز شادمانی می کند و اندوه خود را از بی توجهی به مکان های مقدس این گونه بیان می دارد: «اندوه سینه را می فشارد که به تاریخ اسلامی شماری از این مکان ها توجه درخور نمی شود.

مکان های تاریخی در دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره نمادها و نشانه های زنده تاریخ اسلام و مکان های سرنوشت ساز آن است و از میان بردن آنها تاریخ اسلام را در نگاه نسل های آینده به افسانه بدل می سازد.

فراخوانی به نابودی مکان های تاریخی دو شهر مکه مکرمه و مدینه منوره از میان

بردن تاریخ اسلام در زادخانه اصلی آن است.

تا آنجا که می دانیم شیوه سلف صالح، حتی اگر مخالف زیارت این مکان ها بوده اند، فراخوانی به از میان بردن آن ها نبوده است.

آری بزرگ داشت هر کس که خدا او را بزرگ داشته، بزرگ داشت خداوند، و گرامی داشت هر کس که خدا او را گرامی داشته، گرامی داشت خداوند است.»

این سخنان، گونه ای روی برتافتن و تن زدن از تندروی های خرد ناپسند قوم وهابی - سعودی است که به از میان رفتن آثار تاریخی - اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره انجامیده و پاره مجسم بخشی از تاریخ اسلام را برباد داده است.

کاش در میان علما و بزرگان قوم در حجاز خانه تکانی عقلانی صورت می گرفت تا مسلمانان از نابخردی های این قوم و رفتار خنک آنان اندکی می آسودند و بیش از این به باورهای آنان بی حرمتی نمی شد و دیگر یادگاری از رسول خدا (ص) و یارانش از میان نمی رفت.

قِفَا نَبْكَ مِنْ ذِكْرِ حَبِيبٍ وَعِرْفَانٍ وَرَسْمٍ عَفَّتْ آيَاتُهُ مُنْذُ اَزْمَانٍ (۱)

آنچه دکتر ابوسلیمان کرده و گفته است نیک ترین کار برای زنده داشت یاد و نام این مکان های مقدس در ذهن و زبان مردم و انتقال نوشتاری میراث از میان رفته گذشتگان به آیندگان است.

اشارتی کوتاه به پاره ای از کاستی های این اثر

گذشته از کاستی های محتوایی ملالت خیز و نابایستی های محنت بیز ویرایشی (۲) این کتاب که موجب شده است رنج آورد مؤلف محترم، چنان و چندان که باید، سخته و پخته نیفتد، در اینجا یادآور می شوم که به جا بود برای بازشکافت موضوع از سفرنامه های جهان گردانی چون ابن جبیر و حج نامه های فراوان حاجیانی چون

۱- دیوان، امرئ القیس، ص ۱۰۴.

۲- در بهره از «این ترجمه» به اندکی از این بسیار خواهم پرداخت.

ابراهیم رفعت پاشا، (۱) و اشارات شاعران عرب به مکان های مقدس مکه مکرمه هم بهره برده می شد (۲).

وانگهی، مؤلف محترم، به شماری از مکان های مقدس مکه مکرمه نپرداخته است، مانند: مسجد مشعر (مسجد آدم)، مسجد ضب، مسجد صخره، مسجد مدعی، مسجدی در بیمارستان غربا (مستشفى الغربا)، مسجد عایشه، صخره محتبی در خانه ارقم بن ابی ارقم، زیارتگاه های مقدس آرامستان مَعْلَا، سنگ سخن گو (الحجر المتکلم) و سنگ تکیه گاه (الحجر المتکاء) که هر دو در دیوار دکان ابوبکر قرار داشته اند. (۳)

آشنایی با دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

زندگینامه علمی: وی در ۱۳۵۶ه. ق در مکه مکرمه زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در دارالایتام این شهر به پایان برد، و در ۱۳۷۳ه. ق وارد آموزشگاه علمی سعودی شد، و در ۱۳۷۷ه. ق از دانشکده دین در مکه مکرمه فارغ التحصیل گشت. وی نزد علمای مسجدالحرام شاگردی نمود و از مجلس درس حسن محمد مشاط در حرم شریف به

۱- ابراهیم رفعت پاشا، سرلشکر مصری علاقه مند به زیارت خانه خدا، چهار بار (۱۳۱۸، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۵ه. ق.) به مکه مکرمه مشرف شده است. وی حمله دار مصریان بوده و در زندگی نامه خودنوشتش آورده است که در هر چهار سفر، کوشیدم هر چه می بینم ثبت و ضبط کنم. برآیند این کار تدوین کتاب مرآه الحرمین او الرحلات الحجازیه و الحج و مشاعره الدینیه محلاه بمئات الصور الشمسیه (قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، بی تا) است که گذشته از مشاهدات نگارنده به منابع تاریخی فراونی هم مستند است و در آن گذشته از اشاراتی به تاریخ زندگی رسول خدا (ص)، نکاتی بس ارزشمند درباره مکه مکرمه و مدینه منوره و مکان های مقدس آنها و جده و مسائل آماری پرشماری درباره حج و آداب و رسوم مردم مکه و مدینه و بسیاری مطالب دیگر گردآوری گشته و کتابی پدید آمده است که برای اهل تحقیق بس مغتنم و خواندنی افتاده است. برای نمونه درباره کتابخانه های مدینه منوره آورده است که در این کتابخانه ها ۲۱۸۵۵ نسخه خطی گرانبها نگهداری می شود.

۲- از جمله کسانی که در این وادی قلم زده اند، عالم ایرانی، محی لاری (در. ۹۳۳ه. ق.) است که مثنوی فتوح الحرمین را در باره مکه مکرمه و مدینه منوره و مکان های مقدس آنها پرداخته است. این اثر به عربی ترجمه شده است و ایوب صبری پاشا، در موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، بارها از ابیات آن در کتاب خود بازگفته و حتی این کتاب را به جامی نسبت داده است. آبشخور این خطا، آمدن نام جامی در این کتاب و ناشناخته بودن لاری برای مترجم عرب کتاب است.

۳- در کتاب عده الإنابه فی اماکن الإجابیه (صص ۲۰۷ - ۲۵۱) در شرح و شکافت مکان های تاریخی مکه مکرمه دست کم از ۴۲ مکان یاد شده است.

مدت ۷ سال بهره برد.

در ۱۳۷۸هـ. ق به تدریس در مدارس مکه مکرمه پرداخت، و در ۱۳۸۲هـ. ق از دانشگاه آمریکایی بیروت گواهی نامه ویژه معلمان گرفت و به دستور وزیر معارف به دبیرستان عزیزیه مکه منتقل شد، و در ۱۳۸۴هـ. ق به دستور وزیر معارف به معاونت دانشکده فقه و اصول منصوب گشت و در ۱۳۸۵هـ. ق برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن اعزام شد، و در ۱۳۹۰هـ. ق با درجه دکتری فارغ التحصیل گشت و به عربستان بازگشت و به عنوان استادیار در دانشکده دین دانشگاه ملک عبدالعزیز مکه مکرمه به تدریس پرداخت. وی در ۱۳۹۸هـ. ق به رتبه دانشیاری ارتقاء یافت و در ۱۴۰۳هـ. ق در دانشگاه ام القری به درجه استادی رسید.

دکتر ابو سلیمان مسئولیت های علمی و اجرایی پرشماری در حوزه های گوناگون علمی و اجتماعی به عهده داشته است و در همایش های متعددی در سطح ملی و بین المللی در داخل و خارج عربستان شرکت جسته است که برای پرهیز از درازی سخن از یاد کردن آنها تن می زنم.

آثار علمی: از استاد ابوسلیمان بیش از ۵۰ اثر علمی اعم از کتاب و مقاله منتشر شده؛ از آنهاست:

- ترتیب موضوعات الفقه الاسلامی و مناسباته فی المذاهب الاربعه (۱۴۰۹هـ. ق)

- عقد الاجاره مصدر التمويل الاسلامی (۱۳۹۲هـ. ق)

- فقه الضروره و تطبیقاته المعاصره: آفاق و ابحاث (۱۴۱۴هـ. ق)

- منهجیه الامام محمد بن ادریس الشافعی فی الفقه و الاصول تأصیل و تحلیل (۱۴۲۰هـ. ق)

- الفكر الاصولی: دراسه تحلیلیه نقدیه (۱۴۰۴هـ. ق)

- کتابه البحث العلمی صیاغه جدیده (۱۴۱۶هـ. ق)

- منهج البحث فی الفقه الاسلامی خصائصه و نقائصه (۱۴۱۶هـ. ق)

- مکتبه مکه المکرمه (المولد النبوی الشریف) مجموعاتها وادواتها (۱۴۱۶هـ. ق)

- العلماء والادباء الوراقون فی الحجاز فی القرن الرابع عشر الهجرى (۱۴۲۳هـ. ق)

از این ترجمه

مترجم در این ترجمان کوشیده است در کنار پایبندی به امانت و پاس داشت اصالت متن مبدأ، زبان مقصد را از تأثیر زبان مبدأ دور بدارد و متنی به کمال فارسی بیافریند.

درخور یاد است که در متن و ضبط اعلام و ارقام و وقایع تاریخی و نام کتاب ها و نقل قول های مؤلف محترم، و بسیاری از پانوشت های ارجاعی وی، فراوان خطا رخ داده است که درخور چشم پوشی نبود؛ از این رو مترجم وادار شد آن مایه که در توش و توانش بود منابع مورد استفاده مؤلف محترم را فرا چنگ آورد و دشواری تحقیقی دوباره را بر خود هموار دارد و درستی متن و ارجاعات را واکاود و موارد نادرست را - که از قضا بسیار بود - دوباره بار آورد. این اصلاحات در پانوشت ها با []، . - م، * و در متن با [] مشخص شده است.

گفتنی است از نزدیک به ۶۲۰ پانوشت کتاب بیش از ۴۵۰ مورد آن از مترجم است؛ وانگهی مترجم در بیشتر موارد باقی مانده هم تصرفاتی اصلاحی و توضیحی دارد که در [] نهاده شده است.

از پاره ای تصرفات صوری و سجاوندی هم گریزی نبود تا از این رهگذر متن، هماهنگ شود چه در متن مبدأ این مهم پاس داشته نشده است.

پاره ای اشارات مؤلف محترم با عقاید شیعه و حقیقت ساز نمی آمد، این گونه مطالب حذف شد؛ چه جای باز و بسط و شرح و نقد سخن نبود.

گاه سخنان مؤلف محترم ابهام داشت و کژ می نمود، در این موارد نیز مترجم وادار شد با مراجعه مکرر به منابع موجود و افزودن پانوشت هایی توضیحی این ابهام و نادرستی ها را بزدايد.

شماری از واژگان که بار تاریخی دارند و بازشکافت مفهومی آنها برای خواننده فارسی زبان سودمند می تواند بود در پانوشت شرح داده شد.

جای گفتار سوم در فصل دوم و شرح حال ایوب صبری پاشا در پیوست خالی می نمود، افزوده شد.

تنظیم و ترتیب منابع در کتابنامه مؤلف محترم ناقص و غیر فنی بود. از این رو هم چینش مشخصات کتاب شناختی منابع و هم چینش خود منابع باز آفرینی و به سامان شد.

منابع و مراجع مترجم در انتهای کتاب آورده شد.

نمایه ای چند به کتاب افزوده گشت تا بهره گیری از آن آسان تر افتد.

ثُمَّ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ خَيْرٌ الْأَنْامِ وَمَنْ بِهِ يُسْتَشْفَعُ

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين

حوزه علمیه قم

بهر روز رفیعی

۱۳۹۰/۶/۵

مکان های تاریخی، حافظه ملت های زنده و شاهدی حی و حاضر است که دروغ نمی گوید، و چون نسل ها ورافتند و از یاد روند، نشانه ای گویا و پا برجا از آنهاست.

مکه مکرمه، زادخانه اسلام و سرچشمه نور و خاستگاه رسالت فرجامین، به زادن مصطفی (ص) آبرو گرفت و بزرگ یاران گرامی آن حضرت را در خجسته خاک خویش پرورد و دشت و دمنش شاهد حماسه نبرد حق و باطل بود و تربتش به خون های پاک شهیدان تبرک یافت، و در هر دره و بخش و پاره اش، نشانه ای جاودانه و مشعلی فروزان است که از جهاد آنان حکایت ها می کند و از تلاش های آنها نمونه ها می آورد و موجب می شود رخدادهای آن در چشم و گوش ملت های مسلمان زنده بماند و دیده شان بدان زینت پذیرد و افتخارهای آن پیوسته گوششان را بنوازد، و به یمن آن، مفاهیم ایمان در آنان ریشه گسترد و خواست هاشان استوار گردد و برای گسترش و رساندن عقیده درست و اصول و ارزش های صحیح، همت بلند دارند و از رهگذر واکاوی در شیوه و سرگذشت و آثار مانده برجای، در فرهی و شکوه تاریخ صدر اسلام ریز بکاوند تا در جان ها جاودانه ماند.

مکه مکرمه، شماری پرشمار از این مکان های تاریخی برجسته در تاریخ اسلام دارد که از دوران های آغازین اسلام از توجه مسلمانان برخوردار بوده اند و از رهگذر تألیف و تدوین و تأیید و اخبار متواتر علمی و محلی به آنها عطف عنایت شده است؛ پس این

آثار تاریخی، پیشینه ای شکوهمند در پرونده ای مستند دارند که در روند تاریخی منظمی، از برآمدن رسالت محمدی تا به امروز، آیندگان شناخت آنها را از گذشتگان به ارث برده اند.

پیشینیان صالح [اعم از] محدثان، فقیهان، تاریخ نگاران، ادیبان، از سده نخست هجری، سودایی ثبت و ضبط و تعیین این مکان ها بوده اند تا از این رهگذر، رویدادها را از راه [شرح و باز و بسط ویژگی های] مکان [رخ دادن آنها]، زنده نگه دارند. پس مکان ها، میراثی اند که اشارات و پرتوهایی دارند و در پس نسل های پی در پی، در [کمال] امانت و راستی، بی گزند، جاودانه می مانند.

پژوهش حاضر روندی را که پیشینیان صالح ما پیشه کردند، در ساختاری تازه و تحلیلی پی می گیرد؛ بنابراین، [پی نیکان گرفته] و ادامه کوشش های آنان است، به ویژه که فراوانی از آن آثار در پی گسترش مسجدالحرام و اجرای طرح جدید شهر مقدس مکه، از میان رفته اند: طرح جدیدی که مقتضای کشیدن راه های تازه و افزایش شمار جمعیت و تعداد حاجیان است که شمارشان به بیش از دو میلیون می رسد؛ خاصه آنکه پیش بینی می شود در آینده شمار شهروندان و حاجیان و عمره گزاران چند برابر شود.

[از آنجا که] این امور و اموری دیگر، به نابدی پاره ای از اماکن تاریخی مکه انجامید، این پژوهش رقم خورد تا این آثار و شواهد تاریخی که با برترین آفریدگان و برجسته ترین نسل اسلامی همزمان بودند در یادها بمانند، و تاریخ و گذشته ما مانند تاریخ و پیشینه برخی دیگر امت ها افسانه نشود، و آثار یاد شده و آنچه بر آنها گذشته است، واکاوی شود تا توالی تاریخی بخشی از مهم ترین ویژگی های مکتب تاریخی مکه استمرار یابد.

توجه به مکان های تاریخی مکه مکرمه، در طی سده های گذشته، به [همت] شخصیت های علمی گوناگون و از راه ثبت در نوشتارهایی پرشمار چون: کتاب های سیره نبوی و تاریخ نگاشت ها و پژوهش های فقهی [و سفر نامه ها] پدیدار گشت. این

نگارش و ثبت علمی به تواتر محلی ای مستند است که نسل های آینده از نسل های گذشته به ارث می برند به امید آنکه گرد فراموشی، دفتر این مکان های تاریخی را در نیچد. [این] مکان [ها]، نشانه ها و اشارات و پرتوهایی ایمانی دارند و یادآور کسانی اند که در گسترش اسلام، نقشی برجسته بازی کردند.

بر اساس چنین مفهوم تربیتی فرارونده و دور از زیاده و گزافه است که این موضوع، توجه عالمان مسلمان اعم از: محدثان و فقیهان و تاریخنگاران را از دوره تابعین تا کنون به خود معطوف داشته است و آنان به بررسی موقعیت و وضع این مکان های تاریخی و تاریخ آنچه بر آنها گذشته است پرداخته اند و در این مهم، نقل متواتر میان نسل ها که مستند به شنیدار و دیدار نسل به نسل است، آنان را یاری رسانده است. این کندوکاو در نهایت دل بستگی و امانتداری علمی صورت پذیرفته و خود را در منابع ذیل نشان داده است:

الف) کتاب های سیره نبوی

ب) سیره نامه های صحابه

ج) منابع تاریخ عمومی و تاریخ مکه [مکرمه]

د) کتاب های شرح مناسک [حج نامه های] کوچک و بزرگ

ه) کتاب های خاص تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره

و) سفرنامه ها

در بیشتر حج نامه ها ذکر این مکان ها، موضوعی ثابت و فصلی مهم و مستقل و ذیل عنوان هایی گوناگون بوده و کمتر کتابی از این منابع از ذکر این مکان ها تهی بوده است، و حتی شماری از عالمان از سر دل بستگی بسیار به این مکان ها، درباره آنها کتاب ها و رساله هایی جداگانه ساخته و پرداخته اند.

بررسی و دسته بندی گزیده هایی از منابع پیشین، کوتاه و با تکیه آشکار (۱) به

۱- در متن مبدأ صفحه ۷، به غلط آمده است: «توثیقاً صریحاً». م - م.

تواتر علمی خواهد بود. ان شاء الله.

امانتداری علمی و تاریخی اقتضا (۱) می کند در بازکاوی و معرفی این منابع از عناوینی که مؤلفان بر آنها نهاده اند یاد شود، زیرا هر عنوانی از نگاه نگارنده اثر، دلالتی ویژه دارد. یکی از وظایف این پژوهش تحلیل علمی و بی طرفانه این عنوان ها خواهد بود. نیز تعهد علمی می طلبد با دلایل و فهم هر صاحب نظری در این حوزه به داد و به دور از جانبداری و بیداد برخورد شود. از این رو، این پژوهش اقتضا (۲) می کند مطالب به شکل زیر تقسیم و فصل بندی شود:

فصل یکم: سرآغاز نگارش درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه که دو گفتار دارد.

فصل دوم: خبرهای متواتر درباره مکان های تاریخی در منابع تاریخی که دارای [سه] (۳) گفتار است.

فصل سوم: خبرهای متواتر درباره مکان های تاریخی در منابع فقهی که دو گفتار دارد.

فصل چهارم: تواتر محلی با دو گفتار.

فصل پنجم: آرای علما درباره زیارت مکان های تاریخی متواتر در مکه مکرمه با دو گفتار.

فصل ششم: وضع کنونی مکان های تاریخی در مکه مکرمه با دو گفتار.

و به فرجام، گفتار پایانی کتاب که در بردارنده چند پیوست ذیل است:

۱. شرح حالی گزیده از کسانانی که درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه قلم سوده اند و در این کتاب به آثار آنان استناد شده است.

۲. تصویر دو سند صادر شده در دادگاه عالی شرع.

۳. نقشه نشان دهنده موقعیت مکان های تاریخی در مکه مکرمه.

۱- در متن مبدأ صفحه ۷، به غلط آمده است: «یقضی». - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۷، به غلط آمده است: «یقضی». - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۷، به خطا آمده است: «مبثان». - م.

۴. مسجد البیعه در منا و کشف سنگ نوشته ای گم گشته، پس از ششصد سال.

۵. تصویر فرمان ملک عبدالعزیز مبنی بر اختصاص مکان زادخانه شریف نبوی به کتابخانه عمومی که در روزنامه البلاد به چاپ رسید.

۶. اشارتی به سفر تاریخی شماری از عالمان و آگاهان مکه به سرپرستی دکتر عوید بن عاید مطرفی برای مشاهده برخی از مکان های تاریخی در شمال و غرب مکه مکرمه.

و سرانجام، منابع بررسی مکان های تاریخی مکه مکرمه. (۱)

[در اینجا] مایلم نظر خواننده گرامی را به دو نکته درخور توجه معطوف دارم:

۱. هدف اصلی این پژوهش، ریزکاوی بی طرفانه و سازوار با روش علمی به ویژه در اموری است که به دیدگاه های فقهی ارتباط دارد. پس جای بگومگو و مناقشه نیست، [چه] سخن هر کس، رد و قبول و چون و چرا می پذیرد، مگر سخن رسول خدا (ص). خواننده می تواند هر چه را می خواهد برگزیند بی آنکه ارزش و جایگاه دیگران را فرو کاهد یا آنها را از جاهت اندازد، چه این از اخلاق اسلامی به دور است.

۲. مطالب از منابع پرشمار و گوناگون سده های مختلف برگرفته شده است. درست است که نام مکان های تاریخی تکرار گشته است؛ اما روش بیان نگارندگان یکسان نیست و گفتار آنان درباره مکان های تاریخی نسبت به یکدیگر بیش و کم دارد و مثلاً گاه نگارنده ای از ویرانی مکانی یا بازسازی آن در روزگار خود یاد کرده است.

دیگر دلیل مراجعه به منابع پرشمار و گوناگون، اطمینان یافتن از وجود تواتر علمی در هر یک از این مجموعه کتاب با موضوع خاص خود در دوره های گوناگون، و مجموع آنها، در کنار تواتر محلی تعیین کننده این مکان ها و ویژگی های آنها و بیان نسل به نسل موقعیت آنهاست. [گفتنی است] چنین تواتری از لابه لای شرحی که برخی از نویسندگان بر شماری از مکان های تاریخی مکه - مانند زادخانه رسول خدا (ص) - در آثار خود پرداخته اند به دست می آید.

زادخانه رسول خدا (ص) از صحیح ترین [و مسلّم ترین] مکان های تاریخی نزد مکیان است و بزرگان مکه این امر را قطعی شماره اند، و از این طریق معنای اصطلاحی تواتر در میان علمای اسلامی تحقق یافته است؛ پس تواتر عبارت است از خبری که گروهی بیان کنند و نتوان گفت برای بساختن آن همداستانی کرده اند. (۱)

به این شیوه عمل شد تا شک، به یقین از میان برخیزد و خواننده اندیشمند در چمبره انکاری که بی دلیل است و برخی کسان، بی دانش و بینش نسبت به مکان ها و محل های مکه مکرمه، آن را ترویج می کنند، گرفتار نیاید. اینان - خدای رحمتشان کناد - بی دانش و سند در امری شک روا می دارند که بر آن تواتر علمی و محلی وجود دارد و از سده های صدر اسلام در آن تردید نشده است.

[در پایان یادآور می شوم که] لازم است خواننده گرامی به تفاوت میان دو مقوله که دو حکم گوناگون دارند، نیک آگاه شود:

۱. دور داشتن این مکان ها از دست رس بی پروایان؛ [چه] اینها امانت گذشته و میراث تاریخی اند که شایسته است در جامه پژوهش هایی زنده و گویا برای نسل های آینده برجای بمانند، تا [آنان] از رهگذر آنها در تاریخ رسالت محمدی بیندیشند.

۲. رفتارهای ناسازگار با اعتقاد صحیح اسلامی که عقل آنها را بر نمی تابد و عقیده اسلامی صحیح هم آنها را نمی پذیرد. این نکته ای است که در آینده به شرح، بازشکافته خواهد شد.

خداوند به راه راست رهنمون سازد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

مکه مکرمه

فصل یکم: سرآغاز نگارش درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه

گفتار یکم: نامه حسن بصری

آن سان که از شواهد برمی آید، سرآغاز نگارش در این زمینه، نامه حسن بصری (در. ۱۱۰ه. ق) است که در آن روی سخن با دوست زاهدش عبدالرحیم یا عبدالرحمان ابن انس رمادی دارد؛ [توضیح آنکه،] رمادی که در مکه می زیسته است، بر آن می شود که مکه را بگذارد و به یمن برود. خبر این خواست به حسن که با او برای خدا، برادری می کرد می رسد. حسن به او نامه ای می نگارد و وی را به ماندن در مکه مکرمه ترغیب می کند و به پاره ای از فضایل و ویژگی های مکه مکرمه که دوستش را از وانهادن آن باز می دارد، اشاره می کند. (۱)

حسن در این نامه با اشاره به مکان هایی در مکه که دعا در آنها روا می شود، به دوستش می گوید: «در زمین هیچ شهری نیست که در پانزده جای آن دعا برآورده گردد، مگر مکه. این مکان ها عبارتند از: درون کعبه، کنار حجرالاسود، کنار رکن یمانی، کنار حجر، پشت مقام ابراهیم، ملتزم [میان حجرالاسود و در کعبه]، کنار چاه زمزم، صفا، مروه، میان صفا و مروه، وادی جمع [مزدلفه]، عرفات، مشعر الحرام، [بین رکن و

برادر [!] اینها پانزده (۱) موضع است، دعا را در آنها غنیمت شمار، راستی را که دعا در این جاها رد نمی شود. اینها گردآمدنگاه های بزرگی است که در آنها امید آمرزش می رود؛ پس برادرم [!] به دعا در این گردآمدنگاه های بزرگ بکوش، و [بدان که] اگر از حرم امن خداوند برون شوی، برکت این محل ها از تو دور می شود.» (۲)

علامه قطب الدین بن علاء الدین نهروالی مکی حنفی در پایان کتابش [با عنوان] الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، ذیل عنوان «یاد محل های مبارک و مکان های تاریخی مکه مشرفه» می گوید: «از آنهاست، جاهایی که دانشمندان تصریح نموده اند که دعا در آنها پذیرفته است. حسن بصری به پانزده جا که دعا در آنها روا می شود، اشاره کرده و آنها را برشمارده است. دیگران جاهایی دیگر را افزوده اند به گونه ای که [شمار آنها] به پنجاه و سه جا رسیده است. [برخی از] جاهای یاد شده، اکنون شناخته شده نیستند.» (۳)

پس از این، پی در پی در این باره نگارش شد و نزد محدثان و فقیهان و تاریخ نگاران به تناوب و پیاپی تکرار گشت و یاد و بازگفت آنها در نظم و نثر گسترش یافت، تا سرانجام بخشی از موضوعات کتاب های تاریخ مکه و کتاب های ویژه شرح مناسک حج شد.

طلایه دار منابع تاریخی ای که مکان های تاریخی منسوب به رسول خدا (ص) و صحابه گرامی او را برشمارده اند، کتاب های سیره نبوی و منابع تاریخ عمومی و تاریخ اختصاصی [مکه] است.

۱- در متن مبدأ، صفحه ۱۰ تنها از ۱۳ مکان یاد شده است. در فضائل مکه، حسن بصری، چاپ مورد استناد مؤلف محترم (سامی مکی عانی، صص ۲۴ - ۲۶)، از بین رکن و مقام هم یاد شده است. این قلم با مراجعه به چاپی دیگر از کتاب بصری (محمد زینهم، محمد عزب، ص ۶۹)، منا را نیز افزود. - م.

۲- فضائل مکه والسکن فیها، صص ۲۴ و ۲۵.

۳- الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، [قطب الدین نهروالی]، ص ۳۵۳.

گفتار دوم: نمونه هایی از مواضع سلف صالح نسبت به مکان های تاریخی

بسیاری از سلف صالح؛ یعنی، صحابه و تابعین به مکان هایی که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است یا در آنها برای آن حضرت یا یکی از صحابه بزرگ او رخدادی روی داده است، آن مایه عنایت ورزیده اند که شایسته است به چیزی که به آن حضرت یا صحابه گرامی او منسوب است، عنایت شود.

محدثان بزرگ و تاریخ نگاران، [دانستنی های مربوط به] این مکان ها را گرد آورده اند و برای آنها [در آثار خود] بخش هایی جداگانه گشوده اند. مثلاً بخاری در صحیح خود، بابتی جداگانه دارد با عنوان «باب مساجدی که در راه مدینه است و جاهایی که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است» (۱) سراسر این باب را علامه عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن کثیر قرشی (۷۰۱-۷۷۴ ه. ق) با عنوان «بیان مکان هایی که رسول خدا (ص) هنگام راهی شدن از مدینه به مکه برای گزاردن حج تمتع و عمره، در آنها نماز گزارد» (۲)، باز گفته است، تا شاهی تاریخی باشد از کسی که در آنها بارگشوده است، یا چیزی که در آنها رخ داده است؛ چه پیوند رویداد با جا و جایگاه آن، در حافظه نسل های پسین پابرجا و استوار می ماند و انگیزه ای می شود برای پایبندی به ارزش ها و اصولی که حضرت رسالت مدار (ص) آورده است.

شنیدن، یا گفتن همراه با دیدن به ویژه [آنچه که مربوط به] دوره های آغازین تربیت [نبوی] است، انگیزه های ایمان و ارزش های برجسته آن را در جوانان برمی انگیزد.

نمونه ای دیگر از این دست، در رفتار سلف صالح، موردی است که محمد بن سعد ابن منیع زهری در طبقات الکبری با استناد به معاذ بن محمد انصاری باز گفته است که در جلسه ای که عمران بن ابی انس حضور داشت از عطای خراسانی که میان قبر

۱- بنگرید به: فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۵۶۸.

۲- حجه الوداع، ابن کثیر، ص ۱۵۶.

[رسول خدا (ص)] و منبر قرار داشت شنیدم که می گفت: «خانه های (۱) زنان رسول خدا (ص) را دیدم که از شاخه های خرمان، [برآمده] و بر در آنها سیه پرده ای پشمینه آویخته بود، سپس فرمان ولید بن عبدالملک آورده شد که [به عمر بن عبدالعزیز دستور داده بود برای گسترش مسجد النبی] خانه های همسران پیامبر (ص) [ویران و] به مسجد النبی افزوده گردد. من در هیچ روزی به اندازه آن روز [در میان مردم] مویه کن ندیدم.

عطا گفت: در آن روز از سعید بن مسیب شنیدم که می گفت: به خدا سوگند، بسیار دوست دارم آنها را به حال خود واگذارند [تا] کودکی که در مدینه می بالد و تازه واردی که از دوردست [به مدینه می آید]، ببیند رسول خدا (ص) در زندگی، به چه چیز بسنده می کرده است؛ [چه] این از اموری است که مردم را از زراندوزی و فخرفروشی، یعنی دنیا [زدگی] باز می دارد.

معاذ گفت: چون خراسانی از گفتن بیاسود، عمران بن ابی انس گفت: چهارخانه از آنها از خشت خام بود با اتاق هایی از شاخه خرمان، و پنج خانه هم از شاخه های گل اندود خرمان و بی اتاق بود و بر درهای آنها پرده ای پشمینه آویخته بود. پرده را اندازه گرفتم، سه گز در یک گز و وجبی یا اندکی کمتر بود؛ اما آنچه درباره بسیاری مویه در آن روز یاد آور شدی، من خود در مجلسی بودم که تنی چند از صحابی زادگان رسول خدا (ص) در آن بودند، از آنهاست: ابوسلمه بن عبدالرحمان، ابوامامه سهل بن [حنیف] (۲) و خارجه پسر زید. اینان چنان و چندان مویه کردند که محاسنشان به آب دیده تر شد. ابوامامه در آن روز گفت: کاش آنها را وامی نهادند و ویرانشان نمی ساختند تا مردم از عمارت سازی دست می کشیدند و درمی یافتند که با آنکه کلید گنج خانه های جهان در کف رسول خدا (ص) بوده، خداوند چه مایه بر او پسندیده است.

محمد بن عمر از قول عبدالله بن عامر اسلمی به ما خبر داده که: ابوبکر بن محمد بن

۱- برای آگاهی از خانه های امهات المؤمنین و فرق اطلاق حجره و اتاق بر آنها بنگرید به: بیوت النبی و حجراتها و صفه معیشته فیها: بیت عائشه انموذجاً، محمد بن فارس جمیل. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۳ به غلط آمده است: «حنیف». - م.

عمرو بن حزم، میان ستونی که کنار مرقد [رسول خدا (ص)] است و ستون دیگری که کنار باب النبی است، در مصلاهی خود بود که به من گفت: این [جا] خانه زینب دختر جحش بوده است که رسول خدا (ص) در آن [نماز می گزارد] (۱) و این ردیف تا در کنونی، خانه اسما دختر حسن بن عبدالله بن عبیدالله بن عباس، و حیاط مسجد، سراسر خانه های [همسران] رسول خدا (ص) بوده است. من آنها را دیده بودم، از شاخه های گل اندود خرمابن بودند و بر در آنها پرده ای پشمینه [آویخته] بود.» (۲)

ازرقی از ابن جُرَیج از اسماعیل بن امیه باز گفته است که خالد بن مُضَرِّس درباره محل نماز گزاردن رسول خدا (ص) در مسجد خیف به او گفته است که سالخوردگانی از انصار را دیده است که مقابل مناره و نزدیک آن در پی نمازگاه رسول خدا (ص) می گشتند.

[فاکهی] از ازرقی نقل می کند که، پدر بزرگم می گفت: «سنگ هایی که مقابل مناره است همان محل نماز گزاردن رسول خدا (ص) است و هنوز هم مردم و عالمان، آنجا نماز به پا می دارند.» (۳)

مسلمانان صدر اسلام، با آثار نبوی و هر آنچه بدان ها یا به صحابه گرامی مربوط بوده است، چنین آشکار و به دور از زیاده و گزافه، یا فرو گذاری و کوتاهی و سستی برخورد کرده اند و با آگاهی از اهمیت این امور، مراقب بوده اند هر چه را به آنها یا تاریخ شان مربوط بوده است گرد آوردند تا گنجی باشد پایدار برای نسل های آینده که از سعادت دیدار این امور برخوردار نخواهند بود.

قاضی عیاض [۴۷۶ - ۵۴۴ ه. ق] در کتاب الشفا بتعریف حقوق المصطفی (ص) می گوید: «بزرگ داشت او (ص)، [به] بزرگ داشت همه وسایل حضرت (ص) و گرامی داشت همه محل هایی است که در آنها حضور یافته است، و [بزرگ داشت] مکان های وی در

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۳ آمده است: «کان رسول الله فیه». - م.

۲- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۳۳۰.

۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۵۰۱.

مکه و مدینه، و منازل او و آنچه که بدان دست سوده یا بدو منسوب است، از [جمله مصادیق] ستودن و بزرگ داشتن اوست. .
 «(۱) قاضی عیاض دلایل و شواهدی از رفتار صحابه بر این [مدعی] آورده است، و این نکته ای است که رفتار سلف صالح ما بر آن دلالت دارد.

شمس الدین محمد بن عبدالرحمان سخاوی در تبیین این دیدگاه می گوید: «عامل رستگاری، راستی در صفات و کردار است، و این دست نمی دهد مگر با راهبر و پیشوایی، همانند نشست و برخاست با صالحان، یا شنیدن احوال و اوصاف آنان و یا نگرستن در آثار آنان هنگامی که مصاحبت با آنان دشوار یا ناشدنی باشد، به گونه ای که نفس، وجود آنها را تصور کند و روش هایشان را در خاطر آورد؛ زیرا چون بنگری چیزی جز یاد و خاطره در تو نمی ماند، و گوش چونان دیده و دیدن همان خبر است.» (۲)

ابن عطیه اندلسی مفسر در معنا و تفسیر سخن خداوند: «وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ * قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (۳)؛ «و بی گمان پیش از تو پیامبرانی ریشخند شده اند، آن گاه آنچه به ریشخند می گرفتند، ریشخندکنندگان آنان را فرا گرفت. بگو: در زمین سیر کنید سپس بنگرید که سرانجام دروغ انگاران چگونه بوده است.» می گوید: «یعنی سیر کنید و از آنان که رفته اند بیاموزید، زیرا پند گرفتن از آثار گذشتگان، تنها به حس بینایی متکی است.» (۴)

آیات قرآنی فراوانی هست که به آگاه شدن بر آثار امت ها، و آنچه بر آنان گذشته است، برمی انگیزد تا از این رهگذر از دیدن آنچه رخ داده است درس های عملی گرفته شود و مواضع بردبارانه پیامبران در برابر دشواری ها و بر خود، هموار داشتن آزار قومشان و اینکه خداوند در کمین دشمنان آنان است در خاطر آید، و به یاد آورده شود

۱- [الشفاء بتعريف حقوق المصطفى (ص)، قاضی عیاض]، ج ۲، ص ۴۷.

۲- الاعلام بالتوبيخ لمن ذم التاريخ، [سخاوی]، ص ۴۲.

۳- انعام: ۱۰ - ۱۱.

۴- المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز [ابن عطیه]، ج ۵، ص ۱۳۴.

که ما در روزگار کنونی که دولت‌ها بر ما چنگ افکنده‌اند، بیش از همیشه به درس‌های پایداری و بردباری نیازمندیم.

برای تحقق آنچه شمس‌الدین سخاوی، و علامه ابن عطیه اندلسی مفسر و دیگران بیان داشته‌اند و برای پیروی از روش سلف صالح در این زمینه، دانشمندان و مورخان امت، کتاب‌های پرشماری را به آثار نبوی اعم از مکان‌ها و وسایل و فعالیت‌ها و هر آنچه به آن حضرت و گروه صحابه و تابعین تعلق داشته است اختصاص داده‌اند، و پرداختن به این امور، موضوعی مهم در تألیفات نویسندگان و نوشته‌های پژوهشگران شد، که گاه در لابه‌لای مطالب و به مناسبت بدان‌ها پرداخته‌اند و گاه در اثری جداگانه.

فصل دوم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در کتاب های تاریخی

گفتار یکم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در سیره نکاشت های نبوی

سیره پژوهان به مکان های تاریخی مکه مکرمه که ارتباطی با سیره نبوی دارند، پرداخته اند. برخی از اینان سخنی را که بدان یقین دارند بازگفته اند، و برخی دیگر - چنان که عادت مورخان است - از هر سخنی یاد کرده اند؛ زیرا از کارهای مورخ آن است که آنچه را درباره جا یا رویدادی گفته می شود با چشم پوشی از درستی یا نادرستی آن بررسی کند؛ بنابراین، شایسته نیست خواننده هوشیار اگر با این گونه امور روبه رو شد، و [دریافت که] برای موضوعی به روایاتی ضعیف استناد شده است! در حقیقت [و اصل] موضوع تردید روا دارد، نیز نباید این امر وی را به دست آویز ساختن آن و یا بازگفت آن برای فروگاهی دیدگاهی درست و استوار وادارد.

پاره ای از مورخان، روایت را بی چون و چرا می پذیرند، و شماری از آنها بیشتر ریز می کاوند و آنچه را که در آغاز امر، دلایل یا رویدادهایی بر [روایی] آن گواه نباشد، بی اعتبار می دانند؛ و [برخی هم]، چون با روایتی روبه رو شوند، آن را نمی پذیرند و برساخته اش می خوانند و بی اعتبار و باطلش می شمارند؛ سپس و به فرجام، سخن برتر در میان این سخنان، آشکار می شود و از این رهگذر، روش تاریخی آنان به کمال راست

و روا می افتد.

[شماری از سیره نگاشت های نبوی که به مکان های تاریخی مکه مکرمه هم پرداخته اند، عبارتند از:]

۱. الاستیعاب [فی معرفه (۱)] الاصحاب، اثر علامه محدث ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر [قرطبی] (در. ۴۶۳ه. ق).

در این اثر درباره زادخانه رسول خدا (ص) آمده است: «زبیر گفت: مادرش در ایام تشریق در شعب ابی طالب در نزدیکی جمره وسطی باردار شد، و [پیامبر (ص)] در مکه و در خانه ای که [بعدها] از آن محمد بن یوسف برادر حجاج خوانده می شد، زاده شد.» (۲)

۲. الروض الأنف فی [شرح] (۳) السیره النبویه لابن هشام، تألیف علامه فقیه محدث ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله سهیلی [۵۰۸-ه. ق]

وی می گوید: «رسول خدا (ص) در شعب زاده شد، و گفته شده است: در خانه ای در صفا که بعدها، از آن محمد بن یوسف برادر حجاج شد، و زبیده هنگام زیارت خانه خدا در محل آن خانه مسجدی ساخت.» (۴)

[سهیلی] چنان که عادت مؤلفان است، سخنش را درباره زادخانه حضرت رسول (ص) با قول راجح و برتر آغازیده است، پس از آن قول مرجوح را آورده است؛ یعنی، آن حضرت در خانه ای در صفا زاده شده؛ از این روست که این قول را با عبارت گفته شده است (قیل) که برای نشان دادن ضعیف بودن خبر به کار می رود، همراه ساخته است.

شماری از سیره پژوهان، به بازگفت سخن ها بسنده نمی کنند؛ بلکه به بررسی آنها

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۵ به غلط آمده است: «کتاب الاستیعاب فی اسماء الاصحاب». - م.

۲- الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۱۳۶. - م. * در پاورقی متن مبدأ صفحه ۱۵، به حاشیه کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه، بدون ذکر نام مؤلف (ابن حجر عسقلانی)، ارجاع داده شده است. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۶ به غلط آمده است: «کتاب روض الانف فی تفسیر ما اشتمل علیه حدیث السیره النبویه...». - م.

۴- الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، سهیلی، ج ۲، ص ۱۵۹. - م.

می پردازند و قول صحیح را از میان آنها برمی گزینند، و برخی از آنها اصولاً هیچ گاه به خبر ضعیف نمی پردازند؛ بلکه خبر صحیح و راجح را می آورند و به خبرهای ضعیف توجه نمی کنند، از [آثار] آنهاست:

۱. امتاع الاسماع بما للرسول من الأبناء و الاموال و الحفده و المتاع (۱)، نوشته علامه مورخ تقی الدین احمد بن علی مقریزی (در. ۸۴۵ ه. ق)

وی در این کتاب می گوید: «محمد (ص) در مکه و در خانه ای که [بعدها] به خانه ابن یوسف معروف شد و در شعب بنی هاشم قرار داشت، در روز دوشنبه، دوازده ربیع الاول زاده شد.» (۲)

۲. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، نگاشته علامه محمد بن یوسف صالحی شامی (در. ۹۴۲ ه. ق)

وی در فصل دوم، قول برتر را که پذیرفته بیشتر [علما] ست، [این گونه] آورده است: «فصل دوم: درباره زادخانه آن حضرت (ص)، که آیا در مکه زاده شده است یا جای دیگر: سخن درست که اکثر [علما] برآند، قول نخست است.» وی پس از این، اقوال ضعیف را درباره زادخانه آن حضرت (ص) در مکه بیان می دارد، و قول صحیح را کما بیش بازمی شکافد، و به اقوال دیگر که اکثر علما آنها را ضعیف شماره اند، نمی پردازد و می گوید: بنابراین بر سر زادخانه حضرت (ص) در مکه همداستانی نشده و چند قول در میان است:

۱. [آن حضرت] در خانه ای در بازاری معروف به سوق المولد (بازار زادخانه) در شعبی معروف به شعب بنی هشام زاده شده است. این خانه در اختیار عقیل [ابن ابی طالب] بوده است. ابن اثیر می گوید: گفته شده است که رسول خدا (ص) این خانه را

۱- عنوان این کتاب به چند شکل ضبط شده، از آنهاست: امتاع الاسماء بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع؛ امتاع الاسماء فیما للنبی من الحفده و المتاع؛ امتاع الاسماء بما للرسول من الابناء و الاحوال و الحفده و المتاع. - م.

۲- [امتاع الاسماع بما للرسول من الابناء و الاموال و الحفده و المتاع، مقریزی]، ج ۱، ص ۳.

به عقیل هدیه کرد و در اختیار او بود تا در گذشت، سپس پسر عقیل آن را به محمد بن یوسف برادر حجاج فروخت و گفته شده است که عقیل پس از هجرت، هنگامی که قریش خانه های مهاجران را می خریدند، آن را خرید.

۲. آن حضرت (ص) در شعب بنی هاشم زاده شد، زبیر چنین حکایت کرده است.

۳. آن حضرت (ص) در ردم زاده شد.

۴. آن حضرت (ص) در عسفان به دنیا آمد. (۱)

عبدالله بن ضیف الله رحیلی، درباره روش علمی بررسی خبرها می گوید: «برخی از ریزکاوی ها، دور افتادن از روش پژوهش و بررسی است، مانند هنگامی که ریزکاوی به معنای پیروی از احتمالات ضعیف و وانهادن احتمالات برتر و راجح [و] یا ثابت شده بر اساس روش و دلیل است.

پذیرش احتمالات ضعیف، رویکردی بی دلیل است، و حکم به سود احتمالات ضعیف و برگزیدن آنها در مقابل احتمالات راجح، با دلایل راجح و برتر، روی برتافتن از روش تحقیق و بررسی است، گرچه به ظاهر تحقیق می نماید.» (۲)

گفتار دوم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در کتاب های خاص تاریخ مکه

کتاب های تاریخ مکه مکرمه - خواه از متون باشند و خواه از آثار معاصر تا قرن چهاردهم، مگر اندکی - فصلی را به مکان های تاریخی مکه اختصاص داده اند. اگر برخی از آثار معاصران از این [فصل] تهی افتاده است، برخاسته از چالش های فکری است که بر محیطهایی علمی سایه افکنده است که چنین بحث هایی را بر نمی تابند؛ از این رو، آثار یاد شده برای پرهیز از چالش های فکری که نیک فرجام نیستند، از این بحث ها تهی افتاده اند.

در منابع تاریخی برگزیده ذیل به مکان های تاریخی [مکه مکرمه] پرداخته شده است:

۱- [سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد صالحی شامی]، ج ۱، ص ۴۰۸.

۲- توثیق السنه النبویه و عنایه السلف به ملامح عن المنهج و دلائله و مظاهره و اثره، [رحیلی]، ص ۸۶.

کتاب اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، نوشته ابوولید محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی (در. [۲۵۰ه. ق.]) . (۱) و (۲) کتاب اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، اثر ابو عبدالله محمد بن اسحاق فاکهی از علمای قرن سوم ه. ق؛ سومین رکن مؤلفان مکی در این قرن، زبیر بن بکار است. (۳)

[برخی از مؤلفان] به اهمیت آثار این مورخان اشاره کرده اند؛ مثلاً محمد حبیب هیله می گوید: «در قرن سوم سه تن از بزرگ ترین مورخان مکی در مکه زیسته اند که عبارتند از: ازرقی، فاکهی، زبیر بن بکار. فضیلت طلایه داری (۴) و پایه گذاری از آن ازرقی است. فضیلت گستردگی گردآوری و فزون بخشی از آن فاکهی است. فضیلت [پرداختن به] تاریخ رویدادها و ریز اخبار و امور نادر و اشارت بسیار به اخبار مکه و مکیان و جز آن، از آن زبیر بن بکار است. (۵)

«ابوولید ازرقی، محدث مکی است که از شاگردان ابن عباس و وهب بن منبه راوی اخبار و ابن اسحاق مؤلف سیره [نبوی] روایت می کند، و جد او احمد بن محمد ازرق (در. ۲۱۹ه. ق یا ۲۲۲ه. ق) بسیاری از اخبار مکه را گردآورده بود و نوه اش در تألیف کتابش از آنها بهره برده است.» (۶)

- ۱- در متن مبدأ صص ۱۸ و ۱۹ آمده است: «(۲۲۳)». اما در صص ۶۳ و ۱۲۰ متن مبدأ آمده است: «(۲۵۰)» وانگهی در صفحه ۱۲۱ متن مبدأ تصریح شده است که سال ۲۲۳ یا ۲۲۱ نادرست است. - م.
- ۲- گفتنی است که جواد علی در المفصل فی تاریخ العرب (ج ۴، ص ۵) و محقق کتاب اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار (ج ۱، ص ۱۵)، درگذشت ازرقی را پس از ۲۴۷ه. ق. دانسته اند. - م.
- ۳- با آنکه سخن مؤلف محترم در باره منابع تاریخی است و به دو مورد از تاریخ نگاشت ها نیز اشاره کرده است، در مورد سوم از مؤلف (تاریخ نگار) یاد کرده است نه تاریخ نگاشت. - م.
- ۴- یادکردنی است که پیش از ازرقی، واقدی (در. ۲۰۷ه. ق.)، ابو عبیده (در. ۲۱۱ه. ق.)، ابراهیم یزیدی (در. ۲۲۵ه. ق.)، مدائنی (در. ۲۵۰ه. ق.) مدینه نگاری و شهرپژوهی کرده اند و درباره مکه قلم سوده اند، اما آثار آنان به دست ما نرسیده است. بنگرید به: الازرقی و موارد فی کتابه اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، احمد سبعاوی، ص ۷. - م.
- ۵- در کتاب التاریخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، (هیله، صص ۱۷ - ۲۱) به معرفی زبیر بن بکار و آثار دوازده گانه او پرداخته شده است؛ اما از آثار یاد شده هیچ یک درباره مکه یا تاریخ مکه نیست. او در کتاب الاخبار الموفقیات، و جمهره نسب قریش و اخبارها، تنها از شماری از قبایل و اعلام مکه یاد کرده است. - م.
- ۶- التاریخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، [هیله]، ص ۱۶. - م.

محمد حبیب هیله در شرح و شکافت کتاب ازرقی می افزاید: «کتاب تاریخ مکه ازرقی، اثری است جامعِ روش محدثان در روایت و سند، و روش مورخان در واشکافت اخبار و فضائل و توصیف نمودهای فرهنگی و عمرانی و جز اینها. ازرقی در نگارش نخستین کتاب جامع تاریخ مکه جلودار است. کتاب او در بردارنده اخبار و فضایل و خانه ها و املاک و محله ها و آفرینش های معماری و فرهنگی و مساجد و چاه ها و چشمه ها و کوه ها و دره های مکه است.» (۱)

هیله، در معرفی کتاب فاکهی می گوید: «این کتاب از مهم ترین و دامن فراخ ترین کتاب های کهن است که درباره تاریخ مکه و اخبار و فضائل آن قلمی گشته است. فاکهی در این اثر، شیوه دانشنامه ای پیشه کرده است. روایات او فراوان، و منابعش گوناگون است. وی درباره [تسلسل] (۲) سند [روایت] و گزینش راویان و ثبت و ضبط متن [روایت] و امانت داری در روایت همراه با آوردن سند خبرها و ذکر منابع، به شیوه محدثان رفته است.

او در روایت اخبار رویدادهای مکه به روایات مکیانی که گاه از آنان نام می برد و گاه نام نمی برد تکیه و اعتماد کرده است. کتاب فاکهی در کنار کتاب ازرقی از مهم ترین منابعی است که کتاب های تاریخ مکه و فضائل آن، در گذر زمان و دوران های گوناگون از آبخور آن سیراب گشته اند و بی واسطه یا با واسطه از آن نقل کرده اند.» (۳)

اکنون هنگام بررسی مطالب این دو کتاب با اهمیت درباره مسائل مربوط به موضوع بحث است.

۱- التاريخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الى القرن الثالث عشر، [هیله]، صص ۱۵ - ۱۶. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۹ آمده است: «فی الروایه من حیث السند»، اما در متن کتاب هیله (ص ۲۲) آمده است: «فی الروایه من تسلسل السند»؛ از این رو ترجمه براساس متن مادر صورت گرفت. - م.

۳- التاريخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الى القرن الثالث عشر، هیله، ص ۲۲. - م. * در متن مبدأ صفحه ۱۹ آمده است: «صص ۲۱ - ۲۲». - م.

۱. اخبار مکه و ما جاء فيها من الآثار، نوشته شیخ المؤرخین مکه، ابولید محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی [۲۵۰ه. ق]

[در کتاب او] موضوع آثار تاریخی اسلامی مکه مکرمه ذیل این عنوان نقل [پی کاوی] شده است: «بیان مکان هایی در مکه مکرمه که نماز گزاردن در آنها مستحب است، و آثار نبوی در مکه مکرمه و موارد صحیح آن.»

وی این مکان ها را معلوم داشته و محدوده آنها را مشخص ساخته است و به آنچه بر آنها گذشته است، اشارت کرده و درستی آنها را معلوم نموده است. او هنگامی که این مکان ها را برمی شمرد، به رویدادهایی که بر آنها گذشته است و مناسبتی که هر مکان را به اثری تاریخی تبدیل ساخته، استناد جسته است.

ازرقی به این بسنده نکرده است، بلکه این روایات را بررسی کرده و چونان مورخی ریزیاب، تا آن مایه که می توان، ریز کاویده است تا حقیقت روشن شود، سپس بر خبر صحیح انگشت تأیید نهاده است و خبر ضعیف را بر ساخته خوانده و پاره ای از اخبار را پذیرفته است.

محمد حبیب هیله، در واشکافت روش ازرقی می گوید: «وی بارها خبر را از دو منبع گوناگون باز می گوید؛ سپس به بررسی و نقد هر دو متن می پردازد، و از راه استدلال منطقی، نتیجه گیری می کند. [همچنین] وی در شرح احادیث و آثار، بسیاری از اسناد را نقد و بررسی می کند.» (۱)

در سیاهه این مکان های تاریخی، و بنابر روش وی در بررسی روایات، [وجود] مکان های ذیل برای او ثابت گشته و هیچ تردیدی در آنها نیست:

۱. زادخانه پیامبر اکرم (ص)

۲. خانه حضرت خدیجه ام المؤمنین (علیها السلام)

۳. خانه ارقم بن ابی ارقم

۱- [التاریخ و المورخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، هیله،] ص ۱۲۱.

۴. مسجدی در بالادست مکه نزدیک رَدْم، کنار چاه جبیر بن مطعم [بن عدی بن نوفل]

۵. مسجد جن

۶. مسجد شجره در بالادست مکه

۷. مسجدی در بالادست مکه کنار سوق الغنم در قرن مسقله

۸. مسجد سَرَر

۹. مسجدی در عرفه، سمت راست موقف

۱۰. مسجد کبش در منا

۱۱. مسجدی در ذی طوی

۱۲. غار حرا

۱۳. غار ثور

۱۴. مسجد البیعه در شعب عقبه

۱۵. مسجد جعرانه

۱۶. مسجد تنعیم

ازرقی صحت شماری از مکان‌ها را نپذیرفته و نسبت آنها را به رویدادها و مناسبت‌های تاریخی‌ای که به رسول خدا (ص) یا دیگر پیامبران، مانند حضرت ابراهیم (ع) نسبت داده شده است، نفی می‌کند. از این مکان‌هاست: [\(۱\)](#)

۱. مسجدی در اجیاد [صغیر و محلی در آن، که به آن [متکا [تکیه گاه] گفته می‌شود. [\(۲\)](#)

۲. مسجدی بر فراز کوه ابوقییس [\(۳\)](#) و [\(۴\)](#) [که به آن مسجد ابراهیم] می‌گویند.

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۲. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۲۰ آمده است: «مسجد باجیاد یقال له مسجد المتکا»؛ حال آنکه در کتاب اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار (ج ۲، ص ۲۰۲) آمده است: «مسجد باجیاد و موضع فیه یقال له: المتکا». - م.

- ۳- این کوه را ابوقابوس هم خوانده اند. بنگرید به: معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث بلادی، ج ۸، ص ۱۳۴۱. م -
- ۴- این مسجد تا سال ۱۳۴۵ ه. ق. برپا بوده است. در این سال وهابیان به بهانه پیشگیری از زیارت این مکان، آن را ویران کردند. بنگرید به: رحله الحاج من الزبير الى البلد الحرام، سعد بن احمد ربیعہ، صص ۸۴ - ۸۵. م -

دقت نظر ازرقی آن مایه بوده است که وی را به فراتر از این می برده است، چه او به پاره ای از مسائل مربوط به درون این مکان ها که در میان مردم شایع بوده، پرداخته و از حقیقت آنها پرده بر گرفته است، از جمله [در میان مردم شایع بوده است که] در خانه حضرت خدیجه و در دیوار اتاقی که رسول خدا (ص) در آن می زیسته تخته سنگی نصب شده بوده است. (۱) برخی از مردم می گفته اند: هنگامی که از خانه ابولهب و خانه عدی بن ابوحمره ثقفی به سوی رسول خدا (ص) سنگ پرانی می شده است، حضرت زیر آن پناه می گرفته است. ازرقی صحت اینها را واکاویده و به نادرستی آنها پی برده است. (۲)

این [مایه] دقت علمی و تلاش در پی [دست یابی به] صحت روایت و مکان و رویدادها را در بررسی های تاریخی ازرقی در کتاب ارزشمندش مشاهده می کنیم. بررسی او با فهرست ذیل سر می گیرد:

۱. زادخانه (۳) پیامبر اکرم (ص)، یعنی خانه ای که حضرت در آن زاده شده و [اکنون] در منزل محمد بن یوسف برادر حجاج بن یوسف [واقع] است. عقیل بن ابی طالب، هنگامی که رسول خدا (ص) مهاجرت کرد، آن را گرفت، چون در حجه الوداع از رسول خدا (ص) پرسیده می شود: ای رسول خدا کجا منزل می کنی؟ حضرت درباره این خانه و جز آن می گوید: «آیا عقیل برای ماسرپناهی بر جای گذاشته است؟» این خانه در دست عقیل و پسرش بود تا اینکه پسر عقیل آن را به محمد بن یوسف فروخت. او آن را به خانه اش که به آن البیضاء گفته می شد و امروز به ابن یوسف معروف است، پیوست. این خانه جزء این منزل بود تا اینکه خیزران مادر موسی و هارون [عباسی] به زیارت خانه خدا آمد و محل زادخانه را به مسجد تبدیل کرد و آن را از آن منزل جدا

۱- ابن جبیر (۵۴۰ - ۶۱۴ ه. ق.). در رحله (ص ۱۴۲)، از این مکان و از جمله پناهگاه آن یاد کرده و افزوده است: زیارتگاه مردم است و بر آن بوسه می زنند و چهره می ساینند و تبرک می جویند. - م.

۲- اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، صص ۱۹۹ و ۲۰۰.

۳- در عصر رسول خدا (ص) به این خانه دارالتبایع گفته می شده است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۶. - م.

ساخت و در آن را به کوچه ای باریک گشود که در انتهای این خانه بود و زقاق المولد (کوچه زادخانه) خوانده می شد.

ابوولید برای ما نقل کرد که از جدم و یوسف بن محمد شنیدم که موضوع زادخانه را [روشن و] مسلّم می دانستند چه در میان اهل مکه اختلافی نیست که زادخانه، همین خانه است.

ابوولید برای ما نقل کرد که: مردی از اهل مکه که به او سلیمان بن ابی مرحب گفته می شد و از آزادشدگان بنی [خثیم] (۱) بود، گفت: گروهی که پیش از آنکه خیزران این خانه را از منزل جدا سازد، در آن سکونت داشتند و چون خانه به مسجد تبدیل شد، جابه جا شدند، گفتند: به خدا سوگند در آن خانه نه مصیبتی بر ما وارد شد و نه آزمند شدیم. چون از آن رانده شدیم، روزگار بر ما سخت شد. (۲) و (۳) و (۴)

۲. خانه (۵) خدیجه دختر خویلد، همسر پیامبر اکرم (ص)، یعنی همان خانه ای که رسول خدا (ص) پس از همسری با خدیجه در آن زندگی می کردند و خدیجه همه فرزندانش را در آن زاد (۶)، و در آن از دنیا رفت، و پیامبر (ص) پیوسته در آن زندگی می کرد تا به مدینه هجرت نمود، و عقیل بن ابی طالب آن را گرفت و پس از آنکه معاویه خلیفه شد، آن را خرید و مسجد کرد و سازه کنونی را در آن ساخت، و بنا بر گفته افراد موثق مکی، حدود خانه خدیجه را معلوم داشت و آن را تغییر نداد، و در آن به خانه ابوسفیان گشود که تا به امروز باقی مانده است، و این همان خانه ای است که

۱- در متن مبدأ، صفحه ۲۱ به غلط و برخلاف کتاب ازرقی، (ج ۲، ص ۱۹۹) آمده است: «خثیم». - م.

۲- [اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار]، ص ۱۹۹.

۳- سه سطر از صفحه ۲۲ متن مبدأ ترجمه نشد. - م.

۴- زادخانه نبوی در سال ۱۳۴۳ قمری تخریب شد تا مردم به زیارت آن نیایند و بدان تبرک نجویند. عباس بن یوسف قطان (در ۱۶ رجب ۱۳۷۰ ه. ق.) در زمانی که شهردار مکه مکرمه بود ساختمان کتابخانه مکه مکرمه را در آن ساخت (شرحش خواهد آمد). - م.

۵- این خانه مقدس در ضلع شرقی مسجدالحرام واقع بوده است. بنگرید به: الدرالمنثور بآثار المصطفی و مدینه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محمدعلی صالح قزنی، صص ۲۸۳ و ۲۸۴. - م.

۶- ابن جبیر این مکان مبارک را زادخانه امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) هم دانسته است (رحله، ابن جبیر، صص ۱۰۶، ۱۴۲) - م.

رسول خدا (ص) روز فتح مکه گفت: «هر کس به خانه ابوسفیان درآید، در امان است» (۱)؛ همان خانه ای که امروزه به آن، خانه ریطه دختر ابوالعباس [سفاح، نخستین خلیفه عباسی] گفته می شود. (۲) و (۳)

۳. مسجدی در خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی که در صفاست و به آن خانه خیزران (۴) و (۵) گویند. این مسجد (۶)، خانه ای بوده است که رسول خدا (ص) [پس از نخستین

۱- مؤلف محترم از این پس هر گاه سخن از خانه خیزران پیش آید از سخن رسول خدا (ص) در روز فتح مکه: «هر کس به خانه ابوسفیان درآید در امان است» یاد می کند - گرچه از زبان دیگران. مترجم نمی داند هدف از این کار چیست اما اگر تکرار این سخن از آن روست که برای ابوسفیان فضیلت تراشی، و چنان وانمود شود که پنداری این فرمایش نبوی اولاً تنها درباره ابوسفیان و خانه او بوده و ثانیاً وی مورد عنایت نبوی بوده است؛ باید یادآور شد که در تاریخ نگاشت های اهل سنت آمده است: «چون سپاه اسلام از مدینه به مرالظهران (۲۲ کیلومتری مکه) رسید، ابوسفیان که برای کسب خبر، از مکه بیرون آمده بود با حضرت و سپاه رو به رو شد و پس از گفت و گو با رسول خدا و عباس عموی حضرت، عباس به او می گوید: پیش از آنکه گردنت زده شود شهادتین را بگو، ابوسفیان سرانجام شهادتین را گفت. عباس از حضرت می خواهد برای ابوسفیان در میان قومش منزلتی قائل شود، حضرت می فرماید: هر کس به خانه ابوسفیان درآید، در امان است؛ هر کس به مسجد الحرام درآید، در امان است؛ هر کس در خانه اش را ببندد در امان است... چون حضرت به مکه رسید و قریش شکست خورده و پراکنده شدند ابوسفیان به لابه افتاد. رسول خدا (ص) فرمود: هر کس به خانه ابوسفیان درآید، در امان است. هر کس به خانه حکیم بن حزام درآید در امان است.» بنگرید به: تاریخ مکه، احمد سباعی، ج ۱، صص ۵۷ - ۵۸) برای آگاهی از حال و روز خفت بار ابوسفیان در روز ورود سپاه اسلام به مکه بنگرید به: الدرر المکله فی فتح مکه المشرفه المبجله، بکری، ص ۱۱۱ به بعد. - م.

۲- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۱۹۹. - م.

۳- خانه حضرت خدیجه سه قسمت بوده است؛ یک بخش آن عبادتگاه نبوی بوده است که بعدها مردم از سر عشقی که به رسول خدا (ص) داشته اند در سجده گاه محراب آن حضرت (ص)، الماسی شش وجهی و به ستبری انگشت دست نهاده بودند و بدان تبرک می جستند. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۶. - م.

۴- برخی برآنند که خانه خیزران، خانه ارقم بن ابی ارقم نیست بلکه به خانه مجاور آن خانه خیزران گفته می شده است. بنگرید به: اخبار مکه، احمد سباعی، ج ۱، ص ۱۵۷. باری در سال ۱۷۱هـ. ق به دستور خیزران مادر هارون، در این خانه مسجدی بر پا شد. این مسجد همواره مورد استفاده بود و تعمیر و نگهداری می شد، تا اینکه در سال ۱۳۵۷هـ. ق. به دستور ملک سعود ویران گشت. - م.

۵- خیزران که خیزران هم گفته شده است، کنیز مهدی عباسی بوده که در سال ۱۵۹هـ. ق. آزاد و همسر مهدی می شود. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۹. - م.

۶- در این خانه، سنگی بزرگ بوده که به آن صخره المحبتی گفته می شده است که حضرت بر روی آن جلوس می کردند و

کسانی که با آن حضرت بودند گردا گرد او می نشستند. این سنگ در سمت راست محراب مسجد بوده و تا قرن سیزدهم وجود داشته است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیرہالعرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، صص ۸۶۹ و ۸۷۰. - م.

درگیری منجر به جرح مسلمانان با کفار قریش، به مدت یک ماه (۱) در آن پنهان شده بود و عمر بن خطاب در آن اسلام آورد. (۲) و (۳)

ابو ولید ازرقی، سخن از مکان های تاریخی در روزگار خود را پی می گیرد، شمار مکان هایی که وی به شرح آنها می پردازد به هجده مورد می رسد، به این شرح:

۴. مسجدی در بالادست مکه در رذم کنار چاه جبیر بن مطعم (۴) که گفته می شود، پیامبر اکرم (ص) در [محل] آن نماز گزارده است، و عبدالله بن عبیدالله بن عباس بن محمد ابن علی بن عبدالله بن عباس آن را بنا نهاده و در کنار آن حوضچه ای ساخته است که در آن آب ریخته می شود. (۵) [این مسجد را مسجدالرایه و مسجد ردم الاعلی نیز خوانده اند]. (۶)

۵. مسجدی دیگر در بالادست مکه است که به آن مسجد جن گفته می شود و اهل مکه آن را مسجد حرس می خوانند. این مسجد از آن روی چنین خوانده شده که صاحب الحرس که در مکه، گشت شبانه داشته است، چون به این محل می رسیده در آنجا درنگ می کرده است، تا افراد سرشناس مکه و دیگر نگهبانان که از شعب بنی عامر و ثنیهالمدنین آمده بودند، نزد او گرد آیند [و دیدار و تبادل اطلاعات کنند]. او سپس به مکه باز می گشت. درباره این محل گفته شده است: همان محلی است که رسول خدا (ص) شبانگاهی که پریان گوش ایستاده بودند [و سوره جن را شنود می کردند]، آن را برای ابن مسعود مشخص ساخت [تا در آن نماز بگذارد]. اینجا همان

- ۱- در خور یاد است که برخی، مدت اختفای رسول خدا (ص) را در خانه ارقم بن ابی ارقم، چهار سال دانسته اند. بنگرید به: الصحيح من سیره النبی الاعظم (ص)، جعفر مرتضی عاملی، ج ۱، ص ۲۶۱ - م.
- ۲- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۰ - م.
- ۳- برای آگاهی از اسلام آوردن عمر بنگرید به: سیرت جاودانه، جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، ج ۱، صص ۳۵۲ - ۳۶۰ - م.
- ۴- به این چاه، بئرالعلیا هم گفته می شده است. - م.
- ۵- سیرت جاودانه، جعفر مرتضی عاملی، ج ۱، صص ۲۸۷ و ۲۸۸ - م.
- ۶- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۰.

محلّی است که مسجد البیعه نامیده می شود، و گفته شده است: پریان در آن با رسول خدا (ص) بیعت کردند. (۱)

۶. مسجدی که به آن مسجد شجره گفته می شود و در بالادست مکه در پشت دار مناره [البیضاء] مقابل مسجد جن است. می گویند پیامبر اکرم (ص) در [محل] مسجد جن، از درختی که [در محل] مسجد بود، چیزی پرسید؛ درخت با پی و ریشه اش راه افتاد و نزد پیامبر (ص) آمد، حضرت هر چه خواست، از او پرسید، آن گاه دستور داد به جای خود باز گردد. (۲) و (۳)

۷. مسجدی در بالادست مکه نزدیک سوق الغنم در قرن مسقله (۴) که گمان رفته است مردم مکه در آنجا در روز فتح [مکه] با پیامبر اکرم (ص) بیعت نمودند.

ابولید برای ما نقل کرد که جدم از زنجی از ابن جریج، برایم نقل کرد که عبدالله بن عثمان خیثم برای ما نقل کرد که محمد بن اسود بن خلف خزاعی به او خبر داده است که پدرش اسود، در قرن مسقله در بالادست مکه (مَعلا) به خدمت رسول خدا (ص) می رسد. آن گاه می گویند: پیامبر اکرم (ص) را دیدم که مرد و زن و کوچک و بزرگ نزد او می آیند و او از آنان بر اسلام و ادای شهادت بیعت می گیرد. می گویند: گفتم: شهادت

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، صص ۲۰۰ و ۲۰۱. - م.

۲- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۱. - م.

۳- امیر مؤمنان علی (ع)، در خطبه قاصعه (۱۹۲) نهج البلاغه از ماجرای فرمان رسول خدا (ص) به درخت و آمد و رفت درخت، آشکارا و به تفصیل سخن گفته و یاد آور شده است که خود در آن مکان حضور داشته و شاهد این معجزه نبوی بوده است. ابونعیم اصفهانی (در. ۴۳۰ه. ق) در دلائل النبوه (صص ۲۸۸ - ۲۹۲)، گذشته از آنچه حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه بازگفته است، اما نه از زبان آن حضرت، به ۷ مورد مشابه دیگر نیز پرداخته است. ابوالحسن ماوردی (در. ۴۵۰ه. ق) هم در اعلام النبوه (صص ۲۱۹ - ۲۲۲)، به آنچه حضرت علی (ع) یاد کرده است و از زبان ایشان، اشاره کرده است و به مورد مشابه دیگری نیز پرداخته است. - م.

۴- مکانی است که رسول خدا (ص) چون مکه را گشود، در آن فنود تا تازه مسلمانان مکی با حضرت (ص) بیعت کنند. - م.
* در اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، (فاکهی، ج ۴، ص ۱۳۷) مسقله، مصقله (با صاد) آورده شده است، حال آنکه در اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، (ازرقی، ج ۲، ص ۲۷۰) مسقله ضبط شده و آمده است که مسقله نام مردی بوده که در جاهلیت در آن مکان زندگی می کرده است. - م.

چیست؟ محمد بن اسود گفت: شهادت به «أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» (۱)

۸. مسجد سُورُ، یعنی همان مسجدی که اهل مکه آن را مسجد عبدالصمد بن علی، که سازنده آن بوده است، می نامند. (۲)
۹. مسجدی در عرفه در سمت راست موقف [محل وقوف حاجیان در نهم ذی الحجه] که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود، و این غیر از مسجد عرفه است که امام در آن نماز می گزارد. (۳) و (۴)
۱۰. مسجد کبش (۵) در منا. (۶)

۱۱. مسجدی در اجیاد که به جایی در آن متکا (تکیه گاه) گفته می شود. شنیدم از جدم احمد بن محمد، و یوسف بن محمد بن ابراهیم، درباره متکا و اینکه پیامبر اکرم (ص) به آن تکیه کرده است پرسیده شد. هر دو، این امر را انکار کردند و گفتند: از کسی که این امر را قطعی شمارد، نشنیده ایم.

جدم به من گفت: از زنجی مسلم بن خالد و سعید بن سالم قداح و دیگر آگاهان، شنیدم که می گفتند: مسئله متکا از نگاه آنان قوی نیست بلکه آن را ضعیف می دانند، البته ثابت شده است که پیامبر اکرم (ص) در اجیاد صغیر نماز خوانده است، اما اینکه [در اجیاد هم نماز گزارده باشد] ثابت نشده است. می گوید: از هیچ کس از اهل مکه

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی ج ۲، ص ۲۰۱. - م.

۲- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۲. - م.

۳- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲. - م.

۴- مراد مسجد نمره است. - م.

۵- کبش یعنی قوچ. مسجد کبش محل ذبح قوچی است که از آسمان آمد تا به جای اسماعیل قربانی شود. وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ كَبْشًا جَمِيلًا فَذَبَحَهُ بَدَلًا مِنْهُ فِي الْحَالِ اِیْنِ مَسْجِدِ دَرِ مَحَلِّی سَاخْتَه سَدَه اِسْتِ كَه حَضْرَتِ اِبْرَاهِیْمِ (ع) ، چهره اسماعیل را برای ذبح بر خاک نهاد. از این رو به آن مسجد اسماعیل و قربان گاه اسماعیل هم گفته شده است. سنگ سیاهی که ابراهیم (ع) کارد را بر آن کوفت، تا قرن سیزدهم هجری قمری در مقابل این مسجد وجود داشته است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۹۳. - م.

۶- اخبار مکه و ما فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۲. - م.

نشینده ام که مسئله متکا را مسلم بداند. (۱)

۱۲. مسجدی (۲) بر فراز کوه ابوقییس، که به مسجد ابراهیم (۳) مشهور است. از یوسف ابن محمد بن ابراهیم درباره این مسجد پرسیده شد که آیا این همان مسجد ابراهیم خلیل الرحمان است؟ وی این موضوع را رد کرد و گفت: این از سخنان تازه است، از هیچ یک از آگاهان نشینده ام این امر را درست بداند.

ابوولید می گوید: از جدم درباره این مسجد هم پرسیدم. به من گفت: [می دانی] این مسجد چه زمانی ساخته شده است؟

بی گمان تازه ساخته شده است. شنیدم که از برخی از آگاهان مکه درباره این مسجد پرسیده می شد که آیا این مسجد، مسجد ابراهیم خلیل الرحمان است؟ و او می گفت: [نه] بلکه این همان مسجد ابراهیم قیسی است که در کوه ابوقییس زندگی و در یوزه می کرده است.

به جدم گفتم من شنیده ام شماری از مردم می گویند: هنگامی که به ابراهیم خلیل الرحمان دستور داده شد مردم را به حج گزاردن فراخواند، او بر فراز کوه ابوقییس رفت و [مردم را به حج] فراخواند. جدم این رویداد را رد کرد و گفت: به جان خودم سوگند در میان اصحاب ما هیچ اختلافی نیست که چون ابراهیم دستور گرفت مردم را به حج گزاردن فراخواند، در مقام ابراهیم ایستاد، مقام، او را آن مایه بالا- برد که از کوه فراتر رفت و بر مردم اشراف یافت، سپس گفت: ای مردم پروردگارتان را پاسخ گوید.

جدم [در ادامه] گفت: این مسئله را در بحث مقام [ابراهیم] به شرح آورده ام. (۴)

- ۱- اخبار مکه و ما فیها من الآثار، ص ۲۰۲. - م.
- ۲- گفته شده است: پیامبر اکرم (ص) در روز فتح مکه در محل این مسجد بر فراز کوه ابوقییس نماز گزارده و بلال مؤذن آن حضرت نیز در آنجا اذان گفته است. نیز رسول خدا (ص) هنگام شق القمر در محل این مسجد جلوس کرده است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، صص ۹۰۸ - ۹۱۹. - م.
- ۳- به این مسجد، مسجد شق القمر می گفته اند. - م.
- ۴- اخبار مکه و ما فیها من الآثار، ص ۲۰۰. - م.

۱۳. مسجدی در ذی طوی میان ثنیه المدینین که بر آرامستان مکه [مَعْلَا] (۱)، و ثنیه (گردنه) ای که در دامنه [کوه] حصحص قرار دارد، مشرف است. زبیده این مسجد را به شکل مستطیل با طاق قوسی (۲) بنا نهاد. (۳)

ابوولید برای ما نقل کرد که جدم برای من نقل کرد که زنجی از ابن جریج، از موسی بن عقبه به من خبر داد که نافع برای او نقل کرده است که عبدالله بن عمر به او خبر داده است که رسول خدا (ص) در حج عمره و تمتع در ذی طوی زیر مغیلانی که در محل مسجد بود، فرود می آمد. (۴)

ابوولید برای ما نقل کرد که جدم از مسلم از ابن جریج از نافع از ابن عمر برایم نقل کرد که رسول خدا (ص) چون به مکه می آمد در ذی طوی منزل می کرد و شب را در آنجا می ماند تا نماز صبح می گزارد. محل نماز رسول خدا (ص) در اینجا بر تپه ای بلند از خاک سفت بوده است نه مسجدی که سپس ساخته شد؛ اما این تپه بلند کوتاه تر از کوه بلندی است که مقابل در کعبه است و مسجدی را که ساخته شده در سمت چپ مسجدالحرام و کنار تپه قرار می دهد، و محل نماز رسول خدا (ص) پایین تر از مسجد و بر تپه سیاه بوده است. آن حضرت کمابیش ده زرع از تپه سیاه به سمت راست می رفت آن گاه مقابل دو شکاف کوه بلندی که میان تپه و کعبه بود، نماز می گزارد. (۵)

۱۴. حرا و آنچه درباره آن وارد شده است. ابوولید برای ما نقل کرد که مهدی بن ابوالمهدی برای ما از عبدالله بن معاذ صنعانی از معمر از زهری از عروه از عایشه برای ما نقل کرد که نخستین چیزی که وحی به رسول خدا (ص) با آن سرگرفت، رؤیای صادق بود. او رؤیایی نمی دید مگر آنکه همان صبح صادق برای او تعبیر می شد. سپس به

۱- از دوره دوم عباسی، مکه مکرمه به دو بخش مَعْلَا (بالایی) و مَسْفَلَه (پایینی) تقسیم می شده است. - م.

۲- بنته زبیده بازج. - م.

۳- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۳. - م.

۴- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۳. - م.

۵- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۳. - م.

گوشه گزینی علاقه مند گشت و به حرا می رفت و شب هایی چند به عبادت می پرداخت و توشه [معنوی] برمی گرفت، آن گاه نزد خدیجه دختر خویلد بازمی گشت و مانند [هنگامی که در حرا بود] به خودسازی می پرداخت و توشه می ساخت تا اینکه در غار حرا بود که سرانجام حق بر او نازل شد و فرشته نزد او آمد و گفت: بخوان، گفت، گفتم: خواندن نمی دانم، مرا گرفت و سخت فشرد چنان که بی تاب شدم؛ سپس رهایم کرد و گفت: بخوان. گفتم: خواندن نمی دانم، دوباره ام گرفت و باز بفشارد تا بی تاب شدم؛ سپس رهایم ساخت، آن گاه گفت: بخوان. گفتم: چه بخوانم، گفت: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ . . . (۱)؛ «بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (همو که) آدمی را از خون بسته آفریده است. بخوان که پروردگارت از همه ارجمندتر است. همو که با قلم آموخت» تا رسید به مَالَمْ يَعْلَمْ . (۲)

۱۵. ثور و آنچه درباره آن وارد شده است. ابولید برای ما نقل کرد که: محمد بن ابی عمر عدنی از سعید بن سالم قداح از عمر بن جمیل جمحی از ابن ابی ملیکه برایم نقل کرد که پیامبر اکرم (ص) هنگامی که با ابوبکر به سوی [کوه] ثور می رفتند، ابوبکر شروع کرد گاه مقابل پیامبر (ص) باشد و گاه پشت سر او. گفت: پیامبر (ص) در این باره از او می پرسد. می گوید: اگر پیش روی شما باشم می ترسم از پشت سر به شما حمله شود، و اگر پشت سر شما باشم می هراسم از پیش روی شما مورد هجوم قرار گیرید، تا اینکه حضرت به غاری که در ثور بود [می رسد] (۳) ابوبکر می گوید: شما بمانید، تا من در غار دستی بگردانم تا اگر جانوری در آن است مرا بیازارد، نه شما را. می گوید: دریافتم که در غار، سوراخی است؛ ابوبکر از بیم آنکه در آن سوراخ جانوار یا چیزی باشد که

۱- علق: ۱- ۴- م.

۲- اخبار مکه وما جاء فيها من الآثار، ازرقی، ص ۲۰۴- م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۲۵ برخلاف کتاب ازرقی (ج ۲، ص ۲۰۵) آمده است: «انتهیا»؛ حال آنکه ازرقی آورده است: «انتهی»

رسول خدا (ص) را بیازارد، پایش را در آن فرو می برد. (۱)

۱۶. مسجدالبیعه. (۲) می گوید ابوولید برای ما نقل کرد که جدم برای من نقل کرد که داود ابن عبدالرحمان عطار از عبدالله بن عثمان بن خیشم، از ابو زبیر محمد بن مسلم برای ما نقل کرد که جابر بن عبدالله انصاری برایم نقل کرد که رسول خدا (ص) ده سالی که در مکه بود، در موسم [حج] به منازل حاجیان در مَجَنَّة و عکاظ و منا می رفت و می گفت: هر کس مرا پناه دهد و یاری رساند تا پیام پروردگارم را برسانم، بهشت پاداش اوست؛ [اما] کسی را نیافت که وی را پناه دهد؛ حتی اگر دوست کسی از مضر یا یمن [به مکه] می آمد، قوم او یا خویشاوندانش نزد [تازه وارد] می رفتند و می گفتند: از جوان قریش پرهیز، مبادا فریبت دهد [او] در میان مردان آنان می گردد و به خدایشان فرامی خواند، و آنان با انگشت به او اشاره می کنند؛ تا اینکه خداوند ما را از یثرب برای او برانگیخت، پس یکی از ما نزد او می آید و به او ایمان می آورد و وی بر او قرآن می خواند، سپس نزد خانواده اش بازمی گردد و آنان با اسلام آوردن او اسلام می آورند تا اینکه هیچ خانه ای در یثرب نمی ماند مگر آنکه گروهی از ما مسلمانان در آن است که اسلام [آوردنشان را] آشکار می کنند. سپس خداوند ما را برای او برانگیخت و ما فرمان بردیم و هفتاد نفر از مردان همداستان شدیم و گفتیم، تا کی بگذاریم رسول خدا (ص) در کوه های مکه رانده و ترسان باشد؟! پس راه افتادیم تا در موسم حج به خدمت او رسیدیم. او در شعب عقبه با ما وعده دیدار نهاد، ما یکی یکی و دو تا دو تا در شعب گرد آمدیم تا همه نزد او حاضر شدیم و گفتیم: ای رسول خدا بر چه با تو بیعت کنیم؟ گفت: بر گوش سپاردن و فرمان بردن در فراوانی کار و بی کاری، بر [یاری و دلجویی] (۳) در سختی و آسایش، بر امر به

- ۱- اخبار مکه وما جاء فيها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۵ (با اندک اختلاف) . - م. * گفتنی است، این سخن از احادیث بر ساخته است. بنگرید به: الصحيح من سیره النبی الاعظم، جعفر مرتضی عاملی، ج ۲، ص ۲۵۵. - م.
- ۲- این مسجد در سال ۱۴۴هـ. ق ساخته شد. بنگرید به: اتحاف الوری باخبار ام القری، ابن فهد، ج ۲، ص ۱۸۰. - م.
- ۳- در متن مبدأ صفحه ۲۶ آمده است: «علی النفقه»؛ اما در اخبار مکه و ما جاء فيها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۶، آمده است: «علی التفقد». - م.

معروف و نهی از منکر، بر اینکه در راه خدا به پا خیزید و سرزنش ملامت گر را به چیزی نگیرید، بر اینکه چون به یثرب آیم یاریم کنید، و از آنچه خود و فرزندان و همسرانتان را در برابر آن حمایت می کنید، مرا پشتیبان باشید، [که] بهشت از آن شماست.

ما برخاستیم و پیش رفتیم تا با او بیعت کنیم. در این هنگام اسعد بن زراره که پس از من کوچک ترین آن هفتاد مرد بود، دست جابر را گرفت و گفت: ای اهل یثرب، آهسته! ما از او پیروی نمی کنیم، مگر از آن روی که می دانیم او فرستاده خداست. امروز، یاری رساندن به او، تن زدن از همه عرب و [تن دادن به] کشتار بهترین های شما و زخم شمشیر است. شما اگر گروهی هستید که زخم شمشیر و کشته شدن بهترین هایتان و دور افتادن از همه عرب را برمی تائید، به دامنش درآویزید و پاداشتان با خداوند است، و اگر گروهی هستید که بر جان خود سخت بیمنایید، بگذاریدش، او از خداوند برای شما بخشش می طلبد.

آنان گفتند: ای اسعد بن زراره، دست از ما بدار که به خدا سوگند از این بیعت تن نمی زنیم و از آن روی بر نمی تائیم. آن گاه، یکی یکی برخاستیم و نزد او رفتیم و او از ما بیعت می گرفت و برای این کار به ما [وعده] بهشت می داد. (۱) و (۲)

۱۷. مسجد جعرانه. ازرقی می گوید: عمرو بن دینار از عکرمه از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص) چهار بار عمره گزارد: عمره حدیبیه، عمره قضا (۳) در سال بعد، سوم از جعرانه (۴)، چهارم (۵) با حجش. می گوید: ابوولید برای ما نقل کرد که جدم از زنجی

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ص ۲۰۵ - ۲۰۶ (با اندک تفاوت در لفظ). - م.

۲- آنچه آمد، اشارتی است به بیعت یکم و دوم عقبه، اما به روایت اهل سنت. - م.

۳- این عمره، عمره قضیه هم خوانده شده است. بنگرید: تهذیب الاسماء و اللغات، نووی، ج ۱، ص ۲۱ و ج ۳، ص ۹۵. - م.

۴- محلی در ۲۹ کیلومتری شرق مکه در راه طائف. - م.

۵- از نگاه شیعه، حضرت تنها سه عمره اراده کرد و دو عمره گزارد: عمره حدیبیه که ناتمام ماند، عمره قضا یا قضیه، عمره جعرانه. شماری از اهل سنت، بر این باورند که حضرت در حجه الوداع، حج قرآن گزارده است؛ یعنی جناب پیامبر در این حج با نیت عمره کارهایی کرده است که در مجموع هم عمره به شمار می آید و هم حج. بنگرید به: همگام با پیامبر در حجه الوداع، ص ۲۸۳ - ۲۹۸. - م.

از ابن جریج نقل کرد که: زیاد به من خبر داد که محمد بن طارق به او خبر داد که با مجاهد از جعرانه عمره گزارده و در پشت وادی، جایی که سنگ نصب شده محرم شده است؛ گفت: پیامبر (ص) از اینجا محرم گشت، و من نخستین کس را که این مکان را بر تپه، مسجد کرد می شناسم، مردی از قریش آن را بنا نهاد و بالا برد. وی ملکی را که کنار نخلی بود، خرید و مسجد را ساخت.

ابن جریج می گوید: من بعدها محمد بن طارق را دیدم و [در این باره] از او پرسیدم، او گفت: در جعرانه با مجاهد بودم او به من خبر داد که مسجدی که در دور دست و آن سوی وادی در کرانه دور است، مصلاهی پیامبر در غیر جعرانه است. گفت: اما مسجدی را که در این نزدیکی است، مردی از قریش ساخت و او این دیوار را بالا برد. (۱)

۱۸. مسجد تنعیم. ابوولید برای ما نقل کرد که: جدم برایم نقل کرد که: داود بن عبدالرحمان عطار از ابن خثیم از یوسف بن ماهک از حفصه دختر عبدالرحمان بن ابی بکر برای ما نقل کرد که رسول خدا (ص) به عبدالرحمان گفت: خواهرت یعنی عایشه را در پس خود نشان و او را از تنعیم (۲) به عمره ببر؛ هنگامی که او را از تپه پایین بردی، وی را ببر تا محرم شود، قطعاً این عمره ای پذیرفته است.

می گوید ابوولید برای ما نقل کرد که جدم برایم نقل کرد که مسلم بن خالد از ابن جریج برایمان نقل کرد که عطا را دیدم که محلی را که عایشه از آنجا عمره آغاز کرد، توصیف می کرد. او به جایی اشاره نمود که محمد بن علی شافعی مسجدی را که آن سوی تپه است، یعنی همان مسجد خراب را [در آن] ساخت. خزاعی گفت: بعدها ابو العباس عبدالله بن محمد بن داود، امیر مکه آن را آباد کرد و بر سر چاه آن سایه بانی

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ص ۲۰۷ - م.

۲- تنعیم، گونه ای گیاه صحرائی، و نیز نام مکانی است در وادی فاطمه در نزدیکی مکه. این مکان را از آن روی تنعیم خوانده اند که در سمت چپ آن کوهی است به نام ناعم و در سمت راست آن کوهی است به نام نعیم. بنگرید به: اعمال ندوه مشکله الزحام فی الحج و حلولها الشرعیه، ج ۱، ص ۲۶۴ - م.

ساخت. پس از او عجز (۱) در مدت یک سال آن را بازسازی نمود و بنایش را نیکو ساخت. (۲)

از سیاق آنچه گذشت، [میزان] دقت علمی ازرقی و بازشناخت روایات صحیح و بیان آنچه که انتسابش به تاریخ شریف نبوی رواست، و نیز ریزکاوی او، آن گونه که مشهور و زبانزد است، برمی آید. این کتاب (۳) ازرقی به سبب باریک بینی او و گوناگونی اخبار و صحت اسناد آن در میان مردم انتشار یافت. از این رو برای مورخان و جهانگردان و حج گزاران و [نگارندگان] کتاب هایی که درباره فضایل مکه است، منبعی اساسی به شمار می رود؛ به گونه ای که تقریباً هیچ یک از مؤلفان در این موضوع را نمی توان یافت که در نقل های خود، به این کتاب تکیه نکرده باشد و در بیشتر موارد، مستقیم و گاه با واسطه به آن ارجاع نداده باشد. (۴)

۲. اخبار مکه فی قدیم الدهر و [حدیثه] (۵)، از ابو عبدالله محمد بن اسحاق فاکهی (در. ۲۴۵ه. ق)

[فاکهی] بابی را به عنوان «مکان هایی در مکه که نماز گزاردن در آنها مستحب است و آثار پیامبر (ص) در آنها و تفسیر مطلب» اختصاص داده است. وی از نوزده مکان یاد کرده است که در برخی از آنها با سلف خود، ازرقی موافق است و مکان هایی نیز بر آنها افزوده است. مکان های یاد شده عبارتند از:

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در منزل ابن یوسف در آن زاده شد. این خانه، بخشی از آن منزل بود تا خیزران مادر دو خلیفه [عباسی]: موسی و هارون [به حج] آمد و آن را مسجد کرد و در آن نماز گزارد و آن را از منزل [ابن یوسف] جدا ساخت. پاره ای از

۱- عجز، مادر مقتدر، خلیفه عباسی است. - م.

۲- اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، ازرقی، صص ۲۰۸ و ۲۰۹.

۳- یعنی کتاب اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار. - م.

۴- التاريخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، هیله، ص ۱۶.

۵- در متن مبدأ صفحه ۲۸ به غلط آمده است: «حدیثه». - م.

مکیان پنداشته اند مردی از مکه که به او سلیمان بن ابی مرحب گفته می شود می گفته است: گروهی که در این خانه زندگی می کرده اند، و سپس از آنجا جابه جا شده اند، گفته اند: به خدا سوگند در این خانه هرگز آزمند نشدیم و به مصیبت گرفتار نگشتیم. این خانه از صحیح ترین آثار نزد مکیان است. این مطلب را بزرگان آنان اثبات کرده اند. (۱)

۲. خانه پیامبر (ص) یعنی همان خانه ای که خدیجه، دختر خویند در آن زندگی می کرد و رسول خدا (ص) در آن با خدیجه همسر شد و محل زندگی آنان بود و خدیجه همه فرزندان را در آن زاد و در همان جا از دنیا رفت، و رسول خدا (ص) پیوسته در آن زندگی می کرد تا زمان هجرت که آن را ترک کرد و عقیل بن ابی طالب آن را با چیزهایی دیگر گرفت. سپس هنگامی که معاویه خلیفه شد، آن را خرید و مسجدش کرد و در آن نماز گزارد و بنای جدید نکویی در آن برپا داشت و حدود آن را همان حدود خانه خدیجه نهاد و آن را تغییر نداد، مگر هنگامی که آن را بازسازی و بهسازی می کرد، که از آن دری به خانه ابوسفیان بن حرب بن امیه گشود، یعنی همان خانه ای که رسول خدا (ص) در روز فتح [مکه] گفت: «هر کس به خانه ابوسفیان در آید، در امان است.» (۲) این همان خانه ای است که در زمان فاکهی، به [خانه ریطه] (۳)، دختر ابوالعباس [سفاح عباسی] معروف بود. (۴)

۳. محلی در اجیاد صغیر که به آن متکا گفته می شود. (۵)

۱- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ج ۴، ص ۵. - م.

۲- درباره این سخن، بنگرید به پانوش شماره ۱ صفحه ۵۹ همین اثر. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۲۹ به پیروی از متن مادر (ج ۴، ص ۹) آمده است. «رابطه بنت ابی العباس». اما نام دختر ابوالعباس سفاح عباسی، ریطه بوده است. در کتاب ازرقی (ج ۲، ص ۱۹۹)، هم ریطه آمده است. ریطه، دختر کعب و نام زن اسد بن عبدالعزی است که به جعرانه معروف بوده و از قول ابن عباس نقل است که آیه: *وَلَا تُكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ*. (نحل: ۹۲)، در شأن او نازل شده است (اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۷؛ الجامع الطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف. ابن ظهیره قرشی، ص ۳۳۷) - م. * گفتنی است که مرادی در بلوغ المرام بالرحله الی بیت الله الحرام، ص ۹۵، جعرانه را جُعرانه (با ضم جیم) آورده است. - م.

۴- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، صص ۷ و ۸ (با اندک اختلاف در لفظ). - م.

۵- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۹. - م.

۴. مسجدی [در] خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی، در صفا، در خانه ای که [امروزه] به خیزران معروف است، و رسول خدا (ص) در آن پنهان بوده است و عمر بن خطاب در آن اسلام آورد و پیامبر اکرم (ص) در آن [مردم] را به اسلام فرا می خواند.

(۱)

۵. مسجدی در عرفه، سمت راست موقف، که به آن مسجد ابراهیم گویند، و این غیر از مسجد عرفه است [که مسجد نمره و مسجد ابراهیم هم خوانده می شود].

علی بن منذر کوفی برای ما نقل کرد که ابن فضیل از یزید بن ابی زیاد نقل کرد که گفته است: با مجاهد خارج شدیم و رفتیم، چون از حرم به سوی عرفات راهی شدیم، گفت: آیا در مسجدی که ابن عمر نماز گزاردن در آن را مستحب دانسته است، نماز می گزارید؟ می گوید، گفتیم آری، و در آنجا نماز به پا داشتیم. سپس گفت: هفتاد پیامبر در آنجا نماز گزارده اند که همگی به خیف رفته اند. (۲)

۶. مسجد کُتُب در منا. این مسجد از آن روی کبش [قوچ] خوانده شده است که قوچی که ابراهیم به جای اسماعیل قربانی کرد، در محل این مسجد هبوط کرد. (۳)

۷. مسجدی در بالادست مکه، در ردم اعلی، کنار چاه جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل که به آن بئر علیا می گویند و [گفته می شود که] (۴) پیامبر اکرم (ص) در [محل] آن نماز گزارده است. عبدالرحمان بن کیسان [برای ما نقل کرد] که پدرم برایم نقل کرد که پیامبر (ص) را دیدم کنار بئر العلیا نماز ظهر و عصر گزارد. این مسجد را عبدالله بن عبیدالله بن عباس بن محمد (۵) بنا کرد و در کنار آن حوضچه ای ساخت که در آن آب

۱- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۱۲. - م.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۱۸. - م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۱۸. - م.

۴- در متن مبدأ صفحه ۲۹ آمده است: «يقول». در اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه (ج ۴، ص ۱۹) نیز آمده است: «يقول» اما در اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار (ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۰) آمده است: «يقال: ان النبی (ص) صلی فیہ». - م.

۵- در متن مبدأ صفحه ۲۹ آمده است: «عبدالله بن عبیدالله بن العباس بن محمد». این نقل نه با متن اخبار مکه فاکهی (ج ۴، ص ۱۹) که مأخذ مؤلف است سازگار است و نه با مأخذ فاکهی، یعنی کتاب اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، (ج ۲، ص ۲۰۰)؛ چه ازرقی آورده است: «عبدالله بن عبیدالله بن العباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس» و فاکهی آورده است: «عبدالله بن عبدالله بن العباس بن محمد». - م.

ریخته می شد. از برخی از فقیهان مکه شنیدم که می گفتند: در گذشته های دور، مردم [مکه] فرا دست این چاه خانه نمی کردند، [خانه های] مردم از مسجد [الحرام] تا این چاه بوده و بالادست آن از سکنه خالی بوده است. (۱)

۸. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد حَرَس گفته می شده است و امروزه هم با همین نام شناخته می شود. این مسجد از آن رو حرس خوانده شده است که صاحب الحَرَس مکه در [مکه] گشت می زد و نیروهایش از شعب ها و نواحی مکه در این مسجد بر او گرد می آمدند. این مسجد در پایین [کوه] حُجون قرار دارد. این مسجد، همان مسجد جن است که رسول خدا (ص) برای عبدالله بن مسعود محدوده ای [در آن] معلوم داشت [تا در آن نماز بگزارد] اما پریانی که در نخله، پیامبر را دیدند، پریان نینوایند، و پریانی که آن حضرت را در مکه ملاقات کردند، پریان نُصیبین اند. (۲)

۹. مسجد البیعه. [یعنی] بیعت انصار با [رسول خدا (ص)] در ليله عقبه در عقبه منا. (۳)

۱۰. مسجدی در ذی طوی، سر دوراهی تنعیم به جده که به آن مسجد النبی گویند. (۴)

۱۱. مسجدی که به آن مسجد شجره گفته می شود و در بالادست مکه در پشت دار منارهایلیضاء در دامنه کوه، مقابل [کوه] حجون رو به روی مسجد حَرَس واقع است و درختی در آن بوده است که رسول خدا (ص) آن را فراخوانده و آن از جای خود حرکت کرده و نزد حضرت آمده است. (۵) و (۶)

۱- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۱۹. - م.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، صص ۲۰ - ۲۳. - م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۲۶. - م.

۴- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۲۷. - م.

۵- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۲۷. - م.

۶- برای آگاهی از این معجزه نبوی بنگرید به خطبه قاصعه (۱۹۲) نهج البلاغه. نیز بنگرید به پانوش شماره ۳ صفحه ۶۱ همین کتاب. - م.

۱۲. مسجدی که به آن [سِرَرُ (۱)] گویند: این همان مسجدی است که عبدالصمد بن علی ساخت. [ابن ابی عمر از مَعْن بن عیسی از مالک بن انس از محمد بن عمرو بن طلحه دلیلی] از محمد بن عمران انصاری از پدرش نقل کرده که: عبدالله بن عمر در راه مکه در حالی که زیر درخت تنومندی نشسته بودم رو به من کرد و گفت: چه چیز تو را زیر این درخت کشانده؟ گفتم سایه اش را می خواهم. گفت: دیگر چه؟ گفتم: هیچ چیزی دیگر مرا زیر این درخت نشانده است. عبدالله گفت: رسول خدا (ص) می گوید: هنگامی که در منا میان دو کوه سخت قرار گرفتی - و با دستش به سوی مشرق اشاره می کند - اینجا محلی است که به آن [سِرَرُ] گفته می شود و در آن درخت تنومندی است که هفتاد پیامبر زیر آن نشسته اند. (۲)

۱۳. مسجدی نزدیک برامین، به طرف دیواری که کنار خانه عمر بن عبدالعزیز مقابل دیوار ابوسفیان است. شماری از مکیان گمان برده اند رسول خدا (ص) بسیار در این مسجد می نشسته است و از خانه خدیجه در کنار خانه ابوسفیان، راهی به سوی این مسجد وجود داشته است. (۳)

۱۴. مسجدی نزدیک شعب علی بن ابی طالب (ع)، گفته می شود این مسجد جزء خانه حارث بن عبدالمطلب شده است و پیامبر اکرم (ص) در آن نماز می گزارده و در آن می نشسته است. خدا می داند چه بوده است. (۴)

۱۵. مسجدی در ذی طوی، [میان] ثنیة المدینین که مشرف بر آرامستان مکه [معلا]

۱- در متن مبدأ صفحه ۳۰ آمده است: «سَرَر». - م. * مؤلف محترم هنگام سخن از کتاب ازرقی همال خود او (اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۲) این واژه را سِرَر نگاشته است، اما در اینجا و به گاه یاد از کتاب فاکهی، برخلاف او (اخبار مکه فی قدم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۰ - ۳۱) که این واژه را سِرَر ضبط کرده، آن را سَرَر نوشته است. مترجم ترجیح داد در اینجا، این واژه به همان صورت که در متن مادر آمده است، یعنی سِرَر ثبت شود. به هر روی سِرَر ناروا تحریر گشته است. م.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۰ - ۳۱. م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۲. م.

۴- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۳. م.

است و ثنیه [گردنه] ای که در دامنه [کوه] حَصْحاص قرار دارد. این همان مسجدی است که زبیده آن را به شکل مستطیل با طاق قوسی (۱) ساخت. (۲)

۱۶. مسجد شجره، عبدالله بن احمد برایم نقل کرد که ابراهیم بن عمرو گفت: عبدالمجید بن ابی داود از پدرش به من خبر داد که گمان رفته است که پیامبر اکرم (ص) در مسجد شجره یعنی مسجدی که در پایین تر از [محل] یأجج است، نماز گزارد. (۳)

۱۷. مسجدی در کوه ثور، [که اگر به سوی] عُرْنَه [بروی] در سمت چپ تو است. ثور همان غاری است که خداوند در کتابش از آن یاد کرده است: (۴) .. إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا. . . (۵)

۱۸. مسجدی در کوه حرا، (۶) که رسول خدا (ص) به آنجا می رفته و روزی چند در آنجا اعتکاف می کرده است. (۷)

بررسی مقایسه ای: از مقایسه سیاهه مکان های تاریخی اسلامی از نگاه ازرقی با آنچه فاکهی در این باره برشمارده است برمی آید که آن دو بر سر نام پاره ای از مکان های [تاریخی] و ارتباط آنها با پیامبر اکرم (ص) و تاریخ اسلام همداستانند. این مکان ها عبارتند از:

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شده است.

۲. خانه پیامبر اکرم (ص) یعنی همان منزلی است که ام المؤمنین خدیجه در آن زندگی می کرده است.

۳. خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی

۱- بنته زبیده بازج. - م.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۳. - م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۴. - م.

۴- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۵. - م.

۵- توبه: ۴۰.

۶- منظور جبل النور است که غار حرا در آن واقع است و کوه حرا و جبل هم خوانده می شود. - م.

۷- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ج ۴، ص ۳۶. - م.

۴. مسجدی در عرفه سمت راست امام در موقف، که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود و این غیر از مسجد نمره (۱) است.

۵. مسجد حَرَس (مسجد جن) در بالادست مکه

۶. مسجد البیعه

۷. مسجدی در ذی طوی در دو راهی تنعیم و جدّه.

۸. مسجد شجره در بالادست مکه

۹. مسجد سِرَر (۲)

۱۰. کوه ثور

۱۱. کوه حرا

آنچه آمد مجموع مکان های تاریخی است که بر سر آنها همداستانی وجود دارد و تا قرن سوم هجری قمری از اختلاف بر سر آنها در میان عالمان یاد نشده است.

سیاهه فاکهی نسبت به سیاهه ازرقی افزوده هایی دارد. او شماری از مکان هایی را که به اعتبار ارتباط تاریخی آنها با پیامبر اکرم (ص) به مسجد تبدیل شده اند، یاد کرده است؛ یعنی:

۱. مسجدی در شعب علی بن ابی طالب (ع)

۲. مسجد برامین

پژوهش تاریخی اقتضا می کند پس از این، مکان های تاریخی یاد شده در مکه مکرمه در طول سده های بعدی [نیز] بررسی شود.

۳. شفاء العَرام باخبار البلد الحرام، اثر حافظ ابوطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی فاسی مکی مالکی (۷۵۵ - ۸۳۲ ه. ق).

وی باب بیست و یکم را به بیان مکان های مبارکی که در مکه مکرمه و حرم و نزدیک آن است و شایسته زیارتند، اختصاص داده است. او این مکان ها را به مساجد،

۱- این واژه را نَمَرَه و نَمَرَه ثبت کرده اند. - م.

۲- گفتنی است چنان که گذشت، ازرقی این مکان را سِرَر و فاکهی آن را سِرَر خوانده است. - م.

خانه ها، کوه ها، مزارها تقسیم کرده است.

گفتنی است تقی الدین فاسی، اطلاعات مربوط به این مکان ها را تازه و روزآمد ساخته، و به گونه ای دقیق، آنها را چونان که در زمان او بوده اند توصیف کرده است. در لابه لای نگارش او درباره برخی از آنها چندبار آمده است: «نگارش آنچه یاد کردیم در حضور من صورت پذیرفت»، و این نشان دهنده تراز کامل توجه و بازبینی و ریز کاوی اوست.

وانگهی، وی اطلاعات صحیح را تأیید کرده و با بررسی آنها به روش های علمی و اخبار متواتر بر درستی آنها تأکید کرده؛ و به روش های علمی و واقعگرا اطلاعات ضعیف را [باز شناخته و] ضعیف شمارده است. این امور موجب تقویت اعتماد به نوشته های او و پذیرش آنها شده است.

از تقی الدین فاسی جز این انتظار نمی رود، چه او محدث و فقیهی است که عهده دار قضاوت در مکه مکرمه بوده است و در کتابش حقایق را با شم و درک عالمی گرد آورده است که امانت علمی بر گردن دارد که باید آن را به کامل ترین شکل ادا کند. وی به پا خاست و امانت را با کمال صداقت و اخلاص به جا آورد. این مهم در ذیل عنوانی که گذشت و در چندین صفحه، نمود یافته است که نقل کامل آنها در این باریکه گفتار نمی گنجد. اما بخش هایی از آن را تا آن مایه که با اهداف این جستار سازوار است، می توان برگرفت و باز گفت تا نمایی روشن از این مکان های تاریخی که آیندگان از گذشتگان در قالب تواتری علمی و سالم نقل کرده اند پیش رو نهاده شود. از این هم فراتر، این از ویژگی های مکتب تاریخی مکه است که زنجیروار از ازرقی آغازیده و به تقی الدین فاسی انجامیده است.

بررسی فاسی این گونه سرگرفته است: این مکان ها [شامل] مسجدها و خانه ها و کوه ها و آرامگاه هاست. [شمار] مساجد بیش از دیگر موارد است، البته برخی از آنها به زادخانه و برخی دیگر به خانه مشهورند. در اینجا مراد بیان مواردی است که به مسجد شهره اند؛ از آنهاست:

. مسجدی در بالا و نزدیک مجززه بزرگ، در سمت راست کسی که به سوی مکه سرازیر است و در سمت چپ کسی که از آن بالا می رود. گفته شده است که پیامبر اکرم (ص) در آنجا نماز مغرب گزارده است. این نکته را در دو تخته سنگ در این مسجد یافتیم که یکی از آنها به خط عبدالرحمان بن ابی حرمی است و بر آن کنده شده است که وی در ماه رجب سال ۵۸۸ هـ. ق عمره گزارده است، و بر دیگری حک شده است که وی در سال ۶۴۷ هـ. ق عمره به جا آورده است. [فاسی،] سپس مساحت این مسجد و فاصله آن با دیوار باب بنی شیبه را آورده و در پی آن گفته است که این اندازه گیری در حضور من صورت پذیرفت. (۱)

فاسی در بررسی این مکان، سخن کسانی را که می گویند این همان جایی است که مردم در روز فتح [مکه] در آن با پیامبر (ص) بیعت کردند، نمی پذیرد و می گوید: «شماری از مردم این عصر پنداشته اند، این مسجد همان مسجدی است که ازرقی گفته است، در قرن مسقله کنار موقف الغنم است و گفته می شود رسول خدا (ص) در روز فتح مکه در آنجا از مردم بیعت گرفت.

علت این پندار آن است که [گمان رفته است] مسجدی که مساحت آن، و برخی از خبرها را درباره آن یاد کردیم، به [همان] کوهی پیوسته است [که ازرقی آن را در قرن مسقله دانسته است]، و اکنون سوق الغنم در کنار آن است، اما این پندار نادرست است زیرا کوهی که این مسجد کنار آن است بنا بر قول ازرقی، کوهی است مشرف بر مروه که کوه دیلمی خوانده می شود و در بخش بالایی مکه شامی است، و ازرقی، قرن مسقله را که بدان اشاره کرده در بخش بالایی مکه یمانی دانسته است.» (۲)

۲. دیگری مسجدی است در بالای مسجد پیشین که به آن مسجدالرایه (۳) گفته می شود

۱- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، چاپ سیدی و ذهبی، ج ۱، ص ۴۹۳. - م.

۲- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، چاپ سیدی و ذهبی، ج ۱، صص ۴۹۳ و ۴۹۴. - م.

۳- این مسجد را از آن رو مسجد الرایه (مسجد بیرق) خوانده اند که رسول خدا (ص) در روز فتح مکه، پرچمش را در محل آن افراشته می دارد و دو گانه ای می گزارد. بنگرید به: موسوعه مرآة الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۸۸. - م.

و محب طبری در کتاب القری [لقاصد ام القری] آن را به این نام معرفی کرده است.

این مسجد بنا بر آنچه گفته شده و ازرقی هم یاد کرده است، از جمله مساجدی است که رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده است. [نیز] ازرقی یاد کرده است که این مسجد را عبدالله بن عباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، ساخته است. در این مسجد دو کتیبه سنگی وجود دارد. یکی کوفی و ناخواناست، و در دیگری آمده است که مستعصم عباسی در شعبان ۶۴۰ ه. ق دستور داده است مسجد ترمیم شود. امیر [قَطْلُوَيْك] (۱) حُسامی مَنجکی [نیز] در اوایل سال ۸۰۱ ه. ق آن را تعمیر کرده است. [فاسی] سپس به مساحت مسجد پرداخته و مقدار آن را بیان داشته و گفته است: «این اندازه گیری در حضور من صورت گرفت.» (۲)

۳. مورد دیگر مسجدی است در سوق اللیل نزدیک زادخانه پیامبر اکرم (ص) که به آن مختباء [پناهگاه] گفته می شود، و هر ساله مردم بسیاری در بامداد روز دوازدهم ماه ربیع الاول، آنجا را زیارت می کنند. کسی را ندیدم از این مسجد یاد کند، و چیزی از اخبار مربوط به آن نمی دانم. (۳)

۴. مورد بعدی، مسجدی است در پایین دست مکه، منسوب به ابوبکر و گفته شده است این مسجد [بخشی از خانه او] (۴) بوده است که از آن به مدینه مهاجرت کرده است. و الله اعلم. این مسجد مکانی شناخته شده در محلی مشهور به حجاریه در پایین مکه و نزدیک باب ماجن است. (۵)

از موارد دیگر، مساجدی است که در بیرون و بالادست مکه اند؛ از آنهاست:

- ۱- در متن مبدأ صفحه ۳۴ برخلاف متن کتاب فاسی، چاپ سید و ذهبی (۱۹۹۹، ج ۱، ص ۴۹۴)؛ و چاپ علی عمر (۲۰۰۷، ج ۱، ص ۴۳۲) آمده است: «قطلبک». - م.
- ۲- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۴۹۴. - م.
- ۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، چاپ سیدی و ذهبی، ج ۱، ص ۴۹۵. - م.
- ۴- در متن مبدأ صفحه ۳۴ آمده است: «و يقال الذین من التی هاجر منها الی المدینه. . .»؛ حال آنکه فاسی در متن مادر (شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴۹۵) چنین آورده است: «و يقال انه من داره التی هاجر منها الی المدینه. . .». - م.
- ۵- شفاء الغرام، فاسی، ج ۱، ص ۴۹۵. - م.

۵. مسجدی که به مسجدالاجابه معروف است و در سمت چپ کسی قرار دارد که در شعبی نزدیک ثنیه اذخر به منا می رود. این، مسجدی بنام است و گفته می شود که پیامبر اکرم (ص) در آن نماز گزارده است.

ازرقی از این مسجد یاد کرده و درباره شعبی که در آن قرار دارد نیز چیزهایی آورده است، چه او با سند گذشته چنان که نقل کردیم می گوید: «شعب آل قنفذ [همان شعبی است که خانه آل خلف بن عبد ربه بن سائب در آن است و رو به روی قصر محمد بن سلیمان است و به آن شعب اللثام (۱) گویند]. [مراد از قنفذ، قنفذ بن زهیر از بنی اسد بن خزیمه است. این همان شعبی است که چون از منا به مکه روی کنی در بالای باغ خرمان و در سمت چپ توست، و امروزه، دارالخلیفین (۲)] خانه دو خلیفه [از بنی مخزوم در آن است. در این شعب، مسجدی ساخته شده که گفته می شود پیامبر اکرم (ص) در [محل] آن نماز خوانده است و امروزه حضر میان به هنگام [حج] در آن منزل می کنند.» (۳)

این مسجد اکنون یکسره ویران است و جز دیوار پیشین، همه دیوارهای آن فرو ریخته و در آن سنگ نبشته ای است که بر آن حک شده است که این، مسجدالاجابه است و عبدالله بن محمد در سال ۷۲۰ه. ق آن را تعمیر کرده است. [فاسی،] پس از این، مساحت مسجد را گفته و اشاره کرده است: «این اندازه گیری در حضور من صورت پذیرفت.» (۴)

۱- در چاپ سید و ذهبی (۱۹۹۹، ج ۱، ص ۴۹۶) آمده است: «شعب اللام» و در چاپ علی عمر (۲۰۰۷، ج ۱، ص ۴۳۳) آمده است: «شعب اللثام» و نقل چاپ قبلی، حاصل تحریف دانسته شده است. در اخبار مکه ازرقی (ج ۲، ص ۲۸۶)، هم اللثام آمده است. - م.

۲- در چاپ سید و ذهبی (۱۹۹۹، ج ۱، ص ۴۹۶) آمده است: «دار الخلعین» و در چاپ علی عمر (۲۰۰۷، ج ۱، ص ۴۳۳) آمده است: «دار الخلیفتین». مؤلف محترم بی آنکه به اختلاف این دو نسخه چاپی اشارتی کند، نقل نسخه علی عمر را در متن باز گفته از نسخه سید و ذهبی گنجانده است. وانگهی در کتاب ازرقی (ج ۲، ص ۲۸۷) آمده است: «خلفین». - م.

۳- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۸۷ (با اندک اختلاف در لفظ). - م.

۴- شفا الغرام، ج ۱، صص ۴۹۶ و ۴۹۷. - م.

۶. مسجد البیعه، یعنی همان بیعتی که در آن انصار در حضور عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم (ص) با آن حضرت بیعت کردند. این مسجد، نزدیک عقبه ای است که حد نهایی منا از سوی مکه است، و در آن سوی عقبه در نزدیکی مکه و در شعبی است که در سمت چپ کسی واقع است که از مکه به منا می رود. [فاسی] سپس از سنگ نوشته ای در این مسجد سخن می گوید، آن گاه به توصیف دقیق و ذکر مساحت مسجد می پردازد و عبارت «تعیین آنچه بیان داشتیم در حضور من انجام شد» را تکرار می کند. (۱)

۷. مسجدی (۲) در منا نزدیک خانه ای معروف به دارالمنحر میان جمره اولی و جمره وسطی، در سمت راست کسی که به سوی عرفه بالا می رود. این مسجد بنا بر آنچه گفته شده است، منسوب به پیامبر اکرم (ص) است، زیرا در آن سنگ نبشته ای است که بر آن حک شده است: این جا مسجد سید الاولین و آخرین است که در [محل] آن نماز ظهر گزارده و قربانی خود را نحر کرده است. [فاسی در ادامه] به بیان مساحت و ویژگی های این مسجد پرداخته و افزوده است: «بررسی و تعیین مساحت در حضور من بوده است.» (۳)

۸. مسجد کبش در منا در سمت چپ کسی که رو به عرفه دارد. این مسجد در منا، معروف است و مراد از کبش (قوچ)، همان قوچی است که خداوند آن را سر بهای پیامبرش اسماعیل بن ابراهیم قرار داد. و این منحر [کشتار گاه شتر]، همان خانه معروف به دارالمنحر در منا میان جمره اولی و وسطی، نزدیک مسجدی است که پیش تر از آن یاد شد. این خانه در میان مردم به همین نام مشهور است؛ و قربانی [صلیحی] پادشاه

۱- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۴۹۶ و ۴۹۷. - م.

۲- این مسجد که آن را مسجد نحر و مسجد منحر خوانده اند، در میانه شرقی منا میان جمره اولی و جمره ثانی قرار داشته و بانی و سازنده آن ناشناخته است. در سال ۶۴۵ ه. ق.، ملک منصور (صاحب الیمن) آن را تعمیر و بازسازی می کند. در این مسجد سنگ نوشته ای بوده است با این مضمون: رسول خدا (ص) در حجه الوداع در این مکان پس از نماز ظهر ۶۳ شتر به دست خود ذبح می کند و ۳۷ شتر را به علی (ع) و امی گذارد تا برای آن جناب ذبح کند. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۹۱. - م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۴۹۷ و ۴۹۸. - م.

یمن در آن نحر می شود. [فاسی] سپس به توصیف این مسجد روی می کند و مساحت آن را بیان می دارد. (۱)

۹. مسجد خیف در منا، مسجدی پر فضیلت است که اخبار و احادیث بر آن دلالت دارد. از آنهاست آنچه که از المعجم الکبیر طبرانی روایت کردیم. به این ترتیب که ابن عباس می گوید: «رسول خدا (ص) گفت: هفتاد پیغمبر در خیف نماز گزارند که یکی از آنها موسی است.» (۲)

و به سند ازرقی که به ابن جریج می رسد، وی از اسماعیل بن امیه نقل کرده است که خالد بن مضرس به او خبر داده است که سالخوردگانی از انصار را دیده است که در مقابل مناره و نزدیک آن در پی محل نماز گزاردن پیامبر اکرم (ص) می گشتند. همچنین به سند فاکهی که به ازرقی می انجامد، می گوید: «جدم گفت: سنگ هایی که مقابل مناره است همان محل نماز گزاردن پیامبر اکرم (ص) است و هنوز هم مردم و عالمان در آنجا نماز می گزارند.» (۳)

فاسی سخن درباره مسجد خیف و مستحب بودن زیارت آن و احادیث وارد شده در این باره را به شرح آورده است، سپس به بحث از معماری مسجد و تعیین مساحت آن و معلوم داشتن نمازگاه پیامبر اکرم (ص) روی کرده است، همچنان که از شماری از آثار تاریخی آن یعنی مناره و سقاخانه، و امیران و بازرگانانی که ساخت و تعمیر آن را پذیرفته اند، سخن گفته است و در پایان بررسی خود، پیشنهادهایی چند درباره معماری آن عرضه داشته است. (۴)

۱۰. مسجدی در تنعیم که عایشه پس از حج در حجه الوداع، از آنجا عمره اش را آغاز کرده است. فاسی از خلفا و شاهان و ثروتمندانی که به تعمیر این مسجد

۱- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۴۹۸ و ۴۹۹. - م.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۰. - م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۱. - م.

۴- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۰۱ - ۵۰۶. - م.

پرداخته اند و نیز از مساحت آن یاد کرده است. (۱)

۱۱. مسجد فتح نزدیک جموم در وادی مرالظهران (۲)، گفته شده از مساجدی است که پیامبر اکرم (ص) بین مکه و مدینه در آن نماز گزارده است. قاضی زین الدین بن حسین مراغی مدنی در کتاب تاریخ المدینه المنوره، این مسجد را در شمار مساجدی یاد کرده است که پیامبر اکرم (ص) میان مکه و مدینه در آنها نماز خوانده است. متن سخن او چنین است: «و مسجدی در مسیلی که در وادی مرالظهران است، و هنگامی که از [بلندی های] صفاوات به سوی مکه سرازیر شوی در سمت چپ راه قرار دارد. مرالظهران، همان بستر مسیلی است که امروزه به مسجد فتح مشهور است.» (۳)

به فرجام، فاسی این پاره از این باب را با این عبارت به پایان برده است «این مکان های مبارک در مکه و حرم مکه و نزدیک آن، اکنون به مساجد معروفند، و ازرقی مساجد دیگری را برشمارده است که امروز محل آنها معلوم نیست.» (۴)

وی سپس به عنوانی تازه می پردازد «شرح محل های مبارک در مکه که به زادخانه معروفند.» وی شرح این محل ها را این گونه آغاز می کند: این محل ها، در واقع مسجندان و تنها در میان مردم به زادخانه شهره شده اند. از این رو آنها را جدا از مساجد یاد کرده ام، برخی از این محل ها در ذیل می آید. (۵)

۱. زادگاهی که زادخانه پیامبر (ص) نامیده می شود و در محلی است که به آن سوق اللیل گویند و در میان مکیان، شناخته شده و مشهور است. سهیلی در شرح زادخانه پیامبر اکرم (ص) و کسانی که در آن ساخت و ساز کرده اند، مطلبی آورده است که موجب شگفتی است، چه او می گوید: «او [ص] در شعب زاده شد، و گفته می شود

۱- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۰۶ و ۵۰۷. - م.

۲- مرالظهران، جایی است در ۲۲ کیلومتری شمال مکه مکرمه که امروزه به وادی فاطمه معروف است. - م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۸. - م.

۴- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۸.

۵- شفاء الغرام، ج ۱. - م.

در خانه ای در صفا به دنیا آمد که [بعدها] در تصرف محمد بن یوسف برادر حجاج بوده، و بعدها، زبیده هنگام حج گزاردن در آنجا مسجدی ساخت.» (۱)

حافظ علاءالدین مغلطای هم در کتاب السیره، در معلوم داشت زادخانه پیامبر اکرم (ص)، چیزی گفته که موجب شگفتی است، چه او می گوید: «بر اساس اخباری که من به دست آورده ام، [پیامبر اکرم (ص)] در مکه زاده شده است. سپس در ادامه می گوید: در خانه ای که [بعدها] از آن محمد بن یوسف برادر حجاج بن یوسف شده است زاده شد و گفته می شود در شعب و گفته می شود در ردم و در عسفان.» (۲)

شگفتی این سخن در آن است که گفته شده است پیامبر (ص) در ردم و در عسفان زاده شده است.

این قول که آن حضرت در ردم به دنیا آمده است را ابوحفص [عمر] بن شاهین [در. ۳۸۵ه. ق] در کتاب الناسخ و المنسوخ، روایت کرده است؛ زیرا او می گوید: «احمد بن عیسی بن سکن از هاشم بن قاسم از یعلی بن اشدق از [۳] عبدالله بن جراد برای ما نقل کرد که رسول خدا (ص) در ردم زاده شد و در ردم ختنه گشت و در ردم مبعوث شد و از ردم [۴] به معراج یا جایی دیگر [برده شد.]» (۵)

بکری می گوید: ردم بنی جُمَیح در مکه، [جایی است که در آن] میان بنی جُمَح و بنی محارب بن فِهر، جنگی در گرفت؛ بنی محارب بسیاری از بنی جمح را کشتند؛ از این رو، این محل به واسطه فراهم آمدن پشته ها از کشته ها [۶]، ردم

۱- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۹. - م.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۹. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۳۷ آمده است: «قال: حدثنا احمد بن عبدالله بن جراد. . .»؛ اما در متن مادر، (شفاء الغرام، ج ۵، ص ۵۰۹) فاسی آورده است: «قال حدثنا احمد بن عیسی بن السکن، حدثنا هاشم بن القاسم، حدثنا یعلی بن الاشدق، عن عبدالله بن جراد. . .». چنان که روشن است در متن مبدأ شخصیت مجهولی در سلسله سند حدیث گنجانده شده است، یعنی احمد بن عبدالله بن جراد. - م.

۴- حُمَل من الردم. - م.

۵- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۹. - م.

۶- در شفاء الغرام (چاپ سید و ذهبی، ج ۱، ص ۵۰۹؛ چاپ علی عمر، ج ۱، ص ۴۴۷) آمده است: «القتلی». قتلی جمع قتیل به معنای کشته شدگان است. اما در متن مبدأ صفحه ۳۷ به غلط آمده است: «القتل». ترجمه بر اساس متن مادر صورت پذیرفت.

خوانده شده است. (۱)

سپس در ادامه از موضوعات زیر درباره این مکان شریف سخن گفته است: آنچه درباره برکت این مکان وارد شده است، توصیف آن براساس درک و دریافت فاسی، تعیین مساحت آن و سرانجام برشمردن نام خلیفه هایی که آبادانی و تعمیر آن را گردن نهاده اند. (۲)

۲. از آن جمله است مکانی که گفته می شود زادخانه [حضرت] فاطمه [دختر پیامبر] (۳) [علیها السلام] است. این محل در خانه مادرش خدیجه دختر خویلد بوده که در کوچه ای معروف به زقاق الحجر [کوچه سنگی] در مکه مکرمه قرار داشته است. (۴) [فاسی] بار دیگر از این محل، ذیل شرح خانه های مبارک در مکه مکرمه یاد کرده و گفته است: «یکی از آن خانه ها، خانه خدیجه ام المؤمنین است که به زادخانه فاطمه (علیها السلام) معروف است، چه او و برادرانش از خدیجه و پیامبر (ص) در آن زاده شدند.» (۵)

اکنون بیشتر این خانه مسجد شده است؛ زیرا رواق دارد و هفت قوس بر هشت ستون در آن است و در دیوار رو به قبله آن سه محراب درست شده است که خود سه مکان [خاص] بوده اند:

الف. محلی که به آن زادزمین فاطمه (علیها السلام) گفته می شود.

۱- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۹. م. * در مقاله «خانه خدیجه بهترین مکان پس از مسجدالحرام» میقات حج، سال هیجدهم، شماره ۶۹، ص ۱۲۲، عبارت «فسمی ذلك الموضع بما ردم علیه من القتلی» بدین سان ترجمه شده است: «به همین دلیل آنجا (ردم) نام گرفت، دلیل آن ویرانه های به جا مانده از نبرد بود». م.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۱۰ و ۵۱۱. م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۱۰ و ۵۱۱. م.

۴- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۱۱ و ۵۱۲. م.

۵- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۴. م.

ب. محلی که به آن قبهالوحي (۱) گفته می شود که چسبیده به زادزمین فاطمه (علیها السلام) است.

ج. محلی که به آن مختبأ گفته می شود و چسبیده به قبهالوحي است.

این خانه پس از مسجدالحرام برترین خانه مکه است، چنان که محب طبری گفته است، (۲) و این شاید از آن روست که پیامبر اکرم (ص) پس از همسری با خدیجه تا هنگام هجرت، سال ها در آن زندگی کرده است و آیات فراوانی [در آنجا] بر او نازل گشته است. پیامبر اکرم (ص) در این خانه با خدیجه همسر شد و فرزندان خدیجه در این خانه زاده شدند و او در همین خانه از دنیا رفت. (۳)

۳. یکی دیگر از آنها محلی است که به آن زادخانه علی بن ابیطالب (ع) گفته می شود و نزدیک زادخانه پیامبر اکرم (ص) و در بالادست آن است. این مکان نزد مکیان به این نام مشهور است و میان آنان در این امر اختلافی نیست. ازرقی از این محل یاد نکرده است اما ابن جبیر از آن یاد کرده است. (۴) و (۵) بر در این خانه نوشته شده است: این [مسجد] زادخانه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است و پیامبر (ص) در آن پرورش یافت.

سید و مولای ما ابوالعباس احمد بن ناصر لدین الله در سال ۶۸۰هـ. ق دستور داد این خانه تعمیر شود. (۶)

فاسی در ادامه به شرح ویژگی های این مکان و مساحت آن پرداخته است.

البته عقیف الدین عبدالله میرغنی دیدگاهی دیگر دارد، وی بر این باور است که علی (ع) در درون کعبه چشم بر جهان گشوده است. اما نووی این نقل را

۱- مکانی در خانه حضرت خدیجه (علیها السلام) که جای نزول فرشته وحی بر پیامبر اکرم (ص) و ابلاغ وحی به آن حضرت بوده است و بعدها در آن مقصوره ای ساخته شد. - م.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۱۴ و ۵۱۵. - م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۴. - م.

۴- رحله، ابن جبیر، ص ۱۴۲. - م.

۵- گفتنی است که در رحله (ابن جبیر، ص ۱۴۲) آمده است: «کنار زادخانه پیامبر اکرم (ص) مسجدی است که بر آن نوشته شده است که این مسجد زادخانه علی (ع) است». چنان که دیده می شود، ابن جبیر چونان جهانگرد، تنها آنچه را دیده است آن هم با صیغه مجهول (نوشته شده) یاد کرده است. - م.

۶- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۲.

ضعیف دانسته است. (۱)

او از این رهگذر به موضوع دیگری که پذیرفته علمای شیعه است، اشاره کرده است و آن این است که امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (ع) در کعبه مشرفه زاده شده است. از آثار جامع در این زمینه کتاب ولید الکعبه (۲) است.

امروزه هیچ اثری از این زادخانه برجای نیست و [محل آن] در سمت چپ زادخانه نبوی رو به روی حرم، به توقفگاه خودرو تبدیل گشته است. (۳)

۴. مورد دیگر، محلی است که به آن زادخانه [امام] جعفر صادق (ع) گفته می شود و به خانه ابوسعید معروف و نزدیک دارالعجله است. علت این نامگذاری وجود سنگ نوشته ای بر سر در این خانه است که بر آن حک شده است: اینجا زادخانه جعفر صادق (ع) است و پیامبر اکرم (ص) به آن پا گذاشته است. فاسی پس از این به مساحت این محل و کسانی که به تعمیر آن پرداخته اند اشاره کرده است. (۴)

[فاسی همچنین می افزاید: گفته شده است این خانه، از آن جعفر بن ابی طالب معروف به طیار بوده است (۵)].

فاسی در ادامه، مطالب را ذیل عنوان «خانه های مبارک مکه مکرمه» آورده است. این مکان ها به ترتیب ذیل آمده اند:

[۵]. خانه ام المؤمنین خدیجه (علیها السلام) که از آن یاد شد.

[۶]. محلی که گفته می شود خانه ابوبکر است که در همین کوچه [حجر] واقع و

۱- عدهالانابه فی اماکن الاجابه، [عفیف الدین عبدالله میرغنی]، ص ۲۱۰.

۲- ولید الکعبه، سید محمدرضا جلالی حسینی؛ مولد امیر المؤمنین (ع) نصوص مستخرجه من التراث الاسلامی، احمد باکتچی؛ یگانه مولود کعبه، محمد علی اردوباوی، ترجمه حسینعلی عربی. بسیاری از عالمان اهل سنت بر ولادت علی (ع) در کعبه تصریح کرده اند، از آنهاست: حاکم نیشابوری در مستدرک، ج ۳، ص ۴۸۳؛ ابن مغزلی در مناقب علی (ع)، صص ۲۶ و ۲۷؛ سبط ابن جوزی در تذکره الخواص، ص ۲۰؛ مسعودی در مروج الذهب، ج ۲، ص ۲. - م.

۳- روشن است که این بند از افاضات مؤلف محترم (ابوسلیمان) است، با این حال، در صفحه ۳۸ متن مبدأ ذیل پی نوشت شماره ۴۷ آمده است: «عده الانابه فی اماکن الاجابه، ص ۲۱۰. - م.

۴- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، ص ۵۱۴.

۵- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، ص ۵۱۴. - م.

مشهور است، و بر در آن سنگ نبشته ای است که بر آن حک شده است: اینجا خانه یار رسول خدا (ص) در غار و همراه او در سفرهاست. [فاسی] سپس به بعد تاریخی این خانه و شرح مسجدی که در آن است، می پردازد. (۱)

[۷]. مورد دیگر، خانه ارقم [بن ابی ارقم] مخزومی است که در صفا و به دار خیزران معروف است. هدف از زیارت این خانه، زیارت مسجدی است که در آن است. [این مسجد] از مساجد مشهور، و در شمار مساجدی است که ازرقی از آنها یاد کرده است. شاید این محل پس از خانه خدیجه برترین مکان در مکه است. چرا که پیامبر اکرم (ص) بسیار در آن درنگ داشته و مردم را پنهانی به اسلام فرا می خوانده است.

دیگر اینکه اقامت حضرت در این مکان کمتر از اقامت او در خانه خدیجه بوده است از این رو خانه خدیجه برتر از این مکان است. والله اعلم.

فاسی از ویژگی های این مسجد و مساحت آن و سنگ نوشته ای که در آن است سخن گفته است. (۲)

[۸]. از دیگر خانه های مبارک در مکه، خانه عباس بن عبدالمطلب در مسعی است که پرچم سبز در آن است و اکنون نوانخانه تهیدستان شده است. (۳)

اینها مجموع مکان های تاریخی مکه مکرمه است که به صورت مکتوب به تقی الدین فاسی رسیده است.

وی پس از آنچه گذشت، عنوان دیگری آورده است و آن «شرح کوه های مبارک مکه و حرم آن» است که در آن از جمله به مورد ذیل پرداخته است:

[۹]. مسجد مرسلات که در جنوب مسجد خیف [در دامنه کوه صفائح] است. محب طبری در کتاب القری [لقاصد ام القری] در باب سی ام با عنوان «آنچه درباره غاری که سوره مرسلات در آن نازل شد، وارد شده» [آورده است که] از عبدالله بن مسعود، نقل

۱- شفاء الغرام باخبار بلدالحرام، فاسی، ج ۱، صص ۵۱۶ - ۵۱۸. - م.

۲- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، صص ۵۱۸ و ۵۱۹. - م.

۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، ص ۵۱۹.

است که هنگامی که ما با پیامبر (ص) در منا در غار بودیم، ناگاه: وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱)؛ «سوگند به فرستادگان پی در پی» بر حضرت نازل شد. حضرت آن را تلاوت می کرد و من آن را از دهان او [می گرفتم] (۲)، و حضرت آنچه به او وحی می شد، بیان می داشت که ناگه ماری در میان جهید، پیامبر (ص) گفت: بکشیدش، ما به سوی آن شتافتیم، گریخت، حضرت گفت: از شر شما امان یافت، همچنان که از شر آن محفوظ ماندید. (۳)

غار یاد شده مشهور است و برای کسی که از یمن می آید در پشت مسجد خیف در دامنه کوه [صفائح] واقع است. این چنین آیندگان از گذشتگان آن را یاد کرده اند. و الله اعلم. (۴)

از نوشته های مهم فاسی در این باره، مطلبی است که در باب بیست و دوم کتابش آورده است با عنوان «در باره مکان هایی در مکه مکرمه و حرم [و اطراف آن] که با مناسک [حج] ارتباط دارند، و ۲۶ محل اند و به ترتیب حروف الفبا مرتب شده اند.» (۵) وی به شرح از آنها یاد کرده است.

۴. الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، اثر جمال الدین محمد جارالله بن محمد نور الدین بن ابی بکر بن علی بن ظهیره قرشی مخزومی (در. ۹۸۶ه. ق).

نگارنده، گفتار پایانی کتابش را به این عنوان اختصاص داده است «در شرح مکان های معظم و محل های مکرم مکه مکرمه و حرم و اطراف آن که به فضیلت شهره اند و زیارت می شوند یعنی زادخانه ها و خانه ها و مسجدها و کوه ها و آرامگاه ها و امثال اینها.»

۱- مرسلات: ۱. - م.

۲- در شفاء الغرام چاپ سید و ذهبی (۱۹۹۹، ج ۱، ص ۵۳۱)؛ و چاپ علی عمر (۲۰۰۷، ج ۱، ص ۴۶۷) مانند صحیح بخاری (ج ۲، ص ۳۹) آمده است: «و انی لاتلقاه من»، اما در صفحه ۳۹ متن مبدأ آمده است: «و انی لألقاه من». - م.

۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۳۹. - م.

۴- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۳۱ و ۵۳۲. - م.

۵- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، صص ۵۳۹ - ۶۰۲. - م.

وی نخست به بیان زادخانه ها می پردازد:

۱. یکی از اینها که از والاترینشان است، زادخانه حضرت رسول اکرم (ص) است که سخن را با آن می آغازیم. این محل در مکه و در مکانی است معروف به سوق اللیل که به مولد النبی مشهور است.

او در ادامه می گوید: «زادخانه بودن این مکان زبانزد، و میراثی است که آیندگان از گذشتگان باز گفته اند. در مکه رسم شده است هر سال در شب دوازدهم ربیع الاول (۱)، قاضی شافعی مکه پس از نماز مغرب در میان جمعیتی انبوه که در میان آنها سه نفر قاضی و بیشتر فقیهان و فضیله بزرگ و ثروتمندان وجود دارند با فانوس های فراوان و شمع های بزرگ در قالب خیلی عظیم به زیارت این محل مقدس می روند.» (۲)

وی در ادامه، معرفی مشروح این مکان ها را پی می گیرد که در اینجا به کوتاهی از آنها یاد می شود:

۲. زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) [دختر حضرت رسول خدا (ص)] که در خانه مادرش خدیجه در کوچه ای در مکه معروف به زقاق الحجر بوده است و طبری آن را دارخزیمه خوانده است [. . .]. [اکنون،] بیشتر این خانه حالت مسجد دارد و در آن جایگاهی است که به آن قبه الوحی گفته می شود و در کنار آن جایی است که مختباء نامیده می شود و مردم به زیارت آن می آیند و می پندارند، پیامبر اکرم (ص) هنگامی که مشرکان به او سنگ می پراندند در پس این محل پناه می گرفته است. این سخن بی پایه است. (۳)

۳. یکی از این مکان ها، زادخانه حضرت علی بن ابی طالب (ع) است که در محلی معروف به شعب علی قرار دارد. این زادخانه مقابل زادخانه پیامبر اکرم (ص) و در بالادست آن است. این مکان در میان مکیان مشهور است و در آن اختلافی نیست و بر در آن سنگ نبشته ای است که بر آن حک شده است: اینجا زادخانه امیرالمؤمنین

۱- سال روز ولادت رسول اکرم (ص) به روایت اهل سنت. - م.

۲- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره، صص ۳۲۵ و ۳۲۶. - م.

۳- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره، ص ۳۲۷. - م.

علی بن ابی طالب است. رسول خدا (ص) در این محل پرورش یافت. گفته شده است زادخانه حضرت علی (ع) درون خانه کعبه است، اما نووی در [کتاب] تهذیب الاسماء و اللغات (۱)، این نقل را ضعیف دانسته است. (۲)

۴. مورد دیگر بنا بر نقل، زادخانه حضرت حمزه بن عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم (ص) است که در پایین دست مکه بر سر راه کسی است که به برکه ماجن (که اهل مکه به غلط آن را ماجد گویند) می رود.

فاسی می گوید: (۳) «دلیلی بر درستی این مطلب نیافته ام، صحت این امر مورد تردید است؛ زیرا این مکان، محل بنی هاشم نبوده است والله اعلم.» (۴)

۵. جایی که می گویند زادخانه عمر خطاب است. فاسی (۵) این سخن را ضعیف دانسته و می گوید: «در این باره چیزی نمی دانم که معتبر شناخته شود.» (۶)

۶. زادخانه دیگر، جایی است که به آن زادخانه [امام] جعفر صادق (ع) گفته می شود. (۷)

نگارنده، شرح خانه های مبارک را ادامه می دهد، و باز به شرح دوباره آنچه گذشت به عنوان خانه هایی که در مکه، مسجد به شمار رفته اند می پردازد (۸) و از خانه های زیر یاد می کند: خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی که در روزگار او به خانه خیزران معروف بوده

۱- مترجم در شرح حال علی (ع) در کتاب تهذیب الاسماء و اللغات (ج ۱، صص ۳۴۴ - ۳۴۹) و نیز در دو مجلد دیگر آن، توانست این سخن منسوب به نووی را بیابد. - م.

۲- الجامع اللطیف، ص ۳۲۸. - م. * برای آشنایی با دیدگاه اهل سنت نسبت به زادخانه حضرت علی (ع) بنگرید به پانوش ۲ صفحه ۶۸ همین کتاب. - م.

۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۵۱۳. - م.

۴- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره، ص ۳۲۸. - م.

۵- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۳. - م.

۶- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ص ۳۲۸. - م.

۷- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره، ص ۳۲۹. - م. * در متن مبدأ صفحه ۴۰ در تاریخ چاپ کتاب الجامع اللطیف آمده است: « ۱۳۹۲ هـ / ۱۹۳۲ م » که خطا، و درست آن ۱۳۵۲ هـ. ق. است. - م.

۸- برخلاف سخن مؤلف محترم، ابن ظهیره در الجامع اللطیف ذیل عنوان « ذکر الدور المبارکة » (صص ۳۲۹ - ۳۳۱) از شش محل یاد می کند و تنها خانه ارقم بن ابی ارقم را مسجد می خواند. - م.

است. این خانه در کنار صفا قرار دارد و هدف [از دیدار آن] زیارت مسجدی است که در آن است؛ چرا که رسول خدا (ص) در آغاز دعوت در آن پنهان بوده و عمر و حمزه و دیگران در آن اسلام آوردند و اسلام از آنجا آشکار شد و صحابه در آن گرد می آمدند. پس این خانه را فضیلت بسیار است. مسجد یاد شده را خیزران همسر مهدی عباسی در آن ساخت. (۱)

[ابن ظهیره] سپس به خانه عباس بن عبدالمطلب که در مسعی قرار داشته و بعدها به نوانخانه تهیدستان تبدیل شده است، می پردازد. در دیوار این خانه [یکی از دو میله (۲)] سبز (۳) بوده است که در حالت سعی، حرکت در میان آن دو راحت صورت می گرفت. (۴)

پس از این به مساجد تاریخی در منا و اطراف آن اشاره کرده، می گوید: «برخی از اینها موجود و در عصر ما معروفند، و برخی دیگر از میان رفته اند و در مکه و بیرون آن اثری از آنها نیست.» (۵)

۱- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ص ۳۳۰. م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۴۲ آمده است: «کان فی جدارها المیلان الاخضران» که غلط و برخلاف متن مادر (الجامع اللطیف، ص ۳۳۰) است که در آن آمده است: «و فی جدارها احد المیلین الاخضرین». م. * مراد از این دو میله، دو پرچم سبز است که یکی در کنار خانه عباس بوده و دیگری در دیوار یا خودخانه، این دو پرچم سبز نشان دهنده محل شروع سعی از مروه به صفا، و پایان هروله (آهسته دویدن) از صفا به مروه بوده است. خانه عباس در اواخر جمادی الثانی ۱۳۶۷ هجری قمری تخریب شد. بنگر به: کعبه و مسجد الحرام در گذر تاریخ، محمد طاهر کردی مکی، ترجمه هادی انصاری، ص ۲۵۳. م. * برای آگاهی فزون تر بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، صص ۸۳۵ و ۸۳۶ - م.

۳- در شفاء الغرام باخبار البلد الحرام (فاسی، ج ۱، ص ۵۱۹) آمده است: «و فیها العلم الاخضر». م.

۴- الجامع اللطیف، ص ۳۳۰. م.

۵- آنچه مؤلف محترم از قول ابن ظهیره و ذیل «ذکر المساجد المأثوره فی منی و جهتها» آورده است شرح ابن ظهیره بر این عنوان نیست (ص ۳۳۳)، بلکه آغاز شرح عنوان «ذکر المساجد» است که از صفحه ۳۳۱ آغاز گشته و در صفحه ۳۳۳ پایان یافته و در آن از مساجد ذیل سخن رفته است: مسجد الرایه، مسجدی نزدیک مجزره بزرگ، مسجد مختباء، مسجد ابراهیم (بر کوه ابوقییس)، مسجد بیعه (جن، حرس)، مسجد اجابه. در صص ۳۳۳ تا ۳۴۰ ذیل «ذکر المساجد التي فی منی و جهتها» به مساجد ذیل اشاره رفته است: مسجد البیعه، مسجد نحر، مسجد کبش، مسجد عایشه، مسجد خیف، مسجد ضب، مسجد عرفه، مسجد تنعیم، مسجد جعرانه، مسجد فتح. م.

وی در ادامه به شرح مساجد معروف در روزگار خود می پردازد، از آنهاست: مسجد البیعه، مسجد جن، مسجد اجابه، (۱) [مسجد آل قنفذ، مسجد استراحت].

او در پایان به مساجدی که در منا و اطراف آن است (۲) پرداخته و از موارد ذیل یاد کرده است: مسجد البیعه، مسجد النحر میان جمره اولی و وسطی در سمت راست کسی که به عرفه می رود. مسجد کبش در سمت چپ کسی که در دامنه کوه ثبیر (۳) به سوی عرفه بالا می رود. مسجد عایشه که آن نیز در دامنه کوه ثبیر است. مسجد خیف. مسجدی در پای کوه ضب که مشرف به مسجد خیف است که صفائی آن را صفایح خوانده و صابح هم گفته شده است، و به غار مرسلات معروف است و تا به امروز به همین نام شناخته می شود.

در صحیح بخاری در باب «جانورانی که محرم آنها را می کشد» از قول ابن مسعود آمده است که او می گوید: ما در منا در غار با پیامبر (ص) بودیم که ناگاه: «و المرسلات عرفاً» بر او نازل شد. حضرت آن را تلاوت می کرد و من از دهان او می گرفتم و آن حضرت آنچه به وی وحی می شد بیان می کرد، که ناگاه ماری در میان جهید، پیامبر اکرم (ص) گفت: بکشیدش، ما به سوی مار شتافتیم، گریخت. پیامبر اکرم (ص) گفت: از شر شما امان یافت، همچنان که شما از شر او محفوظ ماندید. مسجد عرفه که امام در آن نماز می گزارد و مشهور است. مسجد تنعیم که عایشه پس از گزاردن حج در حجهالوداع در آن عمره را آغاز کرد، مسجد جعرانه، همان مسجدی است که رسول خدا (ص) پس از فتح مکه هنگامی که

۱- الجامع اللطیف، صص ۳۳۳ - ۳۳۸. م. * گفتنی است بر خلاف نقل مؤلف محترم در صفحه ۴۲ متن مبدأ، ابن ظهیره، هنگام برشمردن مساجد معروف از مسجد جن و مسجد اجابه یاد نکرده است، بلکه آن دو را ذیل عنوان «ذکر المساجد» آورده است (صفحه ۳۳۲) - م.

۲- چنان که دیده می شود مؤلف محترم پریشان گویی کرده است. چه در آغاز دو بند پیش آورده است: «مساجد تاریخی در منا و اطراف آن» و اینک نیز همان مطلب را تکرار کرده است. آنچه پیش از این آورده خطاست و با متن الجامع اللطیف سازگاری ندارد. - م.

۳- کوهی است مقابل کوه حرا. بنگرید به: کتاب اسماء جبال تهامه و جبال مکه و المدینه و ما فیها من القرى و ما ینبت علیها من الاشجار و ما فیها من المیاه، عرام بن الاصبغ سلمی، تحقیق و تعلیق محمد صالح سنّاوی، ص ۲۹. - م.

از طائف باز می گشت در عمره اش در آنجا محرم شد.» (۱)

جمال الدین محمد بن ظهیره، در ادامه به بررسی مساجدی که ازرقی از آنها نام برده اما در روزگار وی از آنها اثری نمانده است، می پردازد: مساجدی که ازرقی نام برده و اکنون اثری از آنها نیست، پنج باب است:

۱. مسجدی در بالادست مکه میان شعب ابن عامر که اکنون به شعب عامر معروف است.

۲. مسجدی در اجیاد که گفته می شود پیامبر اکرم (ص) به جایی در آن تکیه کرده است. ازرقی می گوید: آگاهان، این نکته را نمی پذیرند و تنها پذیرفته اند که آن حضرت (ص) در اجیاد صغیر نماز گزارده است، و بر محل نماز هم از سر تحقیق دست نیافته اند، بلکه تعیین محل آن مبتنی بر حدس بی اساس است. (۲)

۳. مسجدی در بالادست مکه مقابل مسجد حرس که به آن مسجد شجره گویند، و گفته شده است پیامبر اکرم (ص) در [محل] این مسجد، درختی را که در آن بود [نزد خود] فراخواند، درخت پیش آمد، حضرت از او چیزی پرسید، سپس دستور داد باز گردد، درخت به جای خود بازگشت. این مسجد از میان رفته است. (۳)

۴. مسجدی در ذی طوی در بالادست مکه میان دو ثنیه ای که حاجیان از آنها وارد [مکه] می شوند.

۵. مسجد سرر که اکنون تعیین محل دقیق آن ممکن نیست، بلکه حدود آن را می توان معلوم داشت.

۶. (۴) مسجدی در عرفه سمت راست موقف که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود، و

۱- الجامع اللطیف، صص ۳۳۳ - ۳۳۸.

۲- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۲. - م.

۳- برای آگاهی از این معجزه نبوی، بنگرید به: خطبه قاصعه (۱۹۲) نهج البلاغه. نیز بنگرید به پانوش ۳ صفحه ۶۱ همین کتاب. - م.

۴- در الجامع اللطیف صفحه ۳۳۸ آمده است: «الا خمس مساجد»؛ اما در شرح مطلب از شش مسجد یاد شده است. مؤلف محترم هم به این خطا عنایت نکرده و آن را تکرار کرده است. - م.

این غیر از مسجد عرفه ای است که امام در آن نماز می گزارد.

مساجد یاد شده، امروزه وجود ندارند و شناخته نیستند. (۱)

۵. الاعلام باعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، تألیف محمد قطب الدین بن احمد علاءالدین بن محمد نهروالی مکی، مشهور به قطبی (۹۱۷ - ۹۹۰ ه. ق).

قطبی سخن پایانی کتابش را به گفت و گو از مکان های تاریخی [مکه] اختصاص داده است با این عنوان «گفتار پایانی درباره محل های مبارک و مکان های تاریخی در مکه مشرفه» وی در این جستار به طور مبسوط و با بررسی تاریخی روشمند، به این مکان ها پرداخته است.

او کار را از اشاره به محل هایی که در رساله حسن بصری آمده، آغاز کرده است؛ سپس به افزوده های نقاش [مفسر] که درباره امور مربوط به این مکان ها است پرداخته است. وی از خانه حضرت خدیجه آغاز کرده؛ سپس زادخانه پیامبر اکرم (ص)، آن گاه به خانه ارقم [بن ابی ارقم] مخزومی پرداخته است. پس از این، دیگر مکان ها و مسائل مربوط به تاریخ و ساختمان آنها را بررسی کرده است.

قطبی نهروالی در معرفی این مکان ها به مواردی که در روزگار او معروف بوده بسنده کرده است. وی از این نکته در نوشته اش این گونه خبر داده است: «به شناخته شده های آنها بسنده می کنیم». (۲)

۶. الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، نوشته علی بن عبدالقادر طبری (در. ۱۰۷۰ ه. ق).

طبری فصل سوم کتابش را با عنوان «درباره مکان های مشهور [مکه] و مساجد [آن]» پرداخته است و می گوید: «در مکه و اطراف آن محل هایی معروف وجود دارد که

۱- الجامع اللطیف، صص ۳۳۸ - ۳۴۰ - م.

۲- الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکة المشرفه، [قطب الدین نهروالی]، ص ۳۵۳.

زیارت آنها مستحب است. نیز مساجد فراوانی غیر از مسجدالحرام، و نوانخانه های پرشماری وجود دارد که پیشینیان از آنها یاد کرده اند.

ما نیز به مساجد تاریخی ای که پیشینیان از آنها خبر داده اند، می پردازیم و همه آنچه را که در زمان ما وجود دارد یاد خواهیم کرد. [گفتنی است] بیشتر زادخانه هایی که از آنها سخن رفته است، در زمان ما مسجد گشته اند. (۱)

وی سخن را با شرح زادخانه رسول خدا (ص) آغازیده و می گوید: «در دهانه شعب علی و معروف است و بسیاری از آن یاد کرده اند. ناصر عباسی (۵۵۳ - ۵۶۲ ه. ق)، سپس اشرف شعبان حاکم مصر، بعد ناصر فرج بن برقوق، پس از او ملک مظفر غسانی حاکم یمن، و بعد سلطان سلیمان خان، گنبد و مسجد آن را تعمیر کرده اند و در آن نماز برپا می شود. این مربوط به سال ۹۳۵ ه. ق است. پس از آن، سلطان غازی محمدخان بن مولانا المقدس سلطان مرادخان، در سال ۱۰۰۹ ه. ق آن را بازسازی کرد. این بازسازی به دست یکی از بزرگان حکومت عثمانی به نام غضنفر آغا [غضنفر آقا] صورت گرفت. او پولی کلان برای این کار هزینه کرد و دیوارهای محل را برافراشت و بر آن گنبدی بزرگ نهاد و مناره ای ساخت و اموال بسیاری در روم [ترکیه] بر آن وقف نمود و برای آن مؤذن و سرایه دار و پیش نماز با حقوق سالانه معین گماشت که از محل عایدات وقف یاد شده فراهم می آمد و میان آنان تقسیم می شد. سپس حکومت برای این محل معلمی با دست مزد مشخص معلوم داشت که دو روز در هفته در آنجا تدریس می کرد.

مورد دیگر، زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) است که در زقاق الحجر در سمت راست کسی است که به مسجدالحرام می رود.

مورد بعدی، خانه خدیجه است که در جوار زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) است. خانه خدیجه (علیها السلام) پس از مسجدالحرام برترین مکان در مکه است.

۱- الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، [طبری]، ص ۶۸.

مورد دیگر، خانه خیزران در صفاست که معروف است و پیشینیان از آن یاد کرده اند. در این خانه مسجدی است که به آن مختباء گویند. زیرا پیامبر اکرم (ص) در آغاز [دعوت به] اسلام در آن پنهان می شد. واژه مسجد بر همه این خانه اطلاق می شود و دارای سرایه دار و امام جماعت است. (۱)

همچنین مورخان اهل مکه پیوسته و به طور متوالی و با تکیه بر تواتر علمی، ثبت و ضبط این مکان ها و شرح اصلاحاتی که در آنها صورت گرفته است و توجه پادشاهان و والیان مسلمان به آنها تا سده های اخیر را پی گرفته اند، از آنهاست:

۷. منائح الکرّم فی اخبار مکه والبیّت و ولاء الحرم، اثر علی بن تاج الدین بن تقی الدین سنجاری (۱۰۵۷ - ۱۱۲۵ ه. ق).

وی ذیل عنوان «مکان های مکه و زیارتگاه های آن»، [از جمله] عبارات زیر را آورده است: «در مکه مکان های فراوان و زیارتگاه های بنامی وجود دارد که مورخان در آثار مفصل خود از آنها یاد کرده اند، و در جای خود به برخی از آنها اشارت خواهد رفت.» (۲)

۸. تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، نوشته محمد بن احمد بن سالم بن عمر مکی مالکی، معروف به ابن صباغ (در. ۱۳۲۱ ه. ق).

وی فصل سوم کتابش را ذیل عنوان «مکان هایی در مکه و حرم آن و پیرامونش که دعا در آنها روا می شود» پرداخته و گفته است: «قاضی مجدالدین شیرازی در کتاب الوصل و المنی، محل های دیگری را در مکه و حرم آن یاد کرده است که دعا در آنها روا می شود، چه از نقاش مفسر نقل می کند که در منسک خود گفته است: در [کوه] ثبیر و مسجد کبش و مسجد خیف. . . و در خانه خدیجه همسر پیامبر اکرم (ص) در شب

۱- الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، [طبری]، ص ۷۰.

۲- منائح الکرّم فی اخبار مکه و البیت و ولاء الحرم، سنجاری، ج ۱، ص ۲۲۶.

جمعه، و در زادخانه نبوی در ظهر روز دوشنبه، و در خانه خیزران در مختباً پس از نماز مغرب و عشا دعا روا می شود.» (۱)

۹. سالنامه العربیه فی شأن [الدوله (۲)] العثمانیه، منتشر شده در سال ۱۳۰۳ ه. ق.

در این نشریه به مکان های تاریخی مبارک در مکه مکرمه به شرح پرداخته شده است و از اصلاحات و تحولاتی که در آنها رخ داده، یاد شده است. (۳)

۱۰. العقد الثمین فی فضائل البلد الامین (۴)، نگاشته احمد بن محمد خضراوی (۱۲۵۲ - ۱۳۲۷ ه. ق).

در [ذیل] فصل سوم [کتاب خضراوی] با عنوان «درباره مکان های تاریخی [مکه مکرمه]»، شمار [این] مکان های تاریخی به ۳۱ محل رسیده است. او در بررسی خود به مکان های منسوب به پیامبر اکرم (ص) بسنده نکرده است، بلکه آنچه را به شماری از صحابه منسوب است نیز برشمارده است و به هر آنچه پیشینیان بیان کرده اند، پرداخته است و صحیح آنها را تأیید کرده و آنچه را در آنها صحیح نیست، بر ساخته خوانده است.

۱۱. کتاب دانشنامه ای افادهالانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، تألیف عبدالله غازی (۱۲۹۰ - ۱۳۶۵ ه. ق).

غازی در چند فصل و به تفصیل به این موضوع پرداخته است. وی به اکثر کتاب هایی که نویسندگان مکی در گذشته در این باره نگاشته اند نیز اشاره کرده است. اینک، عناوین این فصول را می آوریم:

۱- تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، [ابن صباغ]، ج ۲، ص ۵۸۶.

۲- در متن مبدأ صفحه ۴۶ آمده است: «الدول العثمانیه». - م.

۳- سالنامه العربیه فی شأن الدوله العثمانیه، ص ۱۴۴۸.

۴- فاسی (ابوالطیب تقی الدین محمد بن علی، ۷۷۵ - ۸۳۲ ه. ق.) هم کتابی دارد با عنوان: العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین.

- م.

فصل سوم: در بیان مساجد مبارک تاریخی (۱)

فصل چهارم: در شرح مکان هایی در مکه که به زادخانه معروفند

وی در این فصل، تاریخ این مکان ها را به شرح کاویده است و از تاریخ ساخت و توجه حاکمان و امیران به آنها یاد کرده است. (۲)

فصل پنجم: در شرح مکان های مشهوری که با مناسک [حج] ارتباط دارند (۳)

فصل ششم: در بیان مکان هایی که به مناسک [حج] ارتباط ندارند، اما در میان مردم شهره شده اند (۴)

تألیف تاریخی در این زمینه پر شمار است. (۵) زنجیره این نگارش های علمی پی در پی، در عصر کنونی هم ادامه یافته است، که تا آن مایه که می دانیم بدان ها اشاره می کنیم:

۱۲. ملخص مناسک الحج، ویلیه دلیل الآثار المطلوبه فی مکهالمحوبه، اثر عبدالملک ابن عبدالقادر بن علی معروف به طرابلسی (در. ۱۴۱۸ه. ق).

وی ۳۰ مورد از مکان های یاد شده را برشمارده که در بردارنده مشاعر مقدس است. او نقشه ای از مکه مکرمه کشیده و محل مکان های تاریخی اسلامی معروف در عصر حاضر را در آن معلوم داشته است. (۶)

۱۳. معالم مکه التاريخيه و الاثرية، نوشته عاتق بن غيث بلادی [قرن چهاردهم].

این کتاب فراگیرترین اثر در موضوع خود است. این امر از عنوان و محتوای کتاب برمی آید. به زودی درباره این اثر به شرح سخن خواهد رفت.

۱- افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، [غازی]، ج ۲، صص ۳۷ - ۶۳.

۲- افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، [غازی]، ج ۲، صص ۶۷ - ۸۵.

۳- افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، [غازی]، ج ۲، صص ۸۶ - ۱۳۱.

۴- افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، [غازی]، ج ۲، صص ۱۳۱ - ۱۴۴.

۵- ترجمه متن مبدأ به صورت «و دیگر تألیف های تاریخی پرشمار» است اما چون این جمله فاقد فعل است و با واو استیناف آغاز گشته است، به شکلی که در متن آمده ترجمه شد. - م.

۶- مؤلف محترم، نشانی نداده است. مترجم هم نتوانست به کتاب طرابلسی دست یابد. - م.

بی تردید سخن این گروه از نویسندگان مورد اطمینان که بیشترشان از فقیهان و محدثان و قاضیان و عالمانند، درباره مکان های تاریخی صحیح، موجب تحقق تواتر خبری اصطلاحی در آشکارترین شکل و دقیق ترین معنا می شود. (۱)

گفتار سوم: مکان های تاریخی در کتاب های خاص تاریخ مکه و مدینه

گفتار سوم: (۲) مکان های تاریخی در کتاب های خاص تاریخ مکه و مدینه

در این گفتار به شرح دو عنوان از این دست تاریخ نگاشت ها بسنده می شود:

۱. تاریخ مکه المشرفه و المسجد الحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، نگاشته امام ابوالبقاء محمد بن احمد بن محمد بن ضیامکی حنفی (در. ۸۵۴ ه. ق).

ابن ضیا در پاره ای از فصل دوم این کتاب با عنوان «درباره مکان های مبارک مکه مشرفه و حرم و اطراف آن که زیارت آنها و نمازگزاردن و دعا کردن در آنها به امید کسب برکت مستحب است» این مکان ها را شامل مسجد و خانه و کوه و مزار دانسته و افزوده است که بیشتر این مکان ها مسجدند، البته برخی از مساجد به زادخانه شهره شده اند، و شماری هم به خانه معروف گشته اند. ابن ضیا پس از این مقدمه به شرح این مکان ها می پردازد. (۳)

وی فصل هفتم این کتاب را نیز به شرح مساجدی که در مدینه معروفند و پیامبر اکرم (ص) در آنها نماز گزارده و مساجدی در مدینه که حضرت در آنها نماز خوانده اما در عصر مؤلف شناخته نیستند، و مساجدی در راه مکه و مدینه که حضرت در آنها نماز گزارده و مساجد معروف در غزوات و جز اینها اختصاص داده است. (۴)

۱- نیز و از جمله بنگرید به: من المساجد و المزارات فی الحرمین الشریفین، سید محمد حسینی شیرازی؛ معالم مکه و المدینه بین الماضي و الحاضر، یوسف رغد عاملی که به شرح از مکان های تاریخی مکه مکرمه و مدینه منوره یاد کرده اند. - م.

۲- این گفتار افزوده مترجم است. - م.

۳- تاریخ مکه المشرفه و المسجد الحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، ابن ضیا مکی، صص ۱۷۹-۲۰۶. - م.

۴- تاریخ مکه المشرفه و المسجد الحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، ابن ضیا مکی، صص ۲۹۷-۳۱۵. - م.

۲. موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، اثر ایوب صبری پاشا (در. ۱۲۹۰ه. ق)، ترجمه جمعی از مترجمان.

صبری پاشا از عالمان و مورخان و عوامل ترکیه عثمانی در مکه مکرمه بوده است. وی با تکیه بر منابع مکتوب و مشاهدات شخصی خود در مدت هفده سال این کتاب دانشنامه ای را به گونه ای بس نیکو در پنج مجلد پرداخته است. در این کتاب از تاریخ و جغرافیا و آداب و رسوم و اقتصاد و... مکه مکرمه و مدینه منوره به شرح سخن رفته است.

متن حاضر ترجمه عربی متن ترکی استانبولی کتاب است که به همت گروهی از مترجمان صورت گرفته و در مصر به چاپ رسیده است.

دو جلد نخست این مجموعه درباره مکه مکرمه و دو جلد دوم آن درباره مدینه منوره و جلد فرجامین آن درباره جزیره العرب نگاشته شده است.

مؤلف در جلد دوم به ۳۹ مکان مقدس در مکه مکرمه اشاره کرده است که شامل خانه ها، مساجد، مزارهاست. از این شمار ۱۳ مورد مسجد و ۷ مورد خانه است.

مساجد عبارتند از: مسجد ذی طوی، مسجد تنعیم، مسجد جن، مسجد رایه، مسجد مدعی، مسجد البیعه، مسجد نحر، مسجد خیف، مسجد کبش، مسجد مرسلات، مسجد ابراهیم، مسجد مشعر، مسجد ابوبکر. (۱)

خانه ها عبارتند از: خانه حضرت خدیجه (علیها السلام)، زادخانه نبوی، خانه خیزران (خانه ارقم بن ابی ارقم)، خانه عباس بن عبدالمطلب، خانه ابوبکر، زادخانه علی (ع)، خانه ابوسفیان. (۲)

در شرح خانه خدیجه (علیها السلام) آمده است که این خانه در زقاق الحجر (کوچه سنگ) که در قدیم زقاق العطارین (کوچه عطاران) خوانده می شده است قرار دارد. در

۱- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، صص ۸۸۱ - ۸۹۷. م.

۲- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، صص ۸۶۴ - ۸۷۱. م.

سال ۱۰۴۳ ه. ق بر این خانه گنبدی بزرگ نهاده و در درون آن دو محراب ساخته شد.

در محل زاده شدن حضرت زهرا (علیها السلام) در این خانه، سنگی سفید و گرد ناقص نهاده شده است و بر آن مقصوره ای با روکش سبز است. (۱)

در شمال این خانه، اتاقی کوچک است که پرستشگاه حضرت رسول اکرم (ص) بوده است. در محل سجده حضرت (ص) در محراب این مکان الماسی شش وجهی به ستبرای انگشت دست نهاده شده است. (۲)

درباره زادخانه نبوی آمده است که در شرق حرم در خیابان شعب ابی طالب که امروزه به شعب بنی هاشم و زقاق المولد (کوچه زادخانه) شهره است قرار دارد. در گذشته و در عصر رسول خدا (ص) به این خانه دارالتبایع گفته می شده است.

از قدیم رسم است که علما و اعیان از مسجدالحرام به این خانه می آیند و در آن دعا و عبادت می کنند و باز به مسجدالحرام باز می گردند. (۳)

در جلد چهارم این اثر به مساجد و مکان های مقدس در میان مکه مکرمه و مدینه منوره که مورد احترام و زیارت مردم بوده اند اشاره شده است. مؤلف مساجد این ناحیه را به سه دسته تقسیم نموده است:

۱. مساجدی که در مسیر حرکت حضرت محمد (ص) از مدینه به مکه ساخته شده است (۲۶ باب)؛

۲. مساجدی که در راه حاجیان از مدینه به مکه ساخته شده است (۴ باب)؛

۳. مساجدی که رسول خدا (ص) در غزوات در [محل] آنها نماز گزارده است (۱۰ باب). (۴)

۱- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۵. - م.

۲- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۶. - م.

۳- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، صص ۸۶۶ و ۸۶۷. - م.

۴- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۴، صص ۸۱۱ - ۸۲۸. - م.

گفتار چهارم: تک نگاشت هایی به نثر و نظم درباره مکان های تاریخی در مکه مکرمه

الف. به نثر: شماری از عالمان مکی، تک نگاشت هایی درباره مکان های تاریخی متواتر در مکه پرداخته اند. تا آنجا که ما می دانیم آنچه از این آثار تاکنون به چاپ رسیده، به قرار ذیل است:

۱. عده الانابه فی اماکن الاجابه، تألیف سید عقیف الدین عبدالله بن ابراهیم میرغنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی، معروف به محجوب [در ۱۲۰۷ ه. ق.].

نگارنده در دیباچه کتاب می گوید: «چون بخشی از شرح ادریس شماع شافعی بر منظومه عبدالملک عصامی با عنوان الانابه فی اماکن الاجابه را مطالعه کردم، دریافتم که در این منظومه، [دعا کردن] به زمان های معینی محدود شده است که ابوبکر بن محمد بن حسن نقاش بیان داشته است. [از سویی] بسیاری از علما [دعا کردن در مکان های مقدس مکه] را به زمانی خاص محدود ندانسته اند، که سازوار با روایت حسن بصری از پیامبر اکرم (ص) است. عبدالملک در پایان شعرش به این نکته اشاره کرده است.

من در جایی دیگر دو بیت از عمر بن ابراهیم بن نجیم مؤلف النهر الفائق شرح کنزالدقائق (۱) دیده بودم، بر آن شدم که بر آن دو بیت فوایدی بیفزایم و هر فایده را در جای درخور خود بیان دارم تا درک و حفظ آنها آسان شود؛ اما دریافتم که شمار آنچه در آن دو بیت آمده پانزده مکان است؛ حال آنکه دیگر عالمان آنها را بیست مکان بیان داشته اند. از این رو، پنج مکان دیگر را در بیتی به نظم آوردم و به آن دو بیت افزودم و همه را شرح دادم. آن دو بیت، و بیتی که افزوده ام اینهاست.

دُعَاءُ الْبُرَايَا يُسْتَجَابُ بِكَعْبَةٍ وَ مُلْتَزَمٍ، وَ الْمَوْقِفِينَ، كَذَا الْحَجَرِ

۱- در متن مبدأ صفحه ۴۸، بر خلاف متن مادر صفحه ۲۶، آمده است: «الفايق... الدقایق». - م.

طَوَافٍ، وَ سَعَى، مَزْوَتَيْنِ، وَ زَمَزَمٍ (۱)

آنچه را در این کتاب گرد آوردم، عده الانابه فی اماکن الاجابه، نامیدم. این نام گذاری از آن روست که من ذیل هر مکان، اموری چند از مسائل فقهی و دعاهای وارد شده سازوار با آن را بیان داشته ام تا فواید آن فزون تر گردد و از مطالعه آن بهره ای [افزون] برآید. (۲)

۲. تحفه الانام فی مآثر البلد الحرام، نگارش سید عبدالله بن سید محمد صالح زاوی مکی (۱۲۶۶ - ۱۳۴۳ ه. ق).

در مقدمه این نگاشته آمده است: «مکه مکرمه شهر خداست و در آن خانه ای بس فری جایگاه است که نخستین خانه ای است در زمین که برای مردم نهاده شده است و خجسته و رهنمون برای جهانیان است و در آن نشانه های روشن است و هر که در آن درآید، در امان است (۳) و خداوند آن را قبله همه امت محمدی در سراسر جهان نهاد.»

وی در ادامه می گوید: «همه مکه، مبارک و دعا در آن رواست، اما بخش هایی از آن بر بخش های دیگر برتری دارد که حاصل مزیت های ویژه آنهاست مثلاً حضرت (ص) در آن زاده شده است، یا در آن عبادت کرده است؛ یا از او یا اصحابش اثری در آن است. بخش های برتر، فراوان، اما بر سر آنها اختلاف است. در این میان بخش هایی مشهور است و بزرگان عادت کرده اند در آنها آمد و شد، و آنها را زیارت می کنند و حاجیان را بدان ها رهنمون می سازند. این مکان ها برای بیشتر طواف کنندگان آگاه معلوم و عبارتند

۱- اعراب گذاری از مترجم است. - م.

۲- عده الانابه فی اماکن الاجابه، [میرغنی حسنی]، ص ۲۶.

۳- اشارتی است به آیه ۹۶ - ۹۷ سوره مبارکه آل عمران. - م.

از: کوه ها، مسجدها و زادخانه ها که محل هایی اند که بزرگانی در آنها زاده شده اند و در آنها سکونت گزیده اند و از این رهگذر بر فضیلت آنها افزوده شده است.» (۱)

زوای پس از این، هر مکان را به شرح بازشکافته است و چون به بررسی زادخانه ها رسیده برای معرفی آنها گفته است: «اینها خانه هایی است که بزرگانی گرامی در آنها زاده شده اند و در آنها سکونت گزیده اند و به وجود آنان بر فضیلت آنها افزوده شده است. از آنهاست، مکانی که به آن زادخانه پیامبر (ص) گفته می شود و در سوق اللیل واقع است و بنا بر [اخبار] صحیح همان خانه ای است که رسول خدا (ص) در آن دیده به جهان گشوده و در آنجا پرورش یافته است و محل تولد آن حضرت در آن مکان اکنون شناخته و معروف است.» (۲)

۳. معالم مکه التاریخیه و الاثریه، نوشته عاتق بن غیث بلادی [قرن چهاردهم].

عنوان این کتاب می رساند که اثری دانشنامه ای است، وانگهی در ساختاری الفبایی، به همه مکان های تاریخی و باستانی در مکه مکرمه و پیرامون آن پرداخته است. برجستگی این اثر در آن است که مؤلف، ذیل هر مکان، اطلاعات تاریخی سودمندی آورده است و اطلاعات تازه ای از آنچه به تازگی در هر مکان رخ داده است با بیانی روشن بدان ها افزوده است. به این ترتیب نگارنده حال را به گذشته پیوسته است. این ویژگی تاریخ و مورخان مکتب تاریخی مکه [از گذشته] تا عصر حاضر است.

اکنون نمونه هایی از افزوده های سودمند [این] کتاب را پیش رو می نهیم. نگارنده درباره زادخانه نبوی می گوید: «زادخانه شریف نبوی مکانی است که رسول خدا (ص) در آن زاده شد و آن در شعبی است که بنی هاشم در آن زندگی می کردند و پس از بعثت، قریش آنان را در آن محاصره کرد.

این مکان مسجد شده بود، سپس و در پی کثرت تبرک مردم بدان، ویران شد. آن گاه

۱- تحفه الانام فی مآثر البلد الحرام، [زوای مالکی]، صص ۲ و ۳.

۲- تحفه الانام فی مآثر البلد الحرام، [زوای مالکی]، ص ۶.

در آن ساختمانی نیکو ساخته و محل کتابخانه مکه شد. این کتابخانه که عباس قطان آن را در سال ۱۳۷۰ه. ق از دارایی خود ساخت، اکنون کتابخانه عمومی است که محل رجوع دانش دوستان است.

ماجد کردی [از اعضای حزب ملی حجاز] کتابخانه را از فرزندان عباس قطان خرید و آن را اساس کتابخانه امروز مکه قرار داد. سپس آن را در اختیار وزارت تبلیغات (که آن هنگام اداره کل تبلیغات بود) نهاد و به فرجام اداره تبلیغات آن را به اوقاف واگذارد. (۱)

ب. به نظم: [بازتاب] توجه عالمان - خواه فقیهان و خواه مورخان - به مکان های تاریخی مکه مکرمه گوناگون بوده است. آنان [گاه] در آثار فقهی خود در [قالب] نظم به آنها پرداخته اند، و [گاه] در تک نگاشت هایی ویژه. افراد (۲) ذیل، از جمله کسانی اند که در آثار فقهی خود به نظم از این مکان ها یاد کرده اند:

۱. ابوجعفر احمد بن محمد مرادی، معروف به نحاس یا ابن نحاس (۲۶۰ - ۳۳۸ه. ق)، در کتاب المناسک.

۲. عبدالملک بن جمال الدین عصامی (۹۷۸ - ۱۰۳۷ه. ق).

وی مکان های تاریخی مکه را سازوار با آنچه حسن [بصری] گفته به نظم کشیده است؛ اما به پیروی از نقاش مفسر، هر مکان را به زمانی محدود کرده و گفته است:

قَدْ ذَكَرَ النَّقَّاشُ فِي الْمَنَاسِكِ (۳)

۱- معالم مکه التاریخیه و الاثریه، [بلادی]، ص ۲۹۴.

۲- مؤلف محترم، ذیل الف. نثر، از آثار یاد کرده است، و این جا ذیل ب. نظم، از مؤلفان سخن گفته است. - م.

۳- اعراب گذاری از مترجم است. - م. * در متن مبدأ صفحه ۵۱ آمده است: « النوی، ابو زکریا یحیی، الفتوحات الربانیة علی الاذکار النوویة ». حال آنکه نام کتاب نووی، حلیه الابرار و شعار الاخیار فی تلخیص الدعوات و الاذکار است که در قرن هفتم نوشته شده است؛ و کتاب الفتوحات الربانیة علی الاذکار النوویة، شرحی بر آن است که در قرن یازدهم نگاشته شده است. مؤلف محترم هم نام مؤلف را خطا ضبط کرده است و هم نام کتاب را. - م.

عصامی در ادامه به همه پانزده مکان پرداخته است. (۱) پس از او ادريس شماع شافعی بر آن منظومه شرحی نوشته و آن را الانابه فی اماکن الاجابه نامیده است.

۳. محمد بن علان صدیقی شافعی مکی (در. ۱۰۷۵ ه. ق)

وی می گوید: «آنها را به نظم در آورده بودم، و چند مکان دیگر را به آنها افزودم و گفتم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صَلَّى اللهُ (۲)

-
- ۱- الفتوحات الربانیه علی الاذکار [النواویه]، [ابن علان صدیقی شافعی]، ج ۴، ص ۳۸۵. * در متن مبدأ صفحه ۵۱ آمده است: «النووی، ابو زکریا یحیی، الفتوحات الربانیه علی الاذکار النوویه». حال آنکه نام کتاب نووی، حلیه الابرار و شعار الاخیار فی تلخیص الدعوات و الاذکار است که در قرن هفتم نوشته شده است؛ و کتاب الفتوحات الربانیه علی الاذکار النوویه، شرحی بر آن است که در قرن یازدهم نگاشته شده است. مؤلف محترم هم نام مولف را خطا ضبط کرده است و هم نام کتاب را. - م.
- ۲- اعراب گذاری از مترجم است. - م.

فصل سوم: مکان های تاریخی مکه مکرمه در تألیف های فقهی

گفتار یکم: مکان های تاریخی مکه مکرمه در کتاب های مناسک

در کتاب های مناسک به طور عام، و آثار فقیهان مکی به طور خاص به شرح مکان های تاریخی مکه مکرمه که با رسول خدا (ص) ارتباط مستقیم دارند، یا با رویدادی از رخداد های مهم تاریخ اسلام مرتبطاند، یا با یکی از صحابه رسول خدا (ص) ارتباط دارند و به تواتر از صدر اسلام نقل شده اند و نقل و معرفی آنها تا دوران کنونی استمرار یافته، توجه شده است.

فقیهان برای بررسی و اثبات صحت مکان های تاریخی مکه مکرمه، راهکارهایی علمی وضع کرده اند. این واکاوی از راه تعیین محل و اندازه گیری مساحت آنها با مقیاس هایی که در اختیار داشته اند صورت می گرفته است.

آنان بر این مکان ها عناوینی گوناگون و سازوار وضع کردند، که آشکارا فقه ورزی از آنها برمی آید؛ چه به بیان احکام شرعی مناسب هر مکان، و شرح آدابی که زائر در هنگام تشریف به آنها باید بدان ها پایبند باشد، پرداخته اند.

[در اینجا] واکاوی [همه] این کتاب ها دشوار است؛ از این رو، شماری از آثار مؤلفانی که در محیط های علمی شهرتی دارند برگزیده شده است. از شرح شماری از

این آثار، به وجود تواتر علمی و فقهی [نسبت به این مکان ها]، اطمینان حاصل می شود؛ از آنهاست:

۱. *مثیر الغرام الساکن [الی]* [۱] اشرف الاماکن، تألیف ابوالفرج عبدالرحمان ابن جوزی (در. ۵۹۷ ه. ق).

وی این مکان ها را ذیل این عنوان بررسی کرده است «باب شرح مکان هایی در مکه که نماز گزاردن و دعا کردن در آنها مستحب است» که هیجده مکان می باشد.

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شد و چون آن حضرت (ص) هجرت نمود، عقیل بن ابی طالب آن را گرفت و در کف او و پسرش بود تا محمد بن یوسف برادر حجاج آن را خرید و ضمیمه منزلش ساخت که به آن بیضا (سفید) گفته می شد و امروزه به خانه ابن یوسف معروف است. این خانه در این منزل بود تا خیزران همسر مهدی حج گزارد و آن را مسجد کرد و در آن نماز به پا شد. او آن را از منزل جدا ساخت و از آن دری به کوچه ای گشود که به آن زقاق المولد گفته می شود.

۲. منزل خدیجه (علیها السلام) یعنی همان خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زندگی می کرد و خدیجه در آن درگذشت و پیامبر اکرم (ص) تا زمان هجرت، همچنان در آن سکونت داشت. هنگامی که [حضرت] هجرت نمود، عقیل آن را گرفت. سپس هنگامی که معاویه خلیفه شد، آن را از عقیل خرید و مسجد کرد و در آن نماز گزارده می شد. معاویه از این منزل دری به خانه ابوسفیان گشود، همان خانه ای که رسول خدا (ص) در روز فتح [مکه] گفت: «هر کس به خانه ابوسفیان درآید، در امان است.»

۳. مسجد خانه ارقم بن ابی ارقم که به آن خانه خیزران گفته می شود و رسول خدا (ص) در آن پنهان می شده است.

۴. مسجدی در بالادست مکه در کنار ردم، نزدیک چاه جبیر بن مطعم که گفته

۱- در متن مبدأ صص ۵۳ و ۱۷۵ از این کتاب با عنوان *مثیر الغرام الساکن علی اشرف الاماکن* و در صص ۵۵ و ۱۲۳ و ۲۱۰، با عنوان *مثیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن* یاد شده است. ضبط اخیر درست و در سراسر متن اعمال شده است. - م.

می شود رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده است.

۵. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد جن گفته می شود و بنا بر نقل، همان مسجدی است که رسول خدا (ص) در آن محلی را برای ابن مسعود معلوم داشت تا در آن عبادت کند. به این مسجد، مسجد البیعه هم گفته می شود و گفته شده است که پریان در آن با رسول خدا (ص) بیعت کردند.

۶. مسجدی در بالادست مکه رو به روی مسجد جن که به آن مسجد شجره گویند و گفته می شود رسول خدا (ص) درختی را که در محل مسجد بوده است فرامی خواند، درخت زمین را می پیماید تا به حضرت (ص) می رسد، آن گاه دستور می دهد باز گردد، باز می گردد.

۷. مسجدی که مکیان آن را مسجد عبدالصمد بن علی می نامند؛ زیرا وی سازنده آن بوده است.

۸. مسجدی در سمت راست موقوف، که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود و این غیر از مسجد عرفه است که امام در آن نماز می گزارد.

۹. مسجدی در منا که به آن مسجد کبش [قوچ] گویند. علت این نام گذاری آن است که قوچی که ابراهیم قربانی فرزندش نمود، در اینجا هبوط کرد.

۱۰. مسجدی در اجیاد و در آن محلی است که به آن متکا گفته می شود و می گویند رسول خدا (ص) به آنجا تکیه کرده است.

۱۱. مسجدی بر فراز کوه ابوقیس که به آن مسجد ابراهیم گویند و برخی می گویند آنجا مسجد مردی است به نام ابراهیم [قیسی] و او غیر از ابراهیم خلیل است.

۱۲. مسجدی در بالادست مکه نزدیک سوق الغنم که گفته می شود رسول خدا (ص) در روز فتح [مکه] در آنجا از مردم بیعت گرفت.

۱۳. مسجد عقبه و جایی که انصار [در آن] با [رسول خدا (ص)] بیعت کردند.

۱۴. مسجدی در ذی طوی که رسول خدا (ص) هنگامی که عمره می گزارد و نیز

هنگامی که حج به جا می آورد در این مکان زیر درخت تنومندی در محل مسجد فرود می آمد. این مسجد را زبیده به شکل مستطیل با تاق قوسی ساخت.

۱۵. مسجد جعرانه و آن جایی است که پیامبر اکرم (ص) در حج عمره در آن محرم شد.

۱۶. مسجد تنعیم که رسول خدا (ص) به عبدالرحمان بن ابی بکر گفت: «خواهرت [ام المؤمنین عایشه] را ببر تا از تنعیم محرم شود، هنگامی که از تنعیم به تپه فرود آمد، او را عبور ده که به یقین محرم می شود.»

۱۷. مسجدی در کوه حرا که رسول خدا (ص) در آن عبادت می کرده است.

۱۸. مسجدی در کوه ثور، که رسول خدا (ص) و ابوبکر در آن پنهان شدند. (۱)

۲. البحر العمیق فی مناسک العمره و الحج الی [بیت الله] العتیق، نوشته محمد بن محمد ابن ضیاء قرشی (در. ۸۵۴ ه. ق).

در این کتاب از این مکان ها ذیل این عنوان یاد شده است، «فصلی در بیان مکان های مبارک در مکه مکرمه و حرم و اطراف آن، که زیارت آنها و گزاردن نماز در آنها و خواندن دعا به هوای برکت در آنها، مستحب است، و شمار مساجد بیش از دیگر جاهاست، اما برخی از مساجد به زادخانه معروف شده اند و برخی هم به خانه.» [نگارنده]، پس از این به شرح مفصل این مکان ها می پردازد تا اینکه می گوید: اما مکان های مبارک مکه که به زادخانه معروفند: بدان که این مکان ها مسجندند؛ اما در میان مردم به زادخانه مشهور شده اند؛ از این رو جدا از مساجد از آنها یاد شده است، از آنهاست:

مکانی که گفته می شود زادخانه نبوی است و در میان مکیان شناخته شده و در محلی واقع است معروف به سوق اللیل. ازرقی می گوید: خانه ای که رسول خدا (ص) در آن به

۱- مشیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن، [ابن جوزی]، ص ۳۴۴.

دنیا آمد [بعدها] جزئی از منزل محمد بن یوسف شد. [توضیح آنکه] چون رسول خدا (ص) هجرت نمود، عقیل بن ابی طالب آن را گرفت. پیامبر اکرم (ص) در سال حجهالوداع، درباره این خانه و جز آن گفته است: آیا عقیل برای ما سرپناهی گذاشته است؟ این خانه در کف عقیل و پسرش بوده تا اینکه پسرش آن را به محمد بن یوسف برادر حجاج فروخت و او آن را به منزلش که به آن بیضا (سفید) می گفتند، افزود و بعدها به خانه ابن یوسف معروف شد.

آن خانه از این منزل بود تا اینکه خیزران مادر دو خلیفه: موسی الهادی و هارون الرشید، حج گزارد و آن را مسجد کرد که در آن نماز برپا می شد. وی این خانه را از منزل ابن یوسف جدا کرد و از آن به کوچه ای که در انتهای خانه بود و به آن زقاق المولد گفته می شد، دری گشود.

ازرقی می گوید: از جدم و یوسف بن محمد شنیدم که مسئله زادخانه را مسلم می دانستند و [می گفتند] همان خانه است و در میان مکیان بر سر آن اختلافی نیست.

نگارنده، پس از این از خانه های مبارک مکه چنین سخن می گوید: بدان که در مکه خانه های مبارکی هست که نزد مردم معروفند اما اکثر آنها مسجدند، لکن در میان مکیان به خانه مشهور شده اند. از این رو آنها را جدا از مساجد یاد کردیم. از آنهاست: خانه ام المؤمنین خدیجه در کوچه ای معروف به زقاق الحجر که در قدیم به آن زقاق العطارین گفته می شده است. چنان که ازرقی گفته است به این خانه زادخانه فاطمه (علیها السلام) گفته می شود؛ زیرا در آن به دنیا آمده است. ازرقی می گوید: «رسول خدا (ص) در آن زندگی می کرد و در آن با خدیجه همسر شد و خدیجه همه فرزندان را در آن خانه به دنیا آورده و در آن از دنیا رفت؛ و پیامبر اکرم (ص) تا هنگام هجرت به مدینه، پیوسته در آن ساکن بود.» (۱)

۱- البحر العمیق فی مناسک المتعمر و الحاج الی بیت الله العتیق، [ابن ضیا قرشی]، ج ۵، صص ۲۶ [] ۲۳. * در متن مبدأ صفحه ۵۶ آمده است: « ص ۲۶۲۳. - م.

۳. لباب المناسك و عباب المسالك، اثر رحمت الله سندی مالکی (۹۳۰ - ۹۹۳ ه. ق) .

وی این مکان ها را ذیل چند عنوان یاد کرده است «فصلی در مکان های اجابت» ؛ «فصلی در مکان هایی از مسجدالحرام که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است» ؛ و سرانجام «فصلی در زیارت مکان هایی که مشهور به فضیلت اند.» وی پس از این می گوید: «زیارت خانه خدیجه مستحب است و گفته شده است این خانه پس از مسجدالحرام با فضیلت ترین مکان مکه است. دیگر مکان هایی که زیارت آنها مستحب است عبارتند از: زادخانه پیامبر اکرم (ص) ، خانه ابوبکر، زادخانه علی (ع) ، خانه ارقم [بن ابی ارقم]، غار و کوه ثور، غار و کوه حرا، مسجد الرایه، مسجد جن و مسجد شجره که مقابل آن است.» (۱)

کتاب های مناسک در واکاوی این موضوع تواتر دارند.

۴. ارشاد السالك الی افعال المناسك، نوشته برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی (در. ۷۹۹ ه. ق) .

او این مکان ها را ذیل این عنوان آورده است «باب بیستم در شرح آثار شریف مکه که شایسته است بدان ها تبرک جست» بدان در مکه آثاری [تاریخی] وجود دارد که شایسته است حاجیان به آنها روند و خدا را بخوانند.

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شد. این خانه در کوچه ای است که به زقاق المولد معروف است.

۲. خانه حضرت خدیجه (علیها السلام) یعنی همان خانه ای که رسول خدا (ص) با خدیجه در آن زیستند و خدیجه فرزندانش را در آن به دنیا آورد و در آن از دنیا رفت و پیامبر اکرم (ص) تا هنگام هجرت در آن ساکن بود و [بعدها] معاویه آن را خرید و مسجدش کرد که در آن نماز می گزارند. معاویه از این خانه دری به خانه ابوسفیان گشود، همان خانه ای

که رسول خدا (ص) روز فتح [مکه] گفت: «هر کس به خانه ابوسفیان در آید، در امان است.» (۱)

۳. مسجدی در خانه ارقم [بن ابی ارقم] در صفا که به آن خانه خیزران گفته می شود و پیامبر اکرم (ص) در این خانه آمد و شد داشته و در آن اقامت کرده است.» (۲)

نگارنده پس از این به [شرح] مکان های باقی مانده می پردازد.

همچنین کتاب های مناسک در شرح مکان های تاریخی از نگاه فقیهان بزرگ، دارای تواترند مانند:

۵. الايضاح فی مناسک الحج و العمرة، اثر یحیی بن شرف نووی (۶۳۱ - ۶۷۱ ه. ق).

وی باب پنجم کتابش را با این عنوان نوشته است «در ماندن در مکه و طواف وداع، و در آن چند مسئله است» از آنهاست:

مسئله چهاردهم: زیارت مکان هایی در مکه و حرم که به فضیلت مشهورند، مستحب است. گفته شده است این مکان ها هیچجده مورد است. از آنهاست: خانه ای که پیامبر اکرم (ص) در آن زاده شد که امروزه مسجدی است در کوچه ای که به آن زقاق المولد گویند. ازرقی گفته است در این امر هیچ اختلافی نیست. مکان دیگر، خانه خدیجه است که پیامبر اکرم (ص) تا هجرت نکرده بود همواره در آن می زیست. ازرقی نقل کرده است: [بعدها] که معاویه خلیفه شد، خانه را از عقیل بن ابی طالب خرید و آن را مسجد کرد. مکان دیگر، مسجد خانه ارقم [بن ابی ارقم] است که به آن خانه خیزران گفته می شود، و رسول خدا (ص) در آغاز دعوت در آن پنهان بود. (۳) ازرقی می گوید: «این خانه در صفاست و عمر در آن اسلام آورد.» (۴)

۱- برای آگاهی فزون تر بنگرید به پانوش ۱ صفحه ۵۹ همین اثر. - م.

۲- ارشاد السالک الی افعال المناسک، [ابن فرحون مدنی]، ج ۲، ص ۵۴۵.

۳- بنگرید به پانوش ۱ صفحه ۶۰ همین اثر. - م.

۴- حاشیه العلامه ابن حجر الهیثمی علی شرح الايضاح فی مناسک الحج، ص ۴۴۴.

۶. القرى لقاصد ام القرى، اثر حافظ ابى العباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابى بكر محب الدين طبرى مكى (۶۱۵ - ۶۹۴هـ. ق).

این کتاب از برترین و بزرگ ترین کتاب های مناسک با بهترین و مناسب ترین روش [در میان اهل سنت] است. مصطفی سقا مصحح کتاب آن را چنین توصیف می کند: «این اثر، جامع ترین کتاب در موضوع خود است و [در حسن آن] همین بس که در بردارنده همه آیات قرآن درباره حج و متون حدیثی صحاح سته: [صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه]، [سنن ترمذی، سنن ابوداود، سنن نسائی و دیگر کتاب های حدیثی... و سنن و مناسک [در این باره] است. (۱) وی صحیح ترین روایات این منابع را برگزیده است.» (۲)

در این کتاب به مکان های تاریخی، ذیل این عنوان پرداخته شده است «آنچه در بیان مکان هایی در مکه و پیرامون آن و استحباب زیارت آنها و دعا کردن در آنها به امید بهره مندی از برکت آنها وارد شده است» وی در آغاز این فراز می گوید: «این مکان ها [نوزده (۳)] مورد است که در اینجا عناوین آنها را به ترتیب می آوریم:

۱. مکانی که رسول خدا (ص) در آن زاده شد.

۲. خانه خزیمه که محل سکونت رسول خدا (ص) بود و خدیجه فرزندانیش از رسول خدا (ص) را در آن زاد و در آنجا از دنیا رفت و پیامبر اکرم (ص) همچنان در آن ساکن بود تا هجرت نمود، آن گاه عقیل آن را گرفت، بعدها معاویه پسر ابوسفیان که خلیفه شد آن را خرید و مسجد کرد که در آن نماز به پا داشته می شد.

۳. مسجد ارقم بن ابی ارقم که در صفاست.

۴. مسجدی در بالادست مکه در آغاز ردم و کنار چاه جبیر [بن (۴)] مطعم

۱- در متن مبدأ صفحه ۵۹ آمده است: «من كتب الصحاح الستة: البخاری، و مسلم، و الموطأ، و ابی داود، و الترمذی، و النسائی و من غيرها من كتب المسانید...» اولاً موطا مالک از صحاح سته نیست، ثانیاً از پنج مؤلف و یک اثر نام برده شده است، ثانیاً ترتیب زمانی زندگی مؤلفان رعایت نشده است، در مجموع اصلاح شد. - م.

۲- القرى لقاصد ام القرى، [محب الدين طبرى]، ص ۹.

۳- در متن مبدأ صفحه ۵۹ به تبع متن مادر، آمده است: «و هی ثمانیه عشر»، اما در شرح مطلب (صص ۵۹ و ۶۰) از نوزده مکان یاد شده است. - م.

۴- در صفحه ۵۹ متن مبدأ آمده است: «بن جبیر مطعم» - م.

۵. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد جن گویند.

۶. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد شجره گویند.

۷. مسجدی در بالادست مکه کنار سوق الغنم

۸. مسجدی در اجیاد

۹. مسجدی بر فراز کوه ابوقیسیس که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود.

۱۰. مسجدی در ذی طوی

۱۱. مسجد عقبه، جایی که انصار با رسول خدا (ص) بیعت کردند.

۱۲. مسجد جعرانه، که رسول خدا (ص) برای عمره در آنجا محرم گشت.

۱۳. مسجد تنعیم، جایی که رسول خدا (ص) به عبدالرحمان دستور داد عایشه در آنجا محرم شود.

۱۴. مسجد کبش در منا که در آنجا قوچی قربانی اسماعیل یا اسحاق شد.

۱۵. مسجدی در سمت راست موقف، و این غیر از مسجدی است که امام در عرفه در آن نماز می گزارد.

۱۶. مسجد خیف

۱۷. مسجدی در نزدیکی سمت راست مسجد خیف که به مسجد مرسلات معروف است و سوره مرسلات در آن بر رسول خدا (ص) نازل شد.

۱۸. غار کوه حرا که پیامبر اکرم (ص) در آن عبادت می کرد.

۱۹. غار کوه ثور که پیامبر اکرم (ص) و ابوبکر در آن پنهان شدند. [\(۱\)](#)

۷. هدايهالسالک الى المذاهب الاربعه فی المناسک، نگاشته عزالدین بن جماعه کنانی (۶۹۴ - ۷۶۷ه. ق).

وی باب دهم را با عنوان «در آمدن به مکه و در طواف و سعی و مسائل مربوط به آنها»، به این موضوع اختصاص داده است.

در این باب آمده است: مستحب است - چنان که شماری از شافعیان گویند - مکان های مشهور به فضیلت را زیارت نموده، از آنهاست: مکان معروف به زادخانه حضرت رسول خدا (ص)، مکان معروف به خانه خدیجه، مسجدی که در دار خیزران در نزدیکی صفاست. (۱)

۸. فتح الفتاح [فی] شرح الایضاح، [لننوی]، نوشته محمد علی بن علان صدیقی شافعی اشعری مکی (در ۶۷۶ه. ق).

در این کتاب چنین آمده است: فضیلت مکان های مشهور به فضیلت، ذاتی آنها و نیز حاصل ثواب فراوان مکه و حرم و بیرون آن مانند مسجد مبیعه نزدیک جمره عقبه در مناست. گفته شده است این مکان ها هیچده مورد است. طبری آنچه را مؤلف بیان کرده برشمارده و این شمار را به بیش از نوزده مورد رسانده است.

از آنهاست خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شد که امروزه مسجد است و طبری یادآور شده است که کسی که زادخانه نبوی را مسجد کرد، خیزران همسر مهدی [عباسی] بود. [توضیح آنکه] این خانه در کف عقیل و ورثه او بود تا اینکه برادر حجاج آن را خرید و به منزلش در کوچه ای که به آن زقاق المولد گویند، افزود و [بعدها] هنگامی که خیزران حج گزارد آن را مسجد کرد.

ازرقی گفته است که در مورد این خانه هیچ اختلافی وجود ندارد. در رد سخن کسانی که گفته اند زادخانه نبوی در صفا، یا در ردم، یا در عسفان است، به این گفته ازرقی تکیه و استناد شده است. همچنان که در کتاب طیب الموردد فی تاریخ محل المولد یادآور شده است، یا از آن جا که این سخن بی پایه است، نادیده انگاشته شده است. (۲)

۱- هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، [عزالدین بن جماعه]، ج ۲، ص ۹۵۵.

۲- فتح الفتاح فی شرح الایضاح للننوی، ابن علان صدیقی، صص ۴۱۹ و ۴۲۰. (تصویر نسخه خطی موجود در کتابخانه حرم شریف مکه مکرمه، فقه شافعی، شماره ۴۴)

[ابن علان (۱)] همچنین در کتاب الفتوحات الربانیه [علی] الاذکار [النواویہ (۲)]، مکان هایی را که رسول خدا (ص) در آنها نماز خوانده است، به نظم کشیده (۳) و اشاره نموده است که عبدالملک عمامی هم این مکان ها را سازوار با سخن حسن بصری در قالب شعر بیان داشته است با این تفاوت که مانند نقاش مفسر، برای هر مکان، زمانی [ویژه] معلوم داشته است. وی در ادامه، اشعار یاد شده را آورده است (۴).

گذشته از آنچه آمد، می توان از دیگر کتاب های فقه و مناسک که برای بیان این مکان ها و تعیین و شرح آنها اهمیت قائلند، به ویژه کتاب های فقیهان مکی یاد کرد که به شماری از آنها برای نمونه اشارت رفت.

گفتار دوم: تحلیل علمی عناوین فقهی مکان های تاریخی مکه مکرمه در آثار فقیهان

بیشتر مؤلفان تاریخ مکه که از فقیهان و محدثان مکی اند، مقید بوده اند در کار خود فصلی جداگانه و اختصاصی بکشایند و در آن به مکان های تاریخی مکه بپردازند و با ریزکاوی هر چه تمام تر موارد ثابت شده و صحیح آنها را بیان دارند و آنچه را انتساب آن به رسول خدا (ص) و اصحاب او صحیح است، معلوم دارند و موارد نادرست را نیز مشخص سازند. این اهتمام بلیغ اولاً از عناوین نوشتارهای آنها و ثانیاً از ثبت آگاهی آنها از این مکان ها و سنجش صحت آنها برمی آید.

این فقیهان و قاضیان و محدثان، از سخنان توده مردم فریفته و گمراه نمی گردند و در پی امر شایع و رایج نمی روند. بیشتر اینان در آثار تاریخی و فقهی خود برای آزمون و شناخت خبرهای صحیح و برساخته درباره مکان های تاریخی در کتاب های تاریخی

۱- مؤلف محترم پیش از این (صفحه ۹۱) کتاب الفتوحات الربانیه [علی] الاذکار [النواویہ] را از نووی دانست. - م.
 ۲- در متن مبدأ صفحه ۶۱ نام این کتاب این گونه ضبط شده است: «الفتوحات الربانیه شرح الاذکار النواویه» که نادرست است، عنوان درست کتاب را در متن آورده ام. - م.

۳- الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه، ابن علان صدیقی شافعی، ج ۴، صص ۳۸۵ - ۳۹۵. - م.

۴- الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه، ابن علان صدیقی شافعی، ج ۴، صص ۳۸۵ و ۳۸۶. - م.

موثق، روش هایی علمی وضع کرده اند، و راهنما و شاخص آنان در این مهم، کشف و شناخت و تأکید بر مواردی است که انتساب آنها به پیامبر اکرم (ص) صحیح است، زیرا - چنان که در حدیث آمده است - هر که بر پیامبر اکرم (ص) [دانسته] چیزی ببندد جایش در آتش است (۱). درست است که دروغ در هر شرایط و هر شکل ناپسند است، اما دروغ بستن به پیامبر اکرم (ص) مانند دروغ بستن به هیچ یک از امت او نیست.

در این گفتار به بررسی شماری از سخنان آنان پرداخته می شود تا دیدگاه آنان روشن شود و در پایان هم به سیره آنان اشارتی کوتاه می رود تا خواننده با جایگاه علمی آنان آشنا شود و اعتماد او به آنچه می گویند، فزونی پذیرد و ناآگاهی او به جایگاه آنان، وی را به جسارت به آنها واندارد.

بیشتر فقیهان مکی و غیر مکی که درباره مناسک حج قلم سوده و از عالمان موثق بوده اند و در فقه اسلامی جایگاهی ممتاز داشته اند، فراموش نکرده اند در کتاب های مناسک خود بابی جداگانه را به مکان های اسلامی - تاریخی در مکه مکرمه اختصاص دهند.

از آنجا که مشتم، نمونه خروار است، در اینجا به شماری اندک از این آثار پرداخته می شود. عناوین این ابواب مستقل، گوناگون افتاده است «مکان های مشهور»؛ «مکان های مبارک»؛ «مکان های بزرگ»؛ «مکان های گرامی»؛ «مکان هایی که زیارت آنها مستحب است». چنان که دیده می شود، در برخی از این عناوین، اصطلاح فقهی «مستحب است» به کار نرفته است، با این حال مراد برانگیختن به زیارت این مکان هاست.

این گفتار از مطالب مورخان چشم می پوشد و به طور خاص بر مطالب و عبارات پاره ای از محدثان و فقیهان به ویژه درباره حکم شرعی زیارت این مکان ها تکیه می کند.

واژه «استحباب» در آثار برخی از فقیهان، آشکارا در ساختار و مفهوم فقهی به کار رفته است. هنگامی که فقیه این واژه را به کار می برد، مفهوم اصطلاحی آن در فقه را

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، ص ۱۹۳. - م.

می خواهد؛ یعنی دست یازیدن بدان عمل، پاداش دارد و وانهادن آن مجازات ندارد.

در اینجا روی سخن به شرح اهتمام [آنان] در به کار بردن این اصطلاح شرعی، و بیان علت فقهی آن، سازوار با منطق این عالمان است؛ چه مهم دریافت تفسیر آنان است آن گونه که در ذهن دارند، نه تفسیر آن بر اساس دیدگاه مخالف آنان. روشن است که این، لازمه پژوهش علمی بی طرفانه است، تا از این رهگذر نسبت به هر صاحب نظری به داد عمل شود؛ از آنهاست:

[۱.] محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی (در. ۲۵۰ه. ق):

«بیان مکان هایی در مکه مکرمه که نماز گزاردن در آنها مستحب است و بیان آثار پیامبر اکرم (ص) در مکه و موارد صحیح آنها.» (۱)

[۲.] ابوعبدالله محمد بن اسحاق بن عباس فاکهی [در. ۲۴۵ه. ق]:

«مکان هایی در مکه که نماز خواندن در آنها مستحب است، و آثار پیامبر اکرم (ص) در مکه و تفسیر آن.» (۲)

[۳.] ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی (در. ۵۹۷ه. ق):

«بیان مکان هایی در مکه که نماز گزاردن و دعا کردن در آنها مستحب است. این مکان های هیجده گانه عبارتند از:

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در آن دیده به دنیا گشود

۲. خانه خدیجه

۳. مسجدی در خانه ارقم بن ابی ارقم

۴. مسجدی در بالادست مکه کنار ردم

۵. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد جن می گویند

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، [ازرقی]، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، [فاکهی]، ج ۴، ص ۵.

۶. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد شجره گویند.»

[ابن جوزی] در ادامه به دیگر مکان ها هم می پردازد. (۱)

[۴.] ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محب الدین طبری مکی (۶۱۵ - ۶۹۴ ه. ق):

«شایسته است کسی که در پی آثار نبوی است، در همه مکان هایی که گمان می رود حضرت (ص) در آنها نماز گزارده است، نماز بخواند به امید آنکه در همه جا به نماز جای پیامبر اکرم (ص) دست یابد.»

خَلِيلِيْ هَذَا رَبِيعٌ عَزَّهٗ فَاَعْقِلَا (۲)

[۵.] یحیی بن شرف نووی (۶۳۱ - ۶۷۶ ه. ق):

«چهاردهم: زیارت مکان های مشهور به فضیلت در مکه و حرم، مستحب است و گفته شده است اینها هیجده مکان است؛ از آنهاست: خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شده که امروزه مسجدی است در کوچه ای که به آن زقاق المولد گویند. ازرقی یادآور شده است که در این مطلب اختلافی نیست.» (۳)

شماری از عالمان، پاره ای از عبارات یاد شده را به هم درآمیخته اند، مانند:

[۶.] عز الدین بن جماعه کنانی (۶۹۴ - ۷۶۷ ه. ق):

«باب دهم در درآمدن به مکه معظمه و طواف و سعی، و امور مربوط به آن»، تا اینکه

۱- مشیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن (ابن جوزی)، ص ۳۴۴.

۲- القرى لقاصد ام القرى، [محب الدین طبری]، ص ۳۵۰. * اعراب گذاری از مترجم است. - م.

۳- الايضاح فی مناسك الحج و العمرة، [نووی]، ص ۴۰۴.

می گوید: «چنان که برخی از شافعیان گفته اند، زیارت مکان های مشهور به فضیلت مستحب است. مانند مکانی که به زادخانه حضرت رسول اکرم (ص) معروف است، و مکانی که به خانه خدیجه معروف است، و مسجدی که در خانه خیزران در صفاست.» (۱)

وی در جایی دیگر یادآور شده است که چون حاجی رمی به جا آورد، چنان که شافعیه گویند، سنت است از منا به اقامتگاه خود [مکه] باز گردد، همچنان که رسول خدا (ص) چنین می کرد؛ و هر جا فرود آید رواست، لکن چنان که شافعیه گویند، جایی که رسول خدا (ص) فرود می آمده و اطراف آن بهتر است. (۲)

[۷]. برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی (در. ۷۹۹ ه. ق):

«باب بیستم: در بیان آثار شریف مکه که شایسته است برای تبرک به آنها روی آورد.» (۳)

[۸]. حافظ ابوطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی فاسی مکی مالکی (۷۵۷ - ۸۳۲ ه. ق):

«باب بیست و یکم، در بیان مکان های مبارک مکه مکرمه و حرم [و] نزدیک آن که شایسته است زیارت شوند.»

[در کتاب فاسی] این موضوع ذیل عنوان بالا آمده است. (۴)

[۹]. ابو البقاء محمد بن احمد بن محمد بن ضیاء مکی حنفی، قاضی و مفتی مکه مکرمه (در. ۸۵۴ ه. ق):

«فصلی در بیان مکان های مبارک مکه مکرمه و حرم آن که زیارت آنها و نماز

۱- هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، [ابن جماعه]، ج ۲، ص ۹۵۵.

۲- هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، [ابن جماعه]، ج ۳، ص ۱۱۲۰.

۳- ارشاد السالک الی افعال المناسک، [ابن فرحون]، ج ۲، ص ۵۴۵.

۴- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۴۹۳. م. * در متن مبدأ صفحه ۶۵ آمده است: «ج ۱، ص ۲۶۰. م.»

خواندن و دعا کردن در آنها به امید بهره مندی از برکت آنها مستحب است.»

وی این مکان ها را شرح و شماره کرده و به بررسی علمی و فقهی در باره آنها پرداخته است که از صفحه ۲۶۲۵ می آغازد و به صفحه ۲۶۶۷ می انجامد. (۱)

[۱۰]. علی بن عبدالله بن احمد حسنی سمهودی (۸۴۴ - ۹۲۲ ه. ق):

«ابن زباله از خالد بن عوسجه نقل می کند که: شبی در گوشه (۲) خانه عقیل بن ابی طالب که کنار در خانه است [دعا] (۳) می کردم، که جعفر بن محمد [الصادق (ع)] بر من گذشت. او می خواست با خانواده اش دعا کنند. به من گفت: به پیروی از روایتی اینجا ایستاده ای؟ گفتم: نه، گفت: اینجا جایی است که رسول خدا (ص) هرگاه برای دعا در حق اهل بقیع می آمد، در آن درنگ می کرد.» (۴)

مراغی می گوید: خوب است در آنجا دعا شود، بسیاری به من گفته اند که دعا در آنجا روا می شود. من [سمهودی] گفتم: مکان هایی که رسول خدا (ص) در آنها دعا کرده است، جملگی محل اجابت دعاست، از این رو دعا کردن در آنها مستحب است. (۵)

[۱۱]. جمال الدین محمد جارالله بن محمد نورالدین بن ابی بکر بن علی بن ظهیره قرشی مخزومی (در. ۹۸۶ ه. ق):

«گفتار فرجامین در بیان مکان های معظم و محل های ارجمندی در مکه مکرمه و حرم

۱- البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی بیت الله العتیق، [ابن ضیاء مکی]، ج ۵، ص ۲۶۲۳.

۲- گوشه (زاویه) خانه عقیل بن ابی طالب، جایی است که رسول خدا (ص) در آن به حال اهل بقیع دعا نمود و برای آنان آمرزش طلبید و مستجاب شد. بنگرید به: اخبار مدینه، ترجمه خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفی، سمهودی، [از مترجمی ناشناس]، چاپ سید کمال حاج سید جوادی، ص ۲۹۶. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۶۶ آمده است: «کنت ادعیه» که غلط و درست آن: کنت ادعو می باشد. بنگرید به: خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفی (ص)، سمهودی، ج ۲، ص ۸۸؛ وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی (ص)، سمهودی، ج ۳، ص ۲۶۶. - م.

۴- وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، سمهودی، ج ۳، ص ۲۶۶. - م.

۵- خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفی، [سمهودی]، ج ۲، ص ۸۸.

و اطراف آن که زیارت می شوند و مشهور به فضیلت اند، یعنی زادخانه ها، خانه ها، مسجدها، کوه ها، آرامگاه ها و مانند اینها» (۱).

[۱۲] محمد علی بن علان صدیقی شافعی (۹۸۰ - ۱۰۵۸ ه. ق):

«فضیلت [مکان هایی که مشهور به فضیلت اند، یا ذاتی است، و یا برای ثواب فراوان مکه و حرم] [و] پیرامون آن است مانند مسجد مبیعه کنار جمره عقبه در منا» (۲).

[۱۳] علی بن عبدالقادر طبری (در. ۱۰۷۰ ه. ق):

«فصل سوم، درباره مکان های مشهور در [مکه مکرمه] و درباره مساجد: در مکه و اطراف آن مکان های مشهوری هست که زیارت آنها مستحب است» (۳).

[۱۴] محمد بن احمد بن سالم بن عمر مکی مالکی، معروف به ابن صباغ (۱۲۴۳ - ۱۳۲۱ ه. ق):

«فصل سوم، درباره مکان هایی در مکه مکرمه و حرم و اطراف آن که دعا کردن در آنها مستحب است» (۴).

در کنار اینان، مؤلفانی دیگر است که پیش از این به شرح و شکافت کتاب های آنها پرداختم.

از جمله امور شایسته پرهیز در این زمینه، آن است که سخن فقیهان پیشین در توصیف این مکان ها به مبارک و مستحب بودن نماز گزاردن و امید داشتن روا شدن دعا در آنها، کژ فهمی نشود و به حمل سخنان آنان بر ترغیب به پرداختن به اعمال ناسازوار با پاکی و نابی عقیده نینجامد؛ چرا که آنان فراتر از آنند که شاخص های توحید را

۱- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره قرشی، ص ۳۲۵. - م. * در متن مبدأ صفحه ۶۶ به خط آمده است: «صفحه ۳۳۰». - م.

۲- فتح الفتاح فی شرح الايضاح للنووی، [ابن علان صدیقی]، ص ۵۸.

۳- الارج المسکی فی التاريخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، [عبد القادر طبری]، ص ۵۸.

۴- تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولائها الفخام، [ابن صباغ]، ج ۲، ص ۵۸۶.

مخدوش سازند، آنان استوانه های این دانش اند و آن را از هر رخنه ای دور می دارند.

نماز گزاردن با قصد مشروع در جایی که رسول خدا (ص) در آنجا نماز گزارده است، تا زمانی که عبادت تنها برای خدا باشد، هیچ رخنه ای در توحید نمی کند.

از مسلمات است که مکان ها به اعتبار کسی که در آنهاست، یا آنچه در آنها رخ داده است بر یکدیگر برتری می یابند. ابو عیسی سیدی مهدی وزانی (در. ۱۳۴۲ه. ق) می گوید: «کارها از شرافت زمان شرافت می پذیرند، همچنان که از شرافت مکان، شرافت می یابند. جمعه برترین روز هفته است؛ پس عمل در آن برترین اعمال است.»^(۱)

۱- النوازل الجدیدة الکبری فیما لاهل فاس و غیرهم من البدو و القری، [ابو عیسی وزانی]، ج ۲، ص ۲۲۹.

فصل چهارم: شواهد تواتر محلی درباره مکان های تاریخی در مکه مکرمه

گفتار یکم: نموده های تواتر محلی

نقل نسل به نسل، از روش های اثبات است: از تواتر محلی مکی در گذشته و حال، و نقل گروه فراوانی از نسل های پسین از نسل های پیشین، مکان های تاریخی [مکه] تعیین و مشخص می شوند. این مکان ها برای مکیان شناخته شده و معروفند و در میان عالمان مکه و فرهیختگان آن و توده مردم مشهورند. [حتی] بیشتر این مکان ها تا پیش از آغاز توسعه حرم مطهر در سال ۱۳۷۵ه. ق موجود و قابل رؤیت بودند. این تاریخ سرآغاز تحول و دگرگونی در شهر مکه مکرمه [و از میان بردن مکان های تاریخی آن] بود، و پس از آن این روند تا به امروز (۱۴۳۰ه. ق) ادامه یافته است.

تواتر محلی، گذشته از نقل همه افراد جامعه، از نوشته های نویسندگان مورد اعتماد هم برمی آید. [پس،] می توان این گونه تواتر را از متن کتاب های پیشین [هم] دریافت. در اینجا به نمونه هایی از کتاب های نگارندگان گذشته که به این مفهوم یعنی تواتر محلی اشاره کرده اند، پرداخته می شود:

[۱.] الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، تألیف جمال الدین جارالله بن محمد نورالدین بن ابی بکر بن علی بن ظهیره قرشی مخزومی (۹۸۶ه. ق):

«یکی از این مکان ها که از والاترین آنهاست، زادخانه حضرت رسول خدا (ص) است؛

پس با آن آغاز می کنیم، این مکان در محلی از مکه است معروف به سوق اللیل که به مولد النبی (ص) مشهور است.» (۱) وی در ادامه می گوید: «اینکه این مکان، زادخانه حضرت (ص) است، مشهور و موروثی است و آیندگان آن را از گذشتگان نقل کرده اند.» (۲)

[۲]. البحر العمیق [فی مناسک العمره و الحج الی بیت الله العتیق]، نگاشته ابن ضیاء مکی قرشی [۷۸۹-۸۵۴ ه. ق]:

«مکانی که به آن زادخانه پیامبر اکرم (ص) گفته می شود، نزد اهل مکه مشهور و در محلی است معروف به سوق اللیل.» (۳) این متن پیش از این از کتاب او نقل شد.

اینها نمونه هایی صریح از بیان تواتر محلی است که با مکان هایی که براساس معیارهای فقیهان آگاه، صحیح تشخیص داده شده اند منطبق اند.

از فضل و نعمت های بی شمار الهی بر امت اسلامی است که پاره ای از این مکان ها از میان نرفته، و بر جای مانده اند و تاریخ افتخارات اسلام را با همه گستردگی آن و برخلاف نشستن گرد زمان بر رویدادهای آن، برای نسل های کنونی و آینده روایت می کنند.

این مکان ها از طریق تواتر علمی و تواتر شفاهی محلی دیداری به ما رسیده است، بلکه منابع شرعی [هم] درباره شماری از آنها گفته اند که اینها مشهورتر از آنند که آزمند توصیف باشند. روشن است که نقل نسل به نسل از روش های اثبات [مطلب] است. این نکته را علما گوشزد کرده اند. مثلاً- ابن قیم می گوید: «نقل [درباره] اعیان [خارجی] و تعیین مکان ها، همانند نقل آنان [درباره] صاع و مد و تعیین محل منبر و محل نماز [حضرت (ص)] و قبر و اتاق و مسجد قبا، و تعیین روضه [مقدس نبوی] و بقیع و نمازگاه و امثال اینهاست.

۱- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، [ابن ظهیره قرشی، صص ۳۲۵ - ۳۲۶].

۲- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، [ابن ظهیره قرشی، صص ۳۲۵ - ۳۲۶].

۳- البحر العمیق فی مناسک العمره و الحج الی بیت الله العتیق، ابن ضیاء مکی، ج ۵، ص ۲۳ - م.

نقل این مکان‌ها مانند نقل محل مناسک چون صفا و مروه و منا، و محل جمرات و مزدلفه و عرفه، و مکان‌های احرام چون ذوحلیفه و جحفه و مانند اینهاست.» (۱)

فراوانی از این مکان‌های تاریخی و بسیاری از آثار مکه مکرمه، تا ربع پایانی قرن چهاردهم هجری قمری همچنان و به شکل [گذشته] آنها در سده‌های نخستین اسلام وجود داشتند، تا اینکه دست دگرگونی و گسترش حرم شریف، از آستین برآمد.

این نسل از مکیان و جهان اسلام که پیش و پس از توسعه حرم، مکه را دیده‌اند، در پیش از سال ۱۳۷۵ ه. ق، بسیاری از بناهای تاریخی و مکان‌های دینی را به همان شکل که مورخان مکی کهن چون: ازرقی، فاکهی، تقی‌الدین فاسی و دیگران توصیف کرده‌اند، مشاهده نموده‌اند. پس جای شک و تردید در وجود این مکان‌ها و انتساب آنها به [پیامبر اکرم (ص)] و صحابه او [باقی نمی‌ماند، خاصه آنکه بزرگان مکه آنها را مسلم و محقق دانسته‌اند و [روشن است که] اهل مکه به محل‌های آن آگاه‌ترند، همچنان که اهل هر شهر به [مکان‌های] آن آگاه‌ترند. بنابراین، انکار نسبت این مکان‌ها [به پیامبر اکرم (ص)] و صحابه او [از سوی کسی که در این شهر نزیسته است در شرع و عرف بی اعتبار است و با وجود چنین تواتر [علمی و محلی]، انکار [وجود] این مکان‌ها [یا انتساب آنها به پیامبر اکرم (ص)]، عناد بی علم است.

گفتار دوم: عنایت ملک عبدالعزیز به مکان‌های تاریخی مکه مکرمه

ملک عبدالعزیز از خلفا و شاهانی است که عنایتی ویژه به مکان‌های تاریخی مکه مکرمه نشان داده‌اند و تاریخ، نقش فرهنگی بی سابقه‌ای در بهره‌گیری از این مکان‌ها از آنها ثبت کرده است. روزنامه البلاد، خبری منتشر ساخت با این عنوان «مدرسه و کتابخانه در مکان‌های تاریخی» متن خبر چنین است: «اعلی حضرت شهریار والامقام

مرحمت فرموده زمین بیضا، معروف به خانه حضرت خدیجه همسر پیامبر (ص) را در اختیار جناب شیخ عباس قطان قرار دادند (۱) تا بر بقایای خانه، مدرسه ای برای حفظ قرآن برپا شود.

همچنین مرحمت فرموده مکانی را که رسول معظم (ص) در آن زاده شد، برای ایجاد کتابخانه ای بزرگ برای استفاده دانشمندان و دانش دوستان در اختیار ایشان نهادند. عملیات ساخت بر اساس طرحی که تهیه شده است از این هفته آغاز می شود. (۲)

این نشانه ای بزرگ و کاری نیک و جاودان از اعلی حضرت در حفظ و حراست از میراث امت است که در پرونده بزرگ داشت آثار نبوی و ادای حق آنها که ناشی از انتسابشان به سرور آدمیان (ص) است به پای او نوشته می شود. (۳)

اقدامات رسمی عملی برای جامه عمل پوشاندن به خواست ملوکانه آغاز گشت و در دادگاه عالی شرع در مکه مکرمه سندی در خصوص [وقفی بودن] زادخانه شریف نبوی، به شماره ۱۴۰ در جلد چهارم در تاریخ ۲۵ جمادی الآخر ۱۳۷۳ه. ق / ۱ فوریه ۱۹۵۴م صادر شد. همچنین در دادگاه عالی شرع در مکه مکرمه، سندی درباره وقفی بودن خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه صادر شد.

هر دو سند را رئیس وقت دادگاه عالی شرع شیخ عبدالله بن عمر بن دهیش صادر و

۱- این خبر از پایه دروغ است؛ زیرا، الف) در صفحه ۱۰۵ آمده: «این کتابخانه که عباس قطان آن را در سال ۱۳۷۰ه. ق از دارایی های خود ساخت. . . ماجد کردی کتابخانه را از فرزندان عباس قطان خرید و آن را اساس کتابخانه امروز مکه قرار داد». در این گزارش تصریح شده است که کتابخانه ابتدا به هزینه عباس قطان و سپس ماجد کردی ساخته شده است؛ ب) در متن دو سندی که در صص ۱۲۹-۱۳۱ آمده است نیز، صاحب زادخانه نبوی (ص) و خانه حضرت خدیجه (علیها السلام)، بازماندگان شیخ یوسف قطان (وکیل در آمدهای عمومی در. ۱۳۵۵ه. ق) معرفی شده اند که از محل اموال خود به ساختن کتابخانه و مدرسه در این دو مکان پرداخته اند. همچنین در دو سند یاد شده تصریح شده است که این دو مکان وقف شده اند و واقف یکی فاطمه بنت یوسف قطان، و واقف دیگری شیخ عباس بن یوسف قطان است. - م.

۲- البلاد، شماره ۹۹۸۱، سال پانزدهم، یکشنبه ۲۵ جمادی الاولی، ۱۳۷۰ه. ق برابر با ۴ مارس ۱۹۵۱م.

۳- از دیگر نشانه های عنایت آل سعود به این مکان های تاریخی که در تاریخ به نام آنها ثبت شده است آن است که با ورود وهابیان به مکه مکرمه زادخانه نبوی که زیارتگاه مردم بود، یکسره ویران و به محل نگهداری چارپایان تبدیل گشت. بنگرید به: اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۱، ص ۲۷۵. - م.

رئیس دیوان عالی تأیید کرد.

در سند نخستین چنین آمده است:

«امین بن شیخ عباس قطان، به وکالت از عمه اش سرکار خانم فاطمه بنت یوسف قطان، به موجب وکالتنامه صادر شده در سردفتر اسناد رسمی مکه به شماره ۱۹۲، مورخه ۲۳/۲/۱۳۷۱ ه. ق، نزد اینجانب رئیس دادگاه عالی شرع در مکه مکرمه حاضر شد و اظهار داشت: موکل من درخواستی مبنی بر صدور اجازه ایجاد کتابخانه ای در مکانی که معروف به مولد النبى (ص) است و در محل خود کاملاً شناخته شده است و به تعیین حدود نیاز ندارد، واقع در شعب علی [ع] در محله سوق اللیل، به دولت فخریه تقدیم داشت. و پس از طی مراحل و اقدامات قانونی، حکم ریاست مبنی بر موافقت با درخواست یاد شده، از آن روی که کاری خیراندیشانه است، به شماره ۵۲۵/۲۳ مورخه ۱۴/۴/۱۳۷۰ ه. ق صادر شد. مشروط بر آنکه پس از اتمام ساختمان، وقف همه مسلمانان باشد. حکم یاد شده مورد موافقت والاحضرت، ولیعهد اعلی حضرت قرار گرفت و به شماره ۲۳۶۸ مورخه ۱۱/۵/۱۳۷۰ ه. ق به فرمانداری پایتخت ابلاغ شد و رونوشت آن برای مقام عالی ریاست دیوان عالی... ارسال گشت. در وقف نامه این مکان از جمله شرط شده است که: خانه یاد شده اجاره داده نشود، فروخته نشود، هدیه نشود، به چیزی دیگر تبدیل نشود و به همان شکل بماند. نیز شرط شده است کتاب های آن به بیرون برده نشود. همچنین شرط شده است که اگر بنا فرسوده شد در حال و آینده واقف و ورثه او و هر کس دیگر حق ندارد از آن برای امری جز آنچه اجازه داده شده است استفاده کند. بر اساس [بینه (۱)] قانونی اصولاً برای من ثابت شده است که فاطمه بنت یوسف قطان، با مال خود ساختمان یاد شده را ساخته است. بنابراین، وقف نامه یاد شده با شروط یاد شده را قانونی می دانم و آن را امضا کردم و دستور دادم در روز بیست و

۱- در متن مبدأ صفحه ۷۱ به خطا آمده است: «البینه». - م.

پنجم جمادی الثانی سال هزار و سیصد و هفتاد و سه قمری سند آن تنظیم و تحریر شود. و صلی الله علی [محمد] و آله و سلم.

رئیس دادگاه های عالی مکه

محل مهر

درباره وقف خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه (۱) [علیها السلام]، در سند شماره ۱۴۲ مورخه ۲۵ جمادی الاخر ۱۳۷۳ ه. ق / ۱ مارس ۱۹۵۴ م که در دادگاه عالی شرع صادر شده، چنین آمده است:

«ستایش خاص اوست. امین بن شیخ عباس قطان نزد من عبدالله بن عمر بن دهیش، رئیس دادگاه عالی شرع در مکه مکرمه حاضر شد و اظهار داشت: پدرم شیخ عباس بن یوسف قطان در حال حیات از دولت فخمه درخواست کرد اجازه صادر شود، در ارض البیضاء معروف به خانه حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) و زادخانه حضرت فاطمه [علیها السلام] واقع در محله قشاشیه که در محل خود چنان شهرت دارد که نیاز به تعیین حدود ندارد، از محل اموال پدرش شیخ یوسف قطان، مدرسه ای برای حفظ قرآن کریم بنا نهد. فرمان والاحضرت، ولیعهد اعلی حضرت، خطاب به فرمانداری پایتخت به شماره ۷۱۱ مورخه ۲۴/۷/۱۳۶۶ ه. ق صادر شد مبنی بر موافقت با درخواست یاد شده مشروط بر رعایت آنچه عالیجناب در خصوص این درخواست مقرر داشته اند. رونوشت فرمان مبارک برای پدرم و دو نسخه از آن هم برای وزارت امور اقتصاد و دارایی و ریاست دیوان عالی کشور ارسال شد. و پدرم به عنوان وصی تام الاختیار پدر ایشان یعنی شیخ یوسف قطان در خیرات و میراث از مرده ریگ پدرش به موجب سند صادر شده در دادگاه عالی شرع به شماره ۱۲۰ مورخه ۹/۲/۱۳۵۱ ه. ق، در زمان حیات او با استناد به وصیت پدرش مبنی بر خیرات از اموالی که در اختیار اوست به ایجاد ساختمان مدرسه یاد شده

۱- این خانه مبارک به دست عوامل وهابی - سعودی ویران و به مزبله تبدیل گشت. بنگرید به: نصیحه لآخواننا علماء نجد، رفاعی، ص ۵۹ - م.

در زمین مورد نظر پرداخت. وی هیچ مالکیت و حقی در آن ندارد و پیش از آنکه این وقف نامه را در مراکز قانونی به ثبت رسمی برساند از دنیا رفت. بنای یاد شده شامل طبقات فوقانی و تحتانی، و متعلقات و تأسیسات الحاقی و آشپزخانه و حمام و انباری است و از شرق به کوچه ای باز معروف به زقاق الحجر، از غرب به قبان و از شمال به موقوفه خانه سنبل و از جنوب به ملک شرفا در قدیم و ملک حسن طلاقی و فرزندانش در حال حاضر محدود است. در این وقف نامه شروطی آمده است که عمل و پایبندی به آنها الزامی است: خانه یاد شده اجازه داده نمی شود و فروخته نمی شود و هدیه نمی شود و امانت داده نمی شود و به چیزی دیگر تبدیل نمی شود، بلکه به همین شکل می ماند.

رئیس دادگاه در ادامه می گوید به موجب بینه قانونی اصولاً بر من ثابت شد که عباس ابن یوسف قطان از محل اموال پدرش یوسف قطان بناهای یاد شده در فوق را ساخته است؛ از این رو وقف نامه یادشده را قانونی می دانم و آن را امضا کردم و دستور دادم سندی برای آن تنظیم و تحریر شود به تاریخ روز بیست و پنجم ماه جمادی الثانی سال هزار و سیصد و هفتاد و سه.

مهر رئیس دادگاه عالی

دو نکته در این دو سند درخور درنگ است:

۱. در این دو سند نکته ای است که تواتر محلی در مورد دو مکان تاریخی [یعنی زادخانه نبوی و خانه حضرت خدیجه] را ثابت می کند، چرا که در توصیف محل و تعیین [حدود این دو مکان] آمده است که قاضی عبدالله بن دهیش نیازی نمی بیند محل آن دو مکان را در وقف نامه مشخص سازد. وی [در سند نخست] درباره زادخانه شریف نبوی می گوید: معروف به مولد النبی (ص) در شعب علی [ع] در محله سوق اللیل و در محل خود آن مایه مشهور است که به تعیین و توصیف نیاز ندارد.

او [در سند دوم] درباره خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه هم می گوید: اجازه زمین

بیضا معروف به خانه حضرت خدیجه کبری [علیها السلام] و زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) در محله قشاشیه که در محل معروف است و چنان شهرت دارد که به تعیین نیاز ندارد.

۲. والاحضرت عبدالعزیز، پس از مشورت با علمای بزرگ به این کار مبارک پرداخت. تاریخ، این اقدام را به عنوان سند و حقیقتی آشکار ثبت می کند. البته جای شگفتی نیست، چه او پی نیکان گرفته است و کارش کامل کننده کار خلفا و حاکمان مسلمان در گذشته است. همچنین رهبری های حکیمانه در امت، به حفظ تاریخ امت و آثار باستانی آن اهتمام بلیغ دارند.

استاد عبدالرزاق فرزند شیخ محمد عبدالرزاق حمزه خطیب و امام جماعت مسجدالحرام در آغاز عملیات تأسیس مدرسه حفظ قرآن کریم در این مکان مبارک، می گوید: «... پیش از این می دانستیم که این محل، خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه بنت خویلد و دیگر همسران نبوی بوده و حضرت فاطمه [علیها السلام] در آن زاده شده است. پس از مدتی دیدم کارگران برای پی ریزی ساختمانی تازه در این مکان، حفاری و پی کنی می کنند. در اثر این کار، ساختمانی کامل کشف شد که در آن مسجدی بود که پایین تر از سطح خیابان قرار داشت و به مرور زمان در اثر سیل و دیگر عوامل در زیر خاک مدفون شده بود. (۱) باری در همان محل، ساختمانی تازه ساخته شد، و مدرسه ای، آن را برای حفظ قرآن کریم به کار گرفت. این بهترین استفاده از این مکان تاریخی است. خداوند این فکر شایسته را برای اهل خیر مقرر فرمود و ساختمان در همان دوره یعنی در اواسط و اواخر دهه شصت قرن چهاردهم هجری ساخته شد.

خانه ارقم بن ابی ارقم در صفا (دار الاسلام) که نخستین مدرسه (۲) در اسلام است و عمر در آن اسلام آورد، ماجرای دیگری دارد؛ چرا که در کوچه ای منشعب از مسعی در

- ۱- این سخن، اعتراف ناخواسته به ستمی است که آل سعود بر این گونه مکان ها در مکه مکرمه روا داشته اند. - م.
- ۲- در اینجا، مراد از مدرسه، مفهوم امروزی آن نیست، چراکه نخستین مدارس در اسلام در قرن چهارم پدید آمد. به خانه ارقم ابن ابی ارقم از آن روی مدرسه گفته شده است که رسول خدا (ص) در مدتی که در آن پنهان بود، یاران و تازه مسلمانان را در آن با اسلام آشنا می ساخت. - م.

سمت چپ کسی واقع است که به صفا می رود. این کوچه که حدود پنجاه متر از کوه صفا فاصله دارد همان کوچه خیزران است، اما خانه ارقم حدود یکصد متر با مسعی فاصله دارد و نزدیک خانه های آل شیبی (خدمتکاران و پرده داران کعبه) است، و خانه ای است یک طبقه که درست مانند ساختمان قدیم حرم از چند ستون و چند قوس ساخته شده و بی استفاده و متروک بود.

خداوند مقرر کرد شیخ عبدالطاهر ابوالسمح امام حرم مکی، و جانشین او شیخ محمد عبدالرزاق حمزه، از ملک عبدالعزیز درخواست کنند اجازه دهد این خانه در اختیار مدرسه دارالحدیثی قرار گیرد که پیشتر در سال ۱۳۵۳ه. ق تأسیس شده بود. ملک عبدالعزیز با این درخواست موافقت کرد و خانه در اختیار آنان قرار گرفت. [اما] از آنجا که خانه ای یک طبقه بود و تنها چهار اتاق داشت و این مقدار، گنجایش مدرسه را نداشت، یکی از خیران به هزینه خود یک طبقه بر طبقه هم کف افزود. مادر بزرگ [محترم (۱)] شیخ محمد حسین نصیف که بسیار هوادار این مدرسه بود، در این کار نقشی بزرگ ایفا کرد.

البته طبقه نوساز، با طبقه هم کف هماهنگ نبود، زیرا طبقه هم کف چنان که گذشت به شیوه [معماری] اسلامی دارای چند ستون و چند طاق قوسی بود، اما طبقه افزوده شده به شیوه جدید و سیمانی ساخته شده و این موجب شده بود ساختمان، به کسی ماند که پیراهن و عبا بر تن دارد و کلاه شاپو بر سر نهاده است.

مدرسه دارالحدیث این بنای باستانی را در اختیار داشت و خاطره خوش آن را زنده نگه می داشت تا اینکه طرح توسعه حرم اجرا شد و کل بنا در سال ۱۳۷۵ه. ق تخریب گشت و محل آن اکنون در خیابان میان صفا و کوه ابوقییس است. (۲)

نمونه آنچه را که استاد عبدالرزاق حمزه بیان داشت، در آنچه که عالم سلفی مسعود

۱- در متن مبدأ صفحه ۷۴ به غلط آمده است: «و قد کان لوجیه جده...». - م.

۲- روزنامه عکاظ، سال چهارم، شماره ۱۱۵۶۹، یکشنبه ۲۸ ذی الحجه ۱۴۱۸ه. ق برابر با ۲۵ آوریل ۱۹۹۸م، ص ۸.

عالم ندوی در کتاب شہور فی دیار العرب درباره سفرش به کشور عربستان نوشته است می یابیم. وی که در هشتم ذیقعده سال ۱۳۶۸ ه. ق میهمان دولت عبدالعزیز بود در شرح کارهای پس از طواف وداع می گوید:

پس از طواف به دیدار شیخ ابوسمخ رفتم. چون به در دارالحدیث رسیدم، مولانا عبدالوہاب دہلوی را دیدم کہ از اقامتگاہ من می آمد. او برای دیدار من رفته بود، و دوستش محمد بن عبدالعزیز حمزہ با او بود. با ہم نشستیم و از مسائل گوناگون گفتیم. شیخ ابوسمخ کہ بہ خانہ ارقم رفته بود، می گفت: این ساختمان مخصوص در خانہ ابی ارقم، در آغاز دورہ عباسی ساخته شدہ است. در اندیشہ ساختن ساختمانی عظیم و عالی در این مکان هستیم. متأسفانہ من نتوانستم از خانہ ارقم کہ رسول خدا (ص) با آغازین صحابہ فدایی خود در آن مستقر بودند، دیدار کنم. ان شاء اللہ پس از بازگشت از مدینہ منورہ ہمراہ مولانا عبدالوہاب کہ از معروف ترین عالمان آگہ بہ آثار تاریخی مکہ و مسئول امور مالی شورای دارالحدیث است، از آنجا دیدار خواہم کرد. عالم سلفی شیخ محمد بن عبدالرزاق بہ مناسبت بحث از خانہ ارقم، دیدگاہش درباره مکان های تاریخی مکہ را این گونه بیان داشت: ہمہ این ساختمان ها باید محفوظ بماند و محل ادارات و مراکز علمی و دینی شود. ضرورت دارد گنبدہا ویران شود (۱)، اما معنا ندارد بہ این مکان های مرتبط با دورہ نخست دعوت اسلامی بی توجہی شود. (۲)

شماری از علمای سلف در عصر حاضر با این دیدگاہ موافقند. مانند رشید رضا. (۳) او از کسانی است کہ استفادہ فرهنگی از این مکان های مسلم تاریخی را بہ دور از نیرنگ و خرافہ و افراط و تفریط روا می داند. این مطلب بہ صراحت در متن زیر آمدہ است:

«مسئلہ خانہ ای کہ رسول خدا (ص) در آن زادہ شد و دیگر خانہ های باستانی ای کہ قبر

۱- این سخن خلاف صریح قرآن کریم است، چہ در سورہ کہف، آیہ ۲۱ آمدہ است: ... قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا؛ «... کسانی کہ از کار آنها آگاہ شدند گفتند: ما بر بالای (جایگاہ) آنان مسجدی خواہیم ساخت» - م.

۲- گفتگوی حضوری با فرزند بزرگوار استاد عبدالرزاق، نویسنده مقالہ ای کہ در صفحہ ۱۲۷ از آن یاد شد.

۳- برای آشنایی با علت خوش رقصی رشیدرضا برای عبدالعزیز بنگرید بہ: وہابی گری، الگار، ترجمہ: غایی، صص ۴۴ و ۴۵.

در آنها نیست و عبادتگاه شده اند، آسان تر از مشکل مساجدی است که بر قبور ساخته شده است.

من خانه ای را که می گویند خانه حضرت (ص) (۱) است دیده ام و دیدم که ورودی آن به گونه ای ویران شده است که در آمدن به آن دشوار است و دیگر قسمت های آن حتی گنبدش همان طور که بوده مانده است. من تخریب مساجد قبور را [که] زیانبارتر از مسجد ضرارند که آیه در شأن آن نازل شده است، تأیید می کنم. من چند روز پس از رسیدن به مکه و پیش از آمدن محمد علی [پاشا] به آنجا، با ملک [عبدالعزیز] دیدار کردم و از کسانی که مسئله قبور و امثال آن را پدید آورده اند، شکوه نمودم و گفتم: به نظر من اشکالی ندارد که زادخانه و خانه خدیجه [علیها السلام] به مدرسه تبدیل شود تا محدثان و مبلغان اسلام در آنها پرورش یابند و دیدار مردم از این دو خانه منوط به کسب اجازه رسمی باشد و تنها به کسانی اجازه بازدید داده شود که بدانند یا بیاموزند که اسلام روا نمی دارد که مسلمان، پس از عوامل و علل عادی، از غیر خداوند سودی بخواهد یا دفع زیانی بجوید. و هر کس اعتقاد داشته باشد این خانه ها یا غیر آنها سودی می رسانند یا زیانی می زدایند، به خداوند شرک ورزیده است.

ما معتقدیم این دو خانه نه سودی می رسانند و نه زیانی، همچنان که عمر هنگامی که حجرالاسود را می بوسید با صدای بلند گفت: من نیک می دانم که تو سنگی، نه بهره می دهی، و نه زیان می رسانی، و اگر ندیده بودم که رسول خدا (ص) تو را می بوسد، نمی بوسیدم. (۲) چنان که بخاری و مسلم و دیگران مرفوعاً از رسول خدا (ص) نقل کرده اند. [معنای این سخن آن است] که بوسیدن حجرالاسود تنها از سر پیروی از رسول خدا (ص) است. [ملک عبدالعزیز] گفت: بدون فتنه ای بزرگ از پس این کار بر نمی آیم. (۳)

۱- در متن مبدأ صفحه ۷۶ به غلط آمده است: «صلوات الله و سلامیه». - م.

۲- السید رشید رضا [او] اخاء اربعین سنه، امیر شکیب ارسلان، [ص ۳۶۱].

۳- مؤلف محترم پاره پایانی این حدیث را باز نگفته است، توضیح آنکه در منابع شیعه و اهل سنت (با اندکی) اختلاف آمده است که علی (ع) در پاسخ عمر می گوید: «چنین مگو، که سود و زیان می رساند». عمر می گوید: «از چه روی چنین می گویی؟» علی (ع) می گوید: «خداوند تعالی می گوید: وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛ «و [یاد کن] آن گاه که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، زاده های آنها را برآورد و از آنان بر خودشان گواهی گرفت که آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: هستی، گواهی می دهیم؛ مبادا که در رستخیز بگوئید ما از این ناآگاه بودیم». این سنگ را دو دیده و دو زبان است. . . و روز رستخیز به وفای باوفایان گواهی می دهد. . . عمر می گوید: «یا ابالحسن به خدا پناه می جویم از اینکه در میان قومی بزی ام که از آنها نیستم». برای آگاهی بیشتر بنگرید به: وسائل الشیعه، عاملی، ج ۱۳، ص ۳۲۰؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۶، صص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۱، ص ۳۲۴؛ کتاب الحرمین الشریفین و التاریخ، وزنه، صص ۱۱۸ - ۱۲۰ - م. وانگهی ازرقی در اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۱، صص ۳۲۲ - ۳۳۵، به فضایل حجرالاسود پرداخته و مثلاً آورده است که حجرالاسود دست راست خدا در زمین است، هر که به آن دست کشد با خدا و رسولش بیعت نموده

است، یا حجرالاسود را فرشتگان از آسمان به زمین آورده اند. - م. فاسی در شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۳۲۴ می گوید: «روایاتی که ازرقی در وصف حجرالاسود بیان کرده است، از رسول خدا (ص) است». - م. درخور یاد است که علی (ع) در خطبه قاصعه (۱۹۲) نهج البلاغه می گوید: «... آیا نمی نگرید که خداوند سبحان، پیشینیان از آدم (ع) تا پسینیان از این عالم را به سنگ هایی آزمود که نه سودی می رسانند و نه زیانی، و نه می بینند و نه می شنوند؛ پس خداوند آن را خانه خود ساخت و برای آمدن و عبادت مردمانش پرداخت...». حضرت در این بهره از خطبه، در باره سنگ های خانه خدا سخن گفته است، نه در باره حجرالاسود؛ از این رو با سخن پیشین او ناسازوار نیفتاده است. - م.

این گونه تفکر است که در برخورد با این مکان های تاریخی، روشنگرانه و متعادل است. پس، از میان بردن این مکان ها تجاوز و ستم به تاریخ و احساسات مسلمانان است و تقدیس آنها به گونه ای که با عقیده صحیح ناسازوار باشد ناپسند و مردود است.

راه درمان این مشکل در پاره ای از جاهلان که از بیرون عربستان می آیند، فرهنگ سازی و آگاهی بخشی سودمند از رهگذر تشکیل گروه های زائر برای بازدید از این مکان ها به همراه راهنمای [رسمی] است که آنان را راهنمایی کند و با تاریخ اسلام و رشد آن در پرتو این عقیده و مبارزه آن با همه پدیده های ناسازوار با توحید ناب که شایسته است فرد مسلمان در برخورد با آثار تاریخی به آن آراسته باشد، آشنا سازد.

راه حل درست، ایجاد آگاهی است. این روشنگری در آینده هم به ویژه پس از بازگشت حاجیان و عمره گزاران به کشور خود، درس مفیدی است برای هر کس که در پی دیدار از این مکان های تاریخی است.

بهره گیری از این مکان های تاریخی به شیوه ای عقلانی و روشی فرهنگی است که ارزش جایگاه تاریخی و عظمت و شکوه این مکان ها را در نفوس مسلمانان حفظ می کند. آنچه به احساسات و عواطف و تاریخ مسلمانان مربوط است، مد نظر ملک عبدالعزیز قرار دارد. و این [از سویی] فضل الهی است، [و از سوی دیگر] به لطف مشورت او با عالمانی است که نگرشی گسترده و رویکردی صحیح دارند، همان کسانی که به اهمیت این گونه مکان های تاریخی و تأثیر ژرف آنها بر هدایت نسل ها و جلب توجه آنان به معانی ایمان آگاهند.

سومین نمونه برجسته از مصادیق توجه فرهنگی ملک عبدالعزیز، نکته ای است که استاد محمد امین اسماعیل خدمری از فرزندان مکه مکرمه و معاصران مربی فاضل شیخ عبدالله خوجه رئیس مدارس پیکار با بیسوادی، درباره [مدارس] (۱) شبانه نجاج که در سال ۱۳۵۰ ه. ق تأسیس شدند، و ماجرای اجازه [تأسیس] مدرسه [در] زادخانه حضرت علی بن ابی طالب (ع) در شعب علی، بیان داشته است.

اما درباره چگونگی تأسیس این مدرسه: آموزشگاه پسرانه [ملک عبدالعزیز] در ریاض بر آن شد که جشن فارغ التحصیلی برگزار کند. به مسئولان آن گفته می شود شیخی در مکه است به نام عبدالله خوجه که در برگزاری جشن ها ید طولا دارد.

شیخ می گوید: شیخ طاهر دباغ به همراه بزرگان مکه نزد من آمدند و خواستشان را با من در میان نهادند. من هزینه کار را درخواست کردم، قول همکاری دادند.

من به ریاض رفتم و جشن را برگزار کردم، بسیار موفقیت آمیز بود. پس از برپایی جشن تصمیم گرفتم به شهر خود مکه بازگردم، اما آنان از من خواستند دو سه روز درنگ کنم. روز سوم دفتر بزرگی مانند دفتر حضور و غیاب نزد من آوردند و گفتند در این دفتر تمنايي کن، ما این را خدمت اعلی حضرت می بریم. من یکی از موقوفه های مکه را درخواست کردم. به این ترتیب از من خواستند موردی را مشخص کنم؛ من

۱- در متن مبدأ صفحه ۷۷ به خطا آمده است: «مدراس». - م.

گمشده ام را در این مکان [زادخانه (۱) حضرت علی بن ابی طالب (ع)] یافتم. سپس آنان بن لادن را برای تأمین هزینه و معلم به من معرفی کردند و به این ترتیب مدرسه ساخته شد. این مدرسه، شعبه ای در محله شبیکه دارد که شیخ احمد عبدالغنی عجیمی - خدایش بیامزد - آن را اداره می کرد و زیر نظر مدیر مدرسه «پیشرفت علمی» است که در کوچه عجیمی پشت اداره پست در شامیه واقع است. (۲)

این مدرسه سال ها در این ساختمان نقش فرهنگی خود را بازی کرد تا اینکه محله شعب علی (ع) برای توسعه خیابان و عملیات حفر تونلی که از محله عزیزیه می آید و از وسط کوه ابوقییس می رود، تخریب شد.

به کارگیری این مکان های تاریخی، نقشی برجسته در زندگی علمی و فرهنگی در درون و بیرون عربستان ایفا کرد. پس از تخریب کامل شماری از آنها برای توسعه فضاهای حرم شریف برای نماز گزاران، محل زادخانه شریف نبوی (کتابخانه مکه مکرمه) مکان فرهنگی - تربیتی برجسته ای شده است که نقش علمی بی بدیلی در داخل و خارج عربستان بازی می کند، چرا که با نسخ خطی و منابع چاپی، محققان را در به پایان رساندن پژوهش های علمی خود یاری می رساند. اینها جملگی در کارنامه ملک عبدالعزیز و واقفانی که برای خدمت به جویندگان دانش، بخشی از ثروت خود را برای ساختن آن هزینه کردند، ثبت می شود.

تاریخ هم چنان از این کار پادشاه و فرزندان او که به راه او می روند و در پی آنند که تاریخ امت اسلامی را از نابودی باز دارند و نگذارند جاهلان بر آن تسلط یابند، یاد خواهد کرد.

۱- درباره دیدگاه اهل سنت نسبت به زادخانه امیر المؤمنین (ع) بنگر به پانوش ۲ صفحه ۸۶ همین اثر. - م.

۲- سند دست نویس خاصی که در اختیار مؤلف است.

فصل پنجم: دیدگاه علما درباره زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه

اشاره

فقیهان امت در مشروعیت زیارت این مکان ها به دو گروه تقسیم می شوند: موافقان و مخالفان. در ذیل، دیدگاه هر دو گروه و استدلال های آنان بررسی می شود.

گفتار یکم: دیدگاه مخالفان زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه و دلایل آنها

برخی بر این باورند که زیارت این مکان ها از بدعت هایی است که هیچ پای بستى در شرع ندارد. (۱)

احمد بن تیمیه [۶۶۱ - ۷۲۸ ه. ق] موضع گیری و دیدگاهی ویژه نسبت به این مسئله دارد؛ اما مخالفت او - چنان که برخی در مقالات و کتاب هایشان بیان داشته اند - مطلق نیست. در زیر، دیدگاه او بر اساس متن گفتار وی پیش رو نهاده می شود.

۱. اعتراض به مؤلفان مناسک برای بیان [استحباب زیارت] زیارتگاه ها: احمد بن تیمیه می گوید: «گروهی از مؤلفان مناسک از استحباب زیارت مساجد مکه و اطراف آن یاد کرده اند. من در کتاب مناسکی که پیش از نخستین حج خود، در اوایل زندگی از سخنان علما گرد آورده و برای برخی از شیوخ نوشتم، به این مطلب اشاره

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۵۳۶. م. * در متن مبدأ صفحه ۷۹ آمده است: «ص

کرده بودم. سپس بر ما معلوم شد که اینها همه بدعت است و در شرع هیچ اساسی ندارد. مهاجران و انصار هیچ یک از این کارها را نکرده اند و پیشوایان، راستی از این کارها باز داشته اند. مسجدالحرام تنها مسجدی است که مشروع است برای نماز و دعا و طواف و دیگر عبادات به آنجا رفت، و رفتن به مسجدی دیگر در مکه برای این امور مشروع نیست، و روا نیست کاری کرد که در آنجا مسجدی در این احکام با مسجدالحرام رقابت کند. نماز و دعا و دیگر عباداتی که فرد در این مساجد به جا می آورد، اگر در مسجدالحرام به جا آورد، خوب بلکه سنت مشروع است، اما رفتن به مسجدی دیگر برای انجام دادن این کارها و کسب فضیلت آن، بدعت و غیرشرعی است.» (۱)

۲. ناروایی زیارت مکان هایی که رسول خدا (ص) مدتی از رسالتش را در مکه در آنها گزارده است: او در این باره می گوید: «زهد و عبادت حضرت (علیها السلام) در غار حرا، پیش از مبعث بود. سپس چون خداوند او را به نبوت و رسالت خویش بزرگ داشت و ایمان آوردن به او و اطاعت و پیروی از وی را بر مردم واجب شمرده، او و مهاجران نخستین که به او ایمان آوردند و برترین آفریدگان بودند ده سال در مکه اقامت کردند، و نه او به غار حرا رفت و نه هیچ یک از اصحابش. سپس به مدینه هجرت نمود و چهار (۲) نوبت عمره گزارد: عمره حدیبیه که مشرکان نگذاشتند [حضرت (ص)] به خانه خدا رود. هنگامی که به قصد مکه از تنعیم و کنار مساجدی که گفته می شود مساجد عایشه اند بگذری، به کوهی که در سمت راست توست کوه تنعیم گویند و

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، صص ۵۳۶ و ۵۳۷. - م.

۲- چنانکه در صفحه ۶۷ یاد آور شدیم، از نگاه شیعه، حضرت تنها سه عمره اراده کرد و دو عمره گزارد. عمره حدیبیه که ناتمام ماند، عمره قضا یا قضیه، عمره جعرانه. شماری از اهل سنت، براین باورند که حضرت در حجه الوداع، حج قرآن گزارده است. یعنی جناب پیامبر در این حج با نیت عمره کارهایی کرده است که در مجموع هم عمره به شمار می آید و هم حج. بنگرید به: همگام با پیامبر در حجه الوداع، حسین واثقی، صص ۲۸۳ - ۲۹۸. - م.

حدیبیه در همان سمت و دور از تنعیم است. سپس در سال آینده عمره قضیه (۱) را گزارد و با جمع انبوهی از صحابه وارد مکه شدند و سه روز در آنجا ماندند. سپس چون مکه را فتح کرد و به ناحیه حنین و طائف در شرق مکه رفت و با هوازن حنین جنگید و اهل طائف را محاصره نمود و غنایم حنین را در جعرانه تقسیم کرد، از جعرانه محرم شد و به مکه آمد. پس از این در حجهالوداع عمره چهارم گزارد و گروه های مسلمان با او حج گزاردند و جز کسانی که خواست خدا بود از حج باز نماندند.

در این عمره ها و حج واجب نه او و نه هیچ یک از اصحابش به غار حرا نرفت و آنجا را زیارت نکرد. همچنین است دیگر مکان های اطراف مکه. در آنجا جز در مسجدالحرام و بین صفا و مروه و منا و مزدلفه و عرفات، در جایی دیگر عبادت صورت نگرفت و نماز ظهر و عصر را در بطن عرنه گزارد و روز عرفه در نمره کنار عرفه برای او چادر زدند. در آینده هم خلفای راشد و دیگر مسلمانان صدر اسلام، به غار حرا برای نماز گزاردن و دعا کردن نرفتند.

همچنین است غار یاد شده در آیه: **إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ (۲)**؛ «... آنگاه که کافران وی را که دومی آن دو بود بیرون راندند...» که همان غار کوه ثور در سمت راست مکه است، چه حضرت برای امتش مقرر نداشت به آنجا سفر کند و آن را زیارت نماید و در آن نماز گزارد و دعا کند. [در مکه، مسجد، تنها مسجدالحرام بود و رسول خدا (ص) در مکه مسجدی نساخت] (۳) و دستور نداد زادخانه اش و محل بیعت عقبه که در پشت منا قرار دارد و در آنجا برای وی مسجدی برپا شده است، زیارت شود. این مساجد جملگی پس از آن حضرت ساخته شده اند.

۱- عمره قضیه را، عمره قضا نیز گفته اند (تهذیب الاسماء و اللغات، نووی، ج ۳، ص ۹۵) - م.

۲- توبه: ۴۰ - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۸۱ آمده است: «ولا بنی رسول الله (ص) بمکه مسجداً غیر المسجد الحرام...» روشن است که در سخن تسامح بلکه لغزشی رفته است، چه مسجدالحرام را رسول خدا (ص) نساخته است. از این رو به شکلی که در متن آورده ام، بازآفرینی شد. - م.

روشن است که اگر این کارها شرعی و مستحب بود و خداوند برای آنها پاداش می داد، حتماً پیامبر اکرم (ص) آگاه ترین مردم به این امور بود و این مطالب را به اصحابش می آموخت و اصحاب او از آیندگان به این امور آگاه تر و به آنها راغب تر بودند.

از آنجا که آنان به هیچ یک از این اعمال توجه نکرده اند، معلوم می شود این کارها از بدعت هایی است که اصحاب، آنها را عبادت و نزدیکی به خداوند و اطاعت از او نمی دانستند. پس هر کس این اعمال را عبادت و نزدیکی به خداوند و اطاعت از او شمارد، به راه آنان نرفته است، و چیزی را از دین شمرده است که خداوند به آن فرمان نداده است.» (۱)

۳. اختلاف علما در زیارت این مکان ها: ابن تیمیه به این اختلاف پرداخته است و می گوید: «محمد بن وضاح می گوید: مالک و شماری دیگر از علمای مدینه، آمدن به این مساجد و مکان ها در مدینه را مکروه داشته اند مگر قبا و احد. سفیان ثوری به بیت المقدس وارد شد و در آن نماز گزارد، اما در پی درآمدن به این مکان ها و نماز گزاردن در آنها برنیامد. این گروه با استناد به سخن عمر، و از آن رو که این اعمال شبیه نماز در مقابر است، به طور مطلق آنها را مکروه دانسته اند.

شماری از علمای متأخر آمدن به این مکان ها را مستحب دانسته اند و گروهی از مؤلفان اهل سنت و دیگران در مناسک خود از استحباب زیارت این مساجد یاد کرده اند و محل و نام آنها را برشمارده اند.

احمد [بن حنبل] زیارت مکان هایی را که درباره آنها خبری رسیده است، جایز می داند مگر اینکه جشن گرفته شود، یا پی در پی به آنجا رفت و آمد شود و در زمان مشخص در آنجا گرد آیند. مانند نماز جماعت زنان در مسجد، که وی آن را روا داشته است مگر آنکه زنان از این رهگذر خودنمایی کنند. به هر حال، خانه برای آنان بهتر است. احمد [بن حنبل] به این طریق میان اخبار جمع کرده و به حدیث ابن مکتوم

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، صص ۵۳۳ و ۵۳۴. - م.

احتجاج جسته است.» (۱)

۴. صحت ساختن مسجد در مکانی که رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده است یا قصد نماز خواندن در نماز گاه او: ابن تیمیه این را می پذیرد، مشروط بر آنکه اصلاً هدف ساختن مسجد باشد؛ می گوید: «و مانند آن است آنچه که در صحیحین از قول عتبان بن مالک نقل کرده اند که گفته است: من [در مسجد قومم] بنی سالم نماز می خواندم. بعد نزد پیامبر (ص) آمدم و گفتم: چشمم بی سو شده است و سیل ها میان من و مسجد قومم قرار گرفته است، بسیار دوست دارم بیایی در جایی از خانه ام نماز بگزاری تا آنجا را مسجد کنم. او گفت: چنین می کنم ان شاء الله.

بعد چون روز برآمد، رسول خدا (ص) با ابوبکر صبح هنگام بر من وارد شد و اجازه خواست. اجازه دادم. هنوز ننشسته بود که پرسید: کجای منزلتان دوست داری نماز بخوانم؟ من به جایی که دوست داشتم در آن نماز بگذارم، اشاره کردم. رسول خدا (ص) در آنجا ایستاد و تکبیرها لا-حرام گفت. ما در پی وی به صف شدیم. او دو رکعت نماز گزارد و سلام داد. ما هم با او سلام دادیم.

از این حدیث برمی آید که باکی نیست که کسی مسجدش را در محلی که رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده برپا سازد، هم چنین است قصد نماز گزاردن در محلی که رسول خدا (ص) در آنجا نماز خوانده است؛ اما قصد اصلی این فرد ساختن مسجد است و مکانی را دوست دارد که رسول خدا (ص) در آن برای او نماز خوانده است، تا از این رهگذر، رسول خدا (ص) محل مسجد او را معلوم کرده باشد. و این برخلاف مکانی است که رسول خدا (ص) به طور اتفاقی در آن نماز خوانده است و بعد آن را مسجد کرده اند؛ اما نه از آن رو که به مسجد نیاز بوده است، بلکه برای آنکه حضرت (ص) در آنجا نماز گزارده است.» (۲)

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۴۹۷. م -

۲- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، صص ۴۹۷ و ۴۹۸. م -

۵. مشروع بودن نماز گزاردن در مکان هایی که حضرت (ص) در آنها نماز می گزارده است، به قصد پیروی و اقتدا: نماز خواندن یا دعا کردن در مکان هایی که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده یا دعا کرده است، سنت و اقتدا به آن حضرت (ص) و پیروی از اوست، همچنان که اگر [آن حضرت] در وقتی خاص نماز به جا آورد و یا دعا کرد، نماز و دعا در آن وقت، سنت و مانند دیگر کارها و عبادات اوست که به قصد قربت انجام می گیرند. از این مورد است خبری که در صحیحین از قول یزید بن ابی عبید آمده است که می گوید: سلمه بن اکوع پیوسته می کوشید نزدیک اسطوانه کنار محل مصحف نماز بگزارد. به او گفتم: ای مسلم می بینم نماز خواندن کنار این اسطوانه را پی می گیری. گفت: پیامبر اکرم (ص) را دیدم در کنار آن نماز می گزارد. در روایت مسلم از سلمه بن اکوع آمده است: او در محل مصحف نماز می گزارد و تسبیح می گفت و اشاره می کرد که رسول خدا (ص) در این مکان درنگ می کرد و میان منبر و محراب به اندازه عبور گوسفندی فاصله بود.

پاره ای از مؤلفان پنداشته اند این مطلب از موارد اختلافی است و آن را با گونه نخست یکی انگاشته اند؛ اما این درست نیست؛ زیرا اینجا خبر داده است که پیامبر اکرم (ص) در آن محل درنگ می کرد، حال که چنین است چگونه قصد این کار، مستحب نیست. بلکه تعیین جایگاه در مسجد و جز در آنجا نماز نگزاردن، در شرع منع شده، چنان که در سنت آمده است. و جایگاه برگزیدن [در مسجد] غیر از درنگ نه در پی جایگاه گرفتن است. پس باید میان پیروی از پیامبر اکرم (ص) و اقتدا به او در آنچه کرده است با بدعت گذاری در چیزی که در سنت نیست و تنها برای ارتباط آنها با او [صورت می پذیرد]، فرق نهاد. (۱)

۶. اشکالاتی که انتظار می رود در زیارت مکان های مبارک نبوی پیش آید: پیروان این دیدگاه پوشیده نمی دارند که برخی از جاهلان، هنگام زیارت این مکان ها رفتارهای نهي

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۴۹۸ - ۴۹۹. م.

شده ای انجام می دهند که با عقیده توحید سازواری ندارد. این امر در میان عامه مردم آشکارا دیده می شود. از این رو و برای پیش گیری از این دستاویز، این باب یکسره بسته شد تا نابی عقیده مصون بماند.

ابن تیمیه این امر را در عبارت ذیل بیان داشته است: «کسی که این زیارت ها را مکروه می داند، تنها از آن روست که اینها بهانه ای می شود برای برپایی جشن و عید گرفتن و تشبّه به اهل کتاب. و هیچ یک از صحابه با آنچه ابن عمر در این زمینه کرده است، موافق نبوده اند و از خلفای راشد و مهاجران و انصار هم نقل نشده است که در پی مکان هایی برآیند که رسول خدا (ص) در آنها فرود آمده است.» (۱)

۷. دیدگاه برگزیده ابن تیمیه: حق با جمهور صحابه است؛ زیرا پیروی از پیامبر اکرم (ص) به اطاعت از گفتار و کردار اوست، به گونه ای که آنچه او انجام داده است به همان شکل که او انجام داده است، به جا آورده شود. بنابراین، اگر آهنگ عبادت در مکانی شود، آهنگ عبادت در آنجا پیروی از رسول خدا (ص) است، مانند مشاعر و مساجد؛ اما اگر [آن حضرت (ص)] در جایی فرود آمد، که از سر اتفاق، هنگام فرود آمدن به آنجا رسید و یا به هر دلیل دیگر که نشان می دهد حضرت [ص] در پی آن مکان نبوده است، اگر ما در پی آن برآیم، پیرو او نیستیم، چرا که کارها در گرو نیت است. (۲)

برای آشنایی بیشتر با این دیدگاه بنگرید به:

۱. حکم زیاره اماکن السیره النبویه. سعد بن ناصر بن عبدالعزیز شتری (چاپ اول، ریاض، دار اشیللیا، ۱۴۲۴ه. ق).
۲. الآثار و المشاهد و اثر تعظیمها علی الامه الاسلامیه. عبدالعزیز بن عبدالله جفیر (چاپ اول، مصر، دارالهدی النبوی - دارالفضیله، ۱۴۲۴ه. ق).

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۴۹۷. م -

۲- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۴۹۷.

۳. ما ذا يقولون عن التبرک و تقییل الید. ابو عمر ماحی (چاپ اول، ریاض، مطبعه النرجس التجاریه، ۱۴۲۹هـ. ق).

کفتار دوم: دیدگاه موافقان زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه

آنچه در پی می آید اشارتی است کوتاه به مهم ترین دلایل فقیهان [سنی مذهب] که زیارت مکان های نبوی را روا می دانند. از جمله اموری که در این زمینه پیش از هر چیز باید از آن پرهیز کرد، این است که مبدا سخنان فقیهان در توصیف این مکان ها به مبارک بودن و استحباب نماز در آنها و امید روا شدن دعا در آنها، کج فهمیده، و به برانگیختن فراسوی کارهای ناسازگار با پاکی عقیده و نابی آن حمل شود؛ زیرا فقیهان بسیار فراتر از آنند که شاخص های توحید را بگسلند. آنان اسطوانه های این علم و بازدارندگان آن از هر رخنه اند.

نماز گزاردن در مکانی که رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده است، تا زمانی که عبادت تنها برای خداوند و خالصانه باشد؛ هیچ یک از حلقه های توحید را نمی گسلد.

[۱. دیدگاه فقیهان در باره مبارک بودن این مکان ها:] به کار بردن عبارت «مکان های مبارک» در سخن فقیهان، به جا و رواست. این عبارت به قول اهل منطق وصف کاشف است؛ زیرا مکان ها بر اساس ویژگی های آنها و کسی که به آنها درآمده و رخدادی که در آنها روی داده است نسبت به یکدیگر برتری دارند.

برای روایی کاربرد این عبارت، به قرآن کریم استناد و استدلال شده است: *سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا خَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱)*؛ «پاک است آن (خداوند) که شبی بنده خویش را از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی - که پیرامون آن را خجسته گردانده ایم - برد تا از نشانه هایمان بدو نشان دهیم، بی گمان اوست که شنوای بیناست.»

ابومحمد عبدالحق بن عطیه اندلسی (۴۸۱ - ۵۴۶ه. ق) یادآوری می کند که مبارک بودن از دو جهت است: یکی نبوت و شرائع و رسولانی که در این سرزمین و اطراف و اکناف آن بوده اند؛ و دیگری، نعمت هایی چون درختان و آب ها و سرزمین حاصلخیز که خداوند به شام اختصاص داده است. (۱)

حاصل سخن آنکه هر مکانی که رسول خدا (ص) در آن فرود آمده است مبارک است. هیچ مسلمان جاهلی با این امر مخالفت نمی ورزد چه رسد به عالم عاقل.

ابوعبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی [در تفسیر]: اَلَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ مَيَّ كَوَيْد: «گفته شده است که این مبارکی برای میوه ها و آبراه های آن است؛ و گفته شده است برای رسولان و صالحانی است که در اطراف آن به خاک سپرده شده اند و از این رو مقدس شده است» (۲)؛ و هم از این روست که این عالمان فقیه، واژه مبارک را به کار برده اند و این چیز شگفتی نیست.

۲. رابطه مبارک بودن این مکان ها با روا شدن دعا در آنها: چون علت مبارک بودن آن [مکان ها] معلوم شد، [معلوم می شود] به همین علت است که دعا در آنها به اذن الله عزوجل روا می شود. بزرگان علم تفسیر پذیرفته اند که مکان ها به اعتبار کسی که در آنها فرود آمده و رویدادهایی که در آنها رخ داده است بر یکدیگر برتری دارند.

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، برای این مفهوم بایی در صحیح خود اختصاص داده است به این عنوان «باب مساجدی که در راه مدینه اند و مکان هایی که پیامبر اکرم (ص) در آنها نماز گزارده است.» (۳) وی [در شرح این عنوان] به ده حدیث پرداخته است.

همچنین عمادالدین ابوفداء اسماعیل بن کثیر قرشی دمشقی (۷۰۱- [۷۷۴ه. ق]) این مکان ها را ذیل عنوان «بیان مکان هایی که رسول خدا (ص) در حالی که در عمره و حج از

۱- المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز. [ابن عطيه اندلسي]، ج ۹، ص ۱۰.

۲- الجامع لاحكام القرآن، [قرطبي]، ج ۹، ص ۲۱۲.

۳- فتح الباري شرح صحيح البخاري، ابن حجر عسقلاني، ج ۱، ص ۷۴۸ - ۷۵۱. م.

مدینه به مکه می رفت در آنها نماز خوانده است» ، یاد کرده است. (۱)

[۳. تبرک جویی پسر عمر بن خطاب به این مکان ها:] احمد بن علی بن حجر عسقلانی در شرح خود بر [صحیح (۲)] بخاری چنین آورده است: حاصل آنکه، ابن عمر به این مکان ها تبرک می جستند است [در حالی که] پابندی شدید وی [به سنت نبوی] زبازد است. این کار او با آنچه از پدرش رسیده ناسازوار نیست؛ توضیح آنکه، [عمر] در سفری دید مردم به جایی می شتابند، علت را جویا شد، گفتند: پیامبر اکرم (ص) در آنجا نماز گزارده است. گفت: هر که می تواند، نماز بگزارد، و گرنه باز گردد. اهل کتاب تنها از آن روی هلاک شدند که در پی آثار پیامبران خود برآمدند و آنها را به کنشت و کنیسه تبدیل کردند. [رفتار عبدالله بن عمر، از آن روی با سخن عمر ناسازگاری ندارد که] سخن عمر بر این حمل می شود که زیارت مردم از این مکان ها را برای غیر نماز مکروه می دانند، یا بیم دارد کار بر کسانی که حقیقت امر را نمی دانند، دشوار شود و آنان گمان برند این عمل واجب است.

هر دو امر از نگاه ابن عمر صحیح اند. پیش از این، سخن عتبان و درخواست او از رسول خدا (ص) برای نماز گزاردن در خانه او، تا آن را مسجد کند و پذیرش پیامبر اکرم (ص) ، و این دلیلی است بر [روایی] تبرک جستن به آثار صالحان. (۳)

به همین ترتیب، ابو محمد عبدالله بن ابی جمره اندلسی (در. ۶۹۹ه. ق) در کتابش بهجهالنفوس و تحلیها بمعرفه ما لها و ما علیها شرح مختصر صحیح البخاری، به سنت شریف نبوی استشهاد جستند و در شرح حدیثی از عمر که می گوید: «از پیامبر اکرم (ص) شنیدم که در وادی عقیق می گفت: شب هنگام فرستاده ای از پروردگارم نزد من آمد و گفت: در این مکان مبارک نماز بگزار و بگو عمره ای در حجی است» ، آورده است: این سخن دلیل است بر اینکه هدف ما از [نماز گزاردن در و تبرک جستن به] مکان ها و

۱- حجهالوداع [ابن کثیر]، ص ۱۵۶.

۲- در متن مبدأ صفحه ۸۶ آمده است: «صنیع» . - م.

۳- فتح الباری [شرح] صحیح البخاری، [ابن حجر عسقلانی]، ج ۱، ص ۵۶۷.

زمان های مبارک، تعبد است. این مطلب از سخن او «در این مکان مبارک نماز بگزار» ، برمی آید، یعنی به اعتبار برکت این مکان است که امر شده در آن نماز برپا شود چنان که خداوند درباره ماه های حرام می گوید: ... فَلَا تَطْلُمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ . . . (۱)؛ «در آنها بر خود ستم روا ندارید. . .» از ستم در این ماه ها باز داشته است؛ زیرا گناه در همین ستم است و [ستم] در این ماه ها بیش از دیگر ماه ها [ناپسند] است. امر به چیزی، نهی از ضد آن است و نهی از چیزی، امر بر ضد آن است، پس هنگامی که از [ستم (۲) (قدس سره) گناه] باز می دارد، طاعت را لازم می سازد و ما را به آن فرا می خواند. (۳)

۴. زیارت رسول خدا (ص) و شماری از بزرگان اصحاب او از غار حرا: این امر در صحیح مسلم ذیل عنوان «بابی در فضایل طلحه و زبیر» به اثبات رسیده است. به روایت از ابوهریره است که رسول خدا (ص) با ابوبکر و عمر و عثمان و علی [ع] و طلحه و زبیر در حرا بود که ناگاه صخره جنبید. رسول خدا (ص) گفت: «آرام باش، جز پیامبری یا صدیقی یا شهیدی بر تو نیست.» (۴)

و به سندی دیگر که به ابوهریره می انجامد از او نقل است که رسول خدا (ص) بر کوه حرا بود. ناگاه کوه جنبید. رسول خدا (ص) گفت: «حرا آرام باش، که جز پیامبری یا صدیقی یا شهیدی بر تو نیست.» رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر و عثمان و علی [ع] و طلحه و زبیر و سعد بن ابی وقاص بر آن بودند. (۵) و (۶) و (۷)

۱- توبه: ۳۶ - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۸۷ به غلط آمده است: «فلما نهی عن ترک الظلم فیها. . .» - م.

۳- [بهجه النفوس و تحلیها بمعرفه ما لها و ما علیها، ابن ابی جمره اندلسی]، ج ۱، ص ۱۵۷.

۴- صحیح مسلم، ج ۵، ص ۳۳.

۵- صحیح مسلم، ج ۵، صص ۳۳ و ۳۴ - م.

۶- صحیح مسلم، ج ۵، ص ۳۳.

۷- مؤلفه های این روایت با یکدیگر سازوار نیستند زیرا در روایت آمده است با رسول خدا (ص) ۸ نفر همراه بوده اند؛ اما حضرت به کوه خطاب می کند که جز پیامبری و صدیقی یا شهیدی بر تو نیست. - م.

[۵. سند روا شدن دعا در این مکان ها:] سند روا شدن دعا در این مکان ها، گاه مرفوعاً به رسول خدا (ص) می رسد و فضل خداوند در شمار نمی آید.

عفیف الدین عبدالله بن ابراهیم میرغنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی (در. ۱۲۰۷ه. ق) در کتاب عده الانابه فی اماکن الاجابه ذیل عنوان خاص «سند روایی دعا به طور عام» به این موضوع پرداخته است و می گوید: «بدان که حسن [بصری] به روا شدن دعا در این مکان ها اشاره کرده است و چنین می نماید که او این مطلب را جز از نص نمی گوید.» (۱)

شیخ محمد بن علی علان [صدیقی] در شرح الاذکار (۲)، از جدش عبدالملک بن علی نقل کرده است که حسن بصری [سند] این مطلب را به رسول خدا (ص) می رساند. پس اگر این استناد ثابت شود، در عمل به آن بسنده می شود.

شاید نزد شیخ عبدالملک عصامی نیز این امر ثابت شده باشد، زیرا او در پایان منظومه مشهورش می گوید: «بر این امر شواهدی هست. برخی از این شواهد در احادیث مرفوع بیان گشته است.» (۳) او [روا شدن دعا در برخی از مکان ها] را به زمانی خاص مقید نساخته است و بیشتر استادان ما که در این باره سخن گفته اند از او پیروی کرده اند و ناظم [منظومه] هم بر همین روش رفته است.

ملاعلی قاری می گوید: «ظاهراً این مکان های شریف، محل روا شدن دعاها عالی در زمان های خاص است و می توان این قید را بر همه دعاها حمل کرد و خداوند سبحان اعلم است.»

نقاش [مفسر، روا شدن دعا در] برخی از [این مکان ها را] به [زمانی خاص] مقید کرده است. شافعیه به این روش رفته اند؛ و فضل خداوند در شمار نمی گنجد.» (۴)

۱- نیم سطر از بند پنجم صفحه ۸۸ متن مبدأ حذف شد. - م.

۲- منظور کتاب الفتوحات الربانیه علی الاذکار النوایه است. - م.

۳- مؤلف محترم ارجاع نداده است. منظومه عصامی در دسترس مترجم نبود تا ارجاع دهد. - م.

۴- [عده الانابه فی اماکن الاجابه، میرغنی حسنی متقی]، ص ۴۱.

رفتار صحابه سلف صالح: ازرقی با سندی که به ابن جریج می انجامد از اسماعیل بن امیه نقل می کند که خالد بن مضرس به او خبر داده که سالخوردگانی از انصار را دیده است که در پی نماز گاه رسول خدا (ص) در مقابل مناره [مسجد خیف] و نزدیک آن بوده اند.

جدم گفت: «سنگ هایی که در مقابل مناره است، همان محل نماز گزاردن پیامبر اکرم (ص) است و پیوسته مردم و عالمان را می بینیم که در آنجا نماز می گزارند.» (۱)

پس از ازرقی، فاکهی آمده و یاد کرده است که سنگ هایی که مقابل مناره است، همان نماز گاه پیامبر اکرم (ص) است و آگاهان همواره در آنجا نماز می خوانند و [این مکان، همان مسجد [عیشومه (۲)] است. (۳)

رفتار تابعین سلف صالح: مورخ مدینه منوره ابوزید عمر بن شبه نمیری بصری (۱۳۷ - ۲۶۲ ه. ق) می گوید: «ابوغسان می گوید: چند تن از عالمان مدینه به من گفتند: پیامبر اکرم (ص) در همه مساجد مدینه و اطراف آن که با سنگ های کنده کاری شده و یکسان ساخته شده است، نماز گزارده است؛ زیرا عمر بن عبدالعزیز هنگامی که مسجد النبی (ص) را بازسازی می کرد از مردم که فراوان بودند، درباره مساجدی که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است، پرسید و سپس همه آنها را با سنگ های کنده کاری شده یکسان، ساخت.» (۴)

از مصادر برمی آید که او نخستین کس است که برای این مساجد محراب ساخت. مورخان به این شیوه معماری مساجد، بنای عمری گویند. امیران و بزرگان و توده مردم مسلمان به ساختمان و بازسازی و تعمیر و توسعه این مساجد اهتمام داشته اند. (۵)

- ۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار [ازرقی]، ج ۲، ص ۱۷۴.
- ۲- در متن مبدأ صفحه ۸۹ آمده است. «عیشومه». - م.
- ۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، [فاکهی]، ج ۴، ص ۲۶۵.
- ۴- تاریخ المدینه المنوره، ابن شبه نمیری بصری، ج ۱، ص ۷۴.
- ۵- المساجد الاثریه فی المدینه المنوره، عبدالغنی محمد الیاس، ص ۱۳.

این گونه برخورد با مکان های تاریخی ای که انتساب آنها به رسول خدا (ص) صحیح است از قرن نخست هجری و به دست عمر بن عبدالعزیز هنگامی که والی مدینه منوره در زمان حکومت ولید بن عبدالملک بود، پدید آمد. ولید به او نوشت: در هر مکانی که به نظرت درست می آید که پیامبر اکرم (ص) در آن نماز گزارده است مسجد بساز. [گفتنی است که] هیچ یک از بزرگان و پیشوایان معاصر او بر این امر اعتراض نکردند.

عبدالله بن محمود نجار (۵۷۸ - ۶۴۳ ه. ق) درباره مساجد باستانی مدینه منوره می گوید: «این آثار همگی ساخته عمر بن عبدالعزیز است.» (۱)

۱. احتجاج موافقان علیه مخالفان: موافقان زیارت مکان های تاریخی نبوی به احتجاج مخالفان این کار پاسخ داده اند که به اختصار از آنها یاد می شود: ثابت شده است که رسول خدا (ص) و شماری از بزرگان صحابه او برای زیارت غار حرا از کوه بالا-رفته اند. این امر در کتاب های سنت نبوی فراوان ذکر شده است، از آنهاست. صحیح مسلم چنان که بدان اشاره شد، [مسند] ترمذی [حدیث شماره] (۳۶۹۶ (۲)) مسند احمد [حدیث شماره] (۴۲۰) (۳) و (۴)

۲. نپرداختن پیامبر اکرم (ص)، به امری بر کراهت دلالت ندارد: این مسئله ای اصولی و مورد اختلاف است. شاعر در این باره می گویند:

التَّرْكُ لَيْسَ بِحُجَّةٍ فِي شَرْعِنَا

۱- الدرر الثمینه فی اخبار المدینه، نجار، ص ۱۸۱.

۲- الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، ج ۵، ص ۶۲۴. - م.

۳- مسند، احمد حنبل، ج ۱، ص ۴۷۸.

۴- یک بند از صفحه ۹۰ متن مبدأ حذف شد. - م.

أَوْ ذَمَّ فِعْلٍ مُؤَدَّنًا بِعُقُوبِهِ أَوْ ذِكْرٍ تَحْرِيمٍ يُصَادِفُ عَابًا (۱)

[در فقه اهل سنت] ضرورت ندارد برای استحباب امری، در قرآن یا سنت نص وجود داشته باشد. توضیح آنکه در فقه [اهل سنت] مقرر است که امر مستحب همچنان که از گفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) استنباط می شود، [از ترک فعل او (ص) نیز استنباط می شود، چه] گاه آن حضرت (ص) امر مستحبی را به جا نمی آورد تا مشقتی را از امتش دور دارد. شاهد این ادعا، مطلبی است که ابن قیم در کتاب زاد المعاد فی هدی خیر العباد آورده است که [بخاری در صحیح] (۲) از قول عایشه نقل کرده است که: رسول خدا (ص) هرگز در چاشت نافله نگذارد، اما من می گزارم. (۳) [در موطأ مالک بن انس ذیل این روایت آمده است:] اگر پیامبر اکرم (ص) عملی را که دوست داشته به جا آورد از بیم آنکه مردم به آن عمل کنند، وانهاده است، آن عمل بر مردم فرض (مستحب) می شود. (۴)

سید محمد بن محمد حسینی زبیدی معروف به مرتضی درباره به هم پیوستن چند طواف هفت گانه در شرح عبارتی از احیاء علوم الدین امام محمد غزالی [(۴۵۰ - ۵۰۵ ه.ق)] می گوید: ابوذر در مناسک خود از محمد بن سائب بر که نقل می کند که او از مادرش نقل می کند که با عایشه طواف می کرده و خانواده خالد بن سعید بن عاص و مادر عبدالوهاب بن عبدالله بن ابی ربیع با او بوده اند. عایشه چون طواف هفت گانه را تمام می کند میان دو رکن، «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» می گوید سپس حجرالاسود را لمس می کند، آن گاه طواف هفت گانه دیگری آغاز می کند و چون طواف را تمام می کند میان رکن و باب، «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» می گوید، بعد به طواف هفت گانه دیگر می پردازد و چون طواف را به پایان می برد به سکو و سرپناه کنار زمزم می رود و

۱- اعراب گذاری از مترجم است. - م.

۲- آنچه مؤلف محترم در صفحه ۹۱ متن مبدأ نقل کرده و به کتاب زاد المعاد فی هدی خیر العباد ابن قیم ارجاع داده، خطا و البته مغلوط است. در زاد المعاد حدیث به شکلی دیگر آمده است (زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۵۵) منقول مؤلف از کتاب موطأ مالک بن انس اما مغلوط است، از این رو متن و پا نوشت ارجاعی را اصلاح کردم. - م.

۳- زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ابن قیم، ج ۱، ص ۲۵۵. - م.

۴- الموطأ، مالک، صص ۱۴۲ و ۱۴۳. - م.

دو گانه ای می گزارد. سپس سخن می گوید و بعد دو گانه ای دیگر می گزارد.

محب طبری می گوید من این مطلب را به این شکل از نسخه ای از خط ابوذر بازمی گویم [و] (۱) مشهور است که عایشه سه دور طواف هفت گانه کرده و نیز تنها دو رکعت نماز ذکر شده است. درست آن است که هر هفت طواف دو رکعت نماز دارد. نیز از او و از مادرش نقل است که با عایشه سه طواف هفت گانه گزارد و میان آنها نماز نگزارد و چون از هر سه دور طواف فارغ گشت چند رکعت نماز گزارد. این حدیث را سعید بن منصور و ازرقی نقل کرده اند.

طبری سپس می گوید: کسی که به جا آوردن پیوسته چند طواف هفت گانه را بی آنکه میان آنها دو گانه ای گزارده شود جایز می داند، برای [بیان] مکروه نبودن این کار به این احادیث استناد می جوید و به آنها استدلال می کند. این نکته از مسور و سعید بن جبیر و طاووس و عطا ذکر شده و جندی هم آن را یاد کرده است و شافعی و احمد [بن حنبل] به آن قائلند.

مالک می گوید: ابوحنیفه این کار را مکروه می داند، چرا که چنین کاری با عمل رسول خدا (ص) سازوار نیست، چون عقب انداختن دو رکعت، موالات (ترتیب) میان دو گانه و طواف را از میان می برد. (۲)

زبیدی می گوید: دلیلی بر این امر وجود ندارد؛ چه دیده نشده است که پیامبر اکرم (ص) دو دور طواف هفت گانه نهد یا سه دور، چنان که مشهور است. حال آنکه اتفاق نظر وجود دارد که این کار مکروه نیست؛ زیرا نپرداختن آن حضرت (ص) به کاری، دلیل بر مکروه بودن آن کار نیست. (۳)

۱- در متن مبدأ صفحه ۹۱، بر خلاف متن اتحاف الساده المتقین بشرح احیاء علوم الدین، زبیدی (ج ۴، ص ۳۵۷) آمده است: «بخط ابی ذر المشهور...» - م.

۲- الموطأ، مالک بن انس، صص ۳۴۴ و ۳۴۵. - م.

۳- اتحاف الساده المتقین بشرح احیاء علوم الدین، زبیدی، ج ۴، صص ۳۵۷ و ۳۵۸. - م. * نقل قول مؤلف محترم از زبیدی، آشفته و پر تکرار افتاده است. ترجمه بر اساس کتاب زبیدی صورت گرفت. - م.

[۳] حدیث متصل (۱) با حدیث منقطع (۲) نقض نمی شود: حدیث قطع شجره رضوان به دست عمر، مقطوع است و در برابر حدیث متصل در صحیح بخاری که می گوید: این درخت در سال دوم بیعت ناپدید شد، تاب نمی آورد.

عزالدین فلواروی از اعضای انجمن علمی اسلامی هند، مقاله اش با عنوان «شجره الرضوان» را که در مجله الازهر (ش ۴، ج ۱، س ۱۳۴۶. ق) به چاپ رسید این گونه آغاز کرده است.

این درخت مبارک که پانصد نفر از مسلمانان زیر آن با پیامبر اکرم (ص) بر سر جهاد در راه او بیعت نمودند و خداوند آن را نیک پذیرفت و در قرآن گفت: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ؛ «به راستی خداوند از مؤمنان خشنود شد هنگامی که با تو در زیر آن درخت بیعت می کردند. . .» (۲) برای این فضیلت عظیم و خشنودی خداوند از آنان، مردم این درخت را شجره الرضوان (درخت خشنودی) نامیدند. این بیعت در سال ششم هجرت نبوی رخ داد. وی در ادامه ذیل عنوان «تا کی این درخت برپا بود و چه بر سر آن آمد» ابتدا می گوید: مسلم است که در صحیح بخاری که صحیح ترین کتاب ها نزد عموم دانشمندان [اهل سنت] است با سند صحیح عالی از ابن عمر و سعید بن مسیب آمده است که درخت در سال دوم بیعت ناپدید شد و دیگر هرگز آن را نیافتیم.

موسی بن اسماعیل از جویریة از نافع برای ما نقل کرد که ابن عمر گفت در سال دوم، هیچ دو نفری از ما در کنار درخت مبارکی که زیر آن بیعت کردیم گرد نیامد. (۴)

سعید بن مسیب از پدرش نقل می کند که: چون دو سال گذشت، درخت را از یاد

۱- حدیث متصل که یکی از گونه های سیزده گانه حدیث صحیح و حسن است، حدیثی است که سند آن به معصوم یا غیر معصوم برسد و هر راوی از راوی پیش از خود شنیده یا با اجازه او نقل کرده باشد. در حدیث متصل هیچ یک از راویان آن نیفتاده و سند آن از آغاز تا پایان آمده است. - م.

۲- حدیث منقطع، عکس حدیث متصل و یکی از انواع دوازده گانه حدیث ضعیف است. در این گونه حدیث از میان راویان آن یک یا چند نفر افتاده است یا در رجال سندش رجل مبهمی وجود دارد. - م.

۳- فتح: ۱۸.

۴- صحیح، بخاری، ج ۱، صص ۴ و ۵.

بردیم و به آن دست نیافتیم. (۱)

[فلواری] سپس می پرسد: آیا عمر این درخت را برکنند، یا دستور داد آن را ریشه کن کنند؟ و در پاسخ می گوید: این سخنی است که بدون تأمل در درستی و نادرستی آن بر سر زبان ها افتاده است و در این زمینه میان عالم و جاهل و هواپرست تفاوتی نیست. هرگاه از آثار تاریخی و مقابر و بزرگ داشت شرعی آنها پرسیده می شود، می گویند: اینها همگی به شرک می انجامد. آیا ندیده ای که عمر درختی را که مردم در زیر آن با رسول خدا (ص) بیعت کردند، انداخت تا ریشه شرک را بخشکاند.

بدان که نسبت دادن انداختن درخت به عمر سخنی بی اساس است (۲) زیرا:

۱. این سخن با روایت صحیح بخاری نمی سازد چه این روایت می رساند که درخت، پنهان و از چشم مردم پوشیده داشته شده است - چنان که گذشت - پس قطع درخت به چه معناست؟

۲. اگر از سخن جابر [بن عبدالله انصاری] همان مفهومی را اراده کنیم که این حجر نقل کرده است: این درخت تا پایان عمر او [جابر] یعنی سال ۷۸ ه. ق باقی بوده است، باز هم بی فایده است، چرا که درگذشت عمر در سال ۲۳ ه. ق بوده است.

۳. هر کس روایت [قطع درخت] را باز گفته، آن را از طبقات ابن سعد نقل کرده است. ابن سعد در طبقات، حدیث ابن مسیب (یعنی حدیث پنهان کردن) را به چند سند روایت کرده است و در پایان به روایت نافع [درباره قطع] اشاره کرده است: عبدالوهاب بن عطا از عبدالله بن عون از نافع خبر داد که همه مردم کنار درختی که به آن شجره الرضوان گفته می شود می آیند و نماز می گزارند. خبر این کار به عمر می رسد. او آنان را تهدید می کند و دستور می دهد درخت را بیندازند.

محدثان به این روایت که اساس نسبتی است که به عمر داده شده است؛ یعنی او

۱- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۹۹.

۲- برای آگاهی بیشتر از درستی این نسبت بنگرید: الدرالمثور بآثار المصطفی و مدینه الرسول صلی الله علیه وآله و سلم، محمد علی صالح قزنی، ص ۴۲۲. - م.

فرمان داد و درخت قطع شد، احتجاج نجسته اند. منقطع بودن این روایت آشکار و تردید ناپذیر است؛ زیرا نافع، عمر را درک نکرد و او را ندید و از او روایت نکرد. این ابهام چنین زدوده می شود که نافع غلام عبدالله بن عمر است که در جنگ دیلم یا طالقان یا کابل او را به دست می آورد. میان این جنگ ها و روزگار عمر سال ها فاصله است. نافع، دیر زیست و در سال ۱۲۰هـ. ق درگذشت و سی سال با ابن عمر بود. ابن عمر در سال ۷۴هـ. ق درگذشت. (۱)

نافع از عبدالله بن عمر و ابوهریره و ابی لبابه و رافع بن خدیج و عایشه و ام سلمه و ابوسعید خدری و دیگر صحابه، روایت نقل کرده است؛ اما روزگار عمر را درک نکرده است، پس چه معنا دارد از او روایت کرده باشد؟ (۲)

از این رو، شارحان در حدیث مالک از نافع که عمر نوشت (که در آغاز باب در کتاب موطا و پس از چند روایت آمده است) می گویند: این حدیث منقطع است، زیرا نافع هرگز عمر را درک نکرده [ندیده] است. (۳)

شیخ سلام الله دهلوی حنفی و زرقانی می گویند: روایت منقطع به صورت قطعی بیان نمی شود بلکه [برای نشان دادن ضعف حدیث] در قالب تردید [و صیغه مجهول: گفته می شود] بیان می شود و این می رساند که درختی که قطع شده است درخت خشنودی (شجره الرضوان) نبوده است بلکه درختی بوده است که پنداشته می شده، شجره الرضوان است از این رو دستور داده شد، قطع شود. خواننده از این مطالب به تناقضات این روایت و نامقبول بودن آن پی می برد.

این خبر برتر از آن است که اهل حدیث آن را نپذیرند، چه آنان از احادیث مرسل و منقطع و آثار صحابه یاد کرده اند و اینها هیچ یک حجت نیستند. و خبری که در طبقات از نافع روایت شده است، خلاف آن چیزی است که در صحیح بخاری از او از ابن عمر

۱- تذکره الحفاظ، ذهبی، ج ۱، ص ۷۷ - م.

۲- بنگرید به: تهذیب التهذیب، عسقلانی، ج ۱، ص ۱۲.

۳- بنگرید به: شرح الزرقانی علی الموطأ، زرقانی، ج ۱، ص ۲۱ - م.

روایت شده است و می دانیم که راویان صحیح بخاری جملگی مورد اعتماد و ثقه اند. (۱)

عمر آداب و سنن رسول خدا (ص) را باقی گذاشته بود مثلاً: رسول خدا (ص) در طواف، هروله می کرد تا جلال و عظمت اسلام را به رخ مشرکان بکشد تا آنان نپندارند مسلمانان ناتوانند. عمر در روزگار خود می گفت: امروزه نیاز به تبلیغ نیست زیرا در اینجا کافری نمانده است و از مشرکان در جزیره‌العرب اثری نیست. لکن این کاری است که رسول خدا (ص) انجام می داد، از این رو آن را و نمی نهیم. (۲)

از آنچه گذشت برمی آید که طرفداران هر یک از این دو دیدگاه، استدلال و رویکردی دارد. در این میان برخی از رویکردها وجه مشترک دیدگاه دو طرف است که در پایان جستار بدان‌ها پرداخته خواهد شد. (۳)

برای آگاهی فزون تر از استدلال [صاحبان] این نگرش، به کتاب های زیر [که جملگی از اهل سنت است] بنگرید:

۱. الکنز المتواری فی معادن لامع الدراری و صحیح البخاری. محمد زکریا کاندهلوی مدنی (پاکستان، مؤسسه الخلیل الاسلامیه، ۱۴۱۹هـ. ق، ج ۴، ص ۲۳۴)

۲. تبرک الصحابه بآثار رسول الله (ص) و بیان فضله العظیم. محمد طاهر مکی کردی (چاپ دوم، قاهره، دارالطباعة المحمدیه، ۱۳۹۴هـ. ق).

۳. الآثار النبویه بالمدينه المنوره وجوب المحافظه علیها و جواز التبرک بها. ابومجاهد عبدالعزیز [بن] عبدالفتاح قاری (مدینه منوره، مؤلف، ۱۴۲۷هـ. ق).

۴. البرکة و التبرک من ذهبیات الحافظ الذهبی قراءه عابره فی سیر اعلام النبلاء. خدیجه ادیسه (چاپ اول، بی جا، بی نا، بی تا).

۵. الدر المنثور بآثار المصطفی و مدینه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محمدعلی صالح قزنی، (قاهره، دار جوامع الکلم، ۲۰۰۶).

۱- بخشی از مطالب صفحه ۹۴ و ۹۵ متن مبدأ که ناصواب می نمود، حذف شد. - م.

۲- شجره الرضوان، عزالدین فلواروی، مجله الازهر، ربیع الاول ۱۳۴۶هـ. ق.

۳- مؤلف محترم به این وعده وفا نکرده است. - م.

فصل ششم: وضع کنونی مکان های تاریخی در مکه مکرمه

اشاره

پیشینیان امت در طی چهارده قرن هجری گذشته از بیشتر آثار اسلامی در مکه مکرمه به ویژه مواردی که نسبتشان به رویدادهایی که آنها را جاودان ساخته، قطعی است، پاس داشته اند و بیشتر آنها سالم به ما رسیده است.

ما در [فرجام] (۱) ثلث اول قرن پانزدهم هجری و دقیقاً در سال ۱۴۳۰ ه. ق، به پیروی از روش علمی تاریخی مکتب تاریخی مکه، در گفتاری به مکان های تاریخی از میان رفته، و در گفتاری دیگر به مکان های تاریخی باقی مانده تا عصر کنونی، می پردازیم.

گفتار یکم: مکان های تاریخی مکه مکرمه که اکنون از میان رفته اند

شماری از مورخان مکی، هنگام بررسی مکان های تاریخی مکه مکرمه، به آنچه از میان رفته و آنچه تا روزگار آنان بر جای مانده است، پرداخته اند. از آنهاست: تقی الدین فاسی (۷۷۵ - ۸۳۲ ه. ق)، جمال الدین محمد جارالله بن محمد بن ظهیره قرشی (در. ۹۸۶ ه. ق)؛ محمد قطب الدین نهروالی مکی (۹۱۷ - ۹۹۰ ه. ق)

زمان به چارک اول قرن پانزدهم هجری قمری رسید و شماری از این مکان ها منهدم

۱- در متن مبدأ صفحه ۹۷ آمده است: «نحن فی بدایه». - م.

شد. اکنون یعنی از آغاز ربیع الاول سال ۱۴۲۹ه. ق تا سال ۱۴۳۰ه. ق محله های تاریخی چون: شامیه، شیبکه، حارهاباب، قراده، راقویه، سوق المدعی، سوق الجودریه یکسره تخریب گشته و دامنه تخریب به شمال مکه مکرمه یعنی سوق المعلا رسیده و شاید طرح بزرگ توسعه پیش آید و مسجد الرایه را که اکنون بر اساس تابلو، جامع خادم الحرمین نامیده شده است و [نیز دیگر] مکان های تاریخی مهمی را که در این محله ها وجود دارد، فرا گیرد و برای توسعه حرم شریف و فضاهای شمالی آن به محله جرول در منطقه غربی حرم هم برسد.

از ما کاری ساخته نیست مگر تکرار سخن مشهور: شهرها و هر که در آنهاست تغییر می کند. از این رو از محله های کهن مکه در اطراف حرم شریف و مکان های تاریخی آنها، جز نامی و نگاری نمانده است.

در این گفتار، به پیروی از این روش علمی مکتب تاریخی مکی، آثار از میان رفته، بررسی می شود.

جمال الدین محمدبن ظهیره قرشی، بخشی از کتاب الجامع اللطیف [فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف] را به مساجدی اختصاص داده است که [پیش از او] ازرقی از آنها نام برده است، اما در روزگار وی از آنها اثری نبوده است. او می گوید: «مساجدی که ازرقی از آنها یاد کرده است و اکنون اثری از آنها بر جای نیست [شش] (۱) باب است:

۱. مسجدی در بالادست مکه میان شعب ابن عامر. این مسجد اکنون وجود خارجی ندارد.

۲. مسجدی در اجیاد که گفته می شود پیامبر اکرم (ص) در آنجا [به چیزی] تکیه داده است. ازرقی می گوید آگاهان این موضوع را رد می کنند و تنها پذیرفته اند که حضرت (ص) در اجیاد صغیر نماز گزارده است و محل نماز گزاردن حضرت (ص) هم دقیقاً

۱- در متن مبدأ صفحه ۹۸ مانند متن مادر صفحه ۳۳۸ آمده است: «خمسه». اما در شرح سخن، از شش مسجد یاد شده است (الجامع اللطیف، ابن ظهیره قرشی، صص ۳۳۸ و ۳۳۹). - م.

معلوم نیست، بلکه بر اساس حدسی بی اساس معلوم گشته است.

۳. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد شجره گفته می شود.

۴. مسجدی در ذی طوی در بالادست مکه میان دو ثنیه ای که حاجیان از آنها به مکه درمی آیند.

۵. مسجد سِرَر که اکنون محل دقیق آن معلوم نیست، تنها جهت آن معلوم است.

۶. مسجدی در عرفه و در سمت راست موقف که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود و غیر از مسجد عرفه ای است که امام در آن نماز می گزارد.

این مساجد اکنون [عصر ابن ظهیره یعنی قرن دهم هجری] وجود ندارند. (۱)

پس از قرن دهم هجری قمری، شماری از این مکان های [تاریخی] اسلامی از میان رفته است و جز نامی از آنها بر جای نیست. شاید بسیاری از این مکان ها در قرن چهاردهم و پانزدهم هجری قمری از میان رفته اند. علت این تخریب ها، گوناگون و در رأس آنها افزایش شمار حاجیان است (۲) که به دو میلیون رسیده است. پدیده ای که در سده های گذشته وجود نداشته است. لازمه این افزایش جمعیت، توسعه حرم شریف و [ناگزیر] تخریب بسیاری از بناها و مکان های اطراف آن است تا از این رهگذر جایی برای مسافران بیت الحرام که هدف نخست و بزرگ حج است، فراهم آید. از این روست که بیشتر این مکان ها در حوزه این توسعه قرار گرفت و فراوانی از آنها تخریب گشت. از این رو نام مکان های باستانی اسلامی تخریب گشته در ذیل می آید:

۱. خانه حضرت خدیجه: در این مکان مبارک، ساختمانی سه طبقه بود که به مدرسه حفظ قرآن کریم اختصاص یافته بود. این ساختمان مبارک برای توسعه فضاهای حرم

۱- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، [ابن ظهیره قرشی]، صص ۳۳۸ و ۳۳۹.

۲- شمار حاجیان در سال ۱۳۴۳ه. ق تنها ۱۰۰/۱۰۰ نفر بوده است، با این حال وهابیان در همین سال، زادخانه رسول خدا (ص) را تخریب کردند تا کسی در آنجا نیایش نکند و توسل و تبرک نجوید (کعبه و مسجد الحرام در گذر تاریخ، محمد طاهر کردی مکی، ترجمه هادی انصاری، ص ۳۲۵) - م. نیز بنگرید به: مکه المکرمه و الکعبه المشرفه فی کتب الرحاله المسلمین، شنوفی، ص ۳۲. در این کتاب که نوشته یکی از ستاینندگان آل سعود است، شمار حاجیان در سال ۱۲۹۴ه. ق. تنها ۱۰۰/۱۰۰ نفر برآورده شده است. - م.

شریف در ضلع شرقی، در سال ۱۴۱۰ه. ق تخریب شد.

در مقدمه مطالعه اسنادی که سازمان بهسازی و توسعه اطراف حرم صادر کرده، آمده است: در هنگام آماده سازی مرحله نخست طرح ویژه بهسازی و توسعه فضاهای پیرامون حرم شریف در منطقه قشاشیه برای آماده سازی منطقه شرق مسعی برای [ایجاد فضای مناسب] برای نماز گزاردن نماز گزاران بیشتر، و طرح خدمات رسانی و تسهیل آمد و شد میهمانان بیت الله الحرام، مورخه ۲۹ ربیع الاول ۱۴۱۰ه. ق، دست اندرکاران طرح در ضمن عملیات تخریب مستقالات منطقه، به وجود مکان هایی باستانی در نزدیکی برحهاالقبنی واقع در میان مسجدالحرام و سوق المدعی پی بردند. از جمله محرابی بزرگ در سمت حرم کشف، و معلوم شد مکانی که این آثار تاریخی در آن یافت شده همان مکان مدرسه حفظ قرآن کریم است که شیخ عباس قطان پس از کسب اجازه از ملک عبدالعزیز در محل خانه حضرت خدیجه معروف به زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) در زقاق الحجر معروف به زقاق [السوق (۱)] و زقاق العطارین ساخت. (۲)

محل کنونی این منزل مبارک، در صحن شرقی، کنار چراغ بزرگ، مقابل باب السلام دوازده متر به سمت شمال به طرف [سوق] المدعی است. من نقشه این موقعیت را شخصاً و در حضور یکی از مسئولان مؤسسه بن لادن همراه دکتر عوید مطرفی و دکتر عبدالله شاووش در رمضان ۱۴۲۵ه. ق مشاهده کردم و روشن شد که حقیقت غیر از آن است که برخی کسان پنداشته اند که این منزل در منطقه دستشویی ها واقع شده است. (۳)

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۰۰ به غلط آمده است: «زقاق الصوغ». - م.

۲- بیت السیده خدیجه رضی الله عنها علی مر العصور، دراسه توثیقیه، ص ۲ (نسخه تایپی، ارسالی شیخ احمد زکی یمانی، وزیر پیشین نفت و معادن).

۳- از این سخنان می توان دریافت آل سعود که مؤلف محترم در منقبت آنها این مایه سینه چاک می کند، تا چه پایه در بند حفظ و حراست از این مکان های مقدس بوده اند. - م.

۲. خانه ارقم بن ابی ارقم: این خانه به صحابی والامقام ارقم بن ابی ارقم قرشی مخزومی منسوب است. وی از نخستین کسانی است که به اسلام گرایید. گفته شده است او دوازدهمین نفر از مهاجران نخست بود و در جنگ بدر حضور داشت و رسول خدا (ص) شمشیری بدو بخشید و گردآوری صدقات را به او واگذار کرد. او همان کسی است که رسول خدا (ص) را در خانه اش پنهان داشت. این خانه در دامنه صفا قرار داشت و مسلمانان مکه از بیم مشرکان با حضرت (ص) بودند و در آنجا ماندند تا شمارشان به چهل رسید که آخرین آنان عمر بن خطاب بود. چون به چهل رسیدند از منزل بیرون آمدند.

این خانه، دارالخیزران خوانده می شود و به خیزران مادر خلیفه عباسی [هارون] الرشید منسوب است و در شرح موضوع آمده است که دارالخیزران، خانه ای است اطراف مختباء. خیزران مادر رشید هنگامی که حج می گزارد آن را می خرد. این خانه دست به دست می گردد تا به املاک سلطان مرادخان منتقل می شود. در کتاب اتحاف فضلاء الزمن آمده است که در سال ۱۱۱۲ هـ. ق ابراهیم بیگ، خانه ارقم را بازسازی می کند. این خانه همان دارالبیعه و محل گرد آمدن صحابه، پیش از هجرت است. ابراهیم بیگ، خانه را بازسازی اساسی می کند و بر آن گنبدی بزرگ و دو گنبد خفته (۱) می نهد و اتاق مبارک را ترمیم می کند و در محل نشستن ناقه حضرت (ص) مسجدی می سازد.

این مسجد، محرابی کوچک دارد که پشت محل مبارک از سوی خیابان واقع است.

۱- طاجنین که مفرد آن طاجن و معرب تابه است، در چند معنا به کار رفته است؛ در اینجا به نظر می رسد مراد گونه ای گنبد خفته است. توضیح آنکه مسجد الحرام در قرن سیزدهم ۵۰۰ گنبد داشته است: به ۱۵۰ گنبد، قُبْ؛ به ۲۸۸ گنبد، طَواجِن؛ به ۶۲ گنبد، مُصَلِّیَات گفته می شده است. مراد از قِب (جمع قبه)، گنبد گرد و بلند، و مراد از طَواجِن (جمع طاجن)، گنبد خفته بوده که از قبه کوچک تر بوده است، مصلیات (جمع مصلی)، گنبدی هایی با شکل ویژه است که با نوشتن نمی توان وصفشان کرد، باید آنها را دید تا شناخت. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۷۴۶. - م.

[ابراهیم بیک] خانه را از اساس با سنگ شیبیکه (۱) و شَمِیسی (۲) بازسازی نمود و بر دیوارهای آن کنگره ها نهاد و روی آنها را آهک اندود کرد. (۳)

توجه به این مکان در روزگار ملک عبدالعزیز، به تبدیل آن به مدرسه تخصصی علوم حدیث نبوی انجامید که عالمان بزرگی چون شیخ عبدالظاهر بن السمح و شیخ محمد عبدالرزاق حمزه در آن تحصیل کردند.

این مدرسه در این مکان مبارک همچنان به آموزش سنت شریف و علوم آن پرداخت و گروه فراوانی از فرزندان جهان اسلام در شرق و غرب از آن فارغ التحصیل شدند. بنابراین، این مدرسه نقشی مهم ایفا کرد.

در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ه. ق، در پی اجرای طرح توسعه حرم شریف، این خانه و دیگر خانه های پیرامون آن تخریب شد.

در ورودی حرم و در سویی که خانه ارقم در آن قرار داشت، یادبودی نصب شده است که معرف مکانی است که شاهد روزهای آغازین اسلام و رنج های مسلمانان و پنهان شدن آنان برای عبادت خداوند بود. در ساختمان مجاور آن در حرم شریف، ریاست گروه حفظ قرآن کریم مستقر است؛ جایی که حافظان قرآن هر جمعه برای تلاوت قرآن گرد هم می آیند.

مدرسه دارالحدیث هنوز هم به کار آموزشی خود در مکه مکرمه ادامه می دهد و تدریس و برنامه های آن متحول گشته است و بیشتر شاگردان آن غیر بومی اند و با

۱- به نظر می رسد در گذشته به محل هایی در مکه که چاه های آب فراوان داشته، شیبیکه گفته می شده است. ابن جبیر (۵۴۰ هـ - ۶۱۴ هـ. ق) در رحله اش از شیبیکه در تنعیم و شیبیکه در ذی طوی یاد کرده و هر دو مکان را دارای چاه آب فراوان دانسته است (رحله، ابن جبیر، صص ۱۰۴ و ۱۰۵) ابن بطوطه (۷۰۳ - ۷۷۹ هـ. ق) هم در رحله اش از تنعیم و چاه های آب فراوان آن که به آنها شیبیکه گفته می شده یاد کرده است (رحله، ابن بطوطه، صص ۱۴۳ و ۱۴۴) در عین حال در جنوب مکه هم محله ای بوده است که شیبیکه خوانده می شده و آرامستان تهیدستان و غریبان در آن بوده است. - م.

۲- شَمِیسی، منطقه ای است در حدیبیه در ۲۰ کیلومتری غرب مکه واقع در جاده مکه به جده که قاحوط (نوعی سنگ) آن معروف بوده و برای ساختن ستون از آن استفاده می شده است. - م.

۳- اتحاف فضلاء الزمن بتاریخ ولایه بنی الحسن، طبری، ج ۲، ص ۲۲۳.

مدرک دوره پایانی آن می توان وارد دانشگاه شد.

۳. زادخانه (۱) امام علی بن ابیطالب (ع): در دهه نخست قرن پانزدهم هجری قمری ضمن تخریب کامل محله شعب بنی هاشم (سوق اللیل) در سال ۱۴۰۲ ه. ق مقرر شد منطقه شعب علی و خانه هایی که در کوه ابوقییس بنا شده بود، از جمله مدرسه شبانه نجاج که در محل زادخانه حضرت علی بن ابی طالب (ع) ساخته شده بود، تخریب گردد.

۴. مسجد نحر (۲) در منا: این مسجد ضمن تخریب ساختمان های منا برای توسعه راه منتهی به جمرات تخریب شد.

۵. مسجد کبش در منا: این مسجد با دیگر بناهایی که در منا بود، برای توسعه راهی که به جمرات می انجامد، ویران شد.

۶. مسجد مرسلات: این مسجد همراه ساختمان هایی که در منا بود در طرح توسعه مسجد خیف و ایجاد خیابان های منتهی به تونل ملک خالد، تخریب شد.

۷. زادخانه [امام] جعفر صادق (ع): در حال حاضر هیچ اثری از آن وجود ندارد.

۸. خانه عباس [بن عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم (ص)]: این مکان در طرح نخست توسعه حرم شریف در سال ۱۳۷۵ ه. ق تخریب و جزء مسعی شد.

گفتار دوم: مکان های تاریخی مکه مکرمه که اکنون وجود دارند

در ذیل به معرفی کوتاه مکان های باستانی [مکه مکرمه] که معروف و شناخته شده اند و در حال حاضر وجود دارند، می پردازیم.

۱. زادخانه پیامبر اکرم (ص) واقع در محله بنی هاشم در محلی که به آن سوق اللیل گفته

۱- برای آشنایی بیشتر با دیدگاه اهل سنت و شیعه درباره محل ولادت امام علی (ع)، بنگرید به پانوش ۲ صفحه ۸۶ همین اثر. - م.

۲- به این مسجد، مسجد منحر نیز گفته می شده است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۹۱. - م.

می شود. این محل مشهور است و اکنون محل کتابخانه مکه مکرمه است که از دو طبقه تشکیل شده و دارای دو در ورودی است: در جلویی که به فضای شرقی حرم مطهر باز می شود و در پشتی که در ضلع جنوبی ساختمان است.

این مکان تنها ساختمانی است که پس از تخریب محله سوق اللیل، در اجرای طرح توسعه فضاهای شرقی حرم، از این محله باقی مانده است. در ضلع غربی و اصلی این ساختمان، صحن شرقی مسجدالحرام قرار دارد که مشعر مسعی بر آن مشرف است، و در [پشت و ضلع شرقی] (۱) آن، تونل دو دهانه غزه قرار دارد که از دامنه کوه ابوقییس می گذرد و در امتداد تونل های عزیزیه واقع است و از طریق بزرگراهی چهار مسیره به خیابان غزه می رسد. مسیر سمت راست برای حرکت از محبس الجن در محله عزیزیه، و مسیر دیگر برای حرکت از غزه به محله اجیاد است.

ضلع شمالی کتابخانه (زادخانه شریف نبوی)، پس از تخریب کامل محله شعب علی [بنی هاشم] به صحن بزرگی تبدیل گشته است و [دامنه] کوه ابوقییس در این ناحیه تسطیح گشته و در نتیجه فضایی گسترده و زمین هموار و آسفالت شده ای پدید آمده است که بخشی از آن به دفاع غیرنظامی و بخشی هم به واحدهای اداری و دفترهای طرح [توسعه] حرم شریف و توقفگاه خودروهای برخی از مراکز دولتی اختصاص یافته است. [از این فضا] برای نگه داری تجهیزات ساختمانی توسعه مسعی نیز استفاده می شود. مقدار زمینی که باقی مانده، ایستگاه وسایل نقلیه عمومی در روزهای جمعه و مناسبت های دینی چون رمضان و حج و عمره است که از آن برای جابه جایی مسافران مسجدالحرام و ساکنان شمال مکه مکرمه که از طریق تونل به آنجا دسترسی دارند، استفاده می شود. (۲)

زادخانه شریف و مبارک نبوی (ص) (کتابخانه مکه مکرمه) که بنایی کهنه و

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۰۲، به غلط آمده است: «و فی خلفه من ناحیته الغربیه»، در ضلع غربی زادخانه نبوی، صفا و مره واقع است نه تونل دو دهانه غزه. - م.

۲- یک بند از صفحه ۱۰۳ متن مبدأ حذف شد. - م.

فرسوده (۱) است، موقعیتی ممتاز در این منطقه پیدا کرده است و کف آن هنگام سنگ فرش کردن صحن شرقی حرم شریف، با سنگ مرمر رنگی پوشیده شد. این ساختمان تا زمان حاضر (سال ۱۴۳۰ ه. ق) هنوز شکل و وضع قدیمی خود را که مربوط به زمان تأسیس کتابخانه عمومی در سال ۱۳۷۰ ه. ق است، حفظ کرده است. (۲)

۲. مسجد الرایه: شیخ محمد طاهر کردی مکی خطاط، درباره این مسجد می گوید: مسجد الرایه در جودریه سمت راست کسی واقع است که از مدعی به معلا می رود. بین این مسجد و خانه هایی که مقابل آن است، کوچه باریک کوچکی قرار دارد که به خیابان عمومی راه دارد. نیز چاه متروکه جبیر بن مطعم در همین کوچه تنگ قرار دارد که به دیوار خانه کنار آن چسبیده است.

این مسجد در روزگار ما در سال ۱۳۶۱ ه. ق تجدید بنا شد. هنگام پی کنی، دو تخته سنگ نبشته در آن کشف شد که نشان می دهند این مسجد، همان مسجد الرایه است. یکی از این دو سنگ نبشته مربوط به سال ۹۸۹ ه. ق و تاریخ حک دیگری سال ۱۰۰۰ ه. ق است. ما هر دو سنگ لوحه را هنگام تجدید بنای آن دیدیم و هنوز این دو قطعه سنگ نبشته بر دیوار مسجد نصب شده است.

چاه یادشده را چنان که ازرقی در تاریخ خود گفته است، نخست قصی حفر نمود سپس پر و متروک شد و جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل بن عبد مناف آن را خالی و احیا نمود. (۳)

۱- این بنای محقر، در کنار برج های عظیم و سر به فلک سوده مشرف بر مسجدالحرام (مانند برج ساعت با بیش از ۶۰۰ متر ارتفاع) به گاهی پای کوه می ماند و نشان دهنده پایه و مایه دلبستگی امثال ملک عبدالعزیز به این مکان های مقدس تاریخی است. - م.

۲- هنگام سخن گفتن از توجه ملک عبدالعزیز به مکان های تاریخی مکه مکرمه، از این مکان مبارک و نظر علما درباره حفظ آن و استفاده فرهنگی از آن یاد شد. برای آگاهی فزونتر بنگرید به: مکتبه مکه المکرمه دراسه موجزه لموقعها و ادواتها و مجموعاتها. عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان. * پانوشت توضیحی را مترجم از متن به پاورقی منتقل کرد. - م.

۳- الإعلام بأعلام [بیت] الله الحرام [فی تاریخ مکه المشرفه]، [قطب الدین نهروالی]، ص ۲۲.

این مسجد در سال ۱۳۹۴ ه. ق تجدید بنا شد (۱) و اکنون میان بازار جودریه و خیابان غزه واقع است و به آن مسجد ملک فهد گفته می شود. ساختمان جدید مسجد بسیار زیباست و دارای گنبدی بزرگ و گلدسته است و وضوخانه و آبریزگاه آن در زیر زمین قرار دارد. مسجد دو در اصلی دارد: یکی رو به خیابان غزه مقابل ساختمان جفالی که از سطح خیابان فراتر و دارای چند پله است؛ و دیگری در ضلع شرقی قرار دارد و به بازار جودریه باز می شود. این مسجد از جمله مساجدی است که در آنها نماز جمعه برپا می شود.

توسعه صحن های شمالی حرم مطهر در پایان ماه سوم سال ۱۴۳۰ ه. ق به نزدیکی این مسجد شریف رسید و همه بناهای قدیمی و جدید مقابل این مسجد و حرم یکجا تخریب گشت. در این تخریب، مکان های تجاری، هتل و از جمله دو بازار مهم و فعال مکه در گذشته و حال یعنی مدعی و جودریه هم از میان رفت. همه مجاوران مکه مکرمه و حاجیان و عمره گزاران در محله های شمالی مکه مکرمه هنگام تشریف به حرم مطهر از این دو بازار می گذشتند. در این دو بازار همه چیز عرضه می شد و همیشه، به ویژه روزهای جمعه و مناسبت های مذهبی آکنده از جمعیت بود. جنازه های اموات را برای خاک سپاری در آرامستان معلا از این دو بازار عبور می دادند. البته در سال های اخیر که جنازه ها را با آمبولانس حمل می کنند، تشییع جنازه از حرم شریف به آرامستان معلا با خودرو و آسان شده است. جنازه ها از باب ملک عبدالعزیز و تونل غزه بیرون برده می شوند. (۲)

۳. مسجد الاجابه: این مسجد هنوز در محل پیشین خود و با ساختمانی تازه پابرجاست. در قبله گاه این مسجد دو سنگ نوشته قدیمی وجود داشته که در آنها به تاریخ ساخت مسجد اشاره شده است. اکنون این لوح های سنگی در جبهه بیرونی

۱- بنگرید به: دلیل مکه المکرمه الاسلامی، بهجت صادق [مفتی]، ص ۸۳.

۲- یک بند از صفحه ۱۰۵ متن مبدأ حذف شد. - م.

سمت راست در اصلی مسجد به دیوار نصب شده و در کنار آنها سنگی قاحوطین (۱) است که بر آن تاریخ اتمام ساختمان جدید حک شده است (روز جمعه اول رمضان سال ۱۴۲۲ ه. ق). بنای جدید مسجد، ساختمانی بسیار زیبا با سامانه تهویه مرکزی است که با هزینه ابراهیم عنقری مستشار دیوان سلطنتی ساخته شد.

این مسجد بر سه خیابان اصلی مشرف است. ضلع [جنوبی] آن مشرف بر خیابان العام، ضلع شرقی آن مشرف بر خیابان اجابه و ضلع غربی آن مشرف بر خیابان مرتفع است.

ساختمان قدیمی مسجد در سال ۱۳۹۴ ه. ق تخریب شد و در محل آن مسجد کنونی و به شیوه جدید ساخته شد. ساختمان تازه، مربع شکل است و روی دیوارهای آن با کنگره‌های مرمرین تزیین شده است. مسجد دارای دو ورودی شرقی و غربی و پنجره‌های فراوان و گلدسته‌ای در پایه جنوب غربی است. (۲)

۴. مسجد البیعه: ساختمان قدیمی این مسجد هنوز باقی است. هنگامی که این مسجد پیش از برداشتن کوه عقبه در پشت آن پنهان و دور افتاده بود، با دوستانم از آن دیدن کردم، متروکه بود و در آن کنده شده بود و به تاریخ آن در اسلام توجه لازم نشده بود. (۳) در دیدار تحقیقی که در سال ۱۴۲۱ ه. ق صورت گرفت، عبدالوهاب ابوسلیمان و معراج نواب میرزا، به سنگ نبشته سوم گم شده‌ای که تقی الدین فاسی مکی [۷۷۵-۸۳۹ ه. ق] بدان اشاره کرده است، دست یافتند. این سنگ نبشته در دیوار غربی مسجد قرار داشت و لایه‌ای از رنگ سفید آن را پوشانده بود.

این مسجد در پس کوه عظیم عقبه که مرز طبیعی منا در سمت غرب است، پنهان بود و جز کسانی که درباره آن مطالعه کرده بودند و در پی آن برمی آمدند، کسی آن را

۱- قاحوط گونه‌ای سنگ زینتی است که از منطقه شُمیسی (در حدیبیه) واقع در ۲۰ کیلومتری جاده مکه به جدّه، برای کارهای ساختمانی آورده می‌شود. - م.

۲- دلیل مکه المکرمة الاسلامی، [بهجت صادق]، ص ۸۹.

۳- از دیگر نمونه‌های توجه آل سعود به مکان‌های تاریخی مکه مکرمة. - م.

نمی شناخت. وضع این مسجد و پنهانی آن در پس این کوه عظیم در شعبی که شعب البیعه نامیده می شود درست همان گونه است که ازرقی و دیگر مورخان توصیف کرده اند. پاره ای از روزنامه نگاران، آشکار شدن این مسجد را از پس کوه عقبه کشف اثر باستانی جدیدی دانستند.

اکنون و پس از برداشتن کوه عقبه، ساختمان کهن این مسجد، آشکار گشته و در معرض دید است. برداشتن این کوه در سال ۱۴۲۸ه. ق به پایان رسید. این کار حاصل دو سال تلاش طاقت فرسای شبانه روزی است و با استفاده از ماشین آلات پیشرفته جدید و به کارگیری مواد منفجره برای اجرای طرح توسعه و اصلاح جمره عقبه صورت پذیرفت. طرحی عظیم، که دولت سعودی هزینه ای هنگفت برای آن پرداخت تا حاجیان از حوادث و خسارات بر کنار باشند و در امان بمانند.

همه این عملیات برای توسعه جمرات و فضاهای پیرامون آن انجام گرفت. ستاد تشکیل شده برای بازنگری در طرح توسعه جمرات در ۲۵/۱۱/۱۴۲۳ه. ق به ریاست امیر عبدالمجید تشکیل جلسه داد و مواد ذیل را پیشنهاد کرد: حفاظت کامل از منطقه شعب البیعه به گونه ای که طرح در آن دگرگونی پدید نیآورد، چرا که سند دوره تاریخی مهمی از اسلام است. مطالعه و بررسی وضعیت مسجد البیعه و اقدام درباره آن در ضمن طرحی فراگیر و با تکیه بر حفظ محیط طبیعی شعب البیعه و مسجد آن.

پس از برداشتن کوه عقبه و توسعه بنای جمرات، این مسجد در جای خود باقی است و پس از رنگ آمیزی مجدد آن، با سیم خاردار محصور گشته و بناست حسب تصریح امیر متعب بن عبدالعزیز وزیر کشور، در محل آن مسجدی جدید ساخته شود. امید می رود در حال حاضر به این مکان توجه لازم مبذول شود، چرا که شایسته نگهداری و زنده ساختن تاریخ اسلام و دشواری هایی است که رسول خدا (ص) در راه دعوت به اسلام بر خود هموار داشت و از انصار بیعت گرفت تا از او حمایت کنند و چون به شهرشان در آید، پشتیبان او باشند.

۵. مسجد خیف: این مسجد پابرجاست و هر سال در موسم حج، از اول ذیحجه،

نمازهای پنج گانه و نیز نماز عید فطر در آن برگزار می شود.

این مسجد از شرق محدود به خیابانی است مخصوص عابران پیاده که بین مسجد و ساختمان وزارت امور اسلامی و آبریزگاه های مخصوص بازدیدکنندگان مسجد و مناطق اطراف آن واقع است که با پله های سیمانی به خیابان خیف راه دارد.

از غرب به خیابانی محدود است که خیابان رابطه را به خیابان خیف و میدان مقابل نگهبانی مرکزی متصل می سازد.

در ضلع پیشین و شمالی مسجد، شماری چادر نیم دایره جدید ضد حریق وجود دارد که در اختیار مسئولان امنیتی و خدماتی و غیره است.

ساختمان مسجد خیف در دوره شکوفایی سعودی در دو مرحله تعمیر و بازسازی شد: مرحله نخست در دوره ملک فیصل صورت گرفت. یکی از برجسته ترین ویژگی های این مرحله، حفاظت از ویژگی های تاریخی مسجد است که با توسعه آن در ضلع شمالی و جنوبی، و افزودن رواقی سرپوشیده به عرض ۱۵ متر و با سه ردیف ستون که در هر ردیف آن ۲۲ ستون قرار دارد که همگی مشرف بر صحن مسجد است، همراه بود. مساحت مسجد حدود ۲۳۶۶۰ متر مربع بود که طول آن از شرق به غرب حدود ۱۸۲ متر و عرض آن از شمال به جنوب حدود ۱۳۱ متر بود. (۱)

مرحله دوم در دوره ملک خالد صورت گرفت. در این مرحله همه ساختمان قدیمی به طور کامل تخریب شد و پی جدیدی برای بنایی یکسره تازه ریخته شد. مساحت مسجد در این مرحله به ۲۵۰۰۰ متر مربع رسید.

با تجدید بنای مسجد، همه آثار تاریخی که مربوط به مکان های باستانی درون مسجد بود، از میان رفت و کل مسجد، سر پوشیده و به سامانه تهویه مرکزی مجهز شد.

در شوال سال ۱۴۲۷ه. ق مسجد ترمیم گشت و پوشش قدیمی کف آن برداشته شد تا دوباره سنگ فرش شود. پوشش قدیم با ماشین آلات مکانیزه و سنگین کننده می شد.

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۰۸، طول و عرض این مسجد براساس متر مربع! و چنین بیان شده است: «۲م۱۸۲، ۲م۱۳۱». - م.

در اثر کندن کف مسجد، چند زیرزمین در داخل آن کشف شد. من همراه دکتر معراج نواب میرزا، و دکتر عبدالله شاورش، و داماد مهندس عاصم عبدالله ترکستانی که در مؤسسه بن لادن کار می کند، از این موضوع آگاه شدیم و مراتب را به مسئولان مرکز مطالعات حج گزارش کردیم، چرا که کارگران از اهمیت این دست امور آگاه نیستند. (۱)

۶. مسجد ابوبکر: احمد بن ابراهیم غزاوی می گوید: (۲) خانه ابوبکر در کنار مسجدی است که در محله مسفله است و مسجدی که به او منسوب است در آنجا واقع است و مکان و شهرت آن برای عوام و خواص تا به امروز به تواتر شناخته شده است. (۳)

موقعیت کنونی مسجد: این مسجد چندان از مسجد الحرام دور نیست و در نزدیکی کتابخانه حرم مطهر در محله مسفله و در نبش خیابان هرسانی واقع است که خیابان ابوبکر از آن منشعب می شود و به مسجد ابوبکر می انجامد. (۴) این موقعیت مسجد پیش از تخریب کتابخانه حرم مطهر برای توسعه فضای جنوبی حرم است.

در حال حاضر این مسجد، یک طبقه وسیع و مجهز به دستگاه های جدید در طبقه چهارم مجتمع ساختمانی بزرگ [طرح بهسازی و توسعه حرم مطهر] را به خود اختصاص داده است. این ساختمان در منطقه مجاور حرم و در همان مکان پیشین مسجد است که حدود ۲۰۰ متر از حرم فاصله دارد. (۵)

۷. مسجد تنعیم یا مسجد حضرت خدیجه: این مسجد هنوز پابرجاست و عمره گزاران آهنگ آن می کنند. بنای این مسجد بازسازی شده و رواق های آن در شکلی تازه توسعه یافته است.

۱- مؤلف محترم در اشاره به مرجع این سخن، بی آنکه از مقاله ای نام ببرد، به ویژگی های مجله محل نشر مقاله پرداخته است، از این رو، حذف شد. - م.

۲- یک بند از صفحه ۱۰۸ متن مبدأ حذف شد. - م.

۳- مکه المکرمه فی شذرات الذهب، غامدی [و دیگران]، ص ۱۴۰.

۴- دلیل مکه المکرمه الاسلامی، بهجت صادق، ص ۹۱.

۵- دلیل مکه المکرمه الاسلامی، بهجت صادق، ص ۹۲. * فاصله این ساختمان تا حرم در واقع ۳۰۰ متر است. - م.

این مسجد، پس از بازسازی (۱): بنای قدیمی مسجد [که در دوره عثمانی بازسازی شده بود] و سقف نداشت تخریب گشت. دولت سعودی در سال ۱۳۹۸ه. ق طرحی برای بازسازی این مسجد به زیباترین شکل و با معماری بی همتا تهیه کرد؛ چرا که این مسجد از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا در کنار میقات اهل مکه واقع است. باری ساختمان مسجد مستطیل و دارای دو بخش جداگانه است:

بخش یکم، از هشت جزر تشکیل شده است که گنبدی بزرگ بر آنهاست. این جزرها با تزئینات گوناگون زینت شده است. قاعده گنبد بر جزرها قرار دارد و بلندای گنبد بر آنها افزاشته شده است. در میانه دیوار رو به قبله مسجد، محرابی بزرگ ساخته شده که بلندی رواق آن چهل (۲) متر است.

بخش دوم، دو گلدسته است که یکی در کنج شمال غربی قرار دارد و دیگری روبه روی آن در طرف مقابل و با همان ویژگی ها، برافراشته شده است. در بالای هر گلدسته، مجمره ای گلابی شکل است که بر بالای آن هلالی نهاده شده است.

مسجد دو ورودی دارد که به فضای سر پوشیده ای که میان مسجد و آبریزگاه است، می رسند. یکی از اینها دارای سه در است که مستقیم به صحن مسجد باز می شوند. یکی از این دو در مخصوص زنان است و کسی که از آن وارد شود مستقیماً به محل نماز در مقابل محراب می رسد. محل نماز زنان در مسجد با حایلی چوبین جدا گشته است.

مسجد از سه جهت در محاصره میدان ها و توقف گاه های خودروهاست و تنها مقابل آن آزاد و باز است. (۳)

۸. مسجد فتح: این مسجد در نزدیکی جموم واقع است و یکی از شهروندان نیکوکار مکی بنای تازه و کوچکی در آن ساخته است. امام جماعت راتب دارد و

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۰۹ آمده است: «المسجد حدبثاً». - م.

۲- رواق القبلة بارتفاع اربعین متراً. - م.

۳- دلیل مکه المکرمة الاسلامی، [بهجت صادق]، ص ۷۲.

نمازهای پنج گانه در آن برگزار می گردد.

۹. مسجد جن (حرس): این مکان هنوز در مکان خود که از قدیم به سوق المعلا معروف بوده باقی و در سمت راست کسی است که به سوی حرم سرازیر است. این مسجد دارای سه جهت اصلی است. ضلع شرقی آن مشرف بر خیابانی است که به آرامستان معلا می رسد؛ ضلع غربی آن به خیابان مسجدالحرام مشرف است؛ و ضلع شمالی آن مشرف بر خیابانی است که خیابان مسجدالحرام و خیابانی که به آرامستان معلا می رسد در آن به یکدیگر تلاقی می کنند.

بنای این مسجد در دوره جدید در سال ۱۴۲۱ه. ق تجدید و بازسازی شده است. طرح معماری این بنا، بر ساختار هندسی جدیدی مبتنی است که خود را در نمای بیرونی ساختمان و گلدسته نامتعارف آن نشان داده است. بازسازی این مسجد از منظر معماری با بازسازی دیگر مساجد منطقه معلا یعنی مسجد جندراوی و مسجد عین زبیده، تفاوت دارد. نمای دیواره بیرونی و درونی مسجد از سنگ مرمر رنگین درجه یک است.

طبقه هم کف مسجد، محل نماز گزاردن مردان و طبقه اول آن ویژه زنان است و وضوخانه آن در آبریزگاه قرار گرفته است.

۱۰. مسجد جعرانه: [این مسجد] هنوز پابرجاست و ساختمان آن در دوره سعودی چند بار بازسازی شده که فرجامین آن در سال ۱۴۲۸ه. ق است.

۱۱. غار حرا: یکی از آثار برجسته و بسیار عالی مکه است که شکل هندسی منحصر به فرد دارد. کسی که به سوی مکه می آید از هر سمت که باشد آن را مشاهده می کند. محل وقوع این غار از قدیم مشهور و شناخته شده بوده است و می توان از طریق راه پله قدیمی که در عصر عثمانی در کوه حرا ساخته شده به غار رفت. راه پله یاد شده در اثر آمد و شد زائران کما بیش از میان رفته و خداوند زمینه ای فراهم ساخت تا کارگران به جای پله های تخریب شده، پله های تازه بر کوه بتراشند.

هنگامی که فرد به قله کوه و جایی که مسجد است برسد اگر بخواهد به غاری که رسول خدا (ص) چند شب در آن عبادت می کرد درآید، باید خمیده وارد شود. این غار بیش از یک نفر گنجایش ندارد، مگر با سختی بسیار. زائر این غار پیش از ساختن ساختمان های بزرگ و برج های بلند در مکه که اکنون مانع رؤیت مسجدالحرام از غارند می توانست از شکاف میان صخره ها، مسجدالحرام را ببیند.

خدا را شکر این غار هنوز باقی است و حاجیان و عمره گزاران و اهالی مکه با همه دشواری های صعود، با شور و شوق به زیارت آن می روند. اما آنچه در این میان موجب شرمندگی است، کارهای فراوان خلاف شرع و عقیده صحیح است که در کنار این غار شریف صورت می گیرد. علت این امر آن است که زائران یله اند و برای ساماندهی گروه های حج گزار و عمره گزار علاقه مند به زیارت این مکان شریف، هیچ اقدامی نشده است، تا در قالب گروه هایی به سامان و زیر نظر راهنمای رسمی دولت به زیارت این غار آیند و راهنما، سیره نبوی را برای آنان بازگوید و از مراحلی که رسول خدا (ص) سپری کرد، یاد کند. نیز لازم است امکاناتی فراهم آید تا بتوان از وسایل جدید سمعی و بصری برای تهیه [و بازسازی] و ضبط وقایعی که برای رسول خدا (ص) رخ داد و دشواری ها و رنج هایی که آن حضرت تحمل کرد استفاده نمود بی آنکه در اصول عقاید رخنه ای شود و به رفتارهایی نیاز افتد که از جاهلان و نیرنگ بازان فرصت طلب در روزگار ما سر می زند و اصول عقیده صحیح را خدشه دار می سازد، و به اقدامات [بازدارنده] (۱) برای استفاده سالم و ایمن از این مکان تاریخی نیاز نیفتد.

پیرامون جبل النور (کوه حرا) به محله بزرگی تبدیل گشته است که به آن محله جبل النور گویند. بخشی از این محله دارای نقشه هندسی جدید است و بخشی از آن به ویژه قسمت هایی که پیرامون کوه است، بدون نقشه و بی حساب و کتاب شکل گرفته است.

کمر بند ساختمانی ای که بی حساب و کتاب و بدون نقشه پیرامون کوه حرا گسترده

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۱۱ آمده است: «دو اتخاذ اجراءات سلیمه. . .» که غلط و درست آن: دو اجراءات سلیمه است. - م.

شده است، با جایگاه تاریخی این کوه در تاریخ اسلام سازوار نیست و راه بالا-رفتن از کوه و رسیدن به این ساختمان ها، باریک و ناهموار است و خانه های مردم و خیابان های تنگ، بر محله های پیرامون کوه غلبه کرده است و روز به روز در حال افزایش است. دسترسی به غاری که رسول خدا (ص) در آن اعتکاف و عبادت می کرد، بسیار دشوار شده است، چرا که پله های منتهی به قله کوه از میان رفته است، با این حال مجاوران و زائران به آنجا می روند.

۱۲. غار ثور: شکر ایزد، این غار نیز هنوز بر جای خود است و حاجیان بیت الله الحرام برای بازدید از این غار که رسول خدا (ص) در راه هجرت به مدینه همراه ابوبکر در آن پناه گرفت [از کوه] بالا می روند. بالا رفتن از این کوه بسیار دشوارتر از بالا رفتن از کوه حراست. در بالای این کوه مسجدی بوده که تخریب شده است.

اینها مجموع مکان های اسلامی تاریخی باقی مانده [در مکه مکرمه] تا سال ۱۴۳۰ ه. ق است. (۱)

اما اندوه سینه را می فشارد که به تاریخ اسلامی شماری از این مکان ها توجه درخور نمی شود (۲) و برای رفاه حال حاجیان که مشتاق دست یابی به آثار رسول خدا (ص) در شهر

۱- عقیف الدین میرغنی (در. ۱۲۰۷ ه. ق) یادآور شده است که یکی از این مکان ها، مسجد حضرت حمزه در مسفله [پایین] دست مکه بر سر راه کسی است که به برکه ماجن می رود. فاسی گفته است: دلیلی بر درستی این انتساب در دست نیست، بلکه به نظر می رسد این انتساب نارواست، چه اینجا محل بنی هاشم نبوده است [شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۵۱۳]. این مسجد هنوز پابرجاست. در دهه هفتاد قرن چهاردهم هجری قمری، مهندس مکی، محمد سعید فاسی به طراحی و ساخت آن پرداخت. او از ساکنان پیشین محله مسفله است. فاسی که در گذشته در محله مسفله زندگی می کرد، به طراحی و ساخت آن پرداخت و بنایی تازه ساخت. این مسجد پس از تخریب بسیاری از ساختمان های آغاز محله مسفله تقریباً در فاصله ۵۰۰ متری مسجد الحرام قرار گرفته است. ساختمان ها و برج های بلند، پیرامون این مسجد را گرفته است و در کنار آن در سمت غرب، مسجدی دیگر است که به جای مسجد تخریب شده حمزه بنا شده است. خیابانی میان این دو مسجد فاصله انداخته است. با آنکه در این منطقه و اطراف مسجد ساختمان های بزرگی ساخته شده است، خیابان های آن هنوز تنگ و باریک است. من به اتفاق دوستانم: دکتر عبدالله شاورش و دکتر معراج نواب میرزا در صبح پنجشنبه ۱۴۳۰/۴/۲۷ ه. ق، برای بررسی بقای این مسجد از منطقه دیدار کردم.

۲- این سخن مؤلف، اعترافی دیگر به بی توجهی آل سعود به مکان های تاریخی مکه مکرمه است. - م.

زادگاه اویند، وسائل جدید دست رسی به این مکان ها فراهم نیامده است. چشم امید به خداوند و سپس سازمان گردشگری کشور عربستان دوخته ایم (۱) تا گروهی کارکشته از دلسوزان میراث فرهنگی که از ارزش علمی و تاریخی این مکان ها آگاهند، سرپرستی آنها را گردن نهند و برای پاسداری از میراث امت که در رأس آنها مکان هایی است که با تاریخ اسلامی جاودان ما ارتباط دارد، تلاش هایی درخور ستایش مبذول دارند.

۱- اگر کسی جز وهابیان این گونه به امری چشم بدوزد، آنان وی را مشرک می خوانند. - م.

گفتار پایانی

چکیده آنچه گذشت

۱. تواتر علمی حجت شرعی است، همچنان که تواتر محلی در شرع حجیت دارد و هر دو، ابزار مسلم اثبات احکام شرعی به شمارند.

۲. تردید در آنچه که با تواتر علمی یا محلی به اثبات رسیده است، جنایتی پنهانی در تاریخ امت و متزلزل ساختن مسلمات آن، بلکه تردید روا داشتن در اصولی است که تاریخ امت و مسلمات آن با آنها به اثبات می رسد. و این برای کسی که حقیقت این گونه استدلال و اهمیت شرعی آن را دریابد، شرعاً مسئله مهمی است.

۳. زیارت مکان های تاریخی، برای حاجی یا عمره گزار در زمانی که در مکه مکرمه اقامت دارد، اگر از رفتارهایی که عقیده را مخدوش می سازد یا آن را در محاق ابهام می برد تهی باشد، اصولاً مباح و رواست.

۴. باید به رفتارهایی اعتراض کرد که با پاکی عقیده و نابی آن ساز نمی آید، و از آنچه بی آسیب تر است برای باز داشتن از آنها بهره گرفت؛ زیرا هدف دست یابی به شناخت عقیده درست است. آگاهی از آنچه رخ داده است، در گسترش عقیده اسلامی و آنچه که رسول خدا (ص) و [برخی از] صحابه گرامی او برای آن رنج ها بردند، و نیز اشباع بعد روحی فرد مسلمان بسیار مؤثر است.

۵. حاجیان و عمره گزاران و کسانی که برای شناخت تاریخ اسلامی این سرزمین به

آنجا می آیند، دارای احساسات روحی و عواطف ایمانی اند، زیرا هر مؤمنی که درباره مکه مکرمه چیزی بخواند، با سوز و گداز می خواند و فرا می گیرد چنان که پنداری دوست داشتنی ترین امور را با توجه و اهتمام می خواند. چنین فردی بی صبرانه انتظار می کشد فرصتی دست دهد تا به زیارت و دیدار مکه مکرمه مشرف شود و با آثار باستانی [اسلامی] آن و مواضع مناسک حج به گونه ای آشنا شود که دیدارهای او بر خواننده هایش گواه باشد و آگاهی هایش درباره مکان ها و مشاعر [حج] را [با آنچه در مکه مکرمه است] درست تطبیق دهد. بنابراین هنگامی که به مکه مکرمه می رسد، همه اطلاعات گرد آمده در ذهنش در برابر چشمش عینیت می یابد و زنجیره ای از پرسش در ذهنش جان می گیرد. درباره محل طواف، چاه زمزم، سرآغاز این چاه، دارالندوه (۱) و محل آن، مسجدالحرام و اصل آن و آنچه بدان افزوده شده است و درها و بناهای آن، زادخانه نبوی، زادخانه فرزندان حضرت (ص)، خانه های اصحاب، مساجد آنها، خانه ارقم بن ابی ارقم.

اینها همه برآمده از احساسات و عواطف ایمانی ژرفی است که به طور طبیعی زائر [مکه مکرمه] را به افزایش اطلاعات درست درباره این [شهر] وامی دارد. این دیدار فرصتی است برای حضور او در منزلگاه های [مکه مکرمه] - که ممکن است دیگر در عمر او تکرار نشود - و اقناع و بهره روحی حاصل از احساس علاقه و پایبندی به دستوره های اسلام و اشتیاق به پیروی از رسول خدا (ص) و اصحاب و تابعین صالح او.

۶. نادیده انگاشتن احساسات و عواطف ایمانی کسانی که به مکه مکرمه مشرف می شوند، [در واقع] انکار حقیقت طبیعت بشری و سرشت انسانی است، چرا که گرایش به شناخت تاریخ اسلام در مکان ها و مواضع و منزلگاه های مکه مکرمه امری طبیعی است.

۱- گفته شده است دارالندوه، نخستین خانه ساخته شده در مکه است. این خانه را قصی بن کلاب می سازد تا سران قوم قریش در آن گرد آیند و در باره امور مهم مکه مشورت کنند. بنگرید به: مکه المکرمة التفاعل الحضاری فی المكان المقدس، لیلی بنت صالح محمد زعزوع، ص ۱۱۹. - م.

۷. مکان های تاریخی، امانت هر نسل است که باید پاس داشته شوند. این مکان ها شاهدی زنده از گذشته اند.

۸. مکان های تاریخی دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، نمادها و نشانه های زنده تاریخ اسلام و مکان های سرنوشت ساز آن است، و از میان بردن آنها تاریخ اسلام را در نگاه نسل های آینده به افسانه تبدیل می سازد. (۱)

۹. فراخوانی به نابودی مکان های تاریخی دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، از میان بردن تاریخ اسلام در زادخانه اصلی آن است. (۲)

۱۰. تا آنجا که می دانیم فراخواندن به از میان بردن مکان های تاریخی در مکه مکرمه و جز آن، شیوه سلف صالح - حتی اگر مخالف زیارت این مکان ها بوده اند - نبوده است؛ و از این روست که این مکان ها، در طول سده های گذشته تا عصر حاضر چونان شاهدی زنده بر جای مانده اند.

۱۱. از میان بردن آثار تاریخی، روش درست باز داشتن از اقدامات مخالف توحید و خلوص آن نیست، بلکه این کار متضمن سست شدن ریشه های ایمان در جوانان است.

۱۲. مردم به طور عام و سعودیان به طور خاص چنان بینش دینی ای یافته اند که آنان را وامی دارد از رفتارهای ناسازگار با عقیده صحیح روی برتابند.

۱۳. حق را فدای باطل نمی کنند، پس نباید این مکان های تاریخی را از میان برد و تاریخ حق را برای اقدامات جاهلانه و نادرست [کسان] از میان برداشت. این قاعده ای شرعی است که حق را از رخنه باطل دور می دارد.

در این زمینه از عزالدین بن عبدالسلام ملقب به سلطان العلماء پرسیده شده است که اگر ثابت شود امری سنت رسول خدا (ص) است، آیا از آن روی که بدعت گذار آن را انجام می دهد، می توان آن را فرو گذارد یا نه؟

۱- اگر چنین است چرا آل سعود تیشه تعصب کور و کژفهمی شور بر ریشه این بناها نهاده اند، و امثال مؤلف محترم وادار شده اند بر آب رفته از جوی مویه کنند. - م.

۲- اگر چنین است چرا آل سعود تیشه تعصب کور و کژفهمی شور بر ریشه این بناها نهاده اند، و امثال مؤلف محترم وادار شده اند بر آب رفته از جوی مویه کنند. - م.

وی پاسخ می دهد: جایز نیست سنت های [نبوی] را از آن روی که اهل بدعت بدان ها می پردازند کنار نهاد؛ زیرا حق را برای باطل بر زمین نمی نهند. عالمان و صالحان، پیوسته سنت های [نبوی] را برپا می دارند، حال آنکه می دانند بدعت گذاران هم به آن سنن پایبندند.

پس اگر حق به خاطر باطل وانهاده نمی شود، چگونه حق برای مشارکت دیگران در عمل بدان فرو نهاده شود حتی اگر به ترک کردن اذان و اقامه و سنت های ثابت و نمازهای اعیاد و بازدید از بیمار و سلام دادن و دعا کردن به عطسه کننده و صدقه پرداختن و برگزاری میهمانی و دیگر نیکی ها و مستحبات بینجامد. والله اعلم. (۱)

روش سلف صالح در رویارویی با کژپویی های اعتقادی، چنین بوده است.

۱۴. بهترین روش برای اصلاح رفتار برخی از حاجیان نادان، آگاهی بخشی دینی درست به آنها و به گونه ای است که به شناخت رفتار شرعی درست نسبت به این مکان های باستانی دارای ارزش دینی و معنوی و تاریخی برجسته در تاریخ امت، رهنمون سازد. روش درست و برتر این است و گرنه حتی اگر خدای ناخواسته این مکان ها هم از میان برده شوند، اهل باطل از عقاید خود دست برنخواهند داشت.

۱۵. در حال حاضر مکان های تاریخی بر جای مانده در مکه مکرمه عبارتند از: زادخانه شریف نبوی (کتابخانه مکه مکرمه)، مسجد الرایه، مسجد الاجابه، مسجد الیعه، مسجد جن، مسجد فتح، مسجد جعرانه، مسجد تنعیم، مسجد خیف، غار کوه حرا، غار کوه ثور، [مسجد مزدلفه]، [مسجد نمره (قدس سره) ابراهیم].

۱۶. محل ولادت رسول خدا (ص)، امری کاملاً قطعی در میان عالمان مکی است و برای مردم مکه مکرمه هم مسلم است که ولادت آن حضرت (ص) در شعب [بنی] هاشم در مکه و در خانه پدر او صورت گرفته است که امروزه به کتابخانه مکه مکرمه مشهور است.

در این مطلب، میان فقیهان و مورخان و عالمان سیره نبوی از صدر اسلام، نسل پس از نسل هیچ اختلافی وجود نداشته است.

۱۷. زادخانه رسول خدا (ص) در طول تاریخ اسلام، از توجه فراوان مسلمانان و عنایت بسیار خلفا و امیران آن گونه که درخور جایگاه حضرت رسول اکرم (ص) در دل مسلمانان است؛ برخوردار بوده است.

۱۸. توجه ملک عبدالعزیز به مکان های تاریخی چون: زادخانه شریف نبوی، خانه حضرت خدیجه، خانه ارقم بن ابی ارقم، زادخانه [امام] علی بن ابی طالب (ع)، و به کارگیری فرهنگی این مکان ها، نمونه ای عالی از رویکرد صحیح به آنهاست.

۱۹. به کارگیری زادخانه نبوی و تبدیل آن به کتابخانه عمومی به دستور ملک عبدالعزیز (۱)، دارای بعد فکری و فرهنگی است. بعد فکری این کار در تابش علمی پیوسته آن است چه عالمان و پژوهندگان همه کشورهای اسلامی به این کتابخانه می آیند و از کتاب های نفیس آن بهره می برند.

بعد فرهنگی این کاربرد در آن است که این مکان را که تاریخ فرهنگی بلندی دارد به مشعل دانش و معرفت در بلدالامین تبدیل کرده است. شایسته است از این مکان نگهداری شود تا یکی از آثار فرهنگی امت اسلام در عصر حاضر به شمار آید که از میان این آثار فری جایگاه بر جای مانده است.

۲۰. کتابخانه مکه مکرمه از رهگذر این کاربرد فرهنگی، در پنجاه سال گذشته و از زمان تأسیس آن تا به امروز، خدمات علمی و معرفتی ارزشمندی انجام داده است؛ زیرا افزون بر بیست کتابخانه شخصی علمای بزرگ مکه و ادیبان این دیار را در خود جای داده است و نشریات کمیاب و نسخ خطی را از سطح جهان گردآورده است.

۱- خواننده هوشیار عنایت دارد که مؤلف محترم در صفحه ۱۰۵، ۱۲۸ - ۱۳۰ تصریح نموده است که کار تبدیل زادخانه نبوی (ص) به کتابخانه به درخواست و هزینه خانواده یوسف قطان (مالک خانه) بوده است، نه عبدالعزیز. وی تنها با این کار موافقت کرده است. - م.

۲۱. موقعیت بی همتای این کتابخانه و مکان تاریخی آن با آن اشارات و القائات معنوی و ایمانی، تاریخ زنده ای به شمار می آید که شایسته است با منظری ظاهر شود که درخور جایگاه اسلامی و تاریخی آن است و نیز شایسته است در راه تحکیم عقاید صحیح اسلامی و کارآیی فعالیت های علمی و تبلیغی به کار گرفته شود.

این ساختمان باید از درون و بیرون، چنان بازسازی شود (۱) که مرکزی فرهنگی شود برای عالمان و ادیبان و اندیشوران و دانشجویانی که از سراسر جهان اسلام به مکه مکرمه می آیند. این مرکزیت با شأن و جایگاه برجسته این مکان در تاریخ اسلام، سازوار است و این نکته ای است که پیش از این علمای بزرگ سلفی درباره این شهر و دیگر شهرها، توصیه و از آن حمایت کرده اند.

۲۲. نگهداری از این مکان تاریخی مبارک که ساختمان و وضعیت مستقلی دارد و دیگر مکان های تاریخی مکه مکرمه و بهره گیری دینی و علمی - عقلانی و مدنی - فرهنگی از آنها، پاس داشت احساسات و عواطف مسلمانان و یادآوری آغاز تاریخ اسلام و نیرنگ های فریبکارانی است که مسلمانان در راه گسترش اسلام با آنها روبه رو می شدند و امروز هم امت با بخشی از آنها مواجه است که در حال حاضر به یادآوری آنها نیاز نیست.

۲۳. بدون دلیل معتبر، تردید رواداشتن در صحت مکان هایی که تواتر علمی و محلی بر درستی آنها وجود دارد، دسیسه ای است برای فسردن احساسات دینی، و جهالت نسبت به تاریخ و جنایتی علیه حقایق مسلم و ثابت شده.

۲۴. غلو با تجاوز از حد مشروع، و سخت گیری با سبک سری و بلاهت، هیچ یک از اسلام نیست بلکه از سنن و رهنمودهای اسلام بسیار به دور است و با اسلام و آسان گیری و حقیقت آشکار آن نمی سازد.

۱- این اشارت نیز اعتراف بل اعتراض به بی توجهی آل سعود به مکان های تاریخی مکه مکرمه و خاصه زادخانه نبوی (ص) است. - م.

۲۵. اعتدال و میانه روی در همه چیز شعار اسلام است. پس عبودیت جز برای خداوند نیست و بزرگ داشت هر کس که خدا او را بزرگ داشته، بزرگ داشت خداوند، و گرامی داشت هر کس که خدا او را گرامی داشته است، گرامی داشت خداوند است. و هر چه در این روند از حقیقت اسلام بیرون نرود و از قدرت خداوند درنگذرد، از این دست است.

شرح حال عالمانی که در بحث مکان های تاریخی [مکه مکرمه] از آنها یاد شده است

اشاره

در این جستار شرح حال برگزیده ای از فقیهان صاحب نظر در موضوع زیارت مکان های تاریخی و بیان حکم شرعی آن پیش رو نهاده می شود، خواه مخالف و خواه موافق، زیرا هر کس را دیدگاه و اجتهادی است. (۱)

از جمله اموری که شایسته است خواننده از آن غفلت نرزد آن است که این گروه از مؤلفان، چه مخالف و چه موافق، با بدعت ها و امور تازه ای که در شرع شاهی بر آنها نیست، با قلب و قلم مبارزه کرده اند و در این باره آثاری فراوان پرداخته اند. آنان عالمانی اند که در علم و عقیده مورد وثوقند، گرچه دیدگاه ها و روش های استدلالی آنها گوناگون است.

خواننده، همه اینها را در شرح حال این عالمان خواهد دید. آنان در نوشته هایشان، نسبت به بدعت هایی که دامنگیر عقاید اسلام گشته است، مواضعی قاطع گرفتند.

نکته دیگر برای رهنمود خواننده کتاب آن است که استنادات و تأییدها و تصدیق هایی که تا کنون در این کتاب صورت گرفته و نیز شرح حال هایی که در پی

۱- دیدگاه این نخبگان پیشتر آمد. - م. * این یادآوری را مترجم از متن به پانویشت آورد. - م.

خواهد آمد، همگی از محققان کتب است و آنچه به این قلم منسوب است، تنها نقل و اقتباس استنادات و تأییدها و تصدیق هاست.

۱. ابوولید محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی (در. ۵۲۵۰. ق)

مؤلف کتاب اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، چاپ رشدی و صالح ملحس، (چاپ سوم، مکه مکرمه، مطابع دارالثقافه، ۱۳۹۸. ه. ق).

حاجی خلیفه در کشف الظنون می گوید: «امام ابوولید محمد بن عبدالکریم ازرقی در گذشته در ۲۲۳. ه. ق است. او نخستین کسی است که در تاریخ مکه کتاب نوشت. خلاصه کتاب او زبده الاعمال نام دارد.» [که در قرن هشتم و به قلم سعدالدین بن عمر ابن محمد بن علی اسفراینی مکی تهیه شده است. نام کامل این خلاصه: زبده الاعمال و خلاصه الافعال است]. (۱)

[ولادت ازرقی:] از تاریخ زادن ازرقی اطلاع دقیقی در دست نیست و هیچ یک از مورخان به آن اشاره نکرده اند، زیرا پیشینیان به طور کامل از شرح حال او غفلت ورزیده اند و شرح حالی که از او به ما رسیده روایت [متأخران] (۲) است.

[درگذشت ازرقی:] تاریخ درگذشت ازرقی هم به طور دقیق ثبت و ضبط نشده است. حاجی خلیفه درگذشت او را در ۲۲۳ ذکر کرده است (۳) و ابن عزم تونسسی (۴) [۸۱۶-۸۹۱. ه. ق] می گوید: سال درگذشت او ۲۱۲ است. اما هر دو ره گم کرده اند؛ چرا که ازرقی چند ده سال پس از این تاریخ درگذشته است. فاسی در کتاب العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین] یادآور شده است که ازرقی در روزگار منتصر [عباسی] زنده بوده است. (۵)

۱- کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۳۰۶. م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۲۱ به غلط آمده است: «من روايه الآخريين». م.

۳- کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۰۶. م.

۴- مؤلف محترم به کتاب ابن عزم تونسسی اشاره نکرده است. مترجم احتمال می دهد مؤلف محترم از نسخه خطی کتاب دستور الإعلام بمعارف الأعلام ابن عزم استفاده کرده باشد. در ایران بل جهان، هیچ اثری از ابن عزم به چاپ نرسیده است. -

۴

۵- العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین، فاسی]، ج ۱، ص ۱۲-۱۳. نیز بنگرید به: الاعلام، زرکلی، ج ۶، ص ۲۲۲.

۲. ابو عبدالله محمد بن اسحاق بن عباس فاکهی

نویسنده کتاب اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه. چاپ عبدالملک بن عبدالله بن دهیش (چاپ اول، مکه مکرمه، مکتبه و مطبعه النهضه الحدیثه، ۱۴۰۷ه. ق).

زندگی فاکهی: ابن حجر در پایان کتاب تغلیق التعلیق علی صحیح بخاری، بخش بلندی درباره بخاری پرداخته است و در آن ذیل فصلی با عنوان «فصلی در ذکر کسانی که از بخاری روایت کرده اند» از گروهی یاد کرده است که از کتاب های بخاری روایت کرده اند. سپس گفته است: از جمله حافظان (یعنی کسانی که از بخاری روایت کرده اند) معاصران او و پس از آنها ابوزرعه و ابوحاتم و ابراهیم بن اسحاق حری است. سپس شماری از حافظان را برمی شمرد و می گوید: «محمد بن اسحاق فاکهی، صاحب اخبار مکه [فی قدیم الدهر و حدیثه]. ابن حجر، فاکهی را از حافظانی دانسته است که از بخاری روایت کرده اند.» (۱)

کسب دانش و سفرهای [فاکهی در پی دانش]: فاکهی بسیار زود به دانش آموزی و به خدمت استادان رسیدن و فراگیری از آنها پرداخت. او در کتابش تصریح می کند که خدمت پاره ای از استادانش در مکه می رسیده که اهل مکه نبوده اند.

فاکهی به فراگیری از کسانی که در مکه بودند - چه استادان مکی و چه درآمدگان به آن - بسنده نکرد و در پی دانش به مراکز علمی سفر کرد که در آن روزگار از شهرتی بسزا برخوردار بودند. از کتاب او برمی آید که به بغداد سفر کرده و از احمد بن عبدالجبار عطاردی (در. ۲۷۲ه. ق) استماع نموده است. همچنان که به کوفه سفر کرده و از اسماعیل بن محمد احمسی استماع نموده است. او به صنعا هم سفر نموده و نزد محمد بن علی نجار و ابراهیم بن احمد یمانی به استماع پرداخته است. (۲)

۱- [تغلیق التعلیق علی صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی]، ج ۵، ص ۴۳۷ - ۴۳۹. * در پانوش دوم متن مبدأ صفحه ۱۲۱ آمده است: «تعلق التعلیق». - م.

۲- مؤلف محترم در متن مبدأ صفحه ۱۲۲، پنج بار به مرجعی با عنوان الاثر ارجاع داده است، اما از مؤلفی نام نبرده است. مترجم برای یافتن کتابی با این نام بسیار جستجو کرد اما کام نیافت. سپس چون به مقدمه ابن دهیش بر کتاب اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه مراجعه کرد تا شاید گره گشوده گردد دریافت که ابن دهیش در مقدمه کتاب (صفحه ۴۴) می گوید: کتاب فاکهی در بردارنده ۳۰۰۰ حدیث و اثر است. سپس در شرح شیوه کار فاکهی در این کتاب، به متن خود کتاب استناد می جوید و مثلاً می گوید: در اثر (الاثر) ۲۰۱۱ چنین گفته است و در اثر (الاثر) ۱۹۱۸ چنان. روشن است که ابن دهیش از کتابی با عنوان الاثر یاد نکرده است. - م. * مؤلف محترم در شرح حال فاکهی از مقدمه ابن دهیش سود جست و عجب است که دریافته است مراد ابن دهیش از الاثر، خبر یا اثری است که فاکهی در اخبار مکه نقل کرده است؛ از این رو در پی این خطای فاحش، در متن مبدأ (صفحه ۱۲۲) می گوید: «قال فی الاثر، ص ۵۷۶، یا انظر الاثر، ص ۱۰۵۳، یا الاثر، ص ۱۹۰۴، . . .» . مترجم این ارجاعات ناصواب و گمراه کننده را حذف کرد. - م.

جایگاه اجتماعی فاکهی: از آنچه او در کتابش نگاشته است بر می آید که وی از شخصیت های معتبر مکه بوده است. برخی از اخبار می رساند که وی - به ویژه پس از بلوغ علمی - از بزرگان مکه بوده است. فاکهی در این کتابش مکان ها و محل هایی را توصیف کرده است که دانش طلب معمولی نمی توانسته است بدان ها برسد یا آنها را ببیند. نیز وی از رویدادها و نامه نگاری هایی میان حاکمان یاد کرده است که جز خواص بدان ها آگاه نمی شده اند.

مشایخ فاکهی: وی در جلد دوم کتاب اخبار مکه [فی قدیم الدهر و حدیثه] از ۲۳۱ شیخ روایت کرده است. میزان روایت او از این شیوخ یک اندازه نیست.

او از پیشوایان حدیثی ای که از بزرگانند و به حفظ و اتقان و عنایت به حدیث شهره بوده اند، روایت کرده است کسانی چون: محمد بن اسماعیل بخاری، مسلم بن حجاج، ابوحاتم رازی، ابوزرعه جرجانی، احمد بن حمید صیدلانی، ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، اسحاق بن منصور کوسج، حسن بن عرفه عبیدی، عباس بن محمد دوری، عمرو بن علی فلاس، زبیر بن بکار و دیگران.

اهمیت کتاب فاکهی: ابن حجر از این کتاب آگاه بوده و در بسیاری از آثارش از آن استفاده کرده و اسناد روایات را به او رسانده و گفته است: کتابی است نفیس در پنج جزء. (۱) فاسی در کتاب شفاء الغرام [باخبار البلد الحرام] می گوید: در کتاب فاکهی، مطالب فراوان و بسیار سودمندی هست که غیر از مطالب کتاب ازرقی و کتاب

ماست. (۱) فاسی با این بیان معلوم می‌دارد که محتوای کتاب فاکهی گسترده است و بر مطالب علمی و تاریخی و ادبی کتاب ازرقی و نیز کتاب فاسی شفاء الغرام [باخبار البلد الحرام] می‌چربد. این در حالی است که این دو کتاب از بزرگ‌ترین آثار پرداخته شده در این زمینه‌اند.

اگر بخواهیم اهمیت کتاب فاکهی را دریابیم، باید به متون فراوانی که فاکهی از کتاب‌های مفقود شده در این کتاب برای ما نگاه داشته است، اشاره کنیم.

در گذشت فاکهی: فاسی در کتاب العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین] می‌گوید: نمی‌دانم چه زمانی از دنیا رفته است، اما تا ۲۷۲ زنده بوده است؛ زیرا ماجرای را از این سال درباره مسجد الحرام باز گفته است. (۲) و (۳)

۳. ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی [حدود ۵۱۰ - ۵۵۹۷. ق]

نگارنده کتاب مثير الغرام الساکن الی اشرف الاماکن. چاپ مصطفی محمد حسین ذهبی (چاپ اول، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۵. ه. ق).

[نام و نسب ابن جوزی:] مصحح کتاب در معرفی نگارنده آن می‌گوید: «نسب امام ابن جوزی و لقب او: وی جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد بن علی بن عبیدالله بن عبدالله بن حماد بن احمد بن محمد بن جعفر بن عبدالله بن قاسم بن نصر ابن قاسم بن محمد بن عبدالله بن فقیه عبدالرحمان بن فقیه قاسم بن محمد بن خلیفه رسول خدا (ص) ابوبکر صدیق قرشی تیمی بکری بغدادی حنبلی است.»

وی در ادامه به پژوهشی دامن فراخ درباره ابن جوزی پرداخته است که به اندکی از

۱- شفاء الغرام [باخبار البلد الحرام، فاسی]، ج ۱، ص ۳۲ - ۳۳. م. * در متن مبدأ پانوشت دوم صفحه ۱۲۳ آمده است: «شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴». م.

۲- العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، فاسی، ج ۱، ص ۹ - ۱۲، ۱۴، ۳۱، ۳۳، ۳۱۰، نیز بنگرید به الاعلام، زرکلی، ج ۶، ص ۲۸.

۳- در صفحه ۱۸۹ همین اثر اشاره شد که فاکهی از احمد بن جبار عطاردی (در. ۲۷۲. ه. ق) استماع حدیث نموده است. این خود دلیلی است روشن بر زنده بودن وی تا تاریخ یاد شده. - م.

آن اشاره می‌کنیم تا خواننده با پیشوایی او آشنا شود.

ولادت ابن جوزی: ابن جوزی، در بغداد و در محله درب حبیب زاده شد. درباره زمان ولادت او پنج قول مختلف وجود دارد و از ۵۰۸ تا ۵۱۲ ه. ق را ذکر کرده اند.

مذهب فقهی ابن جوزی: وی حنبلی و دارای گرایش تند به حنبلیان است. این مطلب از موارد مکرری در سخنان او در کتاب هایش به ویژه دو کتاب مناقب الامام احمد، و المنتظم [فی تاریخ الملوک و الامم] برمی آید.

شیوخ ابن جوزی: ابن جوزی بنابر رویه علمای قدیم به طور عام و محدثان به طور خاص، مشایخ بسیار داشته است. وی مشایخش را در کتاب مشیخه ابن الجوزی معرفی کرده است. ۸۶ نفر از آنان مرد و ۳ نفر زن بوده اند.

ستایش بزرگان از ابن جوزی: حافظ ذهبی درباره ابن جوزی می‌گوید: «واعظ ذوفنون، صاحب آثار فراوان و مشهور در دانش‌های گوناگون چون تفسیر و حدیث و فقه و موعظه و اخبار و تاریخ و جز اینهاست. از کودکی وعظ می‌کرد و در موعظه از همالان پیش افتاد. نیک شعر می‌سرود. آن مایه به خط خود نوشت که در شمار نیاید و چنان مقبول و محترم بود که از آن فراتر نمی‌شود.» (۱)

ابن خلکان درباره وی می‌گوید: «علامه روزگار خویش و در حدیث و فن خطابه و وعظ سرآمد دوران خود بود. او در بسیاری از علوم کتاب نوشت و آثارش بی‌شمار است.» (۲)

عمادالدین اصفهانی می‌گوید: «واعظی است عبارت پرداز، نیک اشارت، که دلبسته جناس (۳) در گفتار، و شیفته رامش در اندرز است و گفته اش در دل‌ها نشنید. شیرین شمایل است و موزون رفتار.» (۴)

۱- العبر فی خبر من غیر [ذهبی]، ج ۴، ص ۲۹۷ - ۲۹۸.

۲- وفيات الاعیان، [ابن خلکان]، ج ۲، ص ۳۲۱.

۳- به کار بردن دو یا چند واژه با شکل واحد و معانی مختلف. - م.

۴- خریده القصر و جریده العصر، [عماد الدین اصفهانی]، ج ۲، ص ۲۶۱.

ابومظفر سبط ابن جوزی می گوید: «از دنیا روی گردان بود و آن را کوچک می شمرد و هفته ای یک بار قرآن را دوره می کرد و از خانه بیرون نمی رفت مگر به مسجد جامع برای نماز جمعه و مجلس. هرگز با کسی شوخی نمی نمود و [در کودکی در کوچه] (۱) با کودکان بازی نمی کرد و شبهه ناک نمی خورد و بر این روش بود تا درگذشت.» (۲)

ابن کثیر او را چنین وصف می کند: «یکی از مهتران عالمان است که در بسیاری از دانش ها چیره و از دیگران سر بود و نزدیک به سیصد کتاب کوچک و بزرگ گرد آورد و به دست خود نزدیک به دویست جلد کتاب پرداخت. او در همه دانش ها استاد بود و در علوم رایج چون: تفسیر و حدیث و تاریخ و حساب و نجوم و پزشکی و فقه و علوم دیگر مانند لغت، نحو و... آثاری به جا گذاشت.» (۳)

ابن تیمیه می گوید: «بیش از هزار کتاب از او برشماردم و پس از آن آثاری از او دیدم که در شمار نیاورده بودم.» (۴)

ابن رجب [حنبلی] می گوید: «وقتش را بر باد نمی داد و روزانه چهل صفحه می نگاشت و سالانه از نوشته های او پنجاه تا شصت جلد برهم چیده می شد. او در همه علوم تألیف دارد.» (۵)

موفق مقدسی می گوید: «ابن جوزی در وعظ، امام روزگار خود بود. او در انواع علوم آثاری نیکو پرداخت و ذوفنون بود و در فقه تدریس و تألیف می کرد.» (۶)

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۲۵ آمده است: «ولا لعب مع صبی» و به مرآه الزمان سبط ابن جوزی ارجاع داده شده است. مرآه الزمان در دسترس مترجم نبود تا با نقل مؤلف محترم تطبیق داده شود، اما در البدایه و النهایه (ابن کثیر، ج ۱۳، ص ۳۲) آمده است: «در کودکی با کودکان بازی نمی کرد»؛ خود ابن جوزی هم در لفته الکبد فی نصیحها للولد، ص ۳۶ گفته است: «به یاد ندارم هرگز در کوچه با بچه ها بازی کرده باشم». از این رو، ترجمه براساس سخن خود ابن جوزی صورت پذیرفت. - م.

۲- مرآه الزمان، [سبط ابن جوزی]، ج ۸، ص ۴۸۲.

۳- البدایه و النهایه، [ابن کثیر]، ج ۱۳، ص ۳۱.

۴- بنگرید به: الذیل علی طبقات الحنابله، [ابن رجب حنبلی]، ج ۳، ص ۴۱۵.

۵- [الذیل] علی طبقات الحنابله، [ابن رجب]، ج ۳، ص ۴۱۷.

۶- مؤلف نشانی نداده است. از موفق مقدسی، تنها کتاب التواین شناسایی شد اما در اختیار نیست. - م.

داودی، ابن جوزی را چنین ستوده است: «امام علامه، حافظ عراق و واعظ آفاق، صاحب آثار بنام در دانش های گوناگون چون: تفسیر و حدیث و فقه و وعظ و زهد.» (۱)

ابوالخیر محمد بن جزری در ستایش او می گوید: «امام حافظ ابوالفرج بن جوزی... ده گانه را نزد علی ابوبکر محمد بن حسین مزرفی تلاوت کرد.» (۲) مرادش آن است که ابن جوزی حفظ قرائت های ده گانه قرآن را بر علوم و معلوماتش افزود.

جایگاه علمی ابن جوزی: وی به یک دانش بسنده نکرد. خودش در این باره می گوید: «به دانشی یگانه بسنده نکردم بلکه فقه و حدیث می خواندم و در پی زاهدان بودم و پس از آن به ادبیات عرب پرداختم. هیچ یک از محدثان و واعظان تازه وارد به شهر را رها نمی کردم مگر اینکه به محضرش می رسیدم و [از] فضایل او برمی گرفتم.» (۳)

وی چنان که ذهبی یادآور شده است، در تفسیر از بزرگان به شمار بود و در مجالس وعظ، کل قرآن را تفسیر نمود. خودش می گوید: «از زمان نزول قرآن، واعظی را نمی شناسم که همه قرآن را در مجلس وعظ تفسیر کرده باشد.» از برجسته ترین آثار تفسیری ابن جوزی، کتاب المغنی است که آن را در زاد المسیر فی علم التفسیر، خلاصه کرده است. مغنی در نه مجلد به چاپ رسیده است.

او در علم حدیث هم [استاد است] و از حافظان حدیث به شمار می رود. وی تنها یازده سال داشت که در علم حدیث کتاب نوشت و پیش از این - چنان که خودش می گوید - به استماع حدیث پرداخت.

ابوعبدالله دبیشی می گوید: «شناخت حدیث و علوم آن و آگاهی از صحیح و سقیم آن به او انجامیده است و او در زمینه مسانید حدیث و ابواب آن و رجال و دیگر اموری که در [حدیث پژوهی] بدان ها نیاز است آثاری پرداخته است.» (۴)

۱- طبقات المفسرین، [داودی]، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲- غایه النهایه فی طبقات القراء، [ابن الجزری]، ج ۱، ص ۳۷۵.

۳- صید الخاطر، [ابن جوزی]، ص ۱۳۵؛ و لفته الکبد [فی نصیحه الولد]، [ابن جوزی]، ص ۲۴.

۴- به نقل از [سیر] اعلام النبلاء، [ذهبی]، ج ۲، ص ۳۷۳؛ مرآه الزمان، [سبط ابن جوزی]، ج ۸، ص ۷۸۲.

ابن ساعی می گوید: «از بسیاری نقل حدیث کرده است و مردم از او حدیث استماع کرده اند و از او بهره برده اند. او بی شمار کتاب نوشته است. اعلام احادیث مسند را گرد آورده است و احادیث ضعیف و واهی را معلوم داشته است.» (۱)

از مهم ترین آثار او در حدیث، جامع المسانید، الحدائق، الموضوعات، العلل المتناهیة را می توان نام برد.

ابن جوزی در وعظ بسیار استاد بود و حتی گفته اند که او عالم عراق و واعظ آفاق است. وی وعظ را در نه سالگی آغاز کرد که نشانه حافظه نیرومند و حضور ذهن و هوش سرشار و نبوغ زودرس اوست. در مجالس موعظه او مردمی بسیار گرد می آمدند و به سخنش گوش می سپاردند و متأثر می شدند. وی درباره تراز تأثیر سخنش در مردم می گوید: «خداوند بیش از اندازه دل مردم را پذیرای من ساخته و سخنم را در آنان گیرا کرده است، در درستی سخنانم شک روا نمی دارند. نزدیک به دو بیست تن از اهل ذمه به دست من ایمان آوردند. در مجالس وعظ من افزون بر یکصد هزار [نفر] توبه کردند. من بیش از بیست هزار وادی هموار را که بی خبران از آنها در رنج بودند پیمودم.» (۲) و (۳) و (۴)

ابن رجب می گوید: «مجالس وعظ او بی نظیر بود و مانند آنها شنیده نشده است. این مجالس بسیار سودمند بوده است و غافلان [در آنها] (۵) به خود می آمدند و جاهلان می آموختند و گناه کاران توبه می کردند و مشرکان مسلمان می شدند.» (۶)

شاید از شاخص ترین آثار او در موعظه التبصره، المنتخب، المدهش، بحر الدموع، بستان الواعظین و ریاض السامعین باشد.

۱- الجامع المختصر، ابن الساعی، ج ۹، ص ۶۶.

۲- لفته الكبید [فی نصیحه الولد]، [ابن جوزی]، ص [۳۷]. * در پانوش اول صفحه ۱۲۷ متن مبدأ به خطا آورده است: «ص ۲۵۱» - م.

۳- یعنی مسائلی بسیار به دیگران آموختم. - م.

۴- و قد قطعت عشرين الف سالفاً مما يتعاناها الجهال. - م.

۵- در متن مبدأ صفحه ۱۲۷ به غلط آمده است: «یتوب غیها...». - م.

۶- الذیل علی طبقات الحنابلہ، ابن رجب، ج ۳، ص ۶۱۰.

اما در حوزه فقه، بی تردید وی فقیه است و چگونگی نباشد حال آنکه واعظ و مفسر و حافظ حنبلی مذهب و در پاره ای از دیدگاه ها مجتهد است. ابن رجب درباره اش گفته است: مدرس مدرسه یعنی مدرسه فقه حنبلی بوده است. بهترین آثار فقهی او عبارتند از: الانصاف فی مسائل الخلاف، عمدہ الدلائل فی مشهور المسائل، المذهب فی المذهب، مسبوک الذهب، المنفعه فی المذاهب الاربعه و جز اینها.

در حوزه تاریخ هم وی مورخی ماهرنگار است و چیزی چون کتاب المنتظم او بر این امر گواه نیست. وی در منقبت نگاری هم دست داشته و مجموعه ای تاریخی و تخصصی در این زمینه پدید آورده است، از آنهاست. مناقب احمد بن حنبل، مناقب الحسن البصری، مناقب عمر بن خطاب، مناقب عمر بن عبدالعزیز، مناقب سفیان الثوری، مناقب ابراهیم بن ادهم و جز اینها.

اینها گذشته از نبوغ او در ادبیات و لغت و شعر است. ذهبی می گوید: «شعر تر سروده است و به خط خود آن مایه نوشته است که در شمار نیاید. وی فوق العاده مورد پذیرش و احترام واقع شده است.» (۱) از ابوشامه نقل است که اشعار ابن جوزی ده جلد است و شعرش نیکوست گرچه آکنده از محسنات بدیعی است. از ابن جوزی کتابی با عنوان المقامات چاپ شده است (۲) که در بردارنده مقامه ها و خطبه های او در مجالس گوناگون است.]

آثار ابن جوزی: کتاب های او فراوان و بیش از هزار عنوان است. ابن تیمیه می گوید: «شیخ ابوالفرج متضلع است و آثار بسیار در موضوعات فراوان دارد. من آنها را برشماردم فزون بر هزار بود و بعدها آثار دیگری از او دیدم که ندیده بودم.» (۳)

علوجی کتاب وزینی پرداخته است با عنوان مؤلفات ابن الجوزی و در آن، آثار او را

۱- العبر فی خبر من غیر، ذهبی، ج ۴، ص ۲۹۷ - ۲۹۸. * در متن مبدأ پانوشت اول صفحه ۱۲۸ آمده است: «العبر فی خیر. . .» م - .

۲- مؤلف محترم نشانی نداده است. - م.

۳- بنگرید به: الذیل علی طبقات الحنابلہ، ابن رجب حنبلی، ج ۳، ص ۴۱۵. - م.

گرد آورده و اشاره کرده است که سی کتاب از آثار او چاپی و ۱۳۹ عنوان از آثارش خطی و موجود و ۲۳۳ عنوان از آنها مفقود است. برخی از دوستان بر کتاب علوجی استدراکی نوشته اند و به کتاب هایی دیگر از ابن جوزی اشاره کرده اند. (۱)

درگذشت و خاکسپاری ابن جوزی: خداوند عمر این امام گرانمایه را بلند گردانید. او در بغداد با احترام و بزرگی زیست و در شب جمعه دوازدهم رمضان سال ۵۹۷هـ. ق بین مغرب و عشا در خانه اش واقع در محله قطفقا [در شرق] بغداد درگذشت. (۲) [جنزه او بر دوش مردم حمل شد. جمعیت بسیار انبوه بود. در باب حرب کنار پدرش نزدیک احمد بن حنبل به خاک سپرده شد. قیامتی بود حتی گفته شده است در اثر ازدحام جمعیت و شدت گرما گروهی از مردم تلف شدند]. (۳)

۴. یحیی بن شرف نووی (۶۳۱ - ۶۷۶هـ. ق)

۴. یحیی بن شرف نووی (۶۳۱ [۴] - ۶۷۶هـ. ق)

صاحب کتاب الايضاح فی مناسک الحج و العمره. همراه با کتاب الافصاح علی مسائل الايضاح علی مذاهب الائمة الاربعه و غیرهم اثر عبدالفتاح حسین راوه مکی (چاپ دوم، مکه مکرمه، المكتبه الامدادیه، ۱۴۱۴هـ. ق).

عبدالفتاح حسین راوه در شرح حال نووی می گوید: «او امام علامه شیخ الاسلام، استاد متأخران و حجت خدا بر آیندگان و دعوت کننده به راه گذشتگان و شارح مذهب شافعی و تهذیب و تنقیح کننده و سامان بخش آن است. او فقیه محدثان و محدث فقیهان، حافظ ابوزکریا یحیی بن شرف بن موسی بن حسن بن حسین بن حزام بن محمد بن جمعه نووی شافعی است.»

ولادت نووی: او در دهه نخست محرم سال ۶۳۱هـ. ق در نوبی یکی از روستاهای

۱- مؤلفات ابن الجوزی، علوجی. - م.

۲- [مثیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن، ابن جوزی، (مقدمه محقق)]، ص ۹-۱۷. - م. * در صفحه ۱۲۸ متن مبدأ تنها آمده است «ص ۹-۱۷». - م.

۳- البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۱۳، ص ۳۳. - م.

۴- در متن مبدأ صفحه ۱۲۸ آمده است: «۶۱۳-۶۷۶ هـ.». - م.

دمشق در ارتفاعات جولان به دنیا آمد و در آن بالید و قرآن کریم را حفظ کرد.

مهارت نووی در علوم گوناگون: او در علوم گوناگون استاد بود از این رو در فقه شافعی و متون حدیثی و علم رجال، مرجع و تکیه گاه دیگران بود. نووی جامع روایت و درایه بود و در میان مردمان روزگار خود در شناخت و حفظ و ثبت و ضبط احادیث رسول خدا (ص) و اطلاع از روایات صحیح و غیر صحیح و سند روایات سرآمد بود. پس نووی فقیه محدثان و محدث فقیهان است. بلکه وی چهره ای تابناک و بی رقیب و محل رجوع و مورد اعتماد مردم بوده است.

تدریس نووی: وی چون مقدمات حدیث و فقه را آموخت، به تدریس این دو درس در مدرسه اقبالیه که جمال الدین اقبال در سال ۶۰۳ ه. ق تأسیس کرده بود پرداخت. سپس به تدریس در مدرسه رکنیه که رکن الدین منکورس درست کرده بود و مدرسه خلفیه که خلف الدین سلیمان بنا کرده بود مشغول شد. پس از این، مسئولیت اداره دارالحدیث را در سال ۶۶۵ ه. ق گردن نهاد و در ازای این خدمت هیچ مزد نستاند تا درگذشت.

ویژگی های نووی: وی بسیار پرهیزگار و زاهد بود. ذهبی می گوید: «او نه اندوخته ای داشت نه اهل رفاه و برخورداری بود و در عین حال جانب خداترسی و خرسندی و پرهیزگاری و مراقبت برای خدا در پیدا و پنهان را نگاه می داشت و خواهش های نفس چون پوشاک تمیز و خوراک لذیذ و ظاهر آراسته را فرو نهاده و خوراکش نان خشک با نان خورشی ساده و اندک بود و پوشاک او جامه ای پنبه ای با بالا پوشی از سختیان نازک [پوست دباغی شده بز] بود.» (۱)

نووی از میوه دمشق نمی خورد؛ چه در باغ آن نیرنگ و شبهه بود. او از آنچه [پدرش از نووی] برایش می فرستاد [می خورد] (۲). در شبانه روز جز یک وعده پس از عشای

۱- تذکره الحفاظ، ذهبی، ج ۲، ص ۱۷۴. - م.

۲- برخلاف متن مبدأ صفحه ۱۳۰ که می گوید: «و کان لا یتقوت مما یأتی من بلده من عند والدیه»، در بدایه ابن کثیر (ج ۱۳، ص ۲۹۴) آمده است: «و کان غالب قوته مما یحمله الیه ابوه من نووی» ترجمه براساس متن مادر صورت گرفت. - م.

دوم غذا نمی خورد و مگر یک بار در سحر آب نمی نوشید. ازدواج نکرد و بسیار شب زنده دار بود و [روزگار] به عبادت و کتابت می گذراند. از این رو سبکی درباره وی می گوید: «او سالار و (در برابر زنان) خویشتن دار و زاهد است و اگر دینش آباد گردد در بند ویرانی دنیا نیست. اهل زهد و خرسندی و پیروی از پیشینیان اهل سنت و جماعت و پایداری در انواع خیر است و ساعتی را بی طاعت نمی گذراند. در بحث با عالمان و دیگران آرام و بردبار است. به معروف فرامی خواند و از منکر باز می دارد و به شاهان و امیران امر به معروف و نهی از منکر می کند و از راه نامه به آنان پند می دهد که با مردم به داد روند و باج گیری از خریدار و فروشنده را کنار نهند و حقوق افراد را به آنان باز پس دهند.» (۱) ابوالعباس بن فرج می گوید: سه مقام عالی به شیخ [نووی] روی آورد که اگر هر یک از آنها از آن کسی بود، سخت مورد توجه قرار می گرفت: علم و زهد و امر به معروف و نهی از منکر. (۲)

درگذشت نووی: او در پایان عمرش پس از حج گزاردن و زیارت قدس و مزار خلیل (ع) به زادگاهش نوی نزد پدر و مادرش رفت و در آنجا بیمار شد و در شب چهارشنبه ۲۴ رجب سال ۶۷۶ ه. ق درگذشت. (۳)

۵. حافظ ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محب الدین طبری مکی (۶۱۵ - ۶۹۴ ه. ق)

نگارنده کتاب القری لقاصد ام القری. چاپ مصطفی سقا (چاپ دوم، قاهره)، شرکه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، ۱۳۹۰ ه. ق).

- ۱- در متن مبدأ صفحه ۱۳۰ پایان سخن سبکی معلوم نشده است. - م. * متن یاد شده از سبکی نیست. مصحح کتاب در پانویشت (طبقات الشافعیه الکبری، ج ۸، ص ۳۹۷) از دیگر آثار سبکی مطالبی آورده است. - م.
- ۲- مؤلف محترم ارجاع نداده است. - م.
- ۳- [الایضاح فی مناسک الحج و العمره، نووی، (مقدمه محقق)]، ص ۵ - ۹. - م. * در پاورقی صفحه ۱۳۱ متن مبدأ، تنها آمده است: «ص ۵ - ۹». - م.

[نام و نسب طبری]: مصطفی سقا محقق کتاب طبری درباره او می گوید: «نویسنده این کتاب یکی از محدثان و فقیهان برجسته شافعیه، حافظ، امام احمد بن عبدالله محب الدین طبری، [مکنی به] ابوالعباس و ابوجعفر، شاخه ای از درختی بزرگ از درختان شرافت و رهبری در دانش و نژاد است که نسبش به [امام] حسین بن علی بن ابی طالب ۸ می رسد. ریشه اینان در طبرستان در شرق ایران پا گرفت و شاخه های آنها به مکه مکرمه در سرزمین حجاز رسید. (۱) محب الدین طبری و عموزادگان او و فرزندان و نوادگان آنان کرسی تدریس و قضاوت و سخنرانی و امامت حرم شریف مکی را نسل به نسل حدود شش قرن در اختیار داشتند. آنان بزرگ ترین خاندان مکه بوده اند و حتی در میان شرفا که حاکمان مکه بوده اند کسی در اصالت و تبار و نژاد به پای آنان نمی رسد.

زنان این خاندان در برافراشتن مشعل دانش و پیشی گرفتن در فری جایگاهی، به مردان بزرگ شانه می زدند و تاریخ، نام آنان را میان چهره های ماندگار ثبت کرده است.

[جایگاه علمی طبری]: فاسی مورخ مکه در کتاب العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین] می گوید: او آثار ارزشمندی در علوم گوناگون دارد. در اینجا از تاریخ، شهادت هایی را درباره مؤلف و خاندان او که آوازه اش شرق و غرب را گرفته است، بازمی گوئیم. جا دارد این مطالب با حروفی از نور نوشته شوند.

[ولادت و تحصیل طبری]: شمس الدین ذهبی، در کتاب تذکره الحفاظ در شرح حال محب الدین طبری می گوید: «امام محدث مفتی، فقیه مکه مکرمه، محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر طبری مکی شافعی، مصنف احکام، در سال ۶۱۵ه. ق زاده شد و از ابوالحسن بن مقیر بغدادی و ابن جُمیزی و شُعیب زعفرانی

۱- خاندان طبری، خود را از قریش می دانستند. اجداد آنان در زمان عباسیان به طبرستان هجرت کردند، و در قرن پنجم نوادگان آنان به مکه بازگشتند. ابو مشعر طبری نخستین آنان بود که به مکه بازگشت و از ۴۸۸ه. ق. به تدریس پرداخت. این خاندان از عالمان و خطیبان و امامان حرم بودند و در قرن سیزدهم نسلشان ورافتاد (تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه - ۱۳۴۴ه. ق، احمد سباعی، ترجمه رسول جعفریان، ص ۲۷۵) - م.

و عبدالرحمان بن ابی حزمی و دیگران استماع حدیث نمود، و فقه آموخت و تدریس کرد و فتوا داد و تألیف کرد. او بزرگ شافعیان و محدث حجاز بود.» (۱)

سبکی در طبقات الشافعیه می گوید: «احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد بن ابراهیم، حافظ ابوالعباس محب الدین طبری مکی، شیخ حرم و حافظ بی همال حجاز، در جمادی الاخر سال [۵۶۱۵. ه. ق] (۲) به دنیا آمد.» (۳) و (۴)

[درگذشت طبری:] دمیاطی اشعاری از او نقل کرده است، ابوالحسن عطار و ابومحمد ابن برزالی و دیگران نیز از او روایت کرده اند. وی امامی درستکار و زاهدی فری جایگاه است. پسرش قاضی مکه نیز از او روایت کرده و از روایاتش برای من ارسال داشته است. او در جمادی الاولی [۵۶۹۴. ه. ق] درگذشت. (۵)

[آثار طبری:] برخی از کتاب های محب طبری که ذهبی و سبکی از آنها یاد نکرده اند، عبارتند از:

۱. خلاصه سیر سیدالبشر. (ص)

۲. صفوه القری فی صفه حجه المصطفی و طوفه بام القری، که ۲۲ برگ است و در مجموعه ای در علم تاریخ (تراجم و سیر شماره ۴) در دارالکتب المصریه نگه داری می شود.

۳. السمط الثمین فی مناقب امهات المؤمنین، چاپ راغب طبخ در حلب.

۱- تذکره الحفاظ، ذهبی، ج ۴، ص ۲۵۵. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۳۲ به غلط و برخلاف کتاب سبکی، ج ۸، ص ۱۸، آمده است: «مولوده سنه عشر و ستمائه». - م. *
گفتنی است در متن مبدأ صفحه ۱۳۲ مولود را مولد ثبت کرده اند. - م. * نیز مؤلف محترم در صفحه ۱۳۱ درگذشت طبری را ۶۹۴ ه. ق و در صفحه ۱۳۲، ۶۷۴ ه. ق آورده است. - م.

۳- مؤلف محترم سال ولادت طبری را ۶۱۵ ه. ق می داند و در اشاره به نظر مخالف این باور در پانوشت صفحه ۱۳۲ متن مبدأ گفته است: «چنان که گذشت ذهبی وی را متولد ۶۱۶ ه. ق می داند». حال آنکه در همان صفحه متن مبدأ آمده است: «قال. . الذهبی فی ترجمته. . ولد سنه خمس عشره و ستمائه». - م.

۴- مترجم جای این بند را با بند بعدی عوض کرد و آن را مقدم داشت. - م.

۵- طبقات الشافعیه، سبکی، ج ۸، ص ۱۸، پانوشت محقق کتاب. - م. * در متن مبدأ صفحه ۱۳۲ به خطا آمده است: «توفی فی. . . اربع و سبعین و ست مئه». - م.

۴. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، چاپ قدمی، مصر، ۱۳۵۶ ه. ق.

۵. کتاب فی صفة حجه النبی. (۱)

۶. عزالدین بن جماعه کنانی، عبدالعزیز بن بدرالدین محمد بن ابراهیم دمشقی مصری (۶۹۴ - ۵۷۶۷ ه. ق)

نویسنده کتاب هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک. چاپ نورالدین عتر (چاپ اول: بیروت، دارالبشائر الاسلامیه للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م).

[نام و نسب ابن جماعه:] محقق این کتاب شرح حال مؤلف را این گونه آغاز می کند: او امام عزالدین عبدالعزیز بن امام بدرالدین محمد بن ابراهیم بن سعدالله بن جماعه بن صخر کنانی حموی دمشقی مصری است.

او به لقب خود یعنی عزالدین مشهور شده است به گونه ای که کاربرد آن در کتاب های تاریخی غالب آمده است. لقب دیگر او به اختصار، عز بن جماعه و کنیه اش ابو عمر است.

کنانی، بیان نسبت او به قبیله عربی کنانه است که به جد دهم رسول خدا (ص) یعنی کنانه منسوب است. نیز به او حموی گفته شده است چون اصل او از حماه است و پدرش بدرالدین محمد بن ابراهیم در سال ۵۶۳۹ ه. ق در آنجا به دنیا آمد. همچنین دمشقی خوانده شده است چون در دمشق متولد شده و مصری اش گفته اند چون در مصر اقامت گزیده است.

ولادت و پرورش ابن جماعه: وی در نوزدهم (۲) ماه محرم (۳) سال ۵۶۹۴ ه. ق (۴) دیده بر

۱- از صفحه ۱۳۳ - ۱۳۵ متن مبدأ (شرح حال ابن تیمیه) حذف شد. برای آشنایی با او از جمله بنگرید به: دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۳، ذیل ابن تیمیه؛ ابن تیمیه حیاته - عقائده، صائب عبدالحمید. - م.

۲- الدرر الکامنه، [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۸۹.

۳- [طبقات الشافعیه، ابن قاضی شهبه]، ج ۳، ص ۱۰۱. * در پانوشت دوم و پنجم صفحه ۱۳۶ مبدأ آمده است: «ابن شهبه» . -

۴

۴- [طبقات الشافعیه الکبری]، سبکی، ج ۱۰، ص ۷۹.

جهان گشود. او در دمشق و در مدرسه عادلیه کبری در منزل پدرش که قاضی القضاة شام بود زاده شد.

فعالیت علمی ابن جماعه: عزالدین عبدالعزیز بن جماعه در حوزه های گوناگون علمی اعم از آموزش و کاربرد در امر قضاوت و تألیف فعال بود و در زندگی علمی خود به یک بعد بسنده نکرد.

تدریس او از بیست سالگی آغاز شد و تا پایان حیاتش ادامه یافت. ابن قاضی [شهبه] (۱) می گوید: «از چهارده سالگی تدریس می کرد.» (۲) در کتاب الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه] هم آمده است که از چهارده سالگی تا پایان عمر تدریس می کرد. (۳)

پاره ای از مسئولیت های تدریسی او عبارتند از: تدریس در زاویه شافعی در مصر، تدریس فقه در جامع [ابن] طولون، تدریس در جامع اقمیر [و دارالحديث کاملیه] و دیگر مناصب و مسئولیت ها (۴) مانند تدریس در [زاویه] خشایبه (۵) و برپایی سخنرانی. (۶)

او در امر تألیف، دستاوردی فراوان دارد که در مجموع کتاب های ارزشمندی که نگاشته، نمود یافته است. برای ما روشن است که او در تألیف از مجاورت دو حرم [شریف] بسیار بهره می برده است. در پایان نسخه ای به خط مؤلف چنین آمده است: «نگارنده کتاب، عبدالعزیز بن محمد بن ابراهیم بن سعدالله بن جماعه کنانی شافعی - خدا آنان را بیامرزد - در روز چهارشنبه بیست و دوم صفر سال هفتصد و پنجاه و پنج در مدینه منوره علی ساکنها افضل الصلاه و السلام، نگارش کتاب را به پایان برد.»

عبدالوهاب بن عمر حسینی این متن را که از نسخه ظاهریه است، با نسخه

-
- ۱- [هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، ابن جماعه، (مقدمه محقق)]، ص ۲۰ - ۲۱. * در متن مبدأ، صفحه ۱۳۶
 - ۲- ۱۴۱، ابن شهبه به غلط ابن شهبه ضبط شده است. - م.
 - ۳- [طبقات الشافعیه، ابن قاضی شهبه]، ج ۳، ص ۱۰۱.
 - ۴- الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۸۹.
 - ۵- [طبقات الشافعیه الکبری]، سبکی، ج ۱۰، ص ۸۹.
 - ۶- [طبقات الشافعیه]، ابن قاضی شهبه، ج ۳، ص ۱۰۱.
 - ۷- الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۸۹.

فیروزآبادی مقابله و عیناً نقل کرده است. وی این مطلب را از فیروزآبادی در پایان جلد نخست بازگو کرده، می گوید: این مطلب را به خط مجدالدین [فیروزآبادی صاحب القاموس المحيط] یافتم که مؤلف نگارش کتاب را به انجام رسانده است تا پایان آنچه عیناً نقل کردیم.»

این با سال کناره گیری او [از قضاوت] برای حج و مجاورت در مکه و مدینه یعنی سال ۷۵۴ ه. ق برابر است. (۱) بنابراین حج او در این سال بوده است و ماندن در مدینه و مکه در سال ۷۵۵ ه. ق صورت بسته است. آنان از ماه رجب برای حج گزاردن [از مدینه] خارج می شدند.

عبادت ابن جماعه: عزالدین بن جماعه علم و عمل را با هم از مشایخ خود آموخت. این فراگیری به ویژه از پدر او بوده است که چنان که دریافتیم بزرگان به علم و عمل و پرهیزگاری وی شهادت داده اند. او حتی دستمزد قضاوت را رد کرد، چون خود را بی نیاز می دید و زمانی که سرپرستی مدرسه کاملیه را پذیرفت، شهریه ای را که در دوران طلبگی از آن مدرسه گرفته بود پس داد؛ زیرا دریافت که شرط دریافت شهریه، سکونت در مدرسه است و او در آن ساکن نبوده است.

همچنین می بینیم که عز بن جماعه در زندگی، شیوه اهل تعبد پیشه می کند و بسیار حج می گزارد و به مدینه می رود و از این رهگذر در دو حرم شریف، فضایی برای عبادت و توجه کامل به خداوند برای او فراهم می آید؛ چیزی که در مصر دست نمی داد، چه مصر جای مقام و جامعه و اشتغال فراوان بود. در این محیط، برای تألیف و پژوهش علمی هم فرصت می یافت.

[تلاش های اصلاحی ابن جماعه:] از آنچه وی در زمینه برگزیدن قضات، و مدیریت بر فعالیت قضایی اعمال می کرد، و امر به معروف و نهی از منکر وی در جامعه،

در

۱- [هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، ابن جماعه، (مقدمه محقق)]، ص ۲۰ - ۲۱. * در متن مبدأ صفحه ۱۳۸، تنها آمده است: «ص ۲۰ - ۲۱». - م.

می یابیم که مرد اصلاحات قضایی و دینی بوده است. نمونه ای از کارهای اصلاحی او را در کتاب حج وی مشاهده می کنیم؛ در این کتاب، بدعت های مردم روزگار خود را گوشزد می کند و مردم را از آنها باز می دارد. وی در همین کتاب از تلاش خود برای تغییر منکر و از میان بردن بدعتی که در راه میان مکه و مدینه دیده است، یاد می کند. وی در باب پنجم می گوید: پس از این منزل و پیش از دشت بزّوه، در سمت راست کسی که به مکه مشرفه می رود شکافی در کوهی است که مردم سودایی آن گشته اند؛ زیرا گمان می کنند حضرت پیامبر (ص) در آنجا بوده است (۱)؛ اما این پنداری بی اساس است.

در سال ۷۴۹ه. ق، پیش از برآمدن آفتاب از آنجا می گذشتم، دیدم گروهی در آنجا گرد آمده و زن و مرد، درهم اند و در آن زمان مکروه (۲) نماز می گزارند. (۳) از برخی از نمازگزاران از نمازی که می گزارند پرسیدم، پاسخ دادند، برای گرامی داشت آن منزلگاه [پنداری نبوی] نماز می گزارند. از این کار بازشان داشتم و از تکرار آن بیمشان دادم. (۴)

[فقاہت ابن جماعه:] ابن جماعه، فقه را نزد بزرگان روزگار خویش آموخت و چنان که گذشت به تدریس و تألیف و استخراج ادله فقه پرداخت. ابن رافع می گوید: «بر مذهب تعلیقہ نوشته و مناسک صغری و مناسک کبری را پرداخته و احادیث [کتاب] رافعی را استخراج نموده و درباره پاره ای از مواضع منهاج سخن گفته است.» (۵) اینها همه درباره فقه است، چگونه ممکن است او در فقه استاد نباشد، حال آنکه این مایه بدان پرداخته است. از این هم فراتر، عزالدین بن جماعه به فقه شافعی که در آن تحصیل

۱- [همان]، ص ۱۱. * در متن مبدأ صفحه ۱۳۸، تنها آمده است: ص ۱۱. - م.

۲- اهل سنت نماز گزاردن پس از نماز صبح را مکروه می دانند. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۳۸ آمده است: «و هو یصلون». - م.

۴- در متن بعد صفحه ۱۳۹ آمده است: «الفرع الرابع عشر، ص ۳۶۲»، شاید مراد کتاب هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک ابن جماعه باشد. - م.

۵- الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۸۹.

کرده است بسنده نکرده و به دیگر مذاهب چهارگانه فقهی و ادله آنها هم پرداخته است. کتاب او هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، بهترین سند و قوی ترین دلیل بر مهارت او در مذاهب چهارگانه و آگاهی او از منابع این مذاهب و شناخت صاحبان فتوا در هر مذهب است که تنها از فقهی با معرفت ژرف و ریزکاوی در مذاهب رایج در کشورهای اسلامی برمی آید.

درگذشت ابن جماعه: هنگامی که ابن جماعه از امر قضاوت کناره گرفت ۷۲ ساله بود. وی از این پس تنها به عبادت و حج و زیارت پرداخت تا در سال بعد در حالی که در بهترین و کامل ترین حال بود، درگذشت. ابن حجر در این باره می گوید: «قاضی عزالدین در سالی حج گزارد و در آنجا ماند تا در سال بعد درگذشت. او می گفت: آرزو دارم از قضاوت برکنار باشم و در یکی از دو حرم در گذرم. او نزدیک فضیل بن عیاض در باب معلا به خاک سپرده شد.» (۱)

معاصر او تاج الدین سبکی می گوید: «پس از کناره گیری از قضاوت و امور مربوط به آن، در زاویه و جامع طولون و جامع اقمربه تدریس پرداخت تا ایام حج فرا رسید؛ فقیری به او خبر داد که پیامبر اکرم (ص) در خواب به او گفته است: دل ما برای فلانی تنگ شده است. خود ابن جماعه هم پدرش را در خواب می بیند، پدر به او می گوید: آنچه آن فقیر دیده درست است. او در پی این امر، حج می گزارد و تا جمادی الاولی در مکه می ماند. سپس به زیارت پیامبر اکرم (ص) می رود و به مکه باز می گردد و پس از سه روز بیمار می شود و بیماری تا ده روز می کشد و سرانجام او در دهم جمادی الآخر سال ۷۶۷ ه. ق در مکه از دنیا می رود و در یازدهم، میان فضیل عیاض و شیخ نجم الدین اصفهانی به خاک سپرده می شود.» (۲)

ابن کثیر که از معاصران ابن جماعه است، خبر درگذشت او را در وقایع سال

۱- الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۹۰.

۲- طبقات الشافعیه الکبری، سبکی، ج ۱۰، ص ۸۰ - م.

۷۶۷هـ. ق ثبت و آن را ذیل عنوانی خاص آورده است و می گوید: «در گذشت قاضی القضاة عزالدین [عبدالعزیز بن حاتم] شافعی: در دهه نخست ماه شعبان، نامه ای از سرزمین مصر درباره در گذشت قاضی القضاة [محمد بن جماعه] در مکه مکرمه در دهم جمادی الآخر و خاکسپاری او در یازدهم در باب معلا رسید. گفته شده است او در حالی که قرآن می خواند از دنیا رفت. همنشین شیخ محیی الدین رحبی - عمرش دراز باد - به من گفت که ابن جماعه بسیار می گفت: دوست دارم برکنار از [قضاوت] در گذرم و در گذشتم در یکی از دو حرم باشد. خدا آنچه او خواست به وی داد. در سال گذشته از قضاوت کناره گرفت و به مکه آمد، سپس برای زیارت رسول خدا (ص) به مدینه رفت آن گاه به مکه بازگشت. در گذشت وی در مکه و در زمانی بود که یاد شد. خدا او را بیامرزد.

ولادت وی در سال ۶ [۹۴هـ. ق] بود و در ۷۳ سالگی در گذشت. او با عزت زیست و به مقامی والا رسید و به مناصب و کرسی های بزرگ تدریس دست یافت. سپس از این امور کناره گرفت و به عبادت و ماندن در دو حرم شریف پرداخت. در رثای او بیتی را که در مرثیه ای سروده ام، خوانند:

فَكَانَكَ قَدْ أَعْلَمْتَ بِالْمَوْتِ حَتَّى تَرَوَدْتْ لَهُ مِنْ خِيَارِ الزَّادِ. (۱)

ستایش دانشمندان از ابن جماعه: ابو عمر عزالدین عبدالعزیز بن جماعه جایگاهی مهم و والا در تاریخ علم به دست آورده است، به گونه ای که رویدادهای زندگی او در حوادث تاریخ و براساس سال وقوع آنها ثبت شده است. هم چنین وی به جایگاهی برجسته در پیشوایی در علم رسیده است. بر وجود این ویژگی ها در او اتفاق نظر وجود دارد و او را برای دانش و منشش ستوده اند.

جمال الدین عبدالرحیم اسنوی از معاصران او می گوید: «در [محیط] دانش و دین و

۱- البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۱۴، ص ۳۳۴. * در پانوشت صفحه ۱۴۰ متن مبدأ آمده است «فی البدایه و النهایه». - م.

دوستی نیکان، پرورش یافت و تدریس کرد و فتوا داد و آثاری فراوان و نیکو پرداخت و در جامع مصر سخنرانی نمود و وکالت عام و خاص را پذیرفت و نظارت بر موقوفه های بسیار را گردن نهاد. سپس در جمادی الآخر سال ۷۳۸هـ. ق قاضی القضاة سرزمین مصر شد و در [این مقام] شیوه ای شایسته پیشه کرد. او خوش سخن می گفت و با ادبیات، نیک آشنا بود و شعر نیز می سرود و خطی خوش داشت و به تندی می نوشت. حافظ قرآن و پاک نهاد بود و اهل علم را دوست داشت و بسیار بدان ها می پرداخت.» (۱)

ذهبی نیز که از معاصران اوست و در ۷۴۸هـ. ق و حدود ۲۰ سال پیش از وی در گذشته است، می گوید: «در سال ۷۲۵هـ. ق پدرش او را برای فراگیری حدیث نزد ما آورد. او بسیار خواند و استماع حدیث کرد و الطباق را نگاشت و به علم حدیث عنایت می ورزید. او خیر و صالح و نیک خو و پرفضیلت بود. من از او استماع کردم و او از من استماع نمود.» (۲) وی در ادامه او را به صیانت نفس و دیانت می ستاید.

ابن قاضی [شبهه (۳)] می گوید: «قاضی القضاة و بزرگ محدثان و برکت مسلمانان عزالدین ابو عمر در پی دانش برآمد و بسیار استماع حدیث نمود و روایت کرد و فتوا داد و تألیف نمود. او بسیار به حج می رفت و در مکه اقامت می کرد.» (۴)

تاج الدین سبکی که یکی از بزرگان فقه شافعی و حدیث و جرح و تعدیل در علم رجال و قاضی القضاة دمشق بود، از معاصران ابن جماعه است و درباره او می گوید: «فردی بود که سعادت دنیایی او به چشم می خورد و به ظن غالب از سعادت مندان آخرت هم بود. او به حدیث و استماع آن علاقه داشت و اوقاتش را به این کار می گذراند. در مکه نفوذ و نزد ملوک آبرو و اعتبار داشت و بسیار عبادت می کرد و حج

۱- [طبقات الشافعیه]، اسنوی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲- [طبقات الشافعیه]، ابن قاضی شبهه، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۴۱ و پانوشته های دوم - چهارم آن به خط آمده است: «ابن شبهه». - م.

۴- [طبقات الشافعیه]، ابن قاضی شبهه، ج ۳، ص ۱۰۱ - ۱۰۲. - م.

فراوان می گزارد و در مکه بسیار می ماند. او در سعادت‌مندی و نیک نامی و نفوذ کلمه و آرامش به پایه و مایه ای رسید که احدی پیش از او بدان نرسیده بود.» (۱)

تقی الدین محمد حسنی فاسی مکی می گوید: «او خوش رفتار، سخت دین، پرپرستش بود و بر مردم اثر می نهاد. در نگاه خواص و عوام بزرگ بود چنان که کارش به جایی کشید که سلطان ملک ناصر محمد بن قلاوون، [سرپرستی] ولایات را به کسانی می سپارد که او تعیین می کرد، با این حال خود او در پی مقام نبود.» (۲)

[عبدالرحمان] سیوطی درباره او می گوید: «حافظ امام قاضی القضاة عزالدین ابو عمر عراقی، شاگرد او بوده و او را حافظ دانسته است.» (۳)

آثار علمی ابن جماعه: علما، ابو عمر عزالدین عبدالعزیز بن جماعه را به برتری در فقه و حدیث، و خود را وقف کار علمی نمودن ستوده اند. فاسی می گوید: «پیوسته می نوشت و تدریس می کرد و کار علمی داشت و تألیف می کرد تا درگذشت.» (۴)

آثار او در زمینه علوم گوناگون شرعی و عقلی و تطبیقی بوده و حتی دیگر ملت ها به او افتخار کرده اند. (۵)

عزالدین بن جماعه، تألیف های ارزشمند و گوناگونی از خود به یادگار نهاده است. اسنوی آثار او را فراوان و نیکو توصیف کرده است؛ از آنهاست:

۱. کتاب بزرگی درباره مناسک [حج] در مذاهب چهارگانه [اهل سنت]، یعنی همان کتاب هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک در دو جلد. ابن قاضی [شبهه (۶)] درباره این کتاب می گوید: مطالبی ارزشمند و بدیع دارد.

۱- طبقات الشافعیه الکبری، سبکی، ج ۱۰، ص ۸۱ - م. * در متن مبدأ صفحه ۱۴۱، پانوش چهارم آمده است: «ابن قاضی شبهه، ج ۱۰، ص ۸۱ - م.»

۲- العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، [فاسی]، ج ۵، ص ۴۶۰.

۳- طبقات الحفاظ، سیوطی، ص ۵۳۶.

۴- العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین، فاسی]، ج ۵، ص ۴۵۸.

۵- شذرات الذهب [فی اخبار من ذهب، ابن عماد حنبلی]، ج ۷، ص ۱۳۹.

۶- در متن مبدأ صفحه ۱۴۲ آمده است: «ابن قاضی شبهه» - م.

۲. تخریج احادیث الرافعی در دو جلد. ابن قاضی [شهبه] می گوید: «کتابی ارزشمند و عالی است.» (۱) من می افزایم که حافظ ابن حجر [عسقلانی در تألیف] کتاب تلخیص الحبیر [فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر] خود بر این کتاب تکیه کرده است.

۳. المناسک الصغری که با تحقیق حسین بن سالم دهمانی تونسسی به چاپ رسیده است و نسخه خطی کهنی از آن در کتابخانه ظاهریه نگهداری می شود. مؤلف در آغاز این کتاب آورده است: اما بعد، این اثر، مختصر مناسک حج است که آن را از کتاب مناسک کبیر خودم در مذاهب اربعه برگرفته ام و در شش باب پرداخته ام. این مختصر در ۱۲۴ صفحه پرداخته شده است.

۴. السیره الکبری

۵. السیره الصغری

۶. شرح علی المذهب شیرازی که کامل نشده است. می گویند: در این کتاب چیزهایی بر کتاب المذهب افزوده است.

۷. تعلیق علی مواضع من منهاج الطالبین نووی. برخی از متأخران گفته اند: او شرحی بر منهاج نوشته اما آن را کامل نکرده است. (۲)

۸. التّساعیات فی الحدیث. (۳) این کتاب در بردارنده احادیثی از پیامبر اکرم (ص) است که میان ابن جماعه و پیامبر اکرم (ص) در آنها تنها ۹ واسطه قرار دارد. این احادیث را ابوجعفر محمد بن عبداللطیف بن کوبک استخراج کرده است. (۴)

۱- طبقات الشافعیه، ابن قاضی شهبه، ج ۳، ص ۱۰۲ - م.

۲- طبقات الشافعیه، ابن قاضی شهبه، ج ۳، ص ۱۰۲ - ۱۰۳.

۳- الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۲۶.

۴- کشف الظنون [عن اسامی الکتب و الفنون]، حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۴۰۳.

۹. نزهه الالباب فیما لایوجد فی کتاب (۱)

۱۰. انس المحاضرہ بما یستحسن فی المذاکرہ. زرکلی می گوید: «کتابی است حجیم که آن را در [مغنیسا (۲) شهری در شمال شرقی از میر] دیده ام.» (۳)

۷. حافظ ابوطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی فاسی مکی مالکی (۷۷۵ - ۸۳۹ ه. ق)

صاحب کتاب شفاء الغرام باخبار البلد الحرام. چاپ ایمن فؤاد سید و مصطفی محمد ذهبی (چاپ دوم، مکه [مکرمه]، [مکتبه و مطبعه النهضه الحدیثه (۴)]، ۱۹۹۹.

زندگی تقی الدین فاسی مکی: محمد بن احمد بن علی بن محمد بن محمد بن عبدالرحمان عوف بن احمد بن علی بن عبدالرحمان بن عبدالله بن علی بن حمزه بن میمون بن ابراهیم بن علی بن عبدالله بن ادیس بن حسن بن حسن سبط بن علی بن ابی طالب ۸ حسنی فاسی مکی، ملقب به تقی الدین و مکنی به اباطیب، که قاضی مالکیان در مکه مکرمه بوده است. او در شب جمعه بیستم ربیع الاول سال ۷۷۵ ه. ق در مکه مکرمه زاده شد و در آنجا بالید و نزد علما و اهل فضل آن دیار درس آموخت. او به حدیث توجه خاص داشت و بسیاری از کتاب ها [ی حدیث] را خواند و استماع کرد و فراوانی از احادیث را روایت نمود.

[استادان فاسی:] بسیاری از علمای بزرگ که وی نزد آنان حدیث خوانده است، و به او اجازه [نقل حدیث] داده اند؛ از آنهاست:

۱. قاضی مکه جمال الدین محمد بن عبدالله بن ظهیره قرشی مخزومی مکی. (۵)

۱- کشف الظنون [عن اسامی الکتب و الفنون]، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۹۴.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۴۳ آمده است: «مغنیسا»؛ اما نام این شهر که از توابع از میر ترکیه است مغنیسا (مانیسا) است که کتابخانه ای با بیش از ۵۰۰۰ نسخه خطی دارد. - م.

۳- الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۲۶. - م. * در پانوش پایانی صفحه ۱۴۳ متن مبدأ آمده است؛ «ج ۱، ص ۷-۸، ۱۳-۱۵، ۲۲-۲۳، ۲۷-۳۳». - م.

۴- در متن مبدأ صفحه ۱۴۳ آمده است: «دار احیاء الکتب العربیه». - م.

۵- او از اجداد ابن ظهیره صاحب کتاب الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف است که در ۹۵۰ ه. ق نگارش یافته است.

۲. جد مادری او قاضی القضاة کمال الدین ابوالفضل محمد بن احمد نویری شافعی، خطیب و قاضی مکه و عالم حجاز در عصر خود و مورخ مشهور.

۳. دایی او، قاضی الحرمین محب الدین نویری.

۴. ابوالمعالی عبدالله بن عمر صوفی.

۵. قاضی یمن مجدالدین محمد بن یعقوب شیرازی فیروزآبادی صاحب القاموس المحيط (۷۲۹ - ۸۱۷ ه. ق). (۱)

۶. کمال الدین محمد دمیری مصری شافعی مالکی در گذشته در سال ۸۰۸ ه. ق.

۷. ابراهیم بن محمد دمشقی صوفی، معروف به برهان.

۸. مورخ بنام، ابن خلدون (در ۸۰۸ ه. ق)، صاحب مقدمه و کتاب تاریخی معروف [العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر].

۹. شهاب [الدین] احمد علائی.

فاسی از بسیاری دیگر از علمای بزرگ هم روایت کرده است. او بیشتر، از دو نفر روایت می کند: ابواحمد برهان ابراهیم بن محمد لخمی، و ابوالفرج جلال عبدالرحمان ابن احمد عربی. وی همچنین از فراوانی از شیوخ عصر خود حدیث اخذ کرده است. وی معاصر شهاب [الدین] ابی الفضل احمد بن علی بن حجر عسقلانی مصری مشهور، صاحب کتاب فتح الباری [شرح صحیح البخاری] است که در سال ۸۵۲ ه. ق در گذشته است.

فاسی در کتاب شفاء الغرام [باخبار البلد الحرام] اشاره می کند که قاضی القضاة مالکیه در مکه بوده است و فقه مالکی را در مدرسه سلطان ملک منصور در سال ۸۱۴ ه. ق که آغاز فعالیت آن بوده، تدریس می کرده است. زمان تدریس او روزهای چهارشنبه و پنج شنبه هر هفته بین ظهر و عصر بوده است. (۲)

۱- ازهار الرياض فی اخبار القاضی عیاض، مقری، ج ۳، ص ۳۸.

۲- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۳. م. * در پانوشت اول صفحه ۱۴۵ متن مبدأ آمده است: «ص ۳۲۹». م.

[آثار فاسی:] وی آثار گرانقدر بنامی نگاشته؛ از آنهاست:

۱. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام

۲. تاریخ کبیر او به نام العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، وی در این کتاب به شرح حال والیان و بزرگان و عالمان و ادیبان مکه مکرمه از پیدایش اسلام تا روزگار خود پرداخته است. چیش مطالب این کتاب بر اساس حروف الفباست. مؤلف، کتاب را با محمدنام ها و احمدنام ها شروع کرده و ذکر رسول خدا (ص) را در صدر قرار داده است. وی بر این کتاب مقدمه ای نیکو پرداخته و در آن به هدف های تألیف کتاب اشاره نموده است. این کتاب به هزینه شیخ محمد سرور چاپ شده و بعد به چاپ افست هم رسیده است.

۳. تحفه الکرام باخبار البلد الحرام، این کتاب خلاصه ای از کتاب شفاء الغرام [باخبار البلد الحرام] است و تحصیل المرام فی تاریخ البلد الحرام هم نامیده شده است.

۴. هادی ذوی الافهام الی تاریخ البلد الحرام که خلاصه کتاب تحفه الکرام [باخبار البلد الحرام] است.

۵. الزهور المقتطفه [من (۱)] تاریخ مکه المشرفه که چکیده کتاب هادی ذوی الافهام [الی تاریخ البلد الحرام] است. (۲)

۶. عجاله القرى للراغب فی تاریخ ام القرى

۷. الجواهر السنیه فی السیره النبویه

شفاء الغرام نخستین اثر اوست که به چاپ رسیده است.

[درگذشت فاسی:] مؤلف [فاسی] در بیست و هفتم رمضان سال ۸۳۲ ه. ق عمره گزارد، و در شب چهارشنبه بیست و سوم شوال همان سال درگذشت. او آثار ماندگاری

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۴۵ آمده است: «فی». اما در نسخه ای که در دسترس مترجم است به جای «فی»، «من» آمده است. -

از خود به یادگار نهاد. در میان دانشمندان کمتر کسی مانند فاسی - دانشمند حجاز و فقیه و مورخ بزرگ آن - به تدوین تاریخ مکه مکرمه در قالب آثاری سودمند عنایت داشته است. (۱)

۸. قاضی برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی (در. ۵۷۹۹ه. ق)

نگارنده کتاب ارشاد السالک الی افعال المناسک. چاپ محمد بن هادی ابوالاجفان [چاپ اول، تونس]، بیت الحکمه، ۱۹۸۹م.

[نام و نسب و تحصیل ابن فرحون:] محقق کتاب در معرفی مؤلف آن می گوید: قاضی مدینه منوره برهان الدین ابواسحاق ابراهیم بن شیخ ابوالحسن علی بن فرحون مدنی، شیخ و امام بلند همت و تکیه گاه دیگران، یکی از شیوخ اسلام و پیشوای علمای اعلام و پایان بخش فضلالی ارجمند، قلمی روان و خوبی کریم داشت و نزد پدر و عموی خود، و ابن عرفه درس آموخت. ابن عرفه و پدرش و ابن حباب و ابن مرزوق الجعد و ابن جابر و [ابن] جماعه به او اجازه نقل حدیث دادند، و پسرش ابویمن و دیگران از او اجازه نقل روایت گرفتند.

[آثار ابن فرحون و درگذشت او:] ابن فرحون شرحی بر مختصر ابن حاجب فرعی دارد، در هشت قسمت که بسیار دقیق است و اثر دیگر او تبصره الحکام فی اصول الاقضیه و مناهج الاحکام است که پیش از او مانند آن نوشته نشده است و فوایدی دارد که معروف است. الدیباج المذهب فی اعیان المذهب، کتاب دیگر اوست که در آن به شرح حال بیش از ۳۶۰ نفر پرداخته شده است. مؤلف، این اثر را از نزدیک به بیست کتاب گردآوری کرده است. دیگر آثار او عبارتند از: دره الغواص فی محاضره الخواص، کتابی است ابتکاری حاوی چیستان های فقهی؛ مقدمه فی مصطلح ابن الحاجب؛ ارشاد السالک الی افعال المناسک، المنتخب فی مفردات ابن البیطار در پزشکی. همه آثار او در

۱- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۱۳ - ۱۴. م. * در پانوشت صفحه ۱۴۶ متن مبدأ آمده است: «ص ۲۱ -

نهایت حسن است که حاصل گستردگی اطلاعات و دانش اوست. وی در ذی حجه سال ۷۹۹ه. ق در خانه ای استیجاری در گذشت. (۱)

۹. ابوالبقا محمد بن احمد بن محمد بن ضیاء مکی حنفی، قاضی و مفتی مکه (۷۸۹ - ۸۵۴ه. ق)

مؤلف کتاب البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی بیت الله العتیق چاپ عبدالله نذیر احمد عبدالرحمان مزی (چاپ اول، مکه مکرمه، المكتبه المکیه، ۱۴۲۷ه. ق).

[این اثر] درباره فضایل مکه و مدینه و قدس و مناسک حج و حج رسول خدا (ص) و سفر حاجیان و تاریخ مسجدالحرام و مسجدالنبی و آثار تاریخی مکه و مدینه است.

چکیده ای از آنچه محقق کتاب در معرفی مؤلف آن آورده چنین است:

نام و نسب ابن ضیا: محمد بن احمد بن محمد بن ضیاء عمری صاغانی قرشی مکی حنفی، ابوالبقا بهاءالدین که مانند پدرش به ابن ضیا معروف است.

ولادت و پرورش ابن ضیا: وی در شب نهم محرم سال ۷۸۹ه. ق در مکه مکرمه زاده شد و در آنجا بالید و آموزش دید و قرآن را حفظ کرد و فقه و نحو و اصول دین را نزد استادان این علوم فرا گرفت.

برخی از استادان ابن ضیا و سفرهای وی در پی دانش: مؤلف از شیوخ بزرگ مکه کسب علم کرد. وی نزد پدر، استماع حدیث نمود و از وی فقه و اصول و معانی و بیان و اصول دین و دیگر علوم را آموخت. جمال امیوطی و محب احمد بن ابوالفضل و علی بن احمد و ابن حجر عسقلانی و ابن سکر مورخ از دیگر شیوخ ابن ضیاءند.

علمای بزرگی چون: ابوهریره بن زهبی و ابوالخیر علائی و رسلان زهبی و بلقینی و ابن ملقن و عراقی و هیشمی و ابن قوام و تنوخی و ابن ابی المجد و گروهی دیگر، از

کسانی اند که به او اجازه نقل حدیث داده اند. (۱)

او بارها در پی دانش به قاهره سفر کرد. وی در آغاز با پدر به این سفرها می رفت و این همراهی باب خیری برای او بود. برخی از مناصب این ضیا: وی ابتدا قائم مقام پدر در قضاوت در مکه بود و پس از درگذشت پدر در سال ۸۲۵ ه. ق قاضی مکه شد.

آثار ابن ضیا: آثار هر عالمی، گواهی صادق و آینه ای حقیقت نماست که شخصیت علمی و جایگاه او را در میان دیگر عالمان نشان می دهد. برخی از مهم ترین آثار ابن ضیا از این قرار است:

۱. المشرع فی شرح المجمع (چهار جلد) (۲)

۲. البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی البیت العتیق (۳)

۳. تنزیه المسجد الحرام عن بدع جهله العوام (۲ جلد). مؤلف، این کتاب را در رساله کوچی خلاصه کرده است. (۴)

۴. دو شرح الوافی (الکبیر و الصغیر) (۵)

۵. النکت علی الصحیح (در علم حدیث) (۶)

۶. شرح مقدمه الغزنوی فی العبادات که آن را الضیاء [المعنویه (۷)]، یا الضیاء المعنویه الغزنویه نامیده است. (۸)

۱- الضوء اللامع [لاهل القرن التاسع، سخاوی]، ج ۷، ص ۸۵.

۲- الضوء اللامع [لاهل القرن التاسع، سخاوی]، ج ۷، ص ۸۵.

۳- مؤلف محترم نشانی نداده است. - م.

۴- این اثر به چاپ رسیده است.

۵- در متن مبدأ صفحه ۱۴۸ آمده است: «شرحی الوافی، - (الکبیر و الصغیر)» و به کشف الظنون، [ج ۱]، ص ۴۳۸ ارجاع داده شده است. اما در کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۳۸ از تفسیر ابن ضیاء یاد شده است، نه کتاب مورد اشاره مؤلف محترم. در جلد دوم کشف الظنون و ذیل مدخل «شرح» (ص ۱۰۳۹) به بعد هم از کتاب یاد شده در متن مبدأ سخن نرفته است. - م.

۶- الاعلام، زر کلی، ج ۵، ص ۳۳۲.

۷- در متن مبدأ صفحه ۱۴۸ آمده است: «الضیاء المعنوی» که خطا و درست آن الضیاء المعنویه است. - م.

۸- فهرست مخطوطات مکتبه مکه المکرمه.

۷. المتدارك على المدارك في التفسير، که کامل نشده و تنها تا آخر سوره هود است. (۱)

۸. شرح البزدوی فی الاصول، که به پایان نرسیده و تا بحث قیاس را شامل است. (۲)

۹. تاریخ مکة المشرفة و المسجد الحرام و المدينة الشریفه و القبر الشریف (۳)

ابن ضیا اصلاح گر و نوگرا: ابن ضیا مکی مصلح و نوگرای طراز اول بود که با بدعت و خرافات به ویژه آنچه در مسجدالحرام و مشاعر حج و شیوه حاجیان رخ می داد، مبارزه می کرد. او از سرسخت ترین مخالفان رخ دادن این منکرات در مسجدالحرام در جوار کعبه مشرفه بود.

درگذشت ابن ضیا: وی در شب جمعه، هفدهم ذیقعده سال ۸۵۴ ه. ق در حدود ۶۵ سالگی از دنیا رفت. او عمر خود را در کسب دانش و آموزش علم و تألیف و احقاق حق با امر به معروف و نهی از منکر در قضاوت و حسبه و نظارت به امور مسجدالحرام و نوانخانه های تهی دستان و جز اینها سپری ساخت.

وی پس از نماز بر او که در پی نماز عصر برگزار شد، در باب الکعبه در معلا و در کنار پدرش به خاک سپرده شد. (۴)

۱۰. علی بن عبدالله بن احمد حسنی سمهودی (۸۴۴ - ۹۲۲ ه. ق)

نویسنده کتاب خلاصه الوفا باخبار دار المصطفی (ص) با مقدمه حمد جاسر (مدینه منوره، المكتبة العلمیه لصاحبها الشیخ محمد سلطان النمکنانی، ۱۳۹۲ ه. ق).

حمد جاسر در مقدمه اش بر این کتاب، در معرفی مؤلف آن می گوید: «علی بن عبدالله بن احمد سمهودی از بزرگ ترین مورخان شهر امن و پر خیر و برکت [مدینه

۱- الضوء اللامع [لاهل القرن التاسع، سخاوی]، ج ۷، ص ۸۵.

۲- الضوء اللامع [لاهل القرن التاسع، سخاوی]، ج ۷، ص ۸۵.

۳- مؤلف نشانی نداده است. - م.

۴- [البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی بیت الله العتیق، ابن ضیاء، ج ۱، (مقدمه محقق)]، ص ۲۵ - ۳۰، ۳۸. - م. * در پانوشت سوم صفحه ۱۴۹ متن مبدأ تنها آمده است: «ج ۱، ص ۲۵ - ۳۰، ۳۸». - م.

منوره] است، بلکه او بزرگ ترین مورخی است که آثارش به دست ما رسیده است.

[ولادت سمهودی:] او در سمهود یکی از روستاهای مصر علیا، در ماه صفر سال ۸۴۴. ق به دنیا آمده. وی در قاهره تعلیم دید و در سال ۸۷۳. ق به مدینه منوره آمد و در آنجا ماندگار شد و با علمای مکه مکرمه و مدینه منوره و دیگر علمای عصر خود ارتباط برقرار کرد. ارتباط او با حاکمان مصر و به ویژه ملک قایتبای که نزد وی مقام و منزلتی داشت، مستحکم بود. وی از رهگذر این پیوند استوار توانست کارهای فراوانی در مدینه منوره انجام دهد.

[آثار سمهودی و درگذشت وی:] او آثاری دارد که از بنام ترین آنها وفاءالوفاء [باخبار دارالمصطفی] و خلاصه الوفا [باخبار دارالمصطفی] است. وی در این دو کتاب هرچه را درباره مدینه منوره به دست آورده، بیان کرده است به گونه ای که کتاب [وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی] چکیده تمام کتاب های پیشین درباره تاریخ مدینه منوره است. وی تنها به شرح رجال [مدینه منوره] پرداخته است و دور می نماید که سمهودی در این زمینه کتابی جداگانه نگاشته باشد. او در ذیقعده سال ۹۲۲. ق درگذشت. (۱)

۱۱. علی بن عبدالقادر طبری (در. ۱۰۷۰. ق)

مؤلف کتاب الارح المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء. چاپ اشرف احمد جمال (چاپ اول، مکه مکرمه، المكتبة التجارية، ۱۴۱۶. ق).

محقق کتاب در معرفی مؤلف آن چنین آورده است:

نام و نسب طبری: او علی بن عبدالقادر بن محمد بن یحیی بن مجدالدین طبری حسینی شافعی مکی است. نسب او به طبریان می رسد که از کهن ترین خانواده هایی اند که در مکه مکرمه سکونت گزیدند. این خانواده به داشتن دانشمندان و پیشوایان معروف است. خاندان طبری در هیچ دوره ای از عالم یا امام یا فقیه یا خطیبی مشهور

۱- النور السافر عن اخبار القرن العاشر، عیدروس، ص ۵۸؛ الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۳۰۷.

تهی نبوده است.

نخستین (۱) فرد از این خاندان که به مکه مکرمه آمد، شیخ رضی الدین ابوبکر بن محمد ابن ابراهیم بن ابوبکر بن علی بن فارس حسینی طبری است که گفته شده است در سال ۵۷۰هـ. ق و بنا بر قولی در اوایل ۵۷۱هـ. ق به مکه مکرمه هجرت نمود. او هفت پسر فقیه از خود بر جای نهاد.

فخرالدین عمر بن فهد در کتاب البیتین فی تراجم الطبریین درباره آنها می گوید: همگی عالم و مدرس بودند. نسب اینان به [امام] حسین بن علی بن ابی طالب ۸ می رسد: ابوبکر بن محمد بن ابراهیم بن ابوبکر بن علی بن فارس بن یوسف بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالواحد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب حسینی طبری.

[زندگی و تحصیل طبری]: او نویسنده و مورخ و امام و فقیه و حدیث پژوه بود و به تدریس و فتوا دادن می پرداخت. او خود می گوید: از علوم شرعی و آنچه مهم تر و پیشین تر است آغاز کردم، سپس همتم را به کار تدریس و فتوا دادن و نشستن در مسند پاسخ دادن به پرسش پرسشگر و طالب فتوا مصروف داشتم.

او در مکه مکرمه مقیم بود، و در سال ۱۰۴۰هـ. ق کار تدریس حدیث به او واگذار گشت، یعنی سی سال پیش از وفات او. بی تردید مؤلف ما جایگاهی رفیع در مکه مکرمه داشته است که حاصل شهرت خانوادگی او و نژادگی عالمان و امامان و فقیهان و خطیبان آن است.

بی گمان خاندان طبری تاثیر فراوانی بر فرهنگ مؤلف ما داشته است. او مورخ و فقیه و نویسنده و خطیب است و در دیگر علوم هم دست دارد. شاید مؤثرترین عامل در فرهنگ و تحصیل او، پدرش شیخ عبدالقادر طبری (در ۱۰۳۳هـ. ق) باشد. آنچه بر این نظر دلالت دارد، مطالبی است که خود مؤلف در کتابش مطرح ساخته است و نیز نقل

۱- مقایسه کنید با آنچه در تاریخ مکه، (احمد سباعی، ترجمه: رسول جعفریان)، ص ۲۷۵ درباره خاندان طبری آمده است. -

فراوان از پدرش و سازواری میان روش و فرهنگ آن دو.

آثار طبری: مؤلف ما گذشته از عنایت به علومی چون فقه و حدیث، به تاریخ مکه مکرمه هم اهتمامی بلیغ دارد. او آثار فراوانی در موضوعات گوناگون پرداخته است، اما بیشتر آنها درباره تاریخ مکه مکرمه و مسائل مربوط به این شهر مقدس است، از آنهاست:

۱. سیف الاماره علی مانع نصب الستاره. وی در علت نگارش این اثر می گوید: سید محمد افندی از علمای حاضر درباره نصب پرده در اطراف کعبه برای آنکه اعمال از پس آن صورت گیرد، استفتا کرد. دیدگاه حاضران گوناگون بود. برخی می پسندیدند و برخی دیگر روا نمی داشتند. من از جمله کسانی بودم که این کار را پسندیدم و کتابی کوچک در این باره پرداختم و آن را سیف الاماره علی مانع نصب الستاره خواندم.

صاحب معجم المؤلفین این کتاب را شن الغاره علی مانع نصب الستاره خوانده است. (۱) صاحب هدیه العارفين (۲) و مؤلف ایضاح المکنون (۳) هم چنین کرده اند.

۲. شرح الصدور و تنویر القلوب فی الاعمال المكفره للمتأخر و المتقدم من الذنوب که سروده ای در بحر رجز و حدود چهل بیت است.

۳. تحفه الکرام بأخبار عماره السقف و الباب لبیت الله الحرام. طبری می گوید: در این کتاب جواز کندن در کعبه حتی برای تزئین را بیان داشتم، چنان که علما به آن تصریح نموده اند.

۴. الاقوال المعلمه فی وقوع الکعبه المعظمه

۵. الجواهر المنظمه بفضیله الکعبه المعظمه

۶. رساله فی بیان العماره الواقعه بعد سقوط الکعبه

۱- معجم المؤلفین، کحاله، ج ۷، ص ۱۲۶. م. * در معجم المؤلفین (ج ۷، ص ۱۲۶) آمده است: «سن الغاره علی...» - م.

۲- هدیه العارفين، اسماعیل پاشا، ج ۵، ص ۷۵۹. م.

۳- ایضاح المکنون، اسماعیل پاشا، ج ۳، ص ۵۷. م.

۷. فوائد النيل بفضائل الخيل

۸. الارج المسكى فى التاريخ المكى و تراجم الملوک والخلفاء

اکنون این کتاب را با خواننده [گرامی] و امی گذاریم تا خود وصف خویش گوید. ما بیش از این نمی توانیم بگوئیم که این کتاب عملاً مهم ترین کتابی است که علی بن عبدالقادر طبری برای ما به یادگار نهاده است. (۱)

۱۲. جمال الدين محمد جارالله بن محمد [نصر الدين] بن ابى بكر بن على بن ظهيره قرشى [مخزومى] (در. ۵۹۸۶. ق)

نگارنده کتاب الجامع اللطيف فى فضل مکه و اهلها و بناء البيت [الشريف]. (۲) (چاپ سوم)، مکه مکرمه، مکتبه [الثقافه (۳)]، ۱۳۹۲. ه. ق.

مؤلف کتاب، جارالله بن قاضى امين الدين بن ظهيره مکی مخزومی حنفی است.

قطب الدين مکی [نهروالی] در تاریخی که ویژه رویدادها نگاشته است در شرح حال مؤلف می گوید: او شیخ فتوا و تدریس و مرجع عالمان و برگزیده فقیهان مکه مکرمه، و در دانش و فضل و دین و پرهیزگاری یگانه روزگار بود.

فقه را نزد احمد بن طولون و محمد نجمی و احمد قدسی و [دیگر] علمای بزرگ چون شهاب الدین احمد بن عبدالقادر و بهاءالدین بن سالم فرا گرفت.

او که به تدریس و صدور فتوا پرداخت، مهربان و خوش محضر و بسیار جوانمرد بود و در شب یکشنبه سیزدهم رمضان سال ۹۸۶ در گذشت. (۴)

۱- [الارج المسكى فى التاريخ المكى و تراجم الملوک و الخلفاء، طبرى، (مقدمه محقق)]، ص ۱۲ - ۱۳. - م. * در متن مبدأ صفحه ۱۵۲ تنها آمده است: «ص ۱۱-۱۲. - م.

۲- مؤلف محترم در صفحه ۱۵۲ متن مبدأ، نام کتاب ابن ظهيره قرشى را با نام کتاب ابن ضياء قرشى (البحر العميق فى مناسك العمره و الحج الى بيت الله العتيق) خلط کرده است. از این رو در پایان نام کتاب ابن ظهيره قرشى به جای الشریف، به خطا العتيق آورده است. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۵۲ آمده است: «الثقافه». - م.

۴- مؤلف محترم نام کتاب قطب الدين مکی را نیاورده است. به نظر می رسد وی از کتاب الإعلام بأعلام بيت الله الحرام فى تاريخ مکه المشرفه، استفاده کرده است. این کتاب در اختیار مترجم نبود تا به آن ارجاع دهد. - م.

[عبدالله محمد غازی در کتاب نظم الدرر فی اختصار نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر، [درباره مؤلف] می گوید:] در مکه مکرمه عهده دار امر فتوا بود. او پدر شیخ الشیوخ قاضی علی است و فتواها و تاریخی برجسته دارد که آن را جامع اللطیف نامیده است و در آن از فضایل مکه و مکان های تاریخی آن سخن گفته است. (۱) و (۲).

۱۳. محمد علی علان [صدیقی] (۹۸۰-۱۰۵۸ ه. ق)

۱۳. محمد علی علان [صدیقی] (۳) (۹۸۰-۱۰۵۸ ه. ق)

مؤلف کتاب فتح الفتاح فی شرح الايضاح للنووی. نسخه خطی با شماره ۴۴ فقه که در کتابخانه حرم شریف نگه داری می شود.

[نام و نسب صدیقی:] حسن عجمی در کتاب [تمزیج الوصایا من] خبایا الزوایا (۴) درباره مؤلف می گوید: او محمد علی بن علان بن ابراهیم بن محمد علان بن عبدالملک ابن علی بن مبارک شاه بن ابوبکر بن محمد بن ابواسحاق بن عمران بن زید بن محمد ابن ابوبکر [خلیفه اول] است. وی حافظ عصر خود و امام روزگار خویش و استاد تفسیر و خبره حدیث بود.

[ولادت و تحصیل صدیقی:] او در حدود سال ۹۸۰ ه. ق زاده شد و قرآن را از بر کرد و در تنگدستی پرورش یافت و از کودکی به دانش آموزی علاقه مند شد و از نزدیک به پنجاه استاد از علمای قرن دهم بهره علمی برد. وی در درس کسانی که به مکه می آمدند، شرکت و از بسیاری کسان حدیث استماع کرد و اجازه نقل حدیث گرفت. او به تألیف علاقه شدید داشت و بیش از چهارصد کتاب کوچک و بزرگ

۱- نظم الدرر فی اختصار نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر، غازی، ص ۶ - ۷ (نسخه خطی)؛ الاعلام، زر کلی، ج ۷، ص ۵۹.

۲- ترجمه این بند از متن مبدأ صفحه ۱۵۳ با تصرف صورت گرفت. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۵۳ آمده است: «صدیق» اما در کتاب الفتوحات الربانیة علی الاذکار النواویة، آمده است: «صدیقی». از آنجا که کار مؤلف محترم پرلغزش است، مترجم ضبط متن اخیر را برگزید. - م.

۴- این کتاب با عنوان زوایا التصوف و الصوفیه المسمی: خبایا الزوایا هم به چاپ رسیده است. - م.

نگاشت. از این رو عبدالرحمان خیاری می گوید: وی سیوطی زمان خود است. او مجلس املائی حدیث و جز آن برپای می داشت و میان نماز مغرب و عشا، [صحیح] بخاری می خواند و هر شب درباره معنای حدیثی که می خواند، سخنرانی می کرد و سخنان شارحان [صحیح] را از بر بیان می داشت و موجب شگفتی حاضران می شد.

[برخی از آثار صدیقی:] از بنام ترین تألیف های اوست:

۱. التفسیر در چهار جلد

۲. شرح علی ریاض الصالحین (۱) در دو جلد

۳. شرح علی الاذکار در دو جلد هر دو از نووی

۴. شرح اخلاق النبى [(ص)] در دو جلد

۵. شرح الطریقه المحمديه در یک جلد

او [صحیح] بخاری را ختم کرد و مجلس ختم را در درون کعبه برگزار نمود چه کعبه در سال ۱۰۳۹ هـ. ق در اثر سیل [ویران شده بود. (۲)]

[از دیگر آثار اوست:]

۶. الفتوحات الربانیه علی الاذکار النوویه، در دو جلد (۳)

۷. العلم المفرد فی فضل الحجر الاسود

۸. فی فضائل مکه المکرمه

۹. روضه الصفا فی آداب زیاره المصطفی

۱۰. تحریر ما وقع فی عماره البیت که روزشمار وقایع است.

۱۱. زهر الربا فی فضل مسجد قبا (۴)

۱- این اثر به چاپ رسیده است: دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین و هو شرح کتاب ریاض الصالحین للامام النووی. محمد ابن علی بن علان صدیقی. - م.

۲- زوایا التصوف و الصوفیه المسمی خبایا الزوایا، عجیمی، ص ۲۹۹ - ۳۰۰ - م.

۳- این اثر به چاپ رسیده است. - م.

۴- این اثر به چاپ رسیده است.

۱۲. بغیه الظرفا فی معرفه الردفا، که درباره کسانی است که رسول خدا (ص) آنان را بر ترک زین [مركب] خود سوار کرد. شمار این کسان بیش از چهل نفر است.

۱۴. الاقوال المعرفه بفضائل اعمال عرفه

۱۵. مورد الصفا فی مولد المصطفی

۱۶. انباء المؤید الجلیل مراد ببناء بیت الوهاب الجواد و خزانه السلطان مراد، در این عنوان از ماده تاریخی (انباء المؤید الجلیل) برای بیان تاریخ عمومی بازسازی کعبه استفاده شده است.

۱۷. أَلَوِيَّه التَّشْرِيف بِالْأَعْلَام وَ التَّعْرِيف بِمَنْ لَهُ وَ لَایَه عماره ما سقط من البيت الشريف

۱۸. البيان و الاعلام فی توجیه فریضه عماره الساقط من البيت لسلطان الاسلام

۱۹. رساله المواهب و الفتوح بعمارته المقام الابراهیمی

۲۰. باب الكعبه و سقفها و السطوح

۲۱. رساله فی حجر اسماعیل

۲۲. النفحات الاریجه فی متعلقات بیت ام المؤمنین خدیجه (۱)

[از صدیقی بیشتر بدانیم:] در کتاب زهر الخمائل (۲) [اثر علی بن محمد هندی (۱۳۳۰-۱۴۱۹ ه.ق)] آمده است که مصطفی بن فتح الله حموی [در. ۱۱۲۴ ه.ق] در کتاب النتائج (۳)، به شرح احوال علان صدیقی پرداخته، می گوید: او خاتم المفسرین شهر مکه، و خادم آثار نبوی است و اگر درباره مسأله ای از او پرسش می شد، در پاسخ رساله ای می نگاشت. آوازه کتاب های او زبانزد عام و خاص شد و دانش او همه جا را گرفت و بر فضل او همداستانی پدیدار شد. او در سه شنبه یازدهم ذیحجه سال ۱۰۵۸ ه. ق در

-
- ۱- مؤلف محترم این مطالب را از کتاب فوائد الارتحال و نتایج السفر فی اخبار اهل القرن الحادی عشر، اثر مصطفی بن فتح الله حموی باز گفته است اما به آن ارجاع نداده است. مترجم نتوانست این کتاب را فراچنگ آورد. - م.
 - ۲- مراد کتاب زهر الخمائل فی تراجم علماء حائل است. - م.
 - ۳- عنوان کامل این کتاب، فوائد الارتحال و نتایج السفر فی اخبار اهل القرن الحادی عشر است. - م.

مکه مکرمه در گذشت.

او در ۲۴ سالگی فتوا می داد و روایت و درایه و علم و عمل را یکجا گرد آورده بود و پیشوای مورد اعتماد مردم روزگار خود در شناخت و حفظ و ضبط و مهارت در حدیث نبوی و صحیح و ضعیف و سندهای آنها بود. او در شناخت حدیث و ثبت و ضبط آن و فراوانی تألیف مانند جلال [الدین] سیوطی است.

باری، فضیلت و گرانمایگی او همه جای و جهانگیر شده است. بورینی در تاریخ خود می گوید: ولادت او در بیستم صفر سال ۹۹۶هـ. ق و وفات او در روز سه شنبه بیست و یکم ذیحجه سال ۱۰۵۷هـ. ق است. او در معلا- نزدیک قبر ابن حجر مکی به خاک سپرده شد.

[در گذشت صدیقی:] آنچه را محبی (۱) درباره درگذشت او در این سال ذکر کرده است در تاریخ عصامی (۲) آمده است؛ زیرا او یاد آوری کرده است که وفات او در یازدهم ذیحجه بوده است همچنین وی درباره او می گوید: امام مردم روزگار خویش و حافظ زمان خود و پیشوای مورد اعتماد و یگانه روزگار خود در شناخت و حفظ و ضبط حدیث رسول خدا (ص) است و عبدالرحمان خیاری در حق او می گوید (۳): سیوطی زمان خود است. (۴)

۱۴. سید عقیف الدین عبدالله بن ابراهیم بن حسن بن محمد امین میر غنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی، مشهور به محبوب (در. ۱۲۰۷هـ. ق)

نویسنده کتاب عده الانابه فی اماکن الاجابه. چاپ عبدالله نذیر احمد مزّی (چاپ اول، مکه مکرمه، المكتبة المکیه، ۱۴۲۹هـ. ق)

۱- تاکنون در شرح حال علان صدیقی از محبی یاد نشده است؛ بر مترجم معلوم نشد مراد مؤلف محترم چه کسی و در کدام کتاب است؛ به نظر می رسد در متن مبدأ صفحه ۱۵۶ خطا رخ داده و به جای حموی (صاحب کتاب التتایج) محبی ثبت شده است. - م.

۲- از عصامی کتابی با این عنوان شناسایی شد: سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل و التوالی. - م.

۳- تاکنون این سخن خیاری سه بار تکرار شده است. - م.

۴- المختصر من کتاب نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر، عبدالله مراد ابوالخیر، ص ۴۶۴-۴۷۱.

محقق این کتاب در شرح کوتاهی بر زندگی مؤلف از جمله می گوید:

[نام و نسب میرغنی:] او عبدالله بن ابراهیم بن حسن بن محمد امین بن علی میرغنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی ملقب به محبوب و عفیف الدین و ابوالسیاده، عالمی است فاضل و فقیهی است متقی و ادیبی است شاعر و دست اندرکار انواع علم.

[ولادت و درگذشت میرغنی:] وی در مکه زاده شد و در آنجا بالید و از استادانی بزرگ درس آموخت.

جبرتی می گوید در درس های احمد نخلی و دیگران حاضر می شد. وی در سال ۱۱۶۶ه. ق به طائف می رود و در آنجا اقامت می گزیند و کتاب های فراوانی در عقاید و حدیث و فقه و آداب و اخلاق دینی می نویسد، و سرانجام در سال ۱۲۰۷ه. ق در روستای سلامه درمی گذرد. (۱)

نهبانی درباره او می گوید: «یکی از بزرگان اولیاء و عارفان و پیشوایان عالم و عامل است. آثار او بنام و افتخاراتش فراوان، و بزرگواری وی چون خورشید میان آسمان است. او کتاب های فراوانی در علوم گوناگون دارد.» (۲)

۱۵. محمد بن احمد بن سالم بن محمد مالکی مکی، معروف به صباغ (۱۲۴۳-۱۳۲۱ه. ق)

نگارنده کتاب تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام. چاپ عبدالملک بن عبدالله بن دهیش (چاپ اول، مکه مکرمه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۴ه. ق).

[ولادت صباغ:] محقق کتاب در شرح زندگی مؤلف می گوید: محمد بن احمد بن

۱- عجائب الآثار فی التراجم و الاخبار، جبرتی، ج ۲، ص ۱۴۷ - ۱۴۸. م. * در عجائب الآثار فی التراجم و الاخبار، از روستای سلامه نامی در میان نیست. - م.

۲- در پانوشت اول صفحه ۱۵۷ متن مبدأ تنها آمده است: «ص ۲۰». م. * [عده الانابه فی اماکن الاجابه، میرغنی، (مقدمه مصحح)]، ص ۲۰. م.

سالم بن محمد مکی مالکی معروف به صباغ (۱) در مکه مکرمه و به سال ۱۲۴۳ [ه. ق] زاده شده و در آنجا بالید. پدر او متولد مکه نیست، او از مصر به آنجا آمده است.

رشد و حیات علمی صباغ: وی در مکه مکرمه رشد کرد و از علمای روزگار خود و مشایخ عصر و عالمانی که به مکه مکرمه می آمدند بهره مند شد. قرآن را از بر کرد و دانش آموخت و فقه مالکی را در مکه فرا گرفت. وی به علم مشغول بود و از استادان بزرگ وقت بهره گرفت و نزد مفتی مکه سید احمد زینی دحلان حدیث خواند و نزد مفتی مالکیه شیخ حسین، الشفا و موطأ مالک و [صحیح] بخاری در حدیث و حاشیه الصفی و رساله ابی زید و اقرب المسالک و شرح الدرر علی مختصر خلیل را در فقه خواند و در ادبیات عرب شرح قطر الندی ابن هشام و دیگر آثار مهم را خواند. او مورخی باهوش و خوش حافظه، و یکی از حمله داران حاجیان غرب جهان اسلام [مراکش و شمال افریقا] بود.

استادان صباغ: ۱. احمد زینی دحلان (۱۲۳۲-۲) (۱۳۰۴ ه. ق): فقیه و مورخ مکه مکرمه، در مکه زاده شد و در آنجا تدریس کرد و مفتی شافعیان مکه بود. در دوران او نخستین چاپخانه در مکه تأسیس شده و برخی از کتاب های او در آن به چاپ رسید. شماری از آثار او چنین است: الفتوحات الاسلامیه (چاپی، دو جلد) السیره النبویه (چاپی)، خلاصه الکلام فی امراء البلد الحرام (چاپی)، [الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیه (چاپی)] و جز اینها. دحلان در مدینه منوره در گذشت. (۳)

۲. عبدالقادر بن علی مشاط مکی مالکی (۱۲۴۸-۴) (۱۳۰۲ ه. ق): وی در مکه به دنیا آمد و در آن شهر پرورش یافت و قرآن و بسیاری از متون مذهبی و غیره را از بر کرد و

۱- برای آگاهی بیشتر از جمله بنگرید به: مختصر نشر النور و الزهر، ص ۴۰۰؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۱.

۲- بنابراین، استاد، تنها ۱۱ سال از شاگردش بزرگ تر بوده است. - م.

۳- درباره احمد زینی دحلان از جمله بنگرید به: الاعلام، زرکلی، ج ۱، ص ۱۲۹ - ۱۳۰؛ معجم المؤلفین، کحاله، ج ۱، ص ۲۲۹

- ۲۳۰؛ نشر الریاحین، بلادی، ج ۱، ص ۲۷ - ۲۸.

۴- اگر چنین باشد، تفاوت سن استاد و شاگرد، تنها ۵ سال است. - م.

نزد حسین مفتی مالکیه فقه آموخت و مدت ها ملازم سید احمد زینی دحلان بود و نزد او علوم و فنون فراوان فرا گرفت. او حاشیه ای بر الاستعارات استاد خود سید احمد دحلان دارد. وی امام جماعت در مقام مالکی [در مسجدالحرام] و مدرس آن مکان بود. (۱)

۳. حسین ازهری (۱۲۲۲ - ۱۲۹۲ ه. ق): او حسین بن ابراهیم بن حسین بن عابد مالکی است که در مصر به ازهری معروف است. وی که فقیه و مفتی مالکیه در مکه است، مغربی الاصل و منسوب به قبیله ای در طرابلس غرب (۲) است که به آن عصور می گویند. او در الازهر دانش آموخت و اندکی پس از سال ۱۲۴۰ ه. ق به مکه آمد و نزد امیر مکه شریف محمد بن عون منزلتی یافت و به امامت و سخنرانی در مسجدالحرام گماشته شد و در سال ۱۲۶۲ ه. ق امر صدور فتوا را به عهده گرفت که تا پایان حیاتش ادامه داشت. او آثاری دارد از آنهاست: توضیح المناسک، و رساله فی المصطلح، که دارای شرحی است و چاپ شده است. (۳)

آثار صباغ: پس از بررسی آثاری که درباره صباغ نگاشته شده است جز یک اثر از او نیافتیم و آن کتابی است که آن را تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولائها الفخام، نامیده، است. اثری بی مانند که در بردارنده جدید و قدیم است.

در گذشت صباغ: وی در سال ۱۳۲۱ ه. ق چنان که رسم حمله داران است برای دیدار حاجیانی که از مغرب به مکه می آمدند و نیز کارهای شخصی خود به مغرب سفر می کند و در ۷۸ سالگی در آنجا از دنیا می رود. عبدالوهاب دهلوی در مجله المنهل آورده است که در گذشت صباغ در ۱۳۱۱ ه. ق است، اما این غلط محض است زیرا

۱- مختصر نشر النور و الزهر، [ابوالخیر]، ص ۲۷۴ - ۲۷۵.

۲- منظور طرابلس مرکز لیبی است که در ساحل غربی این کشور واقع است. - م.

۳- مختصر نشر النور و الزهر، ص ۱۸۰ - ۱۸۱؛ الاعلام، ج ۲، ص ۲۳۰.

صباغ تألیف کتابش را بنابر تصریح او در پایان نسخه اصلی، در ۱۳۲۰ه. ق به فرجام رسانده است.

فرزندان صباغ: از صباغ سه پسر باقی ماند که همگی حمله دار حاجیان بودند. پس از صباغ دو تن از پسرانش مردند و پسر کوچکش که بیشتر مقامات حریری و اشعار فراوانی از برداشت، زنده ماند.

تأثیر کتاب تحصیل [المرام فی اخبار...]. صباغ بر کتاب هایی که پس از او نگارش یافت: کسانی که به تألیف درباره تاریخ مکه می پردازند به کتاب صباغ [یعنی] تحصیل [المرام...]. توجهی خاص دارند و بسیار از آن نقل می کنند و این نشان دهنده جایگاه این کتاب در نگاه دیگر عالمان است. [شماری از کسانی که به اقتباس و نقل از کتاب صباغ پرداخته اند از این قرارند]:

۱. غازی (۱۲۹۰ - ۱۳۶۵ه. ق) در کتاب خود افاده الانام بذکر اخبار بلد [الله] الحرام، از کتاب تحصیل [المرام...]. بسیار استفاده و نقل کرده است، چنان که تعداد مواضع نقل شده از این کتاب در کتاب غازی به ۱۲۶ مورد می رسد.

۲. کردی (۱۳۲۱ - ۱۴۰۰ه. ق) هم در کتاب تاریخ القویم، ۶۵ بار از کتاب تحصیل [المرام...].، مطلب نقل کرده است.

۳. حسین باسلامه (۱۲۹۹ - ۱۳۵۶ه. ق [۱]) در کتاب تاریخ الکعبه المعظمه، ۱۰ بار از کتاب تحصیل [المرام...].، مطلب نقل کرده است.

۴. احمد سباعی (۱۳۲۳ - ۱۴۰۴ه. ق) در کتاب تاریخ مکه ۳ بار از تحصیل [المرام...]. نقل کرده است، اما در اصل نسخه خطی کتاب [وی] به آنها دست نیافتیم. (۲)

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۶۰ آمده است: «۱۳۱۳۵۶». - م.

۲- [تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولائها الفخام، صباغ (مقدمه مصحح)]، ج ۱، ص ۷

- ۱۰. م. * در پانویشت نخست صفحه ۱۶۰ متن مبدأ آمده است: «ابن دهیش، عبدالملک بن عبدالله، ج ۱، ص ۷ - ۱۰». -

۱۶. عبدالله بن محمد غازی مکی حنفی (۱۲۹۰-۱۳۶۵ه.ق)

صاحب کتاب افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام (۱) مع تعلیقه المسمی باتمام الکلام. چاپ عبدالملک بن عبدالله بن دهیش (چاپ اول، مکه مکرمه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۶ه.ق).

محقق کتاب شرحی بلند بر زندگی مؤلف نوشته که چکیده آن چنین است:

تولد و رشد ابن غازی: عبدالله بن محمد غازی مکی حنفی (۲) چنان که خود نوشته است در ۱۲۹۰ه. ق یا ۱۲۹۱ه. ق در مکه مکرمه زاده شد. او در منزل پدر در کوه هندی [قَعِیقَعَان] مکه مکرمه بالید. عبدالله کوچک بود که مادرش از دنیا رفت و او یتیم و بدون برادر بزرگ شد. پدرش پرورش او را گردن نهاد و نیک او را تربیت کرد. پدر پس از درگذشت مادر عبدالله چشم امید بدو دوخت و به تعلیم و تربیت او همت گمارد و او خردسال بود که برایش معلم قرآن گرفت. او قرآن را از بر کرد و درحالی که نوجوانی دوازده ساله بود در مسجدالحرام در میان مردم در نماز تراویح قرآن می خواند.

عبدالله در زبان و ادبیات عرب استاد بود، از این رو توانست بسیاری از کتاب ها را به دست خود نسخه برداری کند و در کتابخانه اش نگه دارد، چرا که در آن زمان چاپخانه فراوان و در دست رس نبود. او زبان هندی را نیز نیک از پدر آموخت و برخی از آثار فارسی را هم مطالعه کرد و صرف و نحو و حساب را نیز فرا گرفت.

کسب دانش ابن غازی: در ادامه پدرش او را به مدرسه صولتیه (۳) فرستاد و او نزد شیخ

۱- در صفحه ۱۵۹ متن مبدأ، نام کتاب غازی به گونه ای دیگر ضبط شده است: افاده الانام بذکر اخبار البلد الحرام، که نادرست است. نام کامل این کتاب چنان است که در متن آمده است. - م.

۲- برای آشنایی بیشتر با او از جمله بنگرید به: الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۱۳۴؛ [التاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، کردی]، ج ۱، ص ۲۲.

۳- مدرسه صولتیه، منسوب به خانمی است هندی به نام صولت النسا که در سال ۱۲۸۹ه. ق. از کلکته برای گزاردن حج به مکه می آید. وی مصمم می شود در مکه اقامتگاهی بسازد تا حاجیان در آن سکنی گزینند و بار و بنه آنها در آن در امان ماند. بانوی هندی با شیخ رحمت الله در این باره رایزنی می کند. او وی را از اقامتگاه های پرشمار مکه و نیاز مکه به مدرسه آگاه می سازد. بانوی هندی، کار را به شیخ وا می گذارد. شیخ زمینی را در محله خندرسیه که مکان کنونی مدرسه واقع در میان کوه عمر و کوه کعبه و حاره الباب است می خرد. مدرسه در چهاردهم محرم سال ۱۲۹۱ه. ق. افتتاح می شود و شاگردان و معلمان به آنجا منتقل می شوند. شیخ از نهادن نام خود بر این مدرسه تن می زند و به احترام آن بانوی نیکوکار، مدرسه را صولتیه می نامد. بنگرید به: رجال من مکه المکرمه، ج ۴، ص ۱۵۶. * مؤلف محترم، از نگارنده کتاب رجال من مکه المکرمه یاد نکرده است؛ شاید مراد او کتاب رجال مکه المکرمه اثر زهیر محمد جمیل کتبی است که در سال های (۱۴۱۰ - ۱۴۱۶ه. ق) در شش جلد منتشر شده است. بنگرید به (www.z-kutbi.com). - م.

عبدالسبحان بن خادم، صرف و نحو آموخت و نزد حضرت نور افغانی عقاید و معانی و بیان و اصول فقه و تفسیر و حدیث و حساب و تقسیم ارث و دیگر علوم را فرا گرفت؛ اما از این دو استاد اجازه علمی نگرفت.

او در حلقه های درس در مسجدالحرام شرکت جست و نزد تفضل الحق خیاط مرشد آبادی، کتاب های فقهی و برخی از کتاب های حدیثی مانند: مشکاه المصابیح، و سنن نسائی و سنن ابن ماجه و موطأ مالک را خواند. او از این استاد هم اجازه روایت دریافت نکرد.

وی بلوغ المرام [من ادله الاحکام فی علم الحدیث، ابن حجر عسقلانی]، و صحیح بخاری و صحیح مسلم، و سنن ترمذی و سنن ابوداود، و سنن نسائی و سنن ابن ماجه را نزد محمد بن عبدالرحمان انصاری سهانفوری مکی خواند و از او اجازه [نقل] روایت حدیث گرفت.

او پس از دریافت اجازه روایت، سرپرست کتابخانه مدرسه صولتیه شد و چون در آنجا کار می کرد کتاب های حدیث و تفسیر را بسیار مطالعه نمود و کتاب های فراوانی برای کتابخانه شخصی خود گرد آورد. (۱)

وی در مسجدالحرام نزدیک باب الزیاده (۲) حلقه درسی برای حفظ قرآن کریم برپا ساخت و حدیث و فقه هم درس می داد. (۳) شاگرد او فادانی می گوید: «جز افراد فاضل

۱- التاریخ القویم [لمکه و بیت الله الکریم، کردی]، ج ۱، ص ۲۳.

۲- باب الزیاده یا زیاده دارالندوه که باب سوئقه خوانده می شده است در زمان معتضد عباسی (۲۸۲هـ. ق.) ساخته شد. بنگرید به: تاریخ عماره المسجد الحرام، ص ۱۳۱.

۳- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

در درس او حاضر نمی شدند.» (۱)

ستایش دانشمندان از ابن غازی: عبدالله غازی از بزرگ داشت علمای عصر خود برخوردار شده است. آنان او را سخت ستوده اند و لقب هایی بدو داده اند که بیان کننده جایگاه والای علمی او در فنون گوناگون است. محدثان او را مسند می خواندند زیرا از محدثان عصر خود بسیار روایت می کرد و شناخت و مهارتی خاص در حدیث و علوم حدیث داشت. [از جمله کسانی که] وی را با این صفت یاد کرده محمد عیسی فادانی مکی است. او در روایت از وی و اجازه ای که غازی به او داده است، می گوید: علامه محدث، مسند مورخ شیخ عبدالله بن محمد غازی مکی، مدتی طولانی با او بودم و بخش هایی از کتب ده گانه حدیثی را همراه با جزء نخست تفسیر نسفی نزد او خواندم. در این مدت از کتاب های فراوانی که در این علم نزد او بود، نسخه برداری کردم، از آنهاست، تألیف او با عنوان فتح القوی فی اسانید سید حسن بن محمد الحبشی العلوی که درباره اسانید استادش [سلسله سند پیوسته استاد او تا منبع حدیث] است. و من در آن با سلسله سندهایی که در آن است، آشنا شدم. فادانی در ادامه می گوید: اوست که راه را برای من هموار ساخت و باب شناخت طرق روایت و آشفتگی آن و شناخت روایت صحیح را از روایتی که در سیاق سند یا اسماء رجال آن تحریف رخ داده است بر من گشود. من برای شناخت شرح حال بزرگان قرن چهاردهم از او یاری جستیم و از او اجازه نقل روایت خواستیم. او به من برای نقل همه آنچه نزد او قرائت یا استماع کرده بودم و نیز نقل همه آثارش از جمله فهرست بزرگ او که آن را تنشيط الفؤاد من تذکار علوم الاسناد یا ارشاد العباد الی معرفه طرق الاسناد نامیده است که اثری دو جلدی است، اجازه ای ویژه داد. (۲)

باز هم فادانی می گوید: او - رحمه الله علیه - در استفاده از وقت و پرهیزکاری و

۱- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۵.

۲- قره العین، [فادانی]، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.

زهد و کوچک شمردن دنیا و پارسایی و زندگی را به سختی گذراندن، آیتی بود و مردم اعم از زن و مرد و پیر و جوان و عالم و جاهل از او بهره بردند. او را هاله ای از بزرگی عالمان و ویژگی پرهیزگاران فرا گرفته بود. (۱)

مدارسی می گوید: مردی است نیکوکار و قانع و عابد و خاشع و پرهیزگار و فروتن.

او در علم حدیث و سند رجال حدیث بسیار تواناست و کتاب های پرشمار و به راستی سودمندی نگاشته است. (۲)

سید محسن بن علی مساوی در اجازه اش نوشته است: شیخ فاضل و عالم و علامه کامل و پرهیزگار واصل ما. (۳)

سید احمد بن صدیق در البحر العمیق می گوید: علامه محدث مسند ابو محمد عبدالله ابن محمد غازی هندی مکی، مؤلف کتاب تاریخ مکه المکرمه و الثبت الکبیر و جز اینها. (۴)

مورخان به غازی لقب پیشوای مورخان داده اند. عبدالوهاب ابوسلیمان (۵) می گوید: علامه محدث مسند پیشوای مورخان مکی. (۶)

اگر در پی مزار او برایی، آن را در ورودی رباطی نزدیک باب الزیاده که به آن رباط حنابله گویند، می یابی که کنار آن دولابچه ای نصب شده است و در گوشه ای از آن اندکی سرمه و کاغذ گذارده اند تا نشان حفظ چیزی باشد که او در پی حفظ آن بود.

عمر عبدالجبار می گوید: شیخ عبدالله غازی، زندگی خود را وقف تألیف کرد. او بهترین اوقات خود را با اهل فضل می گذراند تا طرح رجال شناسی خود در

۱- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

۲- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

۳- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

۴- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

۵- مراد، مؤلف اثری است که پیش رو دارید. - م.

۶- العلماء و الادباء الوراقون [فی الحجاز فی القرن الرابع عشر الهجری، عبد الوهاب ابراهیم ابوسلیمان]، ص ۱۱۸.

کتاب هایش را کامل سازد، اما این مانع کسب معاش همراه با قناعت و زهد و پرهیزگاری او نمی شد. (۱)

محمود سید ممدوح می گوید: دانشمند علامه، مسند مورخ، پرهیزگار زاهد، پژوهشگر ریزکاو و دریا علم. (۲)

طاهر کردی می گوید: او عالمی فاضل و صالحی کامل، و در مکه مکرمه همسایه ما بود. (۳) او مردی صالح و راستگو و پرهیزگار و کم سخن بود و در امور دخالت بی جا نمی کرد و تا پایان عمر مطالعه کتاب را فرو ن نهاد. (۴)

شاگرد او سید ابوبکر بن احمد حبشی می گوید: غازی، استاد رجالی ما پیوسته در شهر خود مکه مکرمه اقامت داشت و در محل کار خود در باب الزیاده با آرامش و سکون و تواضع و وقار سخت مشغول تألیف بود و گاه به مدرسه صولتیه که کارمند آنجا بود می رفت. (۵)

ابوتراب ظاهری می گوید: شیخ ابن غازی آن گونه که من می شناسم مردی است پرهیزگار و تقوا پیشه و نیکوکار. (۶)

در مجله المنهل آمده است: شیخ [ابن غازی] در خیابان منتهی به باب الزیاده یکی از درهای مسجد الحرام، در خانه ای قدیمی که شاید یکی از مدارس است، سکونت دارد و همه تلاش خود را به تدوین آن بخش از تاریخ مکه و تحولات و وضعیت آن که تاریخ از آنها غفلت ورزیده، معطوف داشته است. این شیخ عالم، ۷۵ سال از عمرش گذشته است اما از پرداختن به کار علمی خود تا پایان حیات دست نمی کشد. (۷)

۱- سیر و تراجم، [عبدالجبار]، ص ۲۰۳.

۲- تشنیف الاسماع، [فادانی] ص ۳۵۵.

۳- التاريخ القويم، [کردی]، ج ۱، ص ۲۳.

۴- مجله المنهل، ج ۸، ص ۲۳۷.

۵- الدلیل المشیر، [حبشی]، ص ۲۲۳.

۶- روزنامه البلاد، شمار ۸۵۸۶ تاریخ ۱۰/۵/۱۴۰۷.

۷- مجله المنهل، ج ۶، ص ۴۵۹.

آثار ابن غازی: در منابع به آثار ذیل برای غازی اشاره شده است:

۱. افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام. یک نسخه در چهار جلد، و نسخه ای در شش جلد و نسخه ای دیگر در هفت جلد.
۲. تشنیط الفؤاد من تذکار علوم الاسناد یا ارشاد العباد الی معرفه طریق الاسناد در شرح حال استادان او و استادان آنان، در دو جلد (نسخه خطی). (۱)
۳. نظم الدرر فی تراجم علماء مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر. نسخه خطی است و مؤلف آن را خلاصه کرده و آن را اختصار نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل اهل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر (۲) خوانده است.
همچنین محمد سعید عامودی و احمد علی به طور جداگانه به تلخیص و انتشار آن پرداخته اند.
۴. نثر الدرر فی تزییل نظم الدرر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر.
غازی در این کتاب به شرح حال عالمان مکه که در کتاب ابوالخیر مرداد که در سال ۱۳۴۳ در گذشت، به آنها پرداخته نشده، پرداخته است.
- این کتاب مرجعی برای شناخت علمای مکه در عصر خود غازی به شمار است، چرا که او به شرح احوال عالمانی پرداخته است که در قرن سیزدهم و چهاردهم، با او معاصر بوده اند.
۵. مجموع الاذکار من احادیث النبی المختار (خطی است).
۶. رساله ای در نکوهش لهو و لعب، که آن را کشف ما یجب من جواز اللهو و اللعب نامیده است (خطی است).
۷. فتح القوی فی ذکر اسانید السید حسین الحبشی العلوی.

۱- سه سطر از متن مبدأ صفحه ۱۶۵ حذف شد، چه تکرار مطالبی از فادانی است که پیش از این از آن یاد شد. - م.

۲- این اثر به چاپ رسیده است. - م.

فادانی می گوید: غازی به ملازمت حبیب حسین بن محمد حبشی در گذشته در ۱۳۳۰هـ. ق عنایت داشت و کتاب هایی در حدیث و جز آن را نزد او ختم کرد. (۱) سپس اسانید روایات او را تهیه کرد و آن را [الفتح (۲)] القوی فی ذکر اسانید السید حسین الحبشی العلوی نامیده. اگر این اثر به چاپ برسد مجلدی حجیم خواهد شد. غازی این فهرست را به طریقی بی سابقه نگاشته و گفتار پایانی آن را در نفایسی بدیع پرداخته است. خداوند به او پاداش خیر دهد. شاگرد او، سید ابوبکر حبشی حسینی درباره این اثر می گوید (۳): این فهرست، از مفیدترین فهرست ها و علمی ترین و تحقیقی ترین آنهاست. گفتنی است این اثر در سال ۱۴۱۸هـ. ق و ۱۴۲۵هـ. ق به چاپ رسیده است.

۸. بیان الفرائض شرح بدیع الفرائض (نسخه خطی است).

در گذشت ابن غازی: [وی] پس از زندگی سرشار از کار و تلاش و تألیف، و آکنده از زهد و قناعت، پس از زندگانی که آموزشگاه کاهش دلبستگی به این دنیا برای دست یابی مؤمن به خشنودی خداوند و کسب دانش و عشق ورزیدن به آن بود، زندگی که نمونه ای بود که سلف صالح را به یاد می آورد که می گفتند: در دنیا چونان مسافر یا غریب باش؛ پس از مدتی تحمل بیماری در ظهر روز پنج شنبه پنجم شعبان سال ۱۳۶۵هـ. ق از سرزمین برکت و نور به رفیق اعلی پیوست. او بیشتر عمر نزدیک به ۷۵ ساله خود را در تألیف و نگارش سپری ساخت و سرانجام پس از نماز گزاردن بر او در مسجدالحرام در عصرگاه و به امامت سید ابوبکر بن سالم بار (۴)، در بقعه شهدا در معلا به خاک سپرده شد. (۵)

۱- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۰۶.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۶۶ آمده است: «فتح القوی». - م.

۳- الدلیل المشیر، ص ۲۳۲.

۴- الدلیل المشیر، ص ۲۲۳.

۵- در متن مبدأ صفحه ۱۶۶ تنها آمده است: «ج ۱، ص ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۳۵، ۳۸، ۴۶، ۴۸، ۵۰». - م.

۱۷. ایوب صبری پاشا (در. ۱۲۹۰ه. ق)

۱۷. ایوب صبری پاشا (در. ۱۲۹۰ه. ق) (۱)

نگارنده کتاب موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب. ترجمه ماجده مخلوف، حسین مجیب مصری، عبدالعزیز عوض، مطابقت با متن ترکی از ادیب عبدالمنان و علی اوزلی، بازینی و آماده سازی برای نشر از محمود جیره الله، با مقدمه و اشرف محمد حرب، (چاپ اول، قاهره، دار الآفاق العربیه، ۱۴۲۴ه. ق).

محمد حرب در مقدمه اش بر این کتاب درباره نویسنده آن می گوید: مؤلف این اثر ایوب صبری پاشا، مورخی عثمانی و از دربارداران نیروی دریایی عثمانی است که در تحقیق و تألیف هم دستی داشته است. وی سال های سال در مکه مکرمه و مدینه منوره زیست و این اقامت بلندمدت به او فرصت داد اطلاعات فراوانی درباره این دو شهر به دست آورد و از تاریخ اسلام، شناختی گسترده کسب کند و مشاهدات و پرس وجوهای شخصی او به دانش دامن فراخش از تاریخ اسلام و تاریخ دو شهر مکه مکرمه و مدینه منوره افزوده گردد و در کتابش نمود یابد و اثری در نوع خود بی بدیل پدید آید.

[آثار صبری پاشا:] مهم ترین آثار صبری پاشا عبارتند از:

۱. محمود السیر (چاپ ۱۸۷۰م)

۲. تکمله المناسک (چاپ ۱۸۷۵م)

۳. اسباب العنايه في ترجمه بدایه النهایه (چاپ ۱۸۸۹م)

۴. شرح قصیده بانث سعاد (چاپ ۱۸۸۴م)

۵. مرآه مکه (چاپ ۱۸۸۴م)

۶. مرآه المدینه (چاپ ۱۸۸۷م)

۷. مرآه جزیره العرب (چاپ ۱۸۸۹م)

صبری پاشا در راه نگارش کتاب [موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب]، هفده سال رنج بسیار برد و گنجی گران آورد و برای آیندگان به یادگار نهاد. این کتاب

دانشنامه ای فراگیر درباره سرزمین حجاز است و کمتر کتابی به جامعیت و دقت این کتاب درباره مکه مکرمه و مدینه منوره و جزیره العرب یافتنی است.

صبری پاشا کتابش را در سه بخش و پنج مجلد پرداخته است. در بخش نخست که در دو جلد نگارش یافته است به مکه مکرمه نظر کرده است. در بخش دوم که در دو جلد دوم گنجانده شده است به مدینه منوره پرداخته شده است و بخش سوم که در جلد پنجم آمده است درباره جزیره العرب است.

این کتاب، دانشنامه ای علمی و فرهنگی است و در بردارنده اطلاعاتی گرانمایه درباره معارف و فنون و تاریخ و قصص و شعر و آمار و آداب و رسوم و فرهنگ عامه و جغرافیا و محصولات کشاورزی و . . . سرزمین حجاز خاصه مکه مکرمه و مدینه منوره است و در تألیف آن گذشته از منابع فراوان تاریخی، به مشاهدات مؤلف و ثبت اظهارات مردم به ویژه سالخوردگان مکه و مدینه که توسط خود صبری پاشا صورت گرفته نیز تکیه شده است.

باری این اثر فخیم به راستی آینه ای تمام نما از هر چیزی است که به مکه مکرمه و مدینه منوره مربوط شود. (۱) و (۲)

۱- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۱، ص ۷-۱۲. - م.

۲- این بهره افزوده مترجم است. - م.

کتابنامه

اشاره

کتابنامه (۱)

کتاب ها

۱. اتحاف الساده المتقین بشرح احياء علوم الدين، السيد محمد بن محمد الحسينى الزيدى، بيروت، دار الفكر، [د. ت].
۲. اتحاف فضلاء الزمن بتاريخ ولايه بنى الحسن، محمد بن على بن فضل المكى الطبرى، الطبعة الاولى، مصر، دارالكتاب الجامعى، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۳. اخبار مکه فى قديم الدهر وحديثه، ابو عبدالله محمد بن اسحاق الفاكهى، دراسه و تحقيق: عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، الطبعة الاولى، مکه المکرمة، مکتبه و مطبعه النهضه الحديثه، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۴. اخبار مکه و ما جاء فيها من الآثار، ابو الوليد محمد بن عبدالله بن احمد الازرقى، دراسه و تحقيق: رشدى [الصالح] ملحس، الطبعة الثالثه، مکه المکرمة، مطابع دار الثقافه، ۱۳۹۸ هـ. ق.
۵. الارج المسكى فى التاريخ المكى و تراجم الملوك و الخلفاء، على بن عبدالقادر الطبرى، تحقيق و تقديم: اشرف احمد جمال، الطبعة الاولى، مکه المکه، المکتبه التجاربه مصطفى باز، ۱۴۱۷ هـ. ق.

۱- مترجم، چينش مشخصات کتاب شناختی منابع مؤلف را تغيير داده و خطاهای ره یافته در آنها را نیز اصلاح کرده و منابع را چينش الفبايى نموده است. - م.

٦. ارشاد السالك الى افعال المناسك، برهان الدين ابراهيم بن فرحون، دراسه و تحقيق: محمد بن الهادى ابو الاجفان، الطبعه الاولى، تونس، بيت الحكمه، ١٩٨٩م.
٧. الاستيعاب فى اسماء الاصحاب بهامش كتاب (الاصابه فى تمييز الصحابه)، ابو عمر يوسف ابن عبدالله بن محمد بن عبدالبر، الطبعه الاولى، مصر، مكتبه التجاربه الكبرى لصاحبها مصطفى محمد، ١٣٥٨هـ. ق.
٨. اعلام الموقعين عن رب العالمين، [شمس الدين محمد بن ابى بكر ابن قيم الجوزيه]، تحقيق: محمد محبى الدين عبدالحميد، چاپ اول، مصر، المكتبه التجاربه الكبرى، ١٣٧٤هـ. ق.
٩. الاعلام باعلام بيت الله الحرام فى تاريخ مکه المشرفه، قطب الدين بن علاء الدين النهروالى، تقديم: السيد محمد امين كتيبى، شرح: محمد طاهر عبدالقادر الكردى، الطبعه الاولى، مکه المکرمه، المكتبه العلميه لصاحبها عبدالفتاح فدا و اولاده، [د. ت].
١٠. الاعلام بالتويخ لمن ذم التاريخ، شمس الدين محمد بن عبدالرحمان السخاوى، حقه و علق عليه: فرانز روزنتال، ترجمه: صالح احمد العى، الطبعه الاولى، بيروت، دارالكتب العلميه، [د. ت].
١١. الاعلام قاموس تراجم، خيرالدين الزركلى، بيروت، دارالعلم للملايين، [د. ت].
١٢. افاده الانام بذكر اخبار بلد الله الحرام، عبدالله غازى، دراسه و تحقيق: عبدالملك بن عبدالله ابن دهيش، مرقوم بالكمبيوتر.
١٣. اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفيها صاحب الجحيم، شيخ الإسلام احمد بن عبدالسلام ابن تيميه، تحقيق و تعليق: ناصر بن عبدالكريم العقل، الطبعه السابعه، رياض، وزاره الشؤون الاسلاميه و الاوقاف والدعوه و الارشاد، ١٤١٩هـ. ق.
١٤. امتاع الاسماع بما للرسول من الابناء و الاموال و الحفده و المتاع، تقى احمد بن على المقريزى، تصحيح: محمود محمد شاكر، الطبعه الاولى، القاهره، لجنه التأليف و الترجمة و النشر، ١٩٤١م.
١٥. الايضاح فى مناسك الحج و العمره، ابو زكريا يحيى بن شرف النووى، و عليه الافصاح على

مسائل الايضاح على مذاهب الاثمه الاربعه و غيرهم للعلامه الشيخ عبد الفتاح حسين راوه المكي، الطبعة الاولى، بيروت، دارالبشائر، ١٤١٤هـ. ق.

١٦. البحر العميق في مناسك المعتمر و الحاج إلى بيت الله العتيق، ابوالبقاء محمد بن احمد بن محمد ابن الضياء القرشي المكي، تحقيق: عبدالله نذير احمد عبدالرحمان مزي، الطبعة الاولى، مكة المكرمة، مكتبة المكيه و مؤسسه الريان، ١٤٢٧هـ. ق.

١٧. بهجه النفوس و تحليلها بمعرفه ما لها و ما عليها (شرح مختصر صحيح البخارى)، ابو محمد عبدالله بن ابى جمره الاندلسي، الطبعة الاولى، بيروت، دارالجيل، ١٩٤٨م.

١٨. تاج العروس من جواهر القاموس، [السيد محمد بن محمد الحسيني الزبيدي]، دراسه و تحقيق: على شيرى، الطبعة الاولى، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٤هـ. ق.

١٩. التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم، محمد طاهر عبدالقادر الكردي، الطبعة الاولى، مكة المكرمة، مكتبة النهضه الحديثه، ١٣٨٥هـ. ق.

٢٠. تاريخ المدينه المنوره، ابو زيد عمر النميري البصرى ابن شبه، تحقيق: فهيم محمد بن يوسف، الطبعة الاولى، المدينه المنوره، السيد حبيب محمود احمد، ١٤١١هـ. ق.

٢١. التاريخ و المؤرخون بمكة من القرن الثالث الهجرى الى القرن الثالث عشر، محمد الحبيب الهيله، الطبعة الاولى، لندن، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامي، ١٩٩٤م.

٢٢. تحصيل المرام فى اخبار البيت الحرام و المشاعر العظام و مكة و الحرم و ولايتها الفخام، محمد بن احمد بن سالم بن عمر المكي المالكي (ابن الصباغ)، دراسه و تحقيق: عبدالملك ابن عبدالله بن دهيش، الطبعة الاولى، مكة المكرمة، مكتبة الأسدى، ١٤٢٤هـ. ق.

٢٣. تحفه الانام فى مآثر البلد الحرام، السيد عبدالله بن السيد محمد صالح الزواوى، الطبعة الاولى، مكة المكرمة، مطبعة الترقى الماجديه، ١٣٢٩هـ. ق.

٢٤. الترك فى التشريع و الترك فى التكليف و مقاصده، [عبدالوهاب ابراهيم ابوسليمان]، لندن، مركز مقاصد الشريعة الإسلاميه، ١٤٢٩هـ. ق.

٢٥. توثيق السنه النبويه و عنايه السلف به ملامح عن المنهج و دلائله و مظاهره و أثره، عبدالله بن ضعيف الله الرحيلي، الطبعة الاولى، [د. ت] ١٤٢٨هـ. ق.

٢٦. الجامع اللطيف فى فضل مكه و اهلها و بناء البيت الشريف، جمال الدين محمد جارالله بن محمد نور الدين، ابن ظهيره القرشى، الطبعة الاولى، مكه المكرمه، توزيع مكتبه الثقافه، ١٣٩٢هـ. ق.

٢٧. الجامع لاحكام القرآن، ابو عبدالله محمد بن احمد الانصارى القرطبى، الطبعة الثانيه، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٩٦٦م.

٢٨. حاشيه العلامه ابن حجر الهيتمى على شرح الإيضاح فى مناسك الحج، احمد بن حجر الهيتمى، المدينه المنوره، المكتبه السلفيه، [د. ت].

٢٩. حجه الوداع، عمادالدين ابوالفداء اسماعيل ابن كثير القرشى، تحقيق: خالد ابوصالح، الطبعة الاولى، الرياض، دارالوطن، ١٤١٦هـ. ق.

٣٠. خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفى، على بن عبدالله بن احمد الحسنى السمهودى، المدينه المنوره، المكتبه العلميه لصاحبها الشيخ محمد سلطان النمنكانى، ١٣٩٢هـ. ق.

٣١. الدرر الثمينه فى اخبار المدينه، ابو عبدالله محمد بن محمود النجار، قابله و اعتنى به:

محمد على شكرى، الطبعة الاولى، المدينه المنوره، دارالمدينه المنوره للنشر و التوزيع [د. ت].

٣٢. دليل مكه المكرمه الاسلامى، بهجت صادق المفتى، الطبعة الاولى، الرياض، مطابع الفرزدق، ١٤٢٤هـ. ق.

٣٣. الروض الانف فى تفسير ما اشتمل عليه حديث السير النبويه لابن هشام، السهيلي، ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله، چاپ اول، مصر، مطبعه الجماليه، ١٣٣٢هـ. ق.

٣٤. زاد المعاد [فى هدى خير العباد]، ابن قيم الجوزيه، شمس الدين محمد ابى بكر، تحقيق: شعيب الارناؤوط و عبدالقادر الارناؤوط، الطبعة الاولى، بيروت، مؤسسه الرساله، و مكتبه المنار الاسلاميه، ١٣٩٩هـ. ق.

٣٥. سالنامه العربيه فى شأن الدوله العثمانيه، احمد زينى دحلان، الطبعة الثانيه، مكه المكرمه، المطبعه الميريه، ١٣٠٣هـ. ق.

٣٦. سبل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد، محمد بن يوسف الصالحى الشامى، تحقيق: مصطفى عبدالواحد، الطبعة الاولى، القاهرة، المجلس الاعلى للشؤون الإسلاميه، لجنه التراث الاسلامى، ١٩٧٢م.

٣٧. السيد رشيد رضا أو اخاء اربعين سنه، الامير شكيب ارسلان، الطبعة الاولى، دمشق، مطبعه بن زيدون، ١٣٥٦هـ. ق.

٣٨. شجره الرضوان، عزالدين الفلواروى، القاهرة، مجله الازهر، ربيع الأول، ١٣٤٦هـ. ق.

٣٩. الشفا بتعريف حقوق المصطفى، القاضى بن موسى بن عياض اليحصبى، استامبول، دارسعادت، مطبعه عثمانيه، ١٣١٢هـ. ق.

٤٠. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، تقى الدين محمد بن احمد بن على المكى الفاسى، تحقيق و مقابله: ايمن فؤاد سيد، و مصطفى محمد الذهبى، الطبعة الثانيه، مكه المكرمه، مكتبه و مطبعه النهضه الحديثه، ١٩٩٩م.

٤١. صحيح مسلم، ابوالحسين، مسلم بن الحجاج القشيري النيسابورى، خادم الكتاب محمد فؤاد عبدالباقي، الطبعة الاولى، القاهرة، دارالحديث، ١٤١٢هـ. ق.

٤٢. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع الزهرى (ابن سعد)، اعد فهارسها رياض عبدالله عبدالهادى، الطبعة الاولى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٦هـ. ق.

٤٣. عده الانابه فى اماكن الاجابه، عفيف الدين عبدالله بن ابراهيم الميرغنى، تحقيق: عبدالله نذير احمد مزى، الطبعة الاولى، مكه المكرمه، المكتبه الكميه، ١٤٢٩هـ. ق.

٤٤. العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين، [تقى الدين محمد بن احمد بن على المكى الفاسى]، تحقيق: فؤاد سيد، الطبعة الاولى، مصر، مطبعه السنه المحمديه، ١٣٨٤هـ. ق.

٤٥. العقد الثمين فى فضائل البلد الامين احمد بن محمد، [الخضراوى]، تحقيق: محمد زينهم محمد عزب، الطبعة الثانيه، مصر، مكتبه الثقافه الدينيه، [د. ت].

٤٦. الفتاوى الموصلية، عزالدين عبدالعزيز ابن عبدالسلام، تحقيق: اياذ خالد الطباع، الطبعة الاولى، بيروت، دارالفكر المعاصر، [د. ت].

٤٧. فتح الباری شرح صحیح البخاری، [شهاب الدین احمد بن علی بن حجر العسقلانی، قرأ أصله عبدالعزیز بن عبدالله بن باز و محمد فؤاد عبد [الباقی]، اخراج: محب الدین الخطیب، مصر، المطبعة السلفية و مكتبتها، [د. ت].
٤٨. فتح الفتاح فی شرح الايضاح للنووی، محمد علی بن علان الصديقي، مكة المكرمة، مكتبة الحرم الشريف، فقه شافعي، رقم ٤٤، مصور عن مخطوط.
٤٩. الفتوحات الربانية على الاذكار [النواويه]، [محمد بن علی بن علان الصديقي]، الطبعة الاولى، القاهرة، جمعيه النشر و التأليف الازهرية، ١٣٤٩هـ. ق.
٥٠. فضائل مكة و السكن فيها، الحسن بن ابی الحسين البصرى، تحقيق: سامى مكى العانى، الطبعة الاولى، كويت، مكتبة الفلاح، ١٤٠٦هـ. ق.
٥١. القرى لقاصد أم القرى، محب الدين ابو العباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابى بكر المكى الطبرى، عارضه بمخطوطات مكة المكرمة و القاهرة مصطفى السقا، الطبعة الاولى، القاهرة، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده، ١٣٩٠هـ. ق.
٥٢. كتاب التعريفات، على بن محمد الشريف الجرجاني، الطبعة الاولى، بيروت، مكتبة لبنان، ١٩٦٩م.
٥٣. لباب المناسك و عباب المسالك، رحمها الله السندي، تحقيق: عبدالرحمان بن محمد ابوبكر، الطبعة الثالثة، بيروت، دار قرطبه، ١٤٢١هـ. ق.
٥٤. مثير الغرام الساكن على أشرف الأماكن، ابوالفرج عبدالرحمان بن الجوزى، قدم له و حققه مصطفى حسين الذهبى، الطبعة الاولى، القاهرة، دار الحديث، ١٤١٥هـ. ق.
٥٥. المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، ابو محمد عبدالحق ابن عطيه الاندلسى، تحقيق و تعليق: عبدالله بن ابراهيم الانصارى و سيد عبدالعال السيد ابراهيم، الطبعة الاولى، قطر، على نفقه الشيخ خليفه بن حمد آل ثانى، ١٤٠٨هـ. ق.
٥٦. المساجد الأثرية فى المدينة المنورة، محمد الياس عبدالغنى، المدينة المنورة، مطابع الرشيد، ١٤١٩هـ. ق.

٥٧. معالم مكة التاريخيه و الاثريه، عاتق بن غيث البلادى، الطبعة الاولى، مكة المكرمة، دار مكة للنشر و التوزيع، ١٤٠٣هـ. ق.
٥٨. مكة المكرمة فى شذرات الذهب، عبدالعزيز صقر الغامدى، و محمد محمود السريانى، و معراج نواب ميرزا، الطبعة الاولى، مكة المكرمة، مطبوعات نادى مكة الثقافى، ١٤٠٥هـ. ق.
٥٩. مكتبه مكة المكرمة دراسه موجزه لموقعها و ادواتها و مجموعاتها، عبدالوهاب ابراهيم ابوسليمان، الطبعة الاولى، الرياض، مطبوعات الملك فهد الوطنيه، ١٤١٦هـ. ق.
٦٠. ملخص مناسك الحج و يليه دليل الآثار المطلوبه فى مكة المحبوه، عبدالملك بن عبدالقادر ابن على الطرابلسى، مكة المكرمة، مكتبه و مطبعه النهضه الحديثه، ١٤٠٧هـ. ق.
٦١. منائح الكرام فى اخبار مكة و البيت و ولاءه الحرم، على بن تاج الدين بن تقى الدين السنجارى، دراسه و تحقيق: جميل عبدالله محمد المصرى، الطبعة الاولى، مكة المكرمة، جامعه ام القرى، ١٤١٩هـ. ق.
٦٢. الموسوعه الحديثه، مسند الامام احمد بن حنبل. شارك فى التحقيق شعيب الارناؤوط و زملاءه، الطبعة الثانيه، الرياض، وزاره الشؤون الاسلاميه و الاوقاف و الدعوه و الارشاد، ١٤٢٠هـ. ق.
٦٣. نظم الدرر فى اختصار نشر النور و الزهر فى تراجم افاضل مكة من القرن العاشر إلى القرن الرابع عشر، [عبدالله غازى]، (نسخه خطى در اختيار مؤلف).
٦٤. النوزال الجديده الكبرى فيما لاهل فاس و غيرهم من البدو و القرى، ابو عيسى سيدى المهدي الوزانى، قابله و صححه؛ عمر بن عباد، الطبعة الاولى، المغرب، وزاره الاوقاف، ١٤١٧هـ. ق.
٦٥. هدايه السالك الى المذاهب الاربعه فى المناسك، عزالدين الكنانى ابن جماعه، تحقيق: نورالدين عتر، الطبعة الاولى، بيروت، دارالبشائر الاسلاميه، ١٤١٤هـ. ق.

روزنامه ها و مجلات

۱. [صحیفه عکاظ]، السنه الثانيه و الاربعون (1)، العدد ۱۲۵۸۹، الثلاثاء ۱۹ ذوالحجه، عام ۱۴۲۴هـ. ق، الموافق ۱۲ فبراير ۲۰۰۱م.
۲. صحیفه البلاد (عدد رقم ۹۹۸۱، السنه الخامسه عشره، الصادر يوم الاحد ۲۵ جمادى الاولى ۱۳۷۰هـ. ق الموافق ۴ مارس، ۱۹۵۱م).
۳. صحیفه عکاظ، السنه الاربعون، العدد ۱۱۵۶۹، السبت ۲۸ ذوالحجه ۱۴۱۸هـ، الموافق ۲۵ إبریل ۱۹۹۸م.
۴. مجله الازهر، القاهره، ربیع الأول سنه ۱۳۴۶هـ. ق.
۵. مجله البحوث الفقهيہ المعاصره، العدد التاسع و الاربعون، السنه الثالثه عشره، شوال، ذوالقعدہ، ذوالحجه ۱۴۲۱هـ. ق.

۱- اگر ۱۴۱۸، سال چهلم انتشار این نشریه باشد، بی تردید سال ۱۴۲۴ (شش سال بعد) چهل و دومین سال نشر آن نخواهد بود. به هر روی متن پریشان است. - م.

منابع و مراجع مترجم

الف. فارسی

۱. قرآن کریم، ترجمه غلامعلی حداد عادل، چاپ دوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰.
۲. قرآن کریم، ترجمه سید علی موسوی گرمارودی، ویراستاران حسین استاد ولی، سید حسین صدر الحفاظ، بهاءالدین خرمشاهی، چاپ دوم، تهران، قدیانی، ۱۳۸۴ ه. ش.
۳. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۴. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، چاپ پنجم، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۱ ه. ش.
۵. الاخبار الموفقیات، زبیر بن بکار، ترجمه و تحقیق: اصغر قائدان، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ ه. ش.
۶. اخبار مدینه ترجمه خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفی، علامه نورالدین سمهودی، [از مترجمی ناشناس از قرن دهم]. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: سید کمال حاج سید جوادی، چاپ اول، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۶ ه. ش.
۷. تاریخ آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، چاپ دوم، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۴ ه. ش.
۸. تاریخ مدینه منوره، ابن شبه، ابو زید عمر، ترجمه: حسین صابری، چاپ اول، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۰ ه. ش.
۹. تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه (۱۳۴۴ ه. ق)، احمد السباعی، ترجمه و تحقیق: رسول جعفریان. چاپ اول، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۵ ه. ش.
۱۰. توصیف آثار تاریخی مکه و مدینه و فلسفه مناسک حج در فتوح الحرمین، محی لاری، به کوشش رسول جعفریان، چاپ اول، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۳.

۱۱. «خانه حضرت خدیجه برترین مکان مکه پس از مسجدالحرام»، عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان، ترجمه: سید مرتضی حسینی فاضل، میقات حج، سال هیجدهم، شماره ۶۹، پاییز ۱۳۸۸.

۱۲. دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ه.ش.

۱۳. سیرت جاودان (ترجمه و تلخیص کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص))، علامه سید مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ه.ش.

۱۴. طبقات، محمد بن سعد واقدی، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ه.ش.

۱۵. کعبه و مسجدالحرام درگذر تاریخ، محمد طاهر کردی مکی، ترجمه: هادی انصاری، چاپ اول، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۸ه.ش.

۱۶. مخزن الاسرار، حکیم نظامی گنجوی، مقدمه حسین الهی قمشه ای، تصحیح و مقابله: عباس سرمدی، خط: عبدالله فرادی، تشعیر: اردشیر مجرد تاکستانی، چاپ اول، تهران، انجمن خوش نویسان ایران با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۷. وهابی گری، حامد الگار، ترجمه: احمد غایی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶ه.ش.

۱۸. همگام با پیامبر در حجه الوداع، حسین واثقی، چاپ اول، قم، نشر دانش حوزه، ۱۳۸۳.

۱۹. یگانه مولود کعبه، محمد علی اردوبادی، ترجمه: حسینعلی عربی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۷۹ه.ش.

ب. عربی

۲۰. ابن تیمیه حیاته - عقائده، صائب عبدالحمید، الطبعة الثانية، قم، دائره معارف الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت، ۱۴۱۴ه.ق.

٢١. اتحاف الساده المتقين بشرح احياء علوم الدين، السيد محمد بن محمد الحسيني الزبيدي، بيروت، دارالفكر، [بى تا].
٢٢. اتحاف الورى باخبار ام القرى، محمد بن محمد بن فهد، تحقيق: محمد فهيم شلتوت، مكه المكرمه، جامعه ام القرى، ١٤٢٦هـ. ق.
٢٣. الاحتجاج، ابى منصور احمد بن على بن ابى طالب (شيخ طبرسى)، تحقيق: ابراهيم البهدادى و محمد هادى به، با اشراف: جعفر سبحانى، چاپ دوم، دار الاسوه، ١٤١٦هـ. ق.
٢٤. اخبار مكه فى قديم الدهر و حديثه، الامام ابى عبدالله محمد بن اسحاق الفاكهى، دراسه و تحقيق: عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، الطبعة الاولى، بيروت، دار خضر، ١٤١٤هـ. ق.
٢٥. اخبار مكه و ما جاء فيها من الآثار، ابوالوليد محمد بن عبدالله بن احمد الازرقى، تحقيق: رشدى الصالح ملحس، الطبعة الاولى، قم، انتشارات شريف الرضى، ١٤١١هـ. ق.
٢٦. ارشاد السالك الى افعال المناسك، برهان الدين ابراهيم بن فرحون المدنى المالكى، دراسه و تحقيق: محمد بن الهادى ابوالاجفان، الطبعة الاولى، تونس، بيت الحكمة، ١٩٨٩م.
٢٧. الازرقى وموارده فى كتابه اخبار مكه و ما جاء فيها من الآثار، احمد هاشم محمد صالح السبعوى، الطبعة الاولى، بغداد، ديوان الوقف السنى، ١٤٣١هـ. ق.
٢٨. الاستيعاب فى معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد، تحقيق و تعليق: على محمد معوض، عادل احمد عبدال موجود، قدم له و قرظه محمد عبدالعظيم البرى، جمعه طاهر النجار، الطبعة الاولى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٥هـ. ق.
٢٩. الاصابه فى تمييز الصحابه، ابن حجر العسقلانى، شهاب الدين ابى الفضل احمد بن على، الطبعة الاولى، القايره، دار احياء التراث العربى، ١٣٢٨هـ. ق.
٣٠. اعلام الموقعين عن رب العالمين، ابن قيم الجوزيه، شمس الدين ابن عبدالله محمد بن ابى بكر، رتبه و ضبطه و خرج آياته: محمد عبدالسلام ابراهيم، الطبعة الاولى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٧هـ. ق.

٣١. اعلام النبوه، ابي الحسن على بن محمد الماوردي، ضبط نصه و خرج احاديثه و علق عليه خالد عبدالرحمن العك، الطبعه الاولى، بيروت، دارالنفائس، ١٤١٤هـ. ق/١٩٩٤م.
٣٢. اعمال ندوه مشكله الزحام فى الحج و حلولها الشرعيه، المجمع الفقهي الاسلامي، مكه المكرمه، رابطه العالم الاسلامي، ١٤٢٣هـ. ق.
٣٣. اعيان الشيعة، السيد محسن الامين، حققه واخرجه: حسن الامين، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، [بى نا].
٣٤. اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة اصحاب الجحيم، ابن تيميه، شيخ الاسلام احمد بن عبدالرحيم بن عبد السلام، تحقيق و تعليق: ناصر بن عبدالكريم العقل، الطبعه الاولى، الرياض، دارالفضيله، ١٤٢٤هـ. ق.
٣٥. امتاع الاسماع للنبي (ص) من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، تقى الدين احمد بن على ابن عبدالقادر بن محمد المقريزي، تحقيق و تعليق: محمد عبدالحميد النميسي، الطبعه الاولى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٠هـ. ق.
٣٦. ايضاح المكنون فى الذيل على كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، اسماعيل باشا بن محمد امين بن ميرسليم البابانى البغدادي. اعتنى به: عبدالقادر عطاء، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٩هـ. ق.
٣٧. بحار الانوار، محمدباقر المجلسي، الطبعه الاولى، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣هـ. ق.
٣٨. البدايه و النهايه، ابوالفداء الحافظ ابن كثير الدمشقي، دقق اصوله و حققه: احمد ابوملحم [وآخرون]، الطبعه الثانيه، بيروت، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٨هـ. ق.
٣٩. بلوغ المرام بالرحله الى بيت الله الحرام، المرادي، تحقيق و تقديم: محمد زينهم محمد عزب، الطبعه الاولى، القاهره، دار الثقافيه، ١٤٢٧هـ. ق.
٤٠. بلوغ المرام من ادله الاحكام، الحافظ ابي الفضل احمد بن حجر العسقلاني، حقق اصوله و علق عليه: محمد رضوان، [بى جا، بى نا، بى تا].
٤١. بيوت النبي و حجراتها وصفه معيشته فيها بيت عائشه انموذجاً، محمد بن فارس الجميل، الطبعه الاولى، الرياض، مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الاسلاميه، ١٤٣١هـ. ق.

٤٢. تاريخ آل سعود، ناصر السعيد، [بى جا]، منشورات اتحاد الشعب الجزيره العربيه، [بى تا].
٤٣. تاريخ العربيه السعوديه، آل كسى ميخائيلوويچ فاسيليف، ترجمه: خيرى الاضمن و جلال الماشطه، بيروت، دار الفارابى، ٢٠١١م.
٤٤. التاريخ القويم لمكه و بيت الله الكريم، محمد طاهر بن عبدالقادر الكردى المكى، بيروت، دار خضر، ١٤٢٠هـ. ق.
٤٥. تاريخ المدينه المنوره، ابو زيد عمر بن شبنه النميرى البصرى، حققه: فهيم محمد شلتوت، قم، دارالفكر، ١٤١٠هـ. ق.
٤٦. تاريخ عجائب الآثار فى الترحم و الاخبار، عبدالرحمان الجبرتى، بيروت، دارالجيل، [بى تا].
٤٧. تاريخ مدينه دمشق، ابوالقاسم على بن عساكر، تحقيق: على شيرى، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥هـ. ق.
٤٨. تاريخ مكه المشرفه و المسجدالحرام و المدينه الشريفه و القبر الشريف، الامام ابى البقاء محمد بن الضياء المكى الحنفى، تحقيق: علاء ابراهيم الازهرى و ايمن خضر الازهرى، الطبعة الاولى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٨هـ. ق.
٤٩. تاريخ مكه دراسات فى السياسه و العلم و الاجتماع و العمران، احمد السباعى، الطبعة الثامنه، مكه المكرمه، ١٤٢٠هـ. ق.
٥٠. التاريخ و المؤرخون بمكه من القرن الثالث الهجرى الى القرن الثالث عشر جمع و عرض و تعريف، محمد الحبيب الهيله، الطبعة الاولى، مكه المكرمه، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامى، ١٩٩٤م.
٥١. تبرك الصحابه بآثار رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و بيان فضل العظيم، محمد طاهر ابن عبدالقادر الكردى المكى، الطبعة الاولى، جده، دارالمنهاج للنشر و التوزيع.
٥٢. تحف العقول عن آل الرسول، ابو محمد الحسن بن على بن الحسين بن شعبه الحرانى، صححه و علق عليه على اكبر الغفارى، الطبعة الثانيه، قم، مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين، ١٤٠٤هـ. ق/١٣٦٣هـ. ش.

٥٣. تذكره الخواص، سبط ابن الجوزي، قم، الشريف الرضي، ١٤١٨هـ. ق.

٥٤. تعليق التعليق على صحيح البخاري، احمد بن علي بن حجر العسقلاني، دراسه و تحقيق: سعيد عبدالرحمان موسى القزقي، بيروت، المكتبة الاسلاميه، ١٤٠٥هـ. ق.

٥٥. تفصيل وسائل الشيعه الى تحصيل مسالك الشريعه، محمد بن الحسن الحر العاملي، الطبعة الثانيه، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٦هـ. ق.

٥٦. تلخيص الحبير في تخريج احاديث الرافي الكبير، شهاب الدين احمد علي بن حجر العسقلاني، اعداد: يوسف عبد الرحمان المرعشلي، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦هـ. ق.

٥٧. تهذيب الاسماء و اللغات، ابي زكريا محيي الدين بن شرف النووي، بيروت، دارالكتب العلميه، [بي تا].

٥٨. الجامع الصحيح و هو سنن الترمذي، ابو عيسى محمد بن عيسى بن سوره، تحقيق و شرح: احمد محمد شاكر، بيروت، دار احياء التراث العربي، [بي تا].

٥٩. الجامع الطيف في فضل مكه و اهلها و بناء البيت الشريف، جمال الدين محمد جار الله بن محمد نورالدين ابن ظهيره القرشي المخزومي، الطبعة الاولى، القايره، مطبعه عيسى البابي الحلبي و شركاه، ١٣٥٧هـ. ق.

٦٠. جذور الارهاب في العقيدة الوهابيه، احمد محمود صبحي، اشرف السيد والي الزامل، الطبعة الاولى، بيروت، دار الميزان، ١٤٢٩هـ. ق/٢٠٠٨م.

٦١. جمهره نسب قريش و اخبارها، زبير بن بكار، شرح و تحقيق: محمود محمد شاكر، القايره، مكتبه دارالعربيه، ١٣٨١هـ. ق.

٦٢. الحيوان، ابي عثمان عمرو بن بحر الجاحظ، تحقيق و شرح: عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الاولى، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٣٨٨هـ. ق.

٦٣. الخرايج و الجرايح، قطب الدين الراوندي، تصحيح: رباني، قم، انتشارات مصطفوي، بي تا.

٦٤. خلاصه الوفاء باخبار دار المصطفى، السمهودي، علي عبدالله بن احمد الحسن، تحقيق: علي عمر، الطبعة الاولى، القايره، مكتبه الثقافه الدينيه، ١٤٢٧هـ. ق.

٦٥. الدر المنثور بآثار المصطفى ومدينه الرسول صلى الله عليه وآله وسلم، محمد على صالح قزنى، القايره، دار جوامع الكلم، ٢٠٠٦م.
٦٦. الدرر السنیه فی الرد على الوهابیه، احمد زینى دحلان، ترکیه، ایشیق، ١٩٧٦م.
٦٧. الدرر الكامنه فی اعیان المائه الثامنه، شهاب الدین احمد بن علی بن محمد بن حجر العسقلانى، طبقه و صححه: عبدالوارث محمد علی، الطبعة الاولى، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٨هـ. ق.
٦٨. دلائل النبوه، ابى نعیم احمد بن عبدالله الاصبهانى، الطبعة الاولى، بیروت، عالم الکتب، ١٤٠٩هـ. ق/١٩٨٨م.
٦٩. دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین للامام النووى، محمد بن علی بن علان الصدیقى، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٠٥هـ. ق.
٧٠. دیوان ابى طالب عم النبى صلى الله عليه وآله وسلم، جمعه و شرحه محمد التونجى، [الطبعة الاولى]، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٢٩هـ. ق/٢٠٠٨م.
٧١. دیوان الحسن بن هانى ابى نواس، حققه و شرحه احمد عبدالمجید الغزالی، راجعه و فهرسه احمد ابراهیم زهوه، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٢٥هـ. ق/٢٠٠٥م.
٧٢. دیوان، امرئ القیس، شرح محمد الاسکندرانی و نهاد رزوق، [الطبعة الاولى]، بیروت، دار الکتب العربی، ١٤٢٥هـ. ق / ٢٠٠٤م.
٧٣. دیوان، بشار بن برد، جمع و تحقیق و شرح: محمد الطاهر بن عاشور، الطبعة الاولى، القايره، دارالسلام، ١٤٢٩هـ. ق.
٧٤. دیوان، مجنون لیلی، شرح یوسف فرحان، [الطبعة الاولى]، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٢٧هـ. ق/٢٠٠٧م.
٧٥. دیوان، دعبل بن علی الخزاعی، صنعه عبدالکریم الاشر، الطبعة الاولى، قم، مکتبه الحیدری، ١٤٢٧هـ. ق/١٣٨٥هـ. ش.
٧٦. رحله الحاج من الزبیر الى البلد الحرام، سعد بن احمد الربیع، اعدھا لنشر سعود بن عبدالعزیز الربیع، الطبعة الاولى، بیروت، الدار العربیه للموسوعات، ١٤٣٢هـ. ق/٢٠١١م.

٧٧. رحله، ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهيم اللمواتى الطنجى بيروت، دارصادر، ١٤١٢هـ. ق.
٧٨. رحله، ابن جبير، ابن الحسين محمد بن احمد بن جبير الكنائى رواندى البانسى، طبعه و وضع فهارسه: محمد زينهم، القايره، دارالمعارف، [٢٠٠٠م].
٧٩. الرد على الوهابيه، محمد جواد البلاغى، تحقيق: سيد محمد على الحكيم، الطبعا الاولى، قم، مؤسسه آل البيت: لاهياء التراث، ١٤١٩هـ. ق.
٨٠. الرد على فتاوى الوهابيه، سيد حسن صدر كاظمينى، تحقيق: سيد محمود مرعشى نجفى، چاپ اول، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٣٠هـ. ق.
٨١. الروض الأئف فى شرح السير النبويه لابن هشام، الامام المحدث عبدالرحمان السهيلي، تحقيق و تعليق و شرح: عبدالرحمان الوكيل، الطبعة الاولى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٢هـ. ق.
٨٢. زاد المعاد فى هدى خير العباد، شمس الدين ابى عبدالله محمد بن ابى بكر الزرعى الدمشقى (ابن قيم الجوزيه)، حقق نصوصه و خرج احاديثه و علق عليه: الشيخ عبدالقادر عرفان العشا حسونه، الطبعة الاولى، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥هـ. ق.
٨٣. الزهور المقتطفه من تاريخ مکه المشرفه، الامام العلامة الحافظ ابى الطيب تقى الدين محمد ابن احمد بن على القرشى الهاشمى الحسينى الفاسى، حققه و علق عليه: اريب محمد الغزاوى، قرأه و قدم له: محمود الارناؤوط، بيروت، دارصادر، ٢٠٠٠م.
٨٤. زوايا التصوف و الصوفيه المسمى: خبايا الزوايا، حسن بن على العجيمى، تصحيح و ضبط: احمد عبدالرحيم السايح، توفيق على وهبه، القايره، مكتبه الثقافه الدينيه، ١٤٣٠هـ. ق.
٨٥. سبل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد، محمد بن يوسف الصالحى الشامى، تحقيق و تعليق: عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٤هـ. ق.
٨٦. السلفيه مرحله زمنيہ مبارکه لا مذهب اسلامى، محمد سعيد رمضان البوطى، بيروت، دارالفكر، ١٤١٨هـ. ق.

٨٧. السيد رشيد رضا او اخاء اربعين سنه، الامير شكيب ارسلان، قرأه و علق عليه: مدحت يوسف السبع، الطبعة الاولى، القايره، دارالفضيله، [بى تا].

٨٨. سير اعلام النبلاء، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان الذهبى، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠١هـ. ق.

٨٩. شرح الزرقانى على موطأ الامام مالك، سيدى محمد الزرقانى، صحح الاصل: نخبه من علماء الازهر الشريف، القايره، مكتبه و مطبعه المشهد الحسينى، [بى تا].

٩٠. الشفا بتعريف حقوق المصطفى، ابى الفضل عياض بن موسى بن عياض التحصبى القاضى عياض، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت، دارالكتاب العربى، [بى تا].

٩١. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، الامام العلامه الحافظ ابى الطيب تقى الدين محمد بن احمد ابن على المكى المالكى الفاسى، نسخ الاصل و قابله على النسخ: ايمن فؤاد سيد، حقه و علق عليه و وضع فهارسه: مصطفى محمد الذهبى، الطبعة الثانيه، مكه المكرمه، مكتبه و مطبعه النهضه الحديثه، ١٩٩٩م.

٩٢. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، الحافظ ابى الطيب تقى الدين محمد الفاسى، تحقيق: على عمر، الطبعة الاولى، القايره، مكتبه الثقافه الدينيه، ١٤٢٨هـ. ق.

٩٣. الشيعة فى المملكه العربيه السعوديه، حمزه الحسن، الطبعة الثانيه، بيروت، دارالساقى، ٢٠١٢.

٩٤. صحيح البخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن المغيره بن بردزيه البخارى الجعفى، شرح و تحقيق: قاسم الشماعى الرفاعى، بيروت، دارالقلم، ١٤٠٧هـ. ق.

٩٥. صحيح مسلم، ابى الحسين مسلم بن الحجاج القشبرى النيسابورى، تحقيق و تعليق: موسى شاهين لاشين و احمد عمر هاشم، الطبعة الاولى، بيروت، مؤسسه عز الدين، ١٤٠٧هـ. ق.

٩٦. الصحيح من سيره النبى الاعظم (ص) دراسه و تحليل، جعفر مرتضى العاملى، الطبعة الثانيه، قم، جامعه المدرسين، ١٤٠٢هـ. ق.

٩٧. الصواعق الالهيه فى الرد على الوهابيه، سليمان بن عبدالوهاب، الطبعة الاولى، تهران، دار الهدايه، ١٤٢٠هـ. ق.

٩٨. طبقات الشافعية الكبرى، تاج الدين ابو نصر عبدالوهاب بن على بن عبد الكافى السبكي، تحقيق: عبدالفتاح محمد الحلو و محمود محمد الطناحي، القاهرة، دار احياء التراث العربيه، [بى تا].

٩٩. طبقات الشافعية، ابوبكر بن احمد بن محمد بن عمر بن محمد نقى الدين ابن قاضى شهبه الدمشقى، رتب فهارسه: عبدالله انيس الطباع، الطبعة الاولى، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٧هـ. ق.

١٠٠. طبقات الشافعية، جمال الدين عبدالرحيم بن الحسن الاسنوى، تحقيق: عبدالله الجبورى، الطبعة الاولى، بغداد، مطبعة الارشاد، ١٣٩١هـ. ق.

١٠١. عده الانابه فى اماكن الاجابه، السيد عفيف الدين ابى السياده عبدالله بن ابراهيم بن حسن ابن محمد امين ميرغنى الحسنى المتقى المكي الطائفى الحنفى (الملقب بالمحجوب)، تحقيق عبدالله نذير احمد مزى، الطبعة الاولى، مكة المكرمة، المكتبة المكيه، ١٤٢٩هـ. ق/٢٠٠٨م.

١٠٢. العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين، تقى الدين محمد بن احمد الحسنى الفاسى، تحقيق و تعليق و دراسه: محمد عبدالقادر احمد عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٩هـ. ق.

١٠٣. الغدير فى الكتاب و السنه والادب، عبدالحسين احمد الامينى، الطبعة الاولى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٦هـ. ش.

١٠٤. فتح البارى شرح صحيح البخارى، احمد بن على بن حجر العسقلانى، طبعه جديده منقحه و مصححه عن الطبعة التى حقق اصلها و رقم كتبها و ابوابها و احاديثها عبد العزيز بن عبدالله ابن باز و محمد فؤاد عبدالباقي، الطبعة الثانية، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٨هـ. ق.

١٠٥. الفتوحات الربانيه على الاذكار النواويه، محمد بن على بن علان الصديقى، الرياض، المكتبة الاسلاميه، [بى تا].

١٠٦. فضائل مكة و سكن فيها، الحسن البصرى، تحقيق و تعليق و تقديم: محمد زينهم محمد عزب، القاهرة، مكتبة الثقافه الدينيه، ١٤١٥هـ. ق.

١٠٧. فى منزل الوحي، محمد حسين هيكل، القاهرة، دار المعارف المصريه، ٢٠٠٢م.

١٠٨. القول الفصل فى حكم الاحتفال بمولد خير الرسل (ص)، اسماعيل بن محمد الانصارى، الطبعة الاولى، الرياض، مكتبه الرشد، ١٤٣٠هـ. ق.
١٠٩. كتاب اسماء جبال تهامه و جبال مكه و المدينه و ما فيها من القرى و ما ينبت عليها من الاشجار و ما فيها من المياه، عرام بن الاصبع السلمى، تحقيق و تعليق محمد صالح سناوى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٠هـ. ق/١٩٩٠م.
١١٠. كتاب التعريفات، ابن الحسن على بن محمد الحسنى الجرجانى، وضع حواشيه و فهارسه: محمد باسل عيون السود، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٣هـ. ق.
١١١. كتاب الحرمين الشريفين والتاريخ، يحيى بن حمزه الوزنه، الطبعة الاولى، القايره، مكتبه الثقافه الدينيه، ١٤٢٨هـ. ق.
١١٢. كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، مصطفى بن عبدالله القسطنطينى الرومى المتقى الشهير بالكاتب الجبلى (حاجى خليفه)، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٣هـ. ق.
١١٣. لفته الكبد الى نصيحه الولد، ابى الفرج عبدالرحمان بن على بن محمد بن على بن الجوزى، تحقيق: عبدالغفار سليمان البغدادى، الطبعة الاولى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٧هـ. ق.
١١٤. مؤلفات ابن الجوزى، عبدالحميد العلوجى، بغداد، وزاره الثقافه والارشاد، ١٣٨٥هـ. ق.
١١٥. مروج الذهب و معادن الجواهر، ابى الحسن على بن الحسين بن على المسعودى، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩هـ. ق.
١١٦. المستدرک على الصحيحين، ابو عبدالله الحاكم النيشابورى، اشراف: يوسف عبدالرحمان المرعشلى، بيروت، دارالمعرفه، [بى تا].
١١٧. المعالم العمرانيه فى مكه المكرمه فى القرنين الاول والثانى، صالح احمد العلى، بغداد، مطبعه المجمع العلمى العراقى، ١٤١٠هـ. ق.
١١٨. معالم مكه و المدينه بين الماضى و الحاضر، يوسف رغد العاملى، الطبعة الاولى، بيروت، دار المرتضى، ١٤١٨هـ. ق.

١١٩. معجم المؤلفين تراجم مصنفى الكتب العربيه، عمر رضا كحاله، بيروت، دار احياء التراث العربيه، [بى تا].
١٢٠. معجم ما الفه علماء الامه الاسلاميه للرد على خرافات الدعوه الوهايه، السيد عبدالله محمد على، تراثنا، العدد ٧، ١٤٠٩هـ. ق.
١٢١. معجم معالم الحجاز، عاتق بن غيث البلادى، الطبعة الاولى، مكه المكرمه، دار مكه للنشر والتوزيع و بيروت، مؤسسسه الريان للطباعه والنشر والتوزيع، ١٤٣١هـ. ق.
١٢٢. المفصل فى تاريخ العرب، على جواد، الطبعة الاولى، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٧٦م.
١٢٣. مكه المكرمه التفاعل الحضارى فى المكان المقدس، ليلي بنت صالح محمد زعزوع، الرياض، الدار العربيه للعلوم، ١٤٢٦هـ. ق.
١٢٤. مكه المكرمه و الكعبه المشرفه فى كتب الرحاله المسلمين، على الشنوفى، الطبعة الاولى، تونس، مؤسسسه الوطنيه للترجمه و التحقيق و الدراسات (بيت الحكمه)، ١٩٨٩م.
١٢٥. من المساجد و المزارات فى الحرمين الشريفين، سيد محمد الحسينى الشيرازى، الطبعة الاولى، كربلا، دار العلوم، ١٤٢٧هـ. ق.
١٢٦. مناقح الكرام فى اخبار مكه و البيت و ولاءه الحرم، على بن تاج الدين بن تقى الدين السنجارى، دراسه و تحقيق: جميل عبدالله محمد المصرى، الطبعة الاولى، مكه المكرمه، جامعه ام القرى، ١٤١٩هـ. ق.
١٢٧. مناقب آل ابى طالب، ابوجعفر رشيد الدين محمد بن على بن شهر آشوب السروى المازندراني، قم، المطبعه العلميه، [بى تا].
١٢٨. مناقب امير المؤمنين على بن ابى طالب (ع)، ابن المغازى، ابوالحسن على بن محمد الواسطى الجلالى الشافعى، تصحيح و تنظيم: كاظم العزاوى، الطبعة الاولى، قم، انتشارات سبط النبى (ص)، ١٤٢٦هـ. ق.
١٢٩. موسوعه مرآه الحرمين الشريفين و جزيره العرب، ايوب صبرى باشا، اشرف على ترجمتها: محمد حرب، الطبعة الاولى، القاهره، دار الآفاق العربيه، ١٤٢٤هـ. ق.
١٣٠. الموطأ، مالك بن انس، بمراجعته و اشراف نخبه من العلماء، بيروت، دارالجليل، [بى تا].

١٣١. مولد امير المؤمنين (ع) نصوص مستخرجه من التراث الاسلامي، احمد باكتجي، الطبعة الاولى، قم، مؤسسه العالميه لنهج البلاغه، ١٤٢٤هـ. ق.

١٣٢. نصيحه لاخواننا علماء نجد، يوسف بن هاشم الرفاعي، تقديم: محمد سعيد رمضان البوطي، دمشق، دار اقراء، ١٤٢٠هـ. ق.

١٣٣. نقد الشيخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، عصام يحيى على العماد، الطبعة الاولى، قم، منشورات الاجتهاد، ٢٠٠٨م.

١٣٤. نقض الوهابيه، احمد راسم النفيس، الطبعة الاولى، [بيروت]، دارالميزان، ١٤٣١هـ. ق/٢٠١٠م.

١٣٥. هديه العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين من كشف الظنون، اسماعيل باشا البغدادي، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٣هـ. ق.

١٣٦. وفاء الوفا باخبار دار المصطفى، نورالدين علي بن عبدالله السمهودي، تحقيق و تقديم: قاسم السامرائي، الطبعة الاولى، جده، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامي، ١٤٢٢هـ. ق.

١٣٧. الوهابيه فكراً و ممارسه، محمد عوض الخطيب، الطبعة الثالثه، بيروت، مركز الغدير للدراسات والنشر والتوزيع، ١٤١٣هـ. ق/٢٠١١م.

نمایه ها

اشاره

الف) نمایه آیات

ب) نمایه روایات

ج) نمایه اشعار

د) نمایه نوشتارها

ه) نمایه کسان

و) نمایه مکان ها

ز) نمایه ملل و نحل، رویدادهای تاریخی، اقوام، نهادها، اشیای تاریخی، ...

ح) نمایه اصطلاحات

الف) نمایه آیات

وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا (بقره، ١٢٥)، ١٤

وَ لَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلِ اللَّهِ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا... (انعام، ١٠-١١)، ٤٦

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ... (اعراف، ١٧٢)، ١٣٦

... فَلَا تَطْلُمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ... (توبه، ٣٦)، ١٤٩

إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ (توبه، ٤٠)، ١٤١

... إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا... (توبه، ٤٠)، ٧٤

وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غَزَلُهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ... (نحل، ٩٢)، ٧٠

... قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (كهف، ٢١)، ١٤

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى... (اسراء، ١)، ١٤٦

وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (مرسلات، ١)، ٨٨

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... (علق، ١٤)، ٦٥

(ب) نمایه روایات

آیا نمی نگرید که خداوند سبحان، پیشینیان از آدم (ع) تا... ۱۳۶

این سنگ را دو دیده و دو زبان است... ۱۳۶

پیامبر اکرم (ص) در [محل] مسجد جن بود و از درختی که [در محل] مسجد بود، چیزی پرسید؛ درخت با پی و ریشه اش راه افتاد و نزد پیامبر (ص) آمد، حضرت هرچه خواست، از او پرسید، آن گاه دستور داد به جای خود باز گردد. ۶۱

چنین مگو که سود و زیان می رساند... ۱۳۵

حجرالاسود را فرشتگان از آسمان به زمین آورده اند، ۱۳۶

حجرالاسود دست راست خداوند در زمین است، ۱۳۶

رسول خدا (ص) بر کوه حرا بود. ناگاه کوه جنیید. رسول خدا (ص) گفت: «حرا آرام باش، که جز پیامبری یا صدیقی یا شهیدی بر تو نیست... ۱۴۹

شب هنگام فرستاده ای از پروردگرم نزد من آمد و گفت: در این مکان مبارک نماز بگذار و بگو عمره ای در حجی است... ۱۴۸

من نیک می دانم که تو سنگی، نه بهره می دهی،... ۱۳۵

هر که بر پیامبر اکرم (ص) [دانسته] چیزی ببندد جایش در آتش است، ۱۱۸

(ج) نمايه اشعار

أَحِبُّ الْحَمَى مِنْ أَجْلِ مَنْ سَكَنَ الْحَمَى وَمِنْ أَجْلِ أَهْلِهَا تُحِبُّ الْمَنَازِلُ

١٩

إِذَا قَيْسٌ إِحْسَانُ أَمْرِي بِإِسَاءَةٍ فَأَرْبَى عَلَيْهَا فَالْإِسَاءَةُ تُغْفَرُ

١١

أَمُرُّ عَلَى الدِّيَارِ دِيَارِ لَيْلَى

١٩

التَّرْكُ لَيْسَ بِحُجَّةٍ فِي شَرْعِنَا

١٥٢

تِلْكَ آثَارُنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا فَانظُرُوا بَعْدَنَا إِلَى الْآثَارِ

١٣

ثُمَّ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ خَيْرُ الْأَنَامِ وَمَنْ بِهِ يُسْتَشْفَعُ

٣٣

جَزَمَ الْجَمِيعُ بَأَنَّ خَيْرَ الْأَرْضِ مَا

١٥

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ

كَذَا لَدَى الثَّلَاثِ مِنْ جَمَرَاتِ

١٠٦

دُعَاءِ الْبَرَايَا يُسْتَجَابُ بِكَعْبِهِ

١٠٢

رُؤْيَاهُ بَيْتِ ثَمَّ حَجْرٍ وَ سَدْرِهِ وَ رُكْنِ يَمَانٍ مَعِ مِنِّي لَيْلَةَ الْقَمَرِ

١٠٣

سَأَحْمِلُ مِنْ تُرَابِكَ فِي رِحَالِي لِكَيْ أُغْنِيَ بِهِ عَنْ كُلِّ طِيبٍ

١٩

شَرَفِ الْمَحَلِّ بِقَدْرِ مَنْ قَدْ حَلَّهُ

١٥

عَلَى رَأْسِ هَذَا الْكَوْنِ نَعْلُ مُحَمَّدٍ

٢٠

فَكَأَنَّكَ قَدْ أَعْلَمْتَ بِالْمَوْتِ حَتَّى تَزَوَّدْتَ لَهُ مِنْ خِيَارِ الزَّادِ

٢٠٧

قَدْ ذَكَرَ النَّقَّاشُ فِي الْمَنَاسِكِ

١٠٥

قِفَا نَبِكَ مِنْ ذِكْرِ حَبِيبٍ وَ عِرْفَانٍ وَ رَسَمٍ عَفَتْ آيَاتُهُ مِنْذُ أَرْمَانِ

۲۹

قُلْ لِمَنْ يَبْكِي عَلَى رَسْمِ دَرَسٍ وَاقِفًا، مَا ضَرَّ لَوْ كَانَ جَلَسَ

۲۰

كُحِلَتْ بِمَنْظَرِ الْعُيُونِ عَمَائِهِ وَ أَصَمَّ نَعْيِكَ كُلَّ أُذُنٍ تَسْمَعُ

۱۴

گم شده هر که چو یوسف بود گم شدنش جای تأسف بود

۱۵

مَاذَا عَلَى مَنْ شَمَّ تُرْبَهُ أَحْمَدُ إِنْ لَا يَشُمُّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا

صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبٍ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَى الْآيَامِ صِرُونَ لِيَالِيَا

۱۹

مَنْ زَارَ قَبْرَ مُحَمَّدٍ

۱۶

وَ مَوَاطِئِ إِبْرَاهِيمَ فِي الصَّخْرِ رَطْبَهُ عَلَى قَدَمِيهِ حَافِيًا غَيْرَ نَاعِلِ

۱۴

وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ كَبْشًا جَمِيلًا فَذَبَّحَهُ بَدَلًا مِنْهُ فِي الْحَالِ

۶۲

وَ نَعْلُهُ الْكَرِيمِ الْمَصُونَهُ طُوبَى لِمَنْ مَسَّ بِهَا جَبِينَهُ

۱۹

يَوْمَ الْبَيْعِ لَقَدْ جَلَّتْ مُصِيبَتُهُ

(د) نمايه نوشتارها

قرآن، ١٤، ١٤٦، ١٩٨، ٢٠٧، ٢٠٨، ٢١٥، ٢٢٢، ٢٢٧، ٢٣٠، ٢٣١

نهج البلاغه، ٦١، ٧٢، ٩٣، ١٣٦

الآثار النبويه بالمدينه المنوره وجوب المحافظه عليها و جواز التبرك بها، ١٥٨

الآثار و المشاهد و اثر تعظيمها على الامه الاسلاميه، ١٤٥

ابن تيميه حياته - عقائده، ٢٠٢

اتحاف الساده المتقين بشرح احياء علوم الدين، ١٥٤

اتحاف فضلاء الزمن بتاريخ ولايه بنى الحسن، ١٦٣، ١٦٤

اتحاف الورى باخبار ام القرى، ٦٦

الاحتجاج، ١٤٩

اخبار مكه فى قديم الدهر وحديثه، ٥٣، ٦١، ٦٩، ٧٠، ٧١، ٧٣، ٧٤، ١١٩، ١٥١، ١٨٩، ١٩٠

اخبار مكه و ما جاء فيها من الآثار، ٢٢، ٥٣، ٥٥، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٣، ٦٤، ٦٥، ٦٧، ٦٨، ٦٩، ٧١، ٧٣، ٧٩، ٩٣

١١٩، ١٣٦، ١٥١، ١٨٨

الاخبار الموفقيات، ٥٣

اختصار نشر النور و الزهر فى تراجم افاضل اهل مكه من القرن العاشر الى القرن الرابع عشر، ٢٣٥

الارج المسكى فى التاريخ المكى و تراجم الملوك و الخلفاء، ٢٣، ٩٤، ٩٥، ١٢٣، ٢١٨، ٢٢١

ارشاد السالك الى افعال المناسك، ٢٦، ١١٢، ١١٣، ١٢١، ٢١٤

ارشاد العباد الى معرفه طرق الاسناد، ٢٣٢، ٢٣٥

الازرقى و موارد في كتابه اخبار مكه و ما جاء فيها من الآثار، ٥٣

ازهار الرياض فى اخبار القاضى عياض، ٢١٢

اسباب العنايه فى ترجمه بدايه النهايه، ٢٣٧

الاستعارات، ٢٢٨

الاستيعاب فى معرفه الاصحاب، ٢١، ٥٠

اسماء جبال تهامه و جبال مكه و المدينه و ما فيها من القرى و ما ينبت عليها من الاشجار و ما فيها من المياه، ٩٢

الاصابه فى تمييز الصحابه، ٥٠

الاعلام، ١٨٨، ١٩١، ٢١٠، ٢١١، ٢١٨، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٣٠

الإعلام بأعلام بيت الله الحرام فى تاريخ مكة المشرفة، ٢٣، ٤٢، ٩٤، ١٦٧، ٢٢١

الاعلام بالتويخ لمن ذم التاريخ، ٤٦

اعلام الموقعين عن رب العالمين، ١٢٧

اعلام النبوه، ٦١

اعمال ندوه مشكله الزحام فى الحج و حلولها الشرعيه، ٦٨

ايعان الشيعة، ١٥، ١٢٨

افاده الانام بذكر اخبار بلد الله الحرام مع تعليقه المسمى باتمام الكلام، ٢٤، ٩٧، ٩٨، ٢٢٩، ٢٣٠، ٢٣٥

اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة اصحاب الجحيم، ١٣٩، ١٤٢

اقرب المسالك، ٢٢٧

الاقوال المعرفه بفضائل اعمال عرفه، ٢٢٤

الاقوال المعلمه فى وقوع الكعبه المعظمه، ٢٢٠

ألويه الشريف بالأعلام و التعريف بمن له ولايه عماره ما سقط من البيت الشريف، ٢٢٤

امتاع الاسماء بما للرسول من الابناء و الاحوال و الحفده و المتاع، ٢١، ٥١

الانابه فى اماكن الاجابه، ١٠٢، ١٠٦

انباء المؤيد الجليل مراد ببناء بيت الوهاب الجواد و خزانه السلطان مراد، ٢٢٤

انس المحاضره بما يستحسن فى المذاكره، ٢١١

الانصاف فى مسائل الخلاف، ١٩٦

الايضاح على مذاهب الاثمه الاربعه، ١٩٧

الايضاح فى مناسك الحج و العمره، ٢٦، ١١٣، ١٢٠، ١٩٩

ايضاح المكنون، ٢٢٠

باب الكعبه و سقفها و السطوح، ٢٢٤

بحار الانوار، ١٣٦

بحر الدموع، ١٩٥

البحر العميق [في مناسك العمرة و الحج الى بيت الله العتيق]، ٢٥، ٢٦، ١١٠، ١١١، ١٢٢، ١٢٦، ٢١٥، ٢١٦، ٢١٧، ٢٢١، ٣٣٣

البدايه و النهايه، ١٩٣، ١٩٧، ١٩٨، ٢٠٧

البركه و التبرك من ذهبيات الحافظ الذهبي قراءه عابره في سير اعلام النبلاء، ١٥٨

بستان الواعظين، ١٩٥

بغيه الظرفا في معرفه الردفا، ٢٢٤

البلاد، (نشره)، ١٢٨، ٢٣٤

بلوغ المرام بالرحله الى بيت الله الحرام، ٧٠

بلوغ المرام من ادله الاحكام في علم الحديث، ٢٣١

بهجه النفوس و تحليلها بمعرفه ما لها و ما عليها شرح مختصر صحيح البخارى، ١٤٨، ١٤٩

بيان الفرائض شرح بديع الفرائض، ٢٣٦

البيان و الاعلام فى توجيه فريضه عماره الساقط من البيت لسلطان الاسلام، ٢٢٤

بيت السيده خديجه رضى الله عنها على مر العصور، دراسه توثيقه، ١٦٢

البيتين فى تراجم الطبريين، ٢١٩

بيوت النبى وحجراتها و صفه معيشته فيها: بيت عائشه انموذجاً، ٤٤

تاريخ العربيه السعوديه، ١٦

تاريخ عماره المسجد الحرام، ٢٣١

التاريخ القويم لمكه و بيت الله الكريم، ٢٢٩، ٢٣٠، ٢٣١، ٢٣٤

تاريخ الكعبه المعظمه، ٢٢٩

تاريخ مدينه دمشق، ١٩

تاريخ المدينه المنوره، ١٥١

تاريخ مكه، ٥٩، ٢١٩، ٢٢٩

تاريخ مكه از آغاز تا پايان دولت شرفاى مكه، ٢٠٠

تاريخ مكه المشرفه و المسجد الحرام و المدينه الشريفه و القبر الشريف، ٢٤، ٩٩، ٢١٧

تاريخ مكه المكرمه، ٢٣٣

التاريخ و المؤرخون بمكه من القرن الثالث الهجرى الى القرن الثالث عشر، ٥٣، ٥٤، ٥٥، ٦٩

تبرك الصحابه بآثار رسول الله (ص) و بيان فضله العظيم، ١٢، ١٣، ١٧، ٢٠، ١٥٨

تبصره الحكام فى اصول الافضيه و مناهج الاحكام، ٢١٤

تحرير ما وقع فى عماره البيت، ٢٢٣

تحصيل المرام فى اخبار البيت الحرام و المشاعر العظام و مكه و الحرم و ولايتها الفخام، ٢٣، ٩٦، ٩٧، ١٢٣، ٢٢٦، ٢٢٨، ٢٢٩

تحصيل المرام فى تاريخ البلد الحرام، ٢١٣

تحف العقول عن آل الرسول، ١١٨

تحفه الانام فى مآثر البلد الحرام، ٢٥، ١٠٣، ١٠٤

تحفه الكرام باخبار البلد الحرام، ٢١٣

تحفه الكرام بأخبار عماره السقف و الباب لبيت الله الحرام، ٢٢٠

تخريج احاديث الرافعى، ٢١٠

تذكره الحفاظ، ١٥٧، ١٩٨، ٢٠٠، ٢٠١

تذكره الخواص، ٨٦

تراثنا، (مجله)، ١٧

ترتيب موضوعات الفقه الاسلامى و مناسباته فى المذاهب الاربعه، ٣١

التساعيات فى الحديث، ٢١٠

التشكيك فى الآثار يشوش أذهان الناس، (مقاله)، ١٨

تشنيط الفؤاد من تذكارة علوم الاسناد، ٢٣٥

تشنيف الاسماع، ٢٣١، ٢٣٣، ٢٣٤، ٢٣٦

تعليق على مواضع من منهاج الطالبين، ٢١٠

ص: ٢٧٠

تغليق التعليق على صحيح بخارى، ١٨٩، ١٩٠

تفسير نسفى، ٢٣٢

التفسير، ٢٢٣

تكملة المناسك، ٢٣٧

تمزيح الوصايا من خبايا الزوايا، ٢٢٢

تنزيه المسجد الحرام عن بدع جهله العوام، ٢١٦

تنشيط الفؤاد من تذكار علوم الاسناد، ٢٣٢

توثيق السنه النبويه وعنايه السلف به ملامح عن المنهج و دلائله و مظاهره و اثره، ٥٢

توضيح المناسك، ٢٢٨

تهذيب الاسماء و اللغات، ٦٧، ٩٠، ١٤١

تهذيب التهذيب، ١٥٧

الثبت الكبير، ٢٣٣

الجامع الصحيح و هو سنن الترمذى، ١٥٢

الجامع لاحكام القرآن، ١٤٧

الجامع اللطيف فى فضل مكه و اهلها و بناء البيت الشريف، ٢٣، ٢٦، ٧٠، ٨٨، ٨٩، ٩٠، ٩١، ٩٢، ٩٣، ٩٤، ١٢٣، ١٢٥، ١٢٦، ١٦٠،

١٦١، ٢٢١، ٢٢٢

الجامع المختصر، ١٩٥

جامع المسانيد، ١٩٥

جذور الارهاب فى العقيدة الوهابيه، ١٧

جمهره نسب قريش و اخبارها، ٥٣

الجواهر السنيه فى السيره النبويه، ٢١٣

الجواهر المنظمه بفضيله الكعبه المعظمه، ٢٢٠

حاشيه الصفتي، ٢٢٧

حاشيه العلامه ابن حجر الهيتمي على شرح الايضاح فى مناسك الحج، ١١٣

حجه الوداع، ٤٣، ١٤٨

الحدائق، ١٩٥

حكم زياره اماكن السيره النبويه، ١٤٥

حليه الابرار و شعار الاخير فى تلخيص الدعوات و الاذكار، ١٠٥، ١٠٦

الحيوان، ١١

خانه خديجه بهترين مكان پس از مسجدالحرام، ٨٤

الخرايج و الجرايح، ١٤٩

خريده القصر و جريده العصر، ١٩٢

خلاصه الكلام فى امراء البلد الحرام، ٢٢٧

خلاصه الوفا [باخبار دار المصطفى]، ١٢٢، ٢١٧، ٢١٨

خلاصه سير سيدالبشر، ٢٠١

دائره المعارف بزرگ اسلامى، ٢٠٢

دانشنامه بزرگ مکه مكرمه و مدينه منوره، ١٨

الدر المنثور بآثار المصطفى و مدينه الرسول صلى الله عليه و آله و سلم، ٢٠، ٥٨، ١٥٦، ١٥٨

الدره الثمينه فى اخبار المدينه، ١٥٢

ص: ٢٧١

دره الغواص فى محاضره الخواص، ٢١٤

الدره المكمله فى فتح مكه المشرفه المبجله، ٥٩

الدرر السنيه فى الرد على الوهابيه، ١٦، ١٧، ٢٠، ٢٢٧

الدرر الكامنه فى اعيان المائه الثامنه، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٥

دستور الإعلام بمعارف الأعلام، ١٨٨

دلائل النبوه، ٦١

دليل الفالحين لطرق رياض الصالحين و هو شرح كتاب رياض الصالحين للامام النووى، ٢٢٣

الدليل المشير، ٢٣٤، ٢٣٦

دليل مكه المكرمه الاسلامى، ١٦٨، ١٦٩، ١٧٢، ١٧٣

الديباج المذهب فى اعيان المذهب، ٢١٤

ديوان ابى طالب عم النبى، ١٤

ديوان، ١١، ١٤، ١٩، ٢٠، ٢٩

ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، ٢٠٢

الذيل على طبقات الحنابله، ١٩٣، ١٩٥، ١٩٦

رجال من مكه المكرمه، ٢٣١

رحله الحاج من الزبير الى البلد الحرام، ٥٦

رحله، ١٩، ٥٨، ١٦٤

الرد على فتاوى الوهابيه، ١٧، ١٩

الرد على الوهابيه، ١٩

رد فتاوى الوهابيين، ١٧

رساله ابى زيد، ٢٢٧

رساله فى بيان العماره الواقعه بعد سقوط الكعبه، ٢٢٠

رساله فى حجر اسماعيل، ٢٢٤

رساله فى رد ابن عبدالوهاب، ١٧

رساله فى المصطلح، ٢٢٨

رساله المواهب و الفتوح بعمارته المقام الابراهيمى، ٢٢٤

رساله حسن بصرى، ٩٤

الروض الأنف فى شرح السير النبويه لابن هشام، ٢١، ٥٠

روضه الصفا فى آداب زياره المصطفى، ٢٢٣

روضه المحتاجين لمعرفة قواعد الدين، ١٦

رياض السامعين، ١٩٥

زاد المسير فى علم التفسير، ١٩٤

زاد المعاد فى هدى خيرالعباد، ١٥٣

زبدہ الاعمال و خلاصه الافعال، ١٨٨

زوايا التصوف و الصوفيه المسمى: خبايا الزوايا، ٢٢٢، ٢٢٣

زهر الخمائيل فى تراجم علماء حائل، ٢٢٤

زهر الربا فى فضل مسجد قبا، ٢٢٣

الزهور المقتطفه [من] تاريخ مکه المشرفه، ٢١٣

سالنامه العربيه فى شأن الدوله العثمانيه، (نشریه)، ٢٣، ٩٧

ص: ٢٧٢

سبل الهدى و الرشاد فى سيره خير العباد، ١٩، ٢١، ٥١، ٥٢

السعوديون و الحل الاسلامى، ١٣

السلفيه الوهابيه افكارها الاساسيه و جذورها التاريخيه، ١٧

السمط الثمين فى مناقب امهات المؤمنين، ٢٠١

سمط النجوم العوالى فى انباء الاوائل و التوالى، ٢٢٥

سنن ابن ماجه، ١١٤، ٢٣١

سنن ابوداود، ١١٤، ٢٣١

سنن ترمذى، ١١٤، ٢٣١

سنن نسائى، ١١٤، ٢٣١

السيد رشيد رضا [او] اخاء اربعين سنه، ١٣٥

سير اعلام النبلاء، ١٩، ١٩٤

سير و تراجم، ٢٣٤

السيره الصغرى، ٢١٠

السيره الكبرى، ٢١٠

السيره النبويه، ٢٢٧

سيرت جاودانه، ٦٠

سيره [نبوى]، ٥٣

سيف الاماره على مانع نصب الستاره، ٢٢٠

الشبهات، ١٦

شجره الرضوان، (مقاله)، ١٥٨،

شجره النور الزكيه فى طبقات المالكيه، ٢١٥

شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ٢٠٩

شرح اخلاق النبى، ٢٢٣

شرح البزدوى فى الاصول، ٢١٧

شرح الدردير على مختصر خليل، ٢٢٧

شرح الزرقانى على الموطأ، ١٥٧

شرح الصدور و تنوير القلوب فى الاعمال المكفره للمتأخر و المتقدم من الذنوب، ٢٢٠

شرح الطريقه المحمديه، ٢٢٣

شرح على الاذكار، ٢٢٣

شرح على رياض الصالحين، ٢٢٣

شرح على المذهب، ٢١٠

شرح قصيده بانث سعاد، ٢٣٧

شرح مقدمه الغزنوى فى العبادات، ٢١٦

شرح الوافى (الكبير و الصغير)، ٢١٦

الشفاء، ٢٢٧

الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، ٤٥، ٤٦

شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ٢٢، ٤٥، ٧٥، ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٨٠، ٨٢، ٨٣، ٨٦، ٨٨، ٩٠، ٩١، ١٢١، ١٣٦، ١٧٦، ١٩٠، ١٩١، ٢١١،

٢١٢، ٢١٣، ٢١٤

شن الغاره على مانع نصب الستاره، ٢٢٠

شهور في ديار العرب، ١٣٤

الشيعة في المملكة العربية السعودية، ١٣، ١٤

صباح سته، ١١٤

صحيح بخارى، ٨٨، ٩٢، ١١٤، ١٤٨، ١٥٥، ١٥٦، ١٥٧، ١٥٨، ٢٢٣، ٢٣١

ص: ٢٧٣

صحيح مسلم، ١١٤، ١٤٩، ٢٣١

الصحيح من سيره النبي الاعظم، ٦٠، ٦٦

صفوه القري في صفه حجه المصطفى و طوفه بام القري، ٢٠١

الصواعق الالهيه في الرد على الوهابيه، ١٧

صيد الخاطر، ١٩٤

الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، ٢١٧

الضياء المعنويه الغزنويه، ٢١٦

الطباق، ٢٠٨

طبقات الحفاظ، ٢٠٩

طبقات الشافعيه الكبرى، ٤٥، ١٥٦، ١٥٧، ١٩٩، ٢٠١، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٦، ٢٠٨، ٢٠٩، ٢١٠

طبقات المفسرين، ١٩٤

طيب المورد في تاريخ محل، ١١٦

العبر في خبر من غير، ١٩٢، ١٩٦

العبر و ديوان المبتدأ و الخبر في ايام العرب و العجم و البربر، ٢١٢

عجائب الآثار في التراجم و الاخبار، ٢٢٦

عجاله القري للراغب في تاريخ ام القري، ٢١٣

عده الإنابه في اماكن الإجابه، ١١، ٢٥، ٣٠، ١٦٦، ١٠٢، ١٠٣، ١٥٠، ٢٢٥، ٢٢٦

عقد الاجاره مصدر التمويل الاسلامي، ٣١

العقد الثمين في تاريخ البلد الامين، ٩٧، ١٨٨، ١٩١، ٢٠٠، ٢٠٩، ٢١٣

العقد الثمين في فضائل البلد الامين، ٢٣، ٩٧

عكاظ، (نشرية)، ١٨،

العلل المتناهيه، ١٩٥

العلم المفرد في فضل الحجر الاسود، ٢٢٣

العلماء و الادباء الوراقون في الحجاز في القرن الرابع عشر الهجرى، ٣٢، ٢٣٣

عمده الدلائل في مشهور المسائل، ١٩٦

غايه النهايه في طبقات القراء، ١٩٤

الغدير، ١٩

الفتاوى الموصليه، ١٨٢

فتح البارى شرح صحيح البخارى، ٤٣، ١٤٧، ١٤٨، ٢١٢

فتح الفتاح في شرح الايضاح للنووى، ٢٦، ١١٦، ١٢٣، ٢٢٢

فتح القوى في اسانيد سيد حسن بن محمد الحبشى العلوى، ٢٣٢

فتح القوى في ذكر اسانيد السيد حسين الحبشى العلوى، ٢٣٥، ٢٣٦

الفتوحات الاسلاميه، ٢٢٧

الفتوحات الربانيه على الاذكار النواويه، ١٠٥، ١٠٦، ١١٧، ١٥٠، ٢٢٢، ٢٢٣

فصل الخطاب في الرد على محمد بن عبدالوهاب، ١٧

فضائل مكه والسكن فيها، ٤١، ٤٢

فقه الضروره وتطبيقاته المعاصره: آفاق و ابحاث، ٣١

الفكر الاصولي: دراسه تحليليه نقديه، ٣١

فوائد الارتحال ونتائج السفر في اخبار اهل القرن الحادى عشر، ٢٢٤

في صفه حجه النبي، ٢٠٢

في فضائل مكه المكرمه، ٢٢٣

في منزل الوحي، ١٢، ١٧

الفيه السيره النبويه، ١٩

القاموس المحيط، ٢٠٤، ٢١٢

قره العين، ٢٣٢

القرى لفاصد ام القرى، ٢٦، ٧٨، ٨٧، ١١٤، ١١٥، ١٢٠، ١٩٩

قطر الندى، ٢٢٧

القول الفصل في حكم الاحتفال بمولد خير الرسل، ١٣

كتاب التعريفات، ٤٠

كتاب التوايين، ١٩٣

كتاب الحرمين الشريفين و التاريخ، ١٣٦

كشف الظنون [عن اسامى الكتب و الفنون]، ١٨٨، ٢١٠

كشف ما يجب من جواز اللهو و اللعب، ٢٣٥

كعبه و مسجد الحرام در گذر تاريخ، ٩١، ١٦١

الكنز المتوارى في معادن لامع الدرارى و صحيح البخارى، ١٥٨

كتابه البحث العلمى صياغه جديده، ٣١

لباب المناسك وعباب المسالك، ٢٥، ١١٢

لفته الكبد [في نصيحه الولد]، ١٩٤، ١٩٥

مؤلفات ابن الجوزي، ١٩٦، ١٩٧

ما ذا يقولون عن التبرك و تقبيل اليد، ١٤٦

المتدارك على المدارك في التفسير، ٢١٧

مثنوى فتوح الحرمين، ٣٠

مثير الغرام الساكن الى اشرف الاماكن، ١٠٨، ١١٠، ١٢٠، ١٩١، ١٩٧

مثير الغرام الساكن على اشرف الاماكن -- > مثير الغرام الساكن الى اشرف الاماكن

مجموع الاذكار من احاديث النبي المختار، ٢٣٥

المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ٤٦، ١٤٧

محمود السير، ٢٣٧

المختصر من كتاب نشر النور و الزهر في تراجم افاضل مكه من القرن العاشر الى القرن الرابع عشر، ٢٢٥

مختصر نشر النور و الزهر، ٢٢٧، ٢٢٨

مختصر، ٢١٤

مخزن الاسرار، ١٥

المدهش، ١٩٥

المذهب في المذهب، ١٩٦

المذهب، ٢١٠

مرآه جزيره العرب، ٢٣٧

ص: ٢٧٥

مرآة الزمان، ١٩٣، ١٩٤

مرآة المدينة، ٢٣٧

مرآة مكة، ٢٣٧

مروج الذهب، ٨٦

المساجد الاثرية في المدينة المنورة، ١٥١

مسبوك الذهب، ١٩٦

مستدرک، ٨٦

مسند، ١٥٢

المشزع في شرح المجمع، ٢١٦

مشكاة المصابيح، ٢٣١

المشكلات المضيه رداً على الوهابيه، ١٧

مشيخه ابن الجوزى، ١٩٢

معالم مكة التاريخيه و الاثرية، ٢٤، ٢٥، ٩٨، ٩٩، ١٠٤، ١٠٥

المعجم الكبير، ٨١

معجم المؤلفين، ٢٢٠، ٢٢٧

معجم ما الفه علماء الامه الاسلاميه للرد على خرافات الدعوه الوهابيه، (مقاله)، ١٧

معجم معالم الحجاز، ١٢، ٥٦

المغنى، ١٩٤

المفصل في تاريخ العرب، ٥٣

مقامات حريرى، ٢٢٩

المقامات، ١٩٦

مقدمه فى مصطلح ابن الحاجب، ٢١٤

مقدمه، ٢١٢

مكه المكرمه التفاعل الحضارى فى المكان المقدس، ١٨٠

مكه المكرمه فى شذرات الذهب، ١٧٢

مكه المكرمه و الكعبه المشرفه فى كتب الرحاله المسلمين، ١٦١

مكتبه مكه المكرمه دراسه موجزه لموقعها و ادواتها و مجموعاتها، ٣٢، ١٦٧

ملخص مناسك الحج، و يليه دليل الآثار المطلوبه فى مكه المحبويه، ٢٤، ٩٨

منائح الكرم فى اخبار مكه و البيت و ولاه الحرم، ٢٣، ٩٦، ٩٩

المناسك، ١٠٥

المناسك الصغرى، ٢١٠

من المساجد و المزارات فى الحرمين الشريفين، ٩٩

مناقب ابراهيم ابن ادهم، ١٩٦

مناقب احمد بن حنبل، ١٩٦

مناقب الامام احمد، ١٩٢

مناقب الحسن البصرى، ١٩٦

مناقب سفيان الثورى، ١٩٦

مناقب على (ع)، ٨٦

مناقب عمر بن خطاب، ١٩٦

مناقب عمر بن عبدالعزيز، ١٩٦

المنتخب فى مفردات ابن البيطار، ٢١٤

المنتخب، ١٩٥

المنتظم [فى تاريخ الملوك و الامم]، ١٩٢، ١٩٦

المنفعة في المذاهب الاربعه، ١٩٦

منهج البحث في الفقه الاسلامي خصائصه و نقائصه، ٣١

منهجيہ الامام محمد بن ادريس الشافعي في الفقه و الاصول تأصيل و تحليل، ٣١

المنهل، ٢٢٨، ٢٣٤

مورد الصفا في مولد المصطفى، ٢٢٤

موسوعه مرآه الحرمين الشريفين و جزيره العرب، ١٥، ١٩، ٢٤، ٣٠، ٥٧، ٥٩، ٦٢، ٦٣، ٧٧، ٨٠، ٩١، ١٠٠، ١٦٣، ١٦٥، ٢٣٧، ٢٣٨

الموضوعات، ١٩٥

موطأ، ١٥٣، ١٥٤، ١٥٧، ٢٢٧، ٢٣١

موعظه التبصره، ١٩٥

مولد امير المؤمنين نصوص مستخرجه من التراث الاسلامي، ٨٦

ميقات حج، (نشره)، ٨٤

الناسخ و المنسوخ، ٨٣

النتائج -- > فوائد الارتحال و نتائج السفر في اخبار اهل القرن الحادي عشر

نثر الدرر في تذييل نظم الدرر في تراجم افاضل مكه من القرن العاشر الى القرن الرابع عشر، ٢٣٥

نزهه الالباب فيما لا يوجد في كتاب، ٢١٠

نشر الرياحين، ٢٢٧

نصيحه لاخواننا علماء نجد، ١٥، ١٣٠

نظم الدرر في اختصار نشر النور و الزهر في تراجم افاضل مكه من القرن العاشر الى القرن الرابع عشر، ٢٢٢

نظم الدرر في تراجم علماء مكه من القرن العاشر الى القرن الرابع عشر، ٢٣٥

النفحات الاريجه فى متعلقات بيت ام المؤمنين خديجه، ١٥، ٢٢٤

نقد آل الشيخ محمد عبدالوهاب من الداخل، ١٧

نقض الوهايه، ١٧

النكت على الصحيح، ٢١٦

النوازل الجديده الكبرى فيما لاهل فاس و غيرهم من البدو و القرى، ١٢٤

النور السافر عن اخبار القرن العاشر، ٢١٨

النهر الفائق شرح كنزالدقائق، ١٠٢

وسائل الشيعه، ١٣٦

الوصل و المنى، ٩٦

وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى، ١٤، ١٩، ١٢٢، ٢١٨

وفيات الاعيان، ١٩٢

وليد الكعبه، ٨٦

الوهايه فكراً و ممارسه، ١٧

الوهايه و الشبهات فى القديم و الحديث، ١٧

وهايى گرى، ١٣٤

هادى ذوى الافهام الى تاريخ البلد الحرام، ٢١٣

هدايه السالك الى المذاهب الاربعه فى المناسك، ٢٦، ١١٥، ١١٦، ١٢١، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٤، ٢٠٥، ٢٠٦، ٢٠٩

هديه العارفين، ٢٢٠

همگام با پیامبر در حجه الوداع، ٦٧، ١٤٠

يگانه مولود كعبه، ٨٦

يهود الحجاز، ١٧

(ه) نمایه کسان

آدم، ۱۳۶

آل سعود، ۱۶

ابالحسن -- > علی (ع)

ابراهیم [قیسی]، ۱۰۹

ابراهیم ابوسلیمان -- > عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

ابراهیم بن احمد یمانی، ۱۸۹

ابراهیم بن اسحاق حربی، ۱۸۹

ابراهیم بن عمرو، ۷۴

ابراهیم بن محمد دمشقی صوفی، ۲۱۲

ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، ۱۹۰

ابراهیم بیک، ۱۶۳، ۱۶۴

ابراهیم خلیل (ع)، ۷، ۵۶، ۶۲، ۱۰۹

ابراهیم رفعت پاشا، ۳۰

ابراهیم عنقری، ۱۶۹

ابراهیم یزیدی، ۵۳

ابن ابی الحدید، ۲۱۵

ابن ابی عمر، ۷۳

ابن ابی ملیکه، ۶۵

ابن اثير، ٥١

ابن اسحاق، ٥٣

ابن تيميه، ١٧، ١٣٩، ١٤٣، ١٤٥، ١٩٣، ١٩٦، ٢٠٢

ابن جابر، ٢١٤

ابن جبير، ١٩، ٢٩، ٥٧، ٥٨، ٨٥، ١٦٤

ابن جريج، ٤٥، ٤١، ٤٤، ٤٨، ٨١، ١٥١

ابن الجزري، ١٩٤

ابن جماعه، ٢٠، ٢٦، ١١٥، ١١٦، ١٢٠، ١٢١، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٤، ٢٠٥، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٠٨، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١٤

ابن جُمَيّزى، ٢٠٠

ابن جوزى، ٢٥، ١٠٨، ١١٠، ١١٩، ١٢٠، ١٩١، ١٩٢، ١٩٤، ١٩٥، ١٩٦، ١٩٧

ابن حاجب، ٢١٤

ابن حباب، ٢١٤

ابن حجر عسقلانى، ٤٣، ٥٠، ١٠٦، ١٤٧، ١٤٨، ١٨٩، ١٩٠، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٥، ٢٠٦، ٢١٠، ٢١٢، ٢١٥، ٢٣١

ابن حجر مكى، ٢٢٥

ابن خلدون، ٢١٢

ابن خلكان، ١٩٢

ابن خيثم، ٤١، ٤٦، ٤٨

ابن دهيش، ١٨٩

ابن رافع، ٢٠٥

ص: ٢٧٩

ابن رجب حنبلي، ١٩٣، ١٩٥، ١٩٦

ابن زباله، ١٢٢

ابن ساعي، ١٩٥

ابن سعد، ٤٥، ١٥٦

ابن سكر، ٢١٥

ابن سويدي، ١٧

ابن شبه نميري بصري، ١٥١

ابن شعبه حراني، ١١٨

ابن صباغ، ٢٣، ١٢٣

ابن ضيا، ٢٤، ٢٥، ٢٦، ١١٠، ١١١، ١٢٢، ١٢٦، ٢١٦، ٢١٧، ٢٢١

ابن ظهيره قرشي، ٢٣، ٢٦، ٧٠، ٨٩، ٩٠، ٩١، ٩٢، ١٢٣، ١٢٦، ١٦٠، ١٦١، ٢٢١

ابن عابدين، ١٠٣

ابن عباس، ٥٣، ٦٧، ٧٠، ٨١

ابن عبدالبر، ٢١، ٥٠

ابن عرفه، ٢١٤

ابن عزم تونسلي، ١٨٨

ابن عساكر، ١٩

ابن عطيه اندلسي، ٤٦، ٤٧، ١٤٧

ابن علان صديقي شافعي، ١٥، ٢٦، ١٠٦، ١١٦، ١١٧، ١٢٣

ابن عماد حنبلي، ٢٠٩

ابن عمر، ٦٤، ٧١، ١٤٥، ١٥٥، ١٥٧

ابن غازي، ٢٣٢، ٢٣٤، ٢٣٥

ابن فرحون مدني، ٢٦، ١١٣، ١٢١، ٢١٤

ابن فضيل، ٧١

ابن فهد، ٦٦

ابن قاضي شهبه، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٨، ٢١٠

ابن قوام، ٢١٥

ابن قيم، ١٢٦، ١٢٧، ١٥٣

ابن كثير، ٤٣، ١٤٧، ١٤٨، ١٩٣، ١٩٧، ١٩٨، ٢٠٦، ٢٠٧

ابن ماجه، ٢٣١

ابن مرزوق الجدي، ٢١٤

ابن مسعود، ٦٠، ٩٢، ١٠٩

ابن مسيب، ١٥٦

ابن مغازلي، ٨٦

ابن مکتوم، ١٤٢

ابن ملقن، ٢١٥

ابن نجيم، ١٠٣

ابن هشام، ٢٢٧

ابو احمد برهان ابراهيم بن محمد لخمى، ٢١٢

ابوأمامه سهل بن [حنيف]، ٤٤

ابوأيوب انصاري، ١٩

ابوالبقاء محمد بن احمد بن محمد بن ضياء مكي حنفي، ٩٩، ١٢١، ٢١٥

ابوبكر بن محمد بن حسن نقاش، ١٠٢

ابوبكر بن محمد بن عمرو بن حزم، ٤٥

ابوبكر، (خليفه اول)، ٦٥، ٧٨، ١١٠، ١١٥، ١٤٣، ١٤٩

ابوتراب ظاهری، ۲۳۴

ابوجعفر احمد بن محمد مرادی، ۲۵، ۱۰۵

ابوجعفر محمد بن عبداللطیف بن کوبک، ۲۱۰

ابوحاتم رازی، ۱۸۹، ۱۹۰

ابوالحسن بن مُقْتِر بغدادی، ۲۰۰

ابوالحسن عطار، ۲۰۱

ابوالحسن ماوردی، ۶۱

ابوحفص [عمر] بن شاهین، ۸۳

ابوحنیفه، ۲۰، ۱۵۴

ابوالخیر علائی، ۲۱۵

ابوالخیر محمد بن جزری، ۱۹۴

ابوالخیر مرداد، ۲۳۵

ابوالخیر، ۲۲۸

ابوداود، ۲۳۱

ابوذر، ۱۵۳، ۱۵۴

ابوزبیر محمد بن مسلم، ۶۶

ابوزرعه جرجانی، ۱۸۹، ۱۹۰

ابوزید عمر بن شبه نمیری بصری، ۱۵۱

ابوسعید خدری، ۱۵۷

ابوسفیان، ۵۹

ابوسلمه بن عبدالرحمان، ۴۴

ابوسلیمان -- > عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

ابوشامه، ۱۹۶

ابوطالب، ۱۴

ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محب الدین طبری مکی، ۱۲۰

ابوالعباس احمد بن ناصر لدین الله، ۸۵

ابوالعباس بن فرج، ۱۹۹

ابوالعباس عبدالله بن محمد داود، ۶۸

ابوعبدالله دبیتی، ۱۹۴

ابوعبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی، ۱۴۷

ابوعبدالله محمد بن اسحاق فاکهی -- > فاکهی

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری -- > بخاری

ابوعبیده، ۵۳

ابوعمر ماحی، ۱۴۶

ابوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر [قرطبی]، ۵۰

ابوعیسی سیدی مهدی وزانی، ۱۲۴

ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره، ۱۵۲

ابوالفرج جلال عبدالرحمان بن احمد عربی، ۲۱۲

ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی -- > ابن جوزی

ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله سهيلي، ٥٠

ابولهب، ٥٧

ابومجاهد عبدالعزيز [بن] عبدالفتاح قاري، ١٥٨

ابومحمد بن برزالی، ۲۰۱

ابومحمد عبدالحق بن عطیه اندلسی، ۱۴۷

ابومحمد عبدالله بن ابی جمره اندلسی، ۱۴۸

ابومحمد عبدالله بن محمد غازی هندی مکی، ۲۳۳

ابومشعر طبری، ۲۰۰

ابومظفر سبط ابن جوزی، ۱۹۳

ابوالمعالی عبدالله بن عمر صوفی، ۲۱۲

ابونعیم اصفهانی، ۶۱

ابوولید محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی -- > ازرقی

ابوولید -- > ازرقی

ابوهریره بن ذهبی، ۲۱۵

ابوهریره، ۱۴۹، ۱۵۷

ابویمن، ۲۱۴

ابی لبابه، ۱۵۷

احمد [بن حنبل]، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۹۷

احمد بن ابراهیم غزالی، ۱۷۲

احمد بن تیمیه -- > ابن تیمیه

احمد بن جبار عطاردی، ۱۹۱

احمد بن حمید صیدلانی، ۱۹۰

احمد بن طولون، ٢٢١

احمد بن عبدالجبار عطاردي، ١٨٩

احمد بن محمد، ٦٢

احمد بن محمد ازرق، ٥٣

احمد بن محمد خضراوي، ٩٧

احمد راسم نفيس، ١٧

احمد زكي يمانى، ١٨، ١٦٢

احمد زيني دحلان، ١٦، ١٧، ٢٠، ٢٢٧، ٢٢٨

احمد سباعى، ٥٩، ٢٠٠، ٢١٩، ٢٢٩

احمد سباعوى، ٥٣

احمد عبدالمجيد غزالى، ٢٠

احمد قدسى، ٢٢١

احمد محمود صبحى، ١٧

احمد نخلى، ٢٢٦

ادريس شماع شافعى، ١٠٢، ١٠٦

اديب عبدالمنان، ٢٣٧

ارقم بن ابى ارقم قرشى مخزومى، ١٦٣

ازرقى، ٢٢، ٤٥، ٥٣، ٥٥، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٣، ٦٤، ٦٥، ٦٦، ٦٧، ٦٨، ٧٩

٨١ ٨٢ ٨٥ ٨٧ ٩٠ ٩٣ ١١١ ١١٣ ١١٦ ١١٩ ١٢٠ ١٢٧ ١٣٦ ١٥١ ١٥٤ ١٦٠ ١٦٧ ١٧٠ ١٨٨ ١٩١

اسحاق (ع)، ١١٥

اسحاق بن منصور كوسج، ١٩٠

اسد بن عبدالعزى، ٧٠

اسعد بن زرارہ، ٦٧

اسما دختر حسن بن عبدالله بن عبيدالله بن عباس، ٤٥

اسماعيل (ع)، ٦٢، ٧١، ٨٠، ١١٥

اسماعيل بن اميه، ٤٥، ٨١، ١٥١

ص: ٢٨٢

اسماعيل بن محمد اَحْمَسِي، ١٨٩

اسماعيل پاشا، ٢٢٠

اسنوي، ٢٠٨

اشرف شعبان حاكم مصر، ٩٥

الگار، ١٣٤

اليزابت، ١٦

امرئ القيس، ٢٩

ام سلمه (ام المؤمنين)، ١٥٧

امام حسين بن علي بن ابي طالب (ع)، ٢٠٠، ٢١٩

امير شكيب ارسلان، ١٣٥

امير عبدالمجيد، ١٧٠

امير [قَطْلُوْبِك] اَحْسَامِي مَنَجَكِي، ٧٨

امير متعب بن عبدالعزيز، ١٧٠

امير مکه، ٦٨

امير مؤمنان علي بن ابيطالب -- > علي (ع)

امين بن شيخ عباس قطان، ١٢٩، ١٣٠

امين، ١٥

اميني، ١٩

اهل بيت، ١٥، ٢٨

ایمن فؤاد سید، ۲۱۱

ایوب صبری پاشا، ۱۵، ۱۹، ۲۴، ۳۰، ۵۷، ۶۲، ۷۷، ۸۰، ۱۰۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۳۷، ۲۳۸

بخاری، ۴۳، ۱۳۵، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۱

بدرالدین محمد بن ابراهیم، ۲۰۲

برادر حجاج -- > محمد بن یوسف

برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی، ۱۱۲، ۱۲۱

بشار بن برد، ۱۱

بکری، ۵۹، ۸۳

بلادی، ۲۴، ۲۵، ۲۲۷

بلال، ۱۹، ۶۳

بلقینی، ۲۱۵

بن لادن، ۱۳۸

بورینی، ۲۲۵

بوش پسر، ۱۶

بهاءالدین بن سالم، ۲۲۱

بهجت صادق، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۳

بیریس، ۱۶

پسر عقیل، ۵۷

پسر عمر بن خطاب -- > عبدالله بن عمر

پیامبر اکرم، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵

١٠٧ ١٠٤ ١٠٢ ٩٩ ٩٧ ٩٦ ٩٣ ٩٢ ٩١ ٨٨ ٨٦ ٨٥ ٨٣ ٨٢ ٨١ ٨٠ ٧٨ ٧٧ ٧٥ ٧٤ ٧٣ ٧٢ ٧١ ٦٩ ٦٨ ٦٧ ٦٦
١٤٣ ١٤٢ ١٤١ ١٣٩ ١٣٥ ١٣٢ ١٢٨ ١٢٢ ١٢١ ١١٩ ١١٨ ١١٧ ١١٥ ١١٤ ١١٣ ١١٢ ١١١ ١١٠ ١٠٩ ١٠٨

٢١٥، ٢١٣، ٢١٠، ٢٠٧، ٢٠٦، ٢٠٥، ٢٠٢، ١٩٨، ١٨٠، ١٧٩، ١٧٥، ١٦٣، ١٦٠، ١٥٦، ١٥٤، ١٥٣، ١٥٢، ١٥١، ١٤٩، ١٤٨

تاج الدين سبكي، ٢٠٨، ٢٠٦

ترمذی، ٢٣١

تفضل الحق خياط مرشد آبادی، ٢٣١

تقی الدين احمد بن علی مقریزی، ٥١

تقی الدين فاسی مکی -- > فاسی

تنوخی، ٢١٥

جابر بن عبدالله انصاری، ١٥٦، ٦٧، ٦٦

جاحظ، ١١

جامی، ٣٠

جبرتی، ٢٢٦

جبير بن مطعم بن عدی بن نوفل بن عبد مناف، ١٦٧

جریج، ٦٤

جِعرانه، ٧٠

جعفر بن ابی طالب، ٨٦

جعفر بن محمد [الصادق (ع)]، ١٢٢، ٨٦

جعفر مرتضی عاملی، ٦٠، ٦٦

جلال کشک، ١٣

جمال امیوطی، ٢١٥

جمال الدين اقبال، ١٩٨

جمال الدين جار الله بن محمد نور الدين بن ابى بكر بن على بن ظهيره قرشى مخزومى، ٨٨، ٩٣، ١٢٢، ١٢٥، ١٥٩، ١٦٠، ٢١١، ٢٢١

جمال الدين عبدالرحيم اسنوى، ٢٠٧، ٢١١، ٢٢١

جندى، ١٥٤

جواد على، ٥٣

جويره، ١٥٥

حاجى خليفه، ١٨٨، ٢١٠

حارث بن عبدالمطلب، ٧٣

حافظ ابوطيب تقى الدين محمد بن احمد بن على فاسى مكى مالكى --> فاسى

حافظ ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد ابن ابى بكر محب الدين طبرى مكى --> محب الدين طبرى مكى

حافظ ذهيبى، ١٩٢

حافظ زين الدين عراقى، ١٩

حاكم نيشابورى، ٨٦

حبيب حسين بن محمد حبشى، ٢٣٦

حريفش، ١٦

حسن بصرى، ٢١، ٢٥، ٤١، ٤٢، ١٠٢، ١٠٥، ١١٧، ١٥٠

حسن بن عرفه عبدى، ١٩٠

حسن عجمى، ٢٢٢

حسن محمد مشاط، ٣٠

حسین (مفتی مالکیہ)، ۲۲۷، ۲۲۸

حسین ازہری، ۲۲۸

حسين باسلامه، ٢٢٩

حسين بن سالم دهماني تونسى، ٢١٠

حسين مجيب مصرى، ٢٣٧

حسين واثقى، ١٤٠

حسينعلى عربى، ٨٦

حضرت ابراهيم -- > ابراهيم خليل (ع)

حضرت زهرا (عليها السلام)، ١٩، ١٠١، ١٣٢

حضرت على -- > على (ع)

حفصه دختر عبدالرحمان بن ابى بكر، ٦٨

حكيم بن حزام، ٥٩

حمد بن عيسى بن سكن، ٨٣

حمد جاسر، ٢١٧

حمزه حسن، ١٣، ١٤

حمزه، ٩١

حموى، ٢٢٥

خارجة پسر زيد، ٤٤

خالد بن سعيد بن عاص، ١٥٣

خالد بن عوسجه، ١٢٢

خالد بن مُضَرَّس، ٤٥، ٨١، ١٥١

خديجه (ام المؤمنين) ، ۱۸ ، ۲۷ ، ۶۵ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۱۰۸ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۴

خديجه ادريسه، ۱۵۸

خراسانی، ۴۴

خزاعی، ۶۸

خضراوی، ۲۳

خلف الدين سليمان، ۱۹۸

خويلد، ۵۸ ، ۶۵ ، ۸۴

خيزران، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۹ ، ۹۱ ، ۱۰۸ ، ۱۱۱ ، ۱۱۶ ، ۱۶۳

داود بن عبدالرحمان عطار، ۶۶ ، ۶۸

داودی، ۱۹۴

دحلان -- > احمد زيني دحلان

دختر ابوالعباس [سفاح عباسی] -- > رابطه

دعبل خزاعی، ۱۴

ذهبی، ۱۹ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۳ ، ۸۸ ، ۱۵۷ ، ۱۹۲ ، ۱۹۴ ، ۱۹۶ ، ۱۹۸ ، ۲۰۱ ، ۲۰۸

راغب طبخ، ۲۰۱

رافع بن خديج، ۱۵۷

رافعی، ۲۰۵

راوندي، ۱۴۹

رابطه، ۷۰

رحمت الله سندی مالکی، ۱۱۲

رحیلی، ۵۲

رسالان ذہبی، ۲۱۵

رسول اللہ--> پیامبر اکرم

رسول جعفریان، ۲۰۰، ۲۱۹

رسول خدا--> پیامبر اکرم

رسول معظم--> پیامبر اکرم

رسول اکرم--> پیامبر اکرم

رشدی، ۱۸۸

رشید رضا، ۱۳۴

رضی الدین ابوبکر بن محمد بن ابراهیم بن ابوبکر بن علی بن فارس حسینی طبری، ۲۱۹

رفاعی، ۱۵، ۱۳۰

رکن الدین منکورس، ۱۹۸

ریطه، ۷۰

زییده، ۵۰، ۶۴، ۷۴، ۸۳، ۱۱۰

زبیدی، ۱۵۳، ۱۵۴

زبیر بن بکار، ۵۳، ۱۹۰

زبیر، ۵۰، ۱۴۹

زرقانی، ۲۰، ۱۵۷

زرکلی، ۱۸۸، ۱۹۱، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۳۰

زنجی، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۷

زواوی مالکی، ۲۵، ۱۰۳، ۱۰۴

زهری، ۶۴

زینب دختر جحش (ام المؤمنین)، ۴۵

زین الدین بن حسین مراغی مدنی، ۸۲

سامی مکی عانی، ۴۲

سبط ابن جوزی، ۸۶، ۱۹۳، ۱۹۴

سبکی، ۲۰، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۹

سخاوی، ۴۶، ۲۱۶

سعد بن ابى وقاص، ١٤٩

سعد بن احمد ربيعه، ٥٦

سعد بن ناصر بن عبدالعزيز شبرى، ١٤٥

سعدالدين بن عمر بن محمد بن على اسفراينى مكى، ١٨٨

سعيد بن جبير، ١٥٤

سعيد بن سالم قداح، ٦٢، ٦٥

سعيد بن مسيب، ٤٤، ١٥٥

سعيد بن منصور، ١٥٤

سفيان ثورى، ١٤٢

سقاف، ١٧

سلام الله دهلوى حنفى، ١٥٧

سلطان العلماء، ١٨١، ١٨٢

سلطان سليمان خان، ٩٥

سلطان غازى محمدخان بن مولانا المقدس سلطان مراد خان، ٩٥، ١٦٣

سلطان ملك ناصر محمد بن قلاوون، ٢٠٩

سلمه بن اكوع، ١٤٤

سليمان بن ابى مرحب، ٥٨، ٧٠

سليمان بن عبدالوهاب (برادر محمد بن عبدالوهاب)، ١٧

سليمان بن منيع، ١٣

سمهودى، ١٤، ١٩، ١٢٢، ٢١٧، ٢١٨

سنجاری، ۲۳

سندی مالکی، ۲۵، ۱۱۲

سهیلی، ۲۱، ۵۰، ۸۲

سید ابوبکر بن سالم بار، ۲۳۶

سید ابوبکر حبشی حسینی، ۲۳۴، ۲۳۶

سید احمد بن صدیق، ۲۳۳

سید حسن صدر، ۱۷، ۱۹

سید حسن نصرالله، ۱۶

سید عبدالله بن سید محمد صالح زاوی میکی -- > زاوی مالکی

سید عبدالله محمد علی، ۱۷

سید عقیف الدین عبدالله بن ابراهیم میرغنی حسنی متقی میکی طائفی حنفی، معروف به محجوب، ۱۰۲، ۲۲۵

سید کمال حاج سید جوادی، ۱۲۲

سید محسن امین، ۱۲۸

سید محسن بن علی مساوی، ۲۳۳

سید محمد افندی، ۲۲۰

سید محمد حسینی شیرازی، ۹۹

سید محمدرضا جلالی حسینی، ۸۶

سید، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۸

سیوطی، ۲۰۹، ۲۲۳، ۲۲۵

شافعی، ۱۵۴

شریف محمد بن عون، ۲۲۸

شعیب زعفرانی، ۲۰۰

شمس الدین ذهبی، ۲۰۰

شمس الدین محمد بن عبدالرحمان سخاوی، ۴۶، ۴۷

شنوفی، ۱۶۱

شهاب [الدين] ابى الفضل احمد بن على بن حجر عسقلانى -- > ابن حجر عسقلانى

شهاب [الدين] احمد علائى، ٢١٢

شهاب الدين احمد بن عبدالقادر، ٢٢١

شيخ ابوسمخ، ١٣٤

شيخ احمد عبدالغنى عجيمى، ١٣٨

شيخ اسماعيل انصارى، ١٣

شيخ رحمت الله، ٢٣٠

شيخ عباس بن يوسف قطان، ٢٧، ٥٨، ١٠٥، ١٢٨، ١٣٠، ١٣١، ١٦٢

شيخ عبدالطاهر ابوالسمح، ١٣٣

شيخ عبدالله بن عمر بن دهيش، ١٢٨

شيخ محمد عبدالرزاق حمزه، ١٣٣

شيخ يوسف قطان (وكيل درآمدهاى عمومى)، ١٢٨

صائب عبدالحميد، ٢٠٢

صالح لهيدان، ١٦

صالح ملحس، ١٨٨

صالحى، ١٩، ٢١

صباغ، ٢٢٧، ٢٢٩

صبرى پاشا -- > ايوب صبرى پاشا

صغانى، ٩٢

صليحى پادشاه يمن، ٨١

صولت النساء، ۲۳۰

طاووس، ۱۵۴

طاهر دباغ، ۱۳۷

طاهر کردی، ۲۳۴

طبرانی، ۸۱

طبری --> محب الدین طبری

ص: ٢٨٧

طرابلسي، ٢٤

طلحه، ١٤٩

عائق بن غيث بلادي، ١٢، ٥٦، ١٠٤

عاصم عبدالله تركستاني، ١٧٢

عاملي، ١٣٦

عايشه (ام المؤمنين)، ٦٤، ٦٨، ٨١، ٩٢، ١١٥، ١٥٣، ١٥٤، ١٥٧

عباس بن عبدالمطلب، ٥٩، ٨٠

عباس بن محمد دوري، ١٩٠

عبدالجبار، ٢٣٤

عبدالرحمان، ١١٥

عبدالرحمان بن ابي حرمي، ٧٧

عبدالرحمان بن ابي حزمي، ٢٠١

عبدالرحمان بن انس رمادي، ٤١

عبدالرحمان بن كيسان، ٧١

عبدالرحمان خيارى، ٢٢٣، ٢٢٥

عبدالرحيم، ٤١

عبدالرزاق حمزه، ١٣٢، ١٣٣، ١٣٤

عبدالسيحان بن خادم، ٢٣١

عبدالصمد بن علي، ٧٣

عبدالظاهر بن السمح، ١٦٤

عبدالعزيز بن عبدالله آل الشيخ، ١٦

عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، ١٣

عبدالعزيز بن عبدالله جفير، ١٤٥

عبدالعزيز عوض، ٢٣٧

عبدالغنى محمد الياس، ١٥١

عبدالفتاح حسين راوه مكى، ١٩٧

عبدالقادر بن على مشاط مكى مالكى، ٢٢٧

عبدالقادر طبرى، ٢٣، ١٢٣، ٢١٩

عبدالله بن احمد، ٧٤

عبدالله بن بليهد، ١٩

عبدالله بن جبرين، ١٦

عبدالله بن جراد، ٨٣

عبدالله بن دهيش نيازى، ١٣١

عبدالله بن سعود، ١٣

عبدالله بن ضيف الله رحيلى، ٥٢

عبدالله بن عامر اسلمى، ٤٤

عبدالله بن عباس بن محمد بن على بن عبدالله بن عباس، ٧٨

عبدالله بن عبيدالله بن عباس بن محمد، ٧١

عبدالله بن عثمان بن خيثم --> ابن خيثم

عبدالله بن عمر بن دهيش، ١٣٠

عبدالله بن عمر، ١٩، ٢٠، ٦٤، ٧٣، ١٤٨، ١٥٧

عبدالله بن عون، ١٥٦

عبدالله بن محمد، ٧٩

عبدالله بن محمد غازي مكي حنفي، ٢٣٠

عبدالله بن محمود نجار، ١٥٢

عبدالله بن مسعود، ٧٢، ٨٧

عبدالله بن معاذ صنعاني، ٦٤

عبدالله خوجه، ١٣٧

عبدالله شاووش، ١٦٢، ١٧٢، ١٧٦

عبدالله غازي، ٩٧، ٢٣٣

عبدالله محمد غازى، ٢٢٢

عبدالله مراد ابوالخير، ٢٢٥

عبدالله نذير احمد عبدالرحمان مزى، ٢١٥

عبدالله نذير احمد مزى، ٢٢٥

عبدالملك بن عبدالقادر بن على معروف به طرابلسى، ٩٨

عبدالمجيد بن ابى داود، ٧٤

عبدالملك، ١٠٢

عبدالملك بن جمال الدين عصامى، ١٠٥

عبدالملك بن عبدالله بن دهيش، ١٨٩، ٢٢٦، ٢٣٠

عبدالملك بن على، ١٥٠

عبدالملك عصامى، ١٠٢، ١١٧، ١٥٠

عبدالملك بن جمال الدين عصامى، ٢٥

عبدالوهاب ابراهيم ابوسليمان، ١٢، ١٧، ١٨، ٢٧، ٢٩، ٣٠، ٨٦، ١٦٩، ٢٣٣

عبدالوهاب بن عطا، ١٥٦

عبدالوهاب بن عمر حسيني، ٢٠٣

عبدالوهاب دهلوى، ١٣٤، ٢٢٨

عبدالوهاب، ١٧، ١٨، ٣٠، ١٣٤، ١٦٩، ٢٣٣

عتبان بن مالك، ١٤٣، ١٤٨

عثمان (خليفه سوم)، ١٤٩

عجوز (مادر مقتدر خلیفه عباسی)، ۶۹

عجیمی، ۲۲۳

عدی بن ابوحمرء ثقفی، ۵۷

عراقی، ۲۱۵

عرام بن الاصبغ سلمی، ۹۲

عروه، ۶۴

عزالدین بن جماعه کنانی، عبدالعزیز بن بدرالدین محمد بن ابراهیم دمشقی مصری -- > ابن جماعه

عزالدین بن عبدالسلام، ۱۸۱

عزالدین فلواروی، ۱۵۵، ۱۵۸

عصام عماد، ۱۷

عصام یحیی علی العماد، ۱۷

عصامی، ۱۰۶، ۱۵۰، ۲۲۵

عطاء، ۶۸، ۱۵۴

عطای خراسانی، ۴۳

عفیف الدین عبدالله بن ابراهیم میرغنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی، ۸۶، ۱۵۰، ۱۷۶

عقیل بن ابی طالب، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۷۰، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴

عکرمه، ۶۷

علاءالدین مغطای، ۸۳

علامه قطب الدین بن علاء الدین نهروالی مکی حنفی، ۴۲

علوجی، ۱۹۶، ۱۹۷

علی (ع)، ۱۶، ۸۰، ۸۵، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۹

علی ابوبکر محمد بن حسین مزرفی، ۱۹۴

علی اوزلی، ۲۳۷

علی بن احمد، ۲۱۵

علی بن تاج الدین بن تقی الدین سنجاری، ۹۶

علی بن عبدالقادر طبری، ۹۴، ۱۲۳، ۲۱۸

علی بن عبدالله بن احمد حسنی سمهودی -- > سمهودی

علی بن محمد هندی، ۲۲۴

علی بن منذر کوفی، ۷۱

علی عمر، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۸

عمادالدین ابوفداء اسماعیل بن کثیر قرشی دمشقی -- > ابن کثیر

عمادالدین اصفهانی، ۱۹۲

عمران بن ابی انس، ۴۳، ۴۴

عمر (خلیفه دوم)، ۱۴، ۹۱، ۱۱۳، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳

عمر بن ابراهیم بن نجیم، ۱۰۲

عمر بن جمیل جمحی، ۶۵

عمر بن عبدالعزیز، ۴۴، ۱۵۱، ۱۵۲

عمر عبدالجبار، ۲۳۳

عمرو بن دینار، ۶۷

عمرو بن علی فلاس، ۱۹۰

عوید بن عاید مطرفی، ۳۹، ۱۶۲

عیدروس، ۲۱۸

غازی، ۹۸، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۳۶

غامدی، ۱۷۲

غایی، ۱۳۴

غضنفر آغا، ۹۵

فادانی، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶

فاسی، ۲۲، ۲۳، ۴۵، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۷، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۹۰،

۱۹۱، ۲۰۰، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴

فاطمه بنت یوسف قطان، ۱۲۸، ۱۲۹

فاکھی، ۲۲، ۴۵، ۵۳، ۵۴، ۶۱، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۱، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۵۱، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱

فخرالدین عمر بن فهد، ۲۱۹

فضیل بن عیاض، ۲۰۶

فلواروی، ۱۵۶

قاضی برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی، ۲۱۴

قاضی شافعی مکہ، ۸۹

قاضی علی، ۲۲۲

قاضی عیاض، ۲۱، ۴۵، ۴۶

قایتبای، ۲۱۸

قدمی، ۲۰۲

قرطبی، ۱۴۷

قصی بن کلاب، ۱۸۰

قصی، ۱۶۷

قطب الدين نهروالى، ٢٣، ٤٢، ٩٤، ١٠٩، ١٦٧، ٢٠٢، ٢٢١

قنفذ بن زهير، ٧٩

ص: ۲۹۰

کاظم موسوی بجنوردی، ۲۰۲

کحاله، ۲۲۰، ۲۲۷

کردی، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۴

کعب، ۷۰

کمال الدین ابوالفضل محمد بن احمد نویری شافعی، ۲۱۲

کمال الدین محمد دمیری مصری شافعی مالکی، ۲۱۲

لیلی بنت صالح محمد زعزوع، ۱۸۰

ماجد کردی، ۱۰۵، ۱۲۸

ماجده مخلوف، ۲۳۷

مادر بزرگ [محترم] شیخ محمد حسین نصیف، ۱۳۳

مادر عبدالوهاب بن عبدالله بن ابی ربیع، ۱۵۳

مادر خلیفه عباسی [هارون] الرشید--> خیزران

مالک، ۱۹، ۲۰، ۷۳، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۲۲۷، ۲۳۱

مجاهد، ۶۸، ۷۱

مجدالدین محمد بن یعقوب شیرازی فیروزآبادی، ۹۶، ۲۰۴، ۲۱۲

مجلسی، ۱۳۶

مجنون لیلی، ۱۹

محب احمد بن ابوالفضل، ۲۱۵

محب الدین طبری مکی، ۲۶، ۷۸، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۵، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۵۴، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱

محب الدين نویری، ۲۱۲

محبی، ۲۲۵

محبوب، ۲۵

محمد -- > پیامبر اکرم

محمد امین اسماعیل خدمری، ۱۳۷

محمد بن ابی عمر عدنی، ۶۵

محمد بن احمد بن سالم بن عمر مکی مالکی، معروف به ابن صباغ، ۱۲۳، ۲۲۶

محمد بن اسماعیل بخاری -- > بخاری

محمد بن اسود بن خلف خزاعی، ۶۱

محمد بن سائب برکه، ۱۵۳

محمد بن سعد بن منیع زهری، ۴۳

محمد بن طارق، ۶۸

محمد بن عبدالرحمان انصاری سہانفوری مکی، ۲۳۱

محمد بن عبدالرزاق، ۱۳۴

محمد بن عبدالعزیز حمزہ، ۱۳۴

محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی -- > ازرقی

محمد بن عبدالوہاب، ۱۴، ۱۶، ۱۷

محمد بن علی شافعی، ۶۸

محمد بن علی نجار، ۱۸۹

محمد بن عمر، ۴۴

محمد بن عمران انصاری، ۷۳

محمد بن عمرو بن طلحه دیلی، ۷۳

محمد بن فارس جميل، ۴۴

محمد بن محمد بن ضياء قرشى -- > ابن ضياء

محمد بن وضاح، ۱۴۲

محمد بن همام، ۲۰

محمد بن يوسف، ۵۰، ۵۲، ۵۷، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۶

محمد بن يوسف صالحى شامى، ۵۱

محمد تونجى، ۱۴

محمد جواد بلاغى، ۱۴، ۱۹

محمد حبيب هيله، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۶۹

محمد حرب، ۲۳۷

محمد حسين هيكل، ۱۲، ۱۷

محمد زكريا كاندهلوى مدنى، ۱۵۸

محمد زينهم، ۴۲

محمد سپهرى، ۶۰

محمد سرور، ۲۱۳

محمد سعيد عامودى، ۲۳۵

محمد سعيد فاسى، ۱۷۶

محمد صالح سناوى، ۹۲

محمد صالحى شامى، ۵۲

محمد طاهر بن عبدالقادر كردى مكى، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۲۰، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۷

محمد عبدالرزاق حمزه، ۱۳۲، ۱۶۴

محمد عزب، ۴۲

محمد عزه دروزه، ۱۷

محمد على اردوباوى، ۸۶

محمد على بن علان صديقى شافعى اشعري مكى، ۱۱۶، ۱۲۳

محمد على پاشا، ۱۳، ۱۳۵

محمد على صالح قزنى، ۲۰، ۵۸، ۱۵۶، ۱۵۸

محمد عوض الخطيب، ۱۷

محمد عيسى فادانى مكى، ۲۳۲

محمد غزالى، ۱۵۳

محمد قطب الدين بن احمد علاءالدين بن محمد نهروالى مكى، مشهور به قطبى -- > قطب الدين نهروالى

محمد كرد على، ۱۷

محمد نجمى، ۲۲۱

محمد بن اسود، ۶۲

محمود جيره الله، ۲۳۷

محمود سيد ممدوح، ۲۳۴

محي لارى، ۳۰

محيى الدين رحبى، ۲۰۷

مخلوف، ۲۱۵

مدائنی، ۵۳

مدارسی، ۲۳۳

مرادی، ۷۰

مراغی، ۱۲۲

مستعصم عباسی، ۷۸

مسعود عالم ندوی، ۱۳۴

مسعودی، ۸۶

ص: ۲۹۲

مسلم، ۶۴، ۱۳۵، ۱۴۴، ۲۳۱

مسلم بن حجاج، ۱۹۰

مسلم بن خالد، ۶۲، ۶۸

مسور، ۱۵۴

مصطفی -- > پیامبر اکرم

مصطفی بن فتح الله حموی، ۲۲۴

مصطفی سقا، ۱۱۴، ۱۹۹، ۲۰۰

مصطفی محمد حسین ذهبی، ۱۹۱، ۲۱۱

مظفر غسانی حاکم یمن، ۹۵

معاذ، ۴۴

معاذ بن محمد انصاری، ۴۳

معاویہ، ۵۸، ۷۰، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴

معتضد عباسی، ۲۳۱

معراج نواب میرزا، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۶

معمر، ۶۴

مُعْن بن عیسی، ۷۳

مقتدر، ۶۹

مقری، ۲۱۲

مقریزی، ۲۱، ۵۱

ملاعلی قاری، ۱۵۰

ملک حسن طلاقى، ۱۳۱

ملک خالد، ۱۷۱

ملک سعود، ۵۹

ملک شرفا، ۱۳۱

ملک عبدالعزیز، ۱۶، ۲۶، ۳۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۸۳

ملک فیصل، ۱۷۱

ملک عبدالله، ۱۶

ملک منصور (صاحب الیمن)، ۸۰

موسى، ۵۷، ۶۹

موسى بن اسماعیل، ۱۵۵

موسى بن عقبه، ۶۴

موسى الهادى، ۱۱۱

موفق مقدسى، ۱۹۳

مهدي بن ابوالمهدي، ۶۴

مهدي عباسى، ۵۹، ۹۱، ۱۱۶

مهذب، ۲۰۵

میرغنى حسنى متقى، ۱۰۳، ۱۵۰، ۲۲۶

ناصر عباسى، ۹۵

ناصر فرج بن برقوق، ۹۵

نافع، ۶۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷

نبهانی، ۲۲۶

نجار، ۱۵۲

نجم الدین اصفهانی، ۲۰۶

نسائی، ۲۳۱

نسفی، ۲۳۲

نظامی گنجوی، ۱۵

نقاش مفسر، ۹۴، ۹۶، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۵۰

نور افغانی، ۲۳۱

نورالدین عتر، ۲۰۲

نووی، ۲۶، ۶۷، ۹۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۷

ص: ۲۹۳

۱۲۰، ۱۴۱، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۰

واقدي، ۵۳

وزنه، ۱۳۶

وليد بن عبدالملك، ۴۴، ۱۵۲

وهب بن منبه، ۵۳

هادي انصاري، ۱۶۱

هارون الرشيد، ۵۷، ۶۹، ۱۱۱

هاشم بن قاسم، ۸۳

هيثمي، ۲۱۵

يحيى بن شرف نووي -- > نووي

يزيد بن ابي زياد، ۷۱

يزيد بن ابي عبيد، ۱۴۴

يعلى بن اشدق، ۸۳

يوسف بن ماهك، ۶۸

يوسف بن محمد، ۵۸، ۱۱۱

يوسف بن محمد بن ابراهيم، ۶۲، ۶۳

يوسف رغد عاملي، ۹۹

يوسف قطان، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۸۳

(و) نمایه مکان ها

آثار اسلامی در مکه مکرمه، ۱۵۹

آثار تاریخی، ۱۵۶

آثار تاریخی اسلامی مکه مکرمه، ۵۵

آثار تاریخی مکه و مدینه، ۲۱۵

آثار شریف مکه، ۱۱۲، ۱۲۱

آرامستان تهیدستان و غریبان، ۱۶۴

آرامستان معلا، ۳۰، ۱۶۸

آرامستان مکه [مَعَلَا]، ۶۴، ۷۳

آرامگاه ها، ۲۳، ۷۶، ۸۸، ۱۲۳

آستانه، ۱۳

آموزشگاه پسرانه [ملک عبدالعزيز]، ۱۳۷

اتاق، ۱۲۶

اجیاد، ۱۶۶

اجیاد صغیر، ۲۲، ۶۲، ۹۳، ۱۶۰

احد، ۱۴۲

ارتفاعات جولان، ۱۹۸

ارض البیضاء، ۱۳۰

ازمیر، ۲۱۱

الازهر، ۲۲۸

اسرائيل، ۱۶

ام القراى جهان اسلام، ۱۸

ام القرى، ۱۹

اماكن تاريخى مكه، ۳۶

ايران، ۲۰۰

بئر عليا، ۷۱

بئرالعليا، ۶۰

باب الزيادة، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴

باب السلام، ۱۶۲

باب سويقه، ۲۳۱

باب الكعبه، ۲۱۷

باب ماجن، ۷۸

باب معلا، ۲۰۶، ۲۰۷

باب ملك عبدالعزیز، ۱۶۸

بارگاه نبوى، ۱۴

بازار جودريه، ۱۶۸

باغ خرمان، ۷۹

بخش بالايى مكه يمانى، ۷۷

برج ساعت، ۱۶۷

برحهاالقباڤى؁ ١٤٢

بركه ماڤن؁ ١٧٤؁ ٩٠

بطن عرنه؁ ١٤١

بغداد؁ ١٨٩؁ ١٩٧

بقعه شهداء؁ ٢٣٤

بقيع؁ ١٤؁ ١٢٤

ص: ٢٩٥

بلد الامين، ١٨٣

بيت الله الحرام، ١٦٢، ١٧٦

بيت المقدس، ١٤٢

بيضا (سفيد)، ٥٧، ١٠٨، ١١١، ١٣٢

بين ركن و مقام، ٤٢

پرستشگاه حضرت رسول اکرم، ١٠١

پشت مقام ابراهيم، ٤١

پشت وادی، ٦٨

تنعيم، ٦٨، ٧٢، ٧٥، ١١٠، ١٤٠، ١٦٤

توقفگاه خودرو، ٨٦

تونل دو دهانه غزه، ١٦٦، ١٦٨

تونل ملك خالد، ١٦٥

ثنيه المدنين، ٦٠، ٦٤، ٧٣

ثنيه اذاخر، ٧٩

ثور، ١٢، ٦٥، ٧٤

جامع [ابن] طولون، ٢٠٣، ٢٠٦

جامع اقمير، ٢٠٣، ٢٠٦

جامع خادم الحرمين، ١٦٠

جامع مصر، ٢٠٨

جای جلوس پیامبر اکرم، ۱۹

جبل، ۷۴

جبل النور، ۷۴، ۱۷۵

جحفه، ۱۲۷

جده، ۳۰، ۷۲، ۷۵، ۱۶۴، ۱۶۹

جزیره العرب، ۱۰۰، ۲۳۸

جعرانه، ۶۷، ۱۴۱

جمرات، ۱۶۵، ۱۷۰

جمره اولی، ۸۰

جمره اولی و وسطی، ۹۲

جمره ثانی، ۸۰

جمره عقبه، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۷۰

جمره وسطی، ۵۰، ۸۰

جموم، ۸۲، ۱۷۳

جودریه، ۱۶۷، ۱۶۸

چاه جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل، ۷۱، ۱۰۸، ۱۶۷

چاه زمزم، ۴۱، ۱۸۰

حاره الباب، ۱۶۰، ۲۳۱

حجاریه، ۷۸

حجاز، ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۲۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۳۸

حجر، ٤١

حجرالاسود، ٤١، ١٣٥، ١٣٦، ١٥٣

حديبه، ١٤١، ١٦٤، ١٦٩

حرا، ١٢، ٦٤، ٦٥

حرم، ٤٢، ٧١، ١٢، ٨٨، ١١٠، ١٢٠

حرم شريف، ١٢، ٣٠، ١٦٠، ١٦٢، ١٦٤، ٢٠٠

حرم نبوى، ١٣

حلب، ٢٠١

حماه، ٢٠٢

حنين، ١٤١

ص: ۲۹۶

خانه، ۹۹، ۱۱۰

خانه آل خلف بن عبد ربه بن سائب، ۷۹

خانه ابن یوسف، ۵۱، ۱۰۸، ۱۱۱

خانه ابوبکر، ۲۲، ۸۶، ۸۷، ۱۰۰، ۱۱۲

خانه ابوسعید، ۸۶

خانه ابوسفیان، ۵۹، ۷۰، ۷۳، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۳

خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی، ۲۲، ۵۵، ۵۹، ۶۰، ۷۴، ۸۷، ۹۰، ۹۴، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۰، ۱۸۳

خانه اسما دختر حسن بن عبدالله بن عبیدالله ابن عباس، ۴۵

خانه ای در صفا، ۸۳

خانه ای که پیامبر اکرم (ص) در آن زاده شد -- > زادخانه نبوی

خانه ای که رسول خدا (ص) در آن دیده به دنیا گشود -- > زادخانه نبوی

خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شد -- > زادخانه نبوی

خانه پیامبر اکرم، ۷۰، ۷۴

خانه حارث بن عبدالمطلب، ۷۳

خانه حضرت خدیجه، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۷۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶،

۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۶۱، ۱۸۳

خانه حکیم بن حزام، ۵۹

خانه خدا، ۳۰، ۱۴۰

خانه خزیمه، ۱۱۴

خانه خیزران، ۲۳، ۵۹، ۹۰، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۱

خانه روسپی، ۱۶

خانه ریطه دختر ابوالعباس، ۵۹، ۷۰

خانه زینب دختر جحش، ۴۵

خانه سنبل، ۱۳۱

خانه عباس بن عبدالمطلب، ۲۲، ۸۷، ۹۱، ۱۰۰، ۱۶۵

خانه عقیل بن ابی طالب، ۱۲۲

خانه عمر بن عبدالعزیز، ۷۳

خانه کعبه، ۹۰

خانه ها، ۲۳، ۲۵، ۷۶، ۸۸، ۱۲۳

خانه های آل شیبی، ۱۳۳

خانه های اصحاب، ۱۸۰

خانه های امهات المؤمنین، ۴۴

خانه یار رسول خدا -- > خانه ابوبکر

خیف، ۷۱

دارالبیعه، ۱۶۳

دارالتابعه، ۵۷، ۱۰۱

دارالحديث، ۱۹۸

دارالحديث کاملیه، ۲۰۳

دارخزیمه، ۸۹

دارالخلیفتین، ۷۹

دار خیزران، ۸۷، ۱۱۶، ۱۶۳

ص: ٢٩٧

دارالعجله، ٨٦

دارالمنحر، ٨٠

دارالندوه، ١٨٠

دامنه كوه صفائح، ٨٧

درعيه، ١٣

درون كعبه، ٤١، ٨٥

دشت بزوه، ٢٠٥

دكان ابوبكر، ٣٠

دمشق، ١٩٨، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٨

دو ثنيه، ٩٣، ١٦١

ديوار ابوسفیان، ٧٣

ديوار باب بنی شيبه، ٧٧

ذوحليفه، ١٢٧

ذی طوی، ٦٤، ١٦٤

راقويه، ١٦٠

رباط حنابله، ٢٣٣

ردم، ٥٢، ٨٣، ١٠٨، ١١٤، ١١٦

ردم اعلى، ٧١

ردم بنی جُمح، ٨٣

رکن، ۴۲

رکن یمانی، ۴۱

روز عرفه، ۱۴۱

روستای سلامه، ۲۲۶

روضه [مقدس نبوی]، ۱۲۶

روم [ترکیه]، ۹۵

ریاض، ۱۳۷

زادخانه آن حضرت--> زادخانه نبوی

زادخانه [امام] جعفر صادق، ۲۲، ۸۶، ۹۰، ۱۶۵

زادخانه امام حسن و امام حسین، ۵۸

زادخانه امام علی بن ابیطالب، ۶۲، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۶۵، ۱۸۳

زادخانه پیامبر اعظم--> زادخانه نبوی

زادخانه پیامبر اکرم--> زادخانه نبوی

زادخانه پیامبر--> زادخانه نبوی

زادخانه حضرت حمزه بن عبدالمطلب، ۹۰

زادخانه حضرت رسول--> زادخانه نبوی

زادخانه حضرت رسول اکرم--> زادخانه نبوی

زادخانه حضرت رسول خدا--> زادخانه نبوی

زادخانه حضرت زهرا--> زادخانه حضرت فاطمه

زادخانه حضرت فاطمه، ۱۵، ۲۲، ۲۳، ۸۴، ۸۹، ۹۵، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۶۲

زادخانه حمزه سيدالشهدا، ۲۳

زادخانه رسول خدا --> زادخانه نبوی

زادخانه علی، ۲۲، ۸۵، ۱۰۰، ۱۱۲

زادخانه عمر خطاب، ۲۳، ۹۰

زادخانه فرزندان حضرت، ۱۸۰

زادخانه نبوی، ۱۲، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۵۵، ۵۷، ۸۳، ۸۲، ۸۵، ۸۹

ص: ۲۹۸

۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۸۲،
۱۸۳، ۱۸۴

زادخانه ها، ۲۳، ۲۵، ۸۸، ۱۰۴، ۱۲۳

زادزمین فاطمه، ۸۴، ۸۵

زاویه خشاییه، ۲۰۳

زاویه شافعی، ۲۰۳

زاویه، ۲۰۶

زقاق [السوق]، ۱۶۲

زقاق الحجر، ۸۴، ۸۹، ۹۵، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۳۱، ۱۶۲

زقاق العطارین (کوچه عطاران)، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۶۲

زقاق المولد، ۵۸، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۰

زمین بیضا، ۱۲۸

زیاده دارالندوه، ۲۳۱

زیارتگاه ها، ۲۳، ۱۳۹

سجده گاه محراب، ۵۹

سُرر، ۷۳، ۷۵

سرزمین های اسلامی، ۱۶

سقاخانه، ۸۱

سمهود، ۲۱۸

سنگ تکیه گاه (الحجر المتکاء) ، ۳۰

سنگ سخن گو (الحجر المتکلم) ، ۳۰

سوق الجودریه، ۱۶۰

سوق الغنم، ۵۶، ۶۱، ۷۷، ۱۰۹، ۱۱۵

سوق اللیل، ۷۸، ۸۲، ۸۹، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۶۵، ۱۶۶

سوق المدعی، ۱۶۰، ۱۶۲

سوق المعلا، ۱۶۰، ۱۷۴

سوق المولد (بازار زادخانه) ، ۵۱

شام، ۱۴۷، ۲۰۳

شامیه، ۱۳۸، ۱۶۰

شبه جزیره انگلیس، ۱۶

شبیکه، ۱۶۰، ۱۶۴

شرق حرم، ۱۰۱

شعب، ۸۲

شعب آل قنفذ، ۷۹

شعب ابن عامر، ۹۳

شعب ابی طالب، ۵۰

شعب بنی عامر، ۶۰

شعب بنی هاشم، ۵۱، ۵۲، ۸۲، ۱۰۱، ۱۶۵

شعب البیعه، ۱۷۰

شعب عقبه، ٦٦

شعب علي، ٨٩، ٩٥، ١٢٩، ١٣١، ١٣٧، ١٣٨، ١٦٥، ١٦٦

شعب اللثام، ٧٩

شمال افريقا، ٢٢٧

شمال مكه مكرمه، ١٦٦

شُمَيْسِي، ١٦٤

صباح --> صفايح

ص: ۲۹۹

صحن شرقی حرم شریف، ۱۶۷

صحن شرقی مسجدالحرام، ۱۶۶

صخره محبتی در خانه ارقم بن ابی ارقم، ۳۰

صفا، ۴۱، ۵۰، ۷۱، ۸۷، ۹۱، ۹۶، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۶۳

صفایح، ۹۲

صفراوات، ۸۲

صنعا، ۱۸۹

طائف، ۹۳، ۲۲۶

طالقان، ۱۵۷

طبرستان، ۲۰۰

طرابلس غرب، ۲۲۸

عبادتگاه نبوی، ۵۹

عراق، ۱۹۴، ۱۹۵

عربستان، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۳۱، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۷۷

عرفات، ۴۱، ۷۱، ۱۴۱

عرفه، ۸۰، ۹۲، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۴۱، ۱۶۱

عُزَنَه، ۷۴

عسفان، ۵۲، ۸۳، ۱۱۶

عصور، ۲۲۸

عكاظ، ٦٦

غار ثور، ٢٢، ٢٧، ٥٦، ١١٥، ١٤١، ١٧٦، ١٨٢

غار حرا، ٢٢، ٢٧، ٥٦، ٧٤، ١١٥، ١٤٠، ١٤١، ١٤٩، ١٧٤، ١٨٢

غار كوه ثور -- > غار ثور

غار كوه حرا -- > غار حرا

غار مرسلات، ٩٢

غار و كوه حرا، ١١٢

غزه، ١٦، ١٦٦

فضای شرقی حرم، ١٦٦

قاهره، ٣٠، ٢١٦، ٢١٨

قبا، ١٤٢

قبان، ١٣١

قبة الوحی، ٨٥، ٨٩

قبر، ١٢٦

قبر مبارك نبوی، ١٩

قدس، ١٩٩، ٢١٥

قراده، ١٦٠

قربان گاه اسماعیل، ٦٢

قرن مسقله، ٦١، ٧٧

قشاشیه، ١٦٢

قصر محمد بن سليمان، ٧٩

كابل، ١٥٧

كتابخانه، ٢٧

كتابخانه حرم شريف مکه مكرمه، ١١٦، ٢٢٢

كتابخانه ظاهرية، ٢١٠

كتابخانه عمومي، ٣٩

كتابخانه مدرسه صولتیه، ٢٣١

كتابخانه مکه مكرمه، ٥٨، ١٠٥، ١٣٨، ١٦٦، ١٨٢، ١٨٣

ص: ۳۰۰

کربلای معلای، ۱۳

کشورهای اسلامی، ۱۸۳

کعبه، ۱۲، ۲۰، ۲۱۷

کلکته، ۲۳۰

کنار چاه جبیر [بن] مطعم، ۱۱۴

کنشت، ۱۴۸

کنیسه، ۱۴۸

کوچه حجر، ۸۶

کوچه عجیمی، ۱۳۸

کوفه، ۱۸۹

کوه، ۹۹

کوه [صفائح]، ۸۸

کوه ابوقیس، ۱۸، ۶۳، ۹۱، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۶۵، ۱۶۶

کوه تنعیم، ۱۴۰

کوه ثبیر، ۹۲، ۹۶

کوه ثور، ۷۵، ۱۱۲

کوه حُجون، ۷۲

کوه حرا، ۷۴، ۷۵، ۹۲، ۱۴۹، ۱۷۴، ۱۷۶

کوه حصاحص، ۶۴، ۷۴

کوه ديلمی، ۷۷

کوه عقبه، ۲۸، ۱۷۰

کوه عمر، ۲۳۱

کوه کعبه، ۲۳۱

کوه ها، ۲۳، ۷۶، ۸۸، ۱۰۴، ۱۲۳

کوه های مکه، ۶۶

کوه هندی [قَعْنَقَان]، ۲۳۰

متکا (تکيه گاه)، ۲۲، ۶۲، ۷۰، ۱۰۹

مِجَنَّة، ۶۶

محبس الجن، ۱۶۶

محراب، ۱۴۴

محل بنی هاشم، ۹۰، ۱۷۶

محل بيعت عقبه، ۱۴۱

محل جمرات، ۱۲۷

محل سجده حضرت، ۱۰۱

محل طواف، ۱۸۰

محل مناسک، ۱۲۷

محل منبر، ۱۲۶

محل نشستن ناقه حضرت، ۱۶۳

محل نگهداری چارپایان، ۱۲۸

محل نماز، ۹۳، ۱۲۶

محل ولادت رسول خدا، ۱۸۲

محلہ بنی ہاشم، ۱۶۵

محلہ جبل النور، ۱۷۵

محلہ جروں، ۱۶۰

محلہ سوق اللیل، ۱۲۹

محلہ شیبکہ، ۱۳۸

محلہ عزیزہ، ۱۳۸، ۱۶۶

محلہ قشاشیہ، ۱۳۰

محلہ قطفتا، ۱۹۷

محلہ مسفلہ، ۱۷۲، ۱۷۶

محلہ یاجج، ۷۴

ص: ۳۰۱

محل های مبارک، ۹۴

محلّی در اجیاد صغیر، ۷۰

مختباء (پناهگاه)، ۷۸

مختباء، ۸۵، ۸۹، ۹۶، ۹۷، ۱۶۳

مدرسه اقبالیه، ۱۹۸

مدرسه تخصصی علوم حدیث نبوی، ۱۶۴

مدرسه حفظ قرآن کریم، ۱۳۲، ۱۶۱، ۱۶۲

مدرسه خلفیه، ۱۹۸

مدرسه دار الحدیث، ۱۳۳، ۱۶۴

مدرسه رکنیه، ۱۹۸

مدرسه سلطان ملک منصور، ۲۱۲

مدرسه شبانه نجاح، ۱۶۵

مدرسه صولتیه، ۲۳۰، ۲۳۴

مدرسه عادلیه کبری، ۲۰۳

مدرسه کاملیه، ۲۰۴

مدعی، ۱۶۷، ۱۶۸

مدینه، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۵۹، ۷۸، ۸۲، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۴۰،

۱۴۲، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۷۶، ۱۸۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۷

مراکش، ۲۲۷

مر الظهران، ٥٩، ٨٢

مروه، ٤١، ٧٧، ٩١، ١٢٧، ١٤١

مزار، ٩٩

مزارات، ١٨

مزار خليل، ١٩٩

مزار شريف نبوى، ١٤، ١٩، ٢٠

مزدلفه، ١٢٧، ١٤١

مساجد، ١٨، ٢٣، ٢٥، ٨٢، ١١٠، ١٤٢

مساجد باستانى مدينه منوره، ١٥٢

مساجد عايشه، ١٤٠

مساجد قبور، ١٣٥

مساجد مبارك تاريخى، ٩٨

مساجد محراب، ١٥١

مساجد مدينه، ١٥١

مساجد مكه، ١٣٩

مسجد، ٢٥، ٩٩

مسجد [الحرام]، ٧٢

مسجد آل قنفذ، ٩٢

مسجد ابراهيم، ٢٢، ٥٦، ٦٢، ٦٣، ٧١، ٧٥، ٩١، ٩٣، ١٠٠، ١٠٩، ١١٥، ١٦١

مسجد ابراهيم قيسى، ٦٣

مسجد ابوبكر، ٢٢، ٢٧، ١٠٠، ١٧٢

مسجد ارقم بن ابى ارقم، ١١٤

مسجد استراحت، ٩٢

مسجد اسماعيل، ٦٢

مسجد الاجابه، ٢٢، ٢٧، ٧٩، ١٦٨، ١٨٢

مسجد الاقصى، ١٤٦

مسجد البيعه، ٢٢، ٢٧، ٢٨، ٣٩، ٥٦، ٦١، ٦٦، ٧٢، ٧٥، ٨٠، ٩١، ٩٢، ١٠٠، ١٠٩، ١٦٧،

۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۲

مسجد الحرام، ۱۴، ۲۵، ۳۰، ۳۶، ۵۸، ۵۹، ۶۴، ۸۵، ۹۱، ۹۵، ۱۰۱، ۱۱۲، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷،

۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۹۱، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۸

مسجد الرايه (مسجد بیرق)، ۲۲، ۲۷، ۶۰، ۷۷، ۹۱، ۱۱۲، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۸۲

مسجد النبی، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۴۴، ۷۲، ۱۵۱، ۲۱۵

مسجد النحر، ۹۲

مسجد برامین، ۷۵

مسجد تنعیم، ۲۲، ۲۷، ۵۶، ۶۸، ۹۱، ۹۲، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۷۲، ۱۸۲

مسجد جعرانه، ۲۲، ۲۷، ۵۶، ۶۷، ۹۱، ۹۲، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۷۴، ۱۸۲

مسجد جن، ۲۲، ۲۷، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۷۵، ۷۷، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۷۴، ۱۸۲

مسجد جندراوی، ۱۷۴

مسجد حَرَس، ۲۲، ۶۰، ۷۲، ۷۵، ۹۳

مسجد حضرت حمزه، ۱۷۶

مسجد حضرت خدیجه، ۱۷۲

مسجد خانه ارقم بن ابی ارقم، ۲۲، ۱۰۸، ۱۱۳

مسجد خیف، ۲۲، ۲۷، ۸۱، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۸۲

مسجد ذی طوی، ۱۰۰

مسجد ردم الاعلی، ۶۰

مسجد زادخانه علی، ۸۵

مسجد سُورِز، ٢٢، ٥٦، ٦٢، ٧٥، ٩٣، ١٦١

مسجد سيد الاولين و الآخريين، ٨٠

مسجد شجره، ٢٢، ٥٦، ٦١، ٧٢، ٧٤، ٧٥، ٩٣، ١٠٩، ١١٢، ١١٥، ١٢٠، ١٦١

مسجد شق القمر، ٦٣

مسجد صخره، ٣٠

مسجد ضب، ٣٠، ٩١

مسجد ضرار، ١٣٥

مسجد عايشه، ٣٠، ٩١، ٩٢

مسجد عبدالصمد بن علي، ٦٢، ١٠٩

مسجد عرفه، ٦٢، ٧١، ٩١، ٩٢، ٩٤، ١٠٩

مسجد عقبه، ١٠٩، ١١٥

مسجد عين زييده، ١٧٤

مسجد فتح، ٢٢، ٢٧، ٨٢، ٩١، ١٧٣، ١٨٢

مسجد قبا، ١٢٦

مسجد كبش، ٢٢، ٥٦، ٦٢، ٧١، ٨٠، ٩١، ٩٢، ٩٦، ١٠٠، ١٠٩، ١١٥، ١٦٥

مسجد مبايعه، ١١٦، ١٢٣

مسجد مختباء، ٩١

مسجد مدعي، ٣٠، ١٠٠

مسجد مرسلات، ٢٢، ٨٧، ١٠٠، ١١٥، ١٦٥

مسجد مزدلفه، ١٨٢

مسجد مشعر (مسجد آدم)، ۳۰، ۱۰۰

مسجد ملک فهد، ۱۶۸

مسجد منجر، ۸۰، ۱۶۵

مسجد نجر، ۸۰، ۹۱، ۱۰۰، ۱۶۵

مسجد نمره، ۷۵، ۱۸۲

مسجدها، ۲۳، ۷۶، ۸۸، ۱۰۴، ۱۲۳

مسجدی بر فراز کوه ابو قییس، ۵۶، ۱۰۹، ۱۱۵

مسجدی در اجیاد، ۵۶، ۶۲، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۶۰

مسجدی در بالا دست مکه کنار چاه جیبر ابن مطعم، ۲۲

مسجدی در بالا و نزدیک مجزره بزرگ، ۷۷

مسجدی در بالادست مکه کنار ردم، ۲۲، ۵۶، ۶۰، ۱۱۹

مسجدی در بالادست مکه کنار سوق الغنم در قرن مسقله، ۵۶

مسجدی در بالادست مکه میان شعب ابن عامر، ۱۶۰

مسجدی در بالادست مکه، ۷۱، ۹۳، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰

مسجدی در بالادست مکه کنار سوق الغنم، ۲۲

مسجدی در بیمارستان غربا (مستشفى الغربا)، ۳۰

مسجدی در پای کوه ضب، ۹۲

مسجدی در پایین دست مکه، ۷۸

مسجدی در تنعیم، ۲۲، ۸۱

مسجدی در خانه ارقم، ۵۹، ۷۱، ۱۱۳، ۱۱۹

مسجدی در دارخیزران، ۲۶

مسجدی در ذی طوی، ۲۲، ۵۶، ۶۴، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۶۱

مسجدی در سمت راست موقف، ۱۰۹، ۱۱۵

مسجدی در شعب علی بن ابی طالب، ۲۲، ۷۵

مسجدی در عرفه، ۷۱، ۹۳

مسجدی در عرفه سمت راست امام در موقف، ۲۲، ۵۶، ۷۵

مسجدی در کوه ثور، ۲۲، ۷۴، ۱۱۰

مسجدی در کوه حرا، ۲۲، ۷۴، ۱۱۰

مسجدی در منا نزدیک خانه ای معروف به دارالمنجر، ۲۲، ۸۰، ۱۰۹

مسجدی در نزدیکی برامین، ۲۲، ۷۳

مسجدی نزدیک شعب علی بن ابی طالب، ۷۳

مسجدی نزدیک مجزره بزرگ، ۲۲، ۹۱

مسعی، ۸۷، ۹۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۶۲، ۱۶۶

مسفله (پایینی)، ۶۴، ۱۷۶

مسقله، ۶۱

مشاعر حج، ۱۸۰، ۲۱۷

مشاعر مقدس، ۹۸

ص: ۳۰۴

مشعر الحرام، ۴۱

مشعر مسعی، ۱۶۶

مصر، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۲۸

مصر علیا، ۲۱۸

مصقله، ۶۱

مصلاى پیامبر، ۶۸

مضبر، ۶۶

معلا، ۱۶۷، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۳۶

مغرب، ۲۲۸

مغنیسا، ۲۱۱

مقابر، ۱۴۲، ۱۵۶

مقام، ۴۲

مقام ابراهیم، ۱۴، ۶۳

مکان های اسلامی - تاریخی در مکه مکرمه، ۱۱۸

مکان های تاریخی، ۳۵، ۷۴، ۹۴، ۹۷، ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۳۶

مکان های تاریخی اسلامی، ۹۸

مکان های تاریخی - اسلامی، ۱۲

مکان های تاریخی در مکه مکرمه، ۱۸، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۴، ۳۹، ۴۹، ۸۷، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۸۴، ۱۸۷

مکان های سرنوشت ساز، ۱۸۱

مکان های مبارک در مکه مکرمه، ۹۹، ۱۱۰، ۱۲۱

مکان های مبارک، ۸۲

مکان های مشهور، ۹۸

مکان های مقدس، ۲۰، ۳۰، ۱۰۱

مکان های مقدس مکه، ۱۰۲

مکانی که رسول خدا در آن زاده شد--> زادخانه نبوی

مکه مکرمه، ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۸، ۶۳، ۶۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۷

مکان های مکه، ۲۳

مکتبه مکه، ۱۲

ملتزم [میان حجرالاسود و در کعبه]، ۴۱

منا، ۳۹، ۴۲، ۶۶، ۷۱، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۸

ص: ۳۰۵

۹۲، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۴۱، ۱۶۵

مناره [البيضاء]، ۶۱، ۷۲

مناره، ۸۱

منبر، ۱۴۴

منحر، ۸۰

منزل، ۲۵

منزل خديجه، ۱۰۸

منزل محمد بن يوسف برادر حجاج بن يوسف، ۱۱، ۵۷

منطقه شُميسی، ۱۶۹

منطقه معلا، ۱۷۴

موقف، ۱۶۱

موقف الغنم، ۷۷

موقوفه های مکه، ۱۳۷

مولد النبي -- > زادخانه نبوی

میان صفا و مروه، ۴۱

ناعم، ۶۸

نخله، ۷۲

نعيم، ۶۸

نماز گاه، ۱۲۶، ۱۴۳

نمازگاه پیامبر اکرم، ۸۱

نَمْرَه، ۷۵، ۱۴۱

نوانخانه تهیدستان، ۸۷، ۹۱

نوانخانه ها، ۲۳، ۹۵، ۲۱۷

نوی، ۱۹۷

وادی جمع [(مزدلفه)]، ۴۱

وادی فاطمه، ۶۸، ۸۲

وادی مر الظهران، ۸۲

یثرب، ۶۶، ۶۷

یمن، ۶۶

(ز) نمایه ملل و نحل، رویدادهای تاریخی، اقوام، نهادها، اشیای تاریخی، ...

آل سعود، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۴

آموزشگاه علمی سعودی، ۳۰

اختفای رسول خدا، ۶۰

اداره پست، ۱۳۸

اداره کل تبلیغات، ۱۰۵

ادیان، ۳۶، ۱۸۴

استحباب زیارت، ۲۸

اصحاب، ۱۴۲، ۱۸۰

اعضای انجمن علمی اسلامی، ۱۵۵

الماسی شش وجهی به ستبرای انگشت دست، ۵۹، ۱۰۱

امامان، ۲۱۹

امامان حرم، ۲۰۰

امت محمدی، ۱۰۳

امیران، ۸۱، ۱۵۱، ۱۸۳

اندیشوران، ۱۸۴

انصار، ۸۱، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۷۰

اهالی مکه، ۱۷۵

اهل بقیع، ۱۲۲

اهل حدیث، ۱۵۷

اهل سنت، ۱۶، ۶۷، ۹۰، ۱۱۴، ۱۴۰

اهل طائف، ۱۴۱

اهل کتاب، ۱۴۸

اهل مکه، ۵۸، ۶۲، ۱۲۶

بازرگانانی، ۸۱

بدعت گذاران، ۱۸۲

بزرگان، ۱۰۳، ۱۵۱، ۱۵۲

بزرگان اصحاب، ۱۴۹

بزرگان روایی اهل سنت، ۲۰

بزرگان علم تفسیر، ۱۴۷

بزرگان مکه، ۴۰، ۱۲۷

بعثت، ۱۰۴

بنی [خثیم]، ۵۸

بنی جُمح، ۸۳

بنی سالم، ۱۴۳

بنی محارب بن فہر، ۸۳

بنی مخزوم، ۷۹

بنی ہاشم، ۱۰۴

بیعت انصار، ۷۲

بیعت یکم و دوم عقبه، ۶۷

پریان، ۶۰، ۶۱، ۷۲، ۱۰۹

پریان نُصَّیْنِین، ۷۲

پژوهندگان، ۱۸۳

پیامبران، ۱۴۸

ص: ۳۰۷

پیشوایان، ۱۴۰

پیشوایان معاصر، ۱۵۲

پیشینیان امت، ۱۵۹

پیشینیان صالح، ۳۶

تابعین، ۲۱، ۳۷، ۴۳، ۴۷، ۱۸۰

تابعینِ تابعین، ۲۱

تاریخ نگاران، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۴۳

تخته سنگی، ۵۷

تخریب کتابخانه حرم مطهر، ۱۷۲

توده مردم، ۱۲۵، ۱۵۱

توسعه حرم شریف، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۶۰، ۱۶۱

توسعه صحن های شمالی حرم مطهر، ۱۶۸

توسعه فضاهاى حرم شریف، ۱۳۸

ثروتمندان، ۸۱، ۸۹

جاهلان، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۷۵

جشن مولود نبوی، ۱۲

جمهور صحابه، ۱۴۵

جنگ بدر، ۱۶۳

جنگ دیلم، ۱۵۷

جنگ ها، ۱۵۷

حاجیان، ۹۳، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۳۶، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۲

حافظان، ۱۸۹، ۱۹۴

حافظان قرآن، ۱۶۴

حاکمان، ۱۹۰

حاکمان مکه، ۲۰۰

حاکمان کشورهای اسلامی، ۱۳

حجه الوداع، ۵۷، ۸۰، ۸۱، ۹۲، ۱۱۱، ۱۴۰، ۱۴۱

حجر الاسود، ۱۳۵

حزب الله، ۱۶

حزب ملی حجاز، ۱۰۵

حضر میان، ۷۹

حتبلیان، ۱۹۲

خاندان طبری، ۲۰۰، ۲۱۸، ۲۱۹

خطیبان، ۲۰۰، ۲۱۹

خلفا، ۸۱، ۱۲۷، ۱۸۳

خلفای راشد، ۱۴۱، ۱۴۵

دادگاه شرع، ۲۶

دادگاه عالی شرع، ۳۸، ۱۲۸، ۱۲۹

دار الایتام، ۳۰

دار الحديث، ١٣٤

دار الكتب المصريه، ٢٠١

دانشجویان، ١٨٤

دانشکده دین، ٣٠

دانشکده دین دانشگاه ملک عبدالعزیز، ٣١

دانشکده فقه و اصول، ٣١

دانشگاه آمریکایی بیروت، ٣١

دانشگاه ام القرى، ٣١

دانشگاه لندن، ٣١

دانشمندان، ٤٧

دانشمندان [اهل سنت]، ١٥٥

دبیرستان عزیزیه مکه، ۳۱

درخت مبارک، ۱۵۵

دو تخته سنگ، ۷۷

دو تخته سنگ نبشته، ۱۶۷

دوره سعودی، ۱۷۴

دوره شکوفایی سعودی، ۱۷۱

دوره عباسی، ۱۳۴

دوره عثمانی، ۱۷۳

دوره ملک خالد، ۱۷۱

دوره نخست دعوت اسلامی، ۱۳۴

دولت سعودی، ۱۷۰، ۱۷۳

دولت عبد العزیز، ۱۳۴

رئیس دادگاه، ۱۳۱

رئیس دادگاه عالی، ۱۳۱

رئیس دادگاه عالی شرع، ۱۳۰

رئیس دادگاه های عالی مکه، ۱۳۰

رئیس دیوان عالی، ۱۲۹

رژیم صهیونیستی، ۱۶

رسولان، ۱۴۷

روایات شیعی، ۱۴۹

روزگار عمر، ۱۵۷

روزگار منتصر [عباسی]، ۱۸۸

روزنامه نگاران، ۱۷۰

ریاست دیوان عالی، ۱۲۹، ۱۳۰

زائران، ۱۷۶

زمان عباسیان، ۲۰۰

زنان، ۱۴۲

سازمان بهسازی و توسعه اطراف حرم، ۱۶۲

سازمان گردشگری کشور عربستان، ۱۷۷

سال روز ولادت رسول اکرم، ۸۹

سران قوم قریش، ۱۸۰

سرایه دار، ۹۵، ۹۶

سعودیان، ۱۸۱

سکولاریسم، ۱۷

سلاطین، ۱۳

سلف صالح، ۲۸، ۲۹، ۴۳، ۴۶، ۱۸۱، ۱۸۲

سنگ سیاهی، ۶۲

سنگ نوشته، ۸۰، ۸۶، ۸۷، ۱۶۸

سنگ نبشته سوم، ۱۶۹

سنگ نوشته، ۳۹، ۸۰، ۸۶، ۸۷، ۱۶۸

سنگی سفید و گرد ناقص، ۱۰۱

سنگی قاحوطین، ۱۶۹

سیره پژوهان، ۴۹، ۵۰

سیطره سیاه وهابی - سعودی بر حجاز، ۱۹

سیل ها، ۱۴۳

شافعیه، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۵۰، ۲۰۰

شاهان، ۸۱

شاهانی، ۱۲۷

شجره الرضوان، ۱۵۶، ۱۵۷

شرعی، ۱۸۲

شرفا، ۲۰۰

شق القمر، ۱۹

ص: ۳۰۹

شورای علمای اعلم عربستان، ۱۳، ۱۶، ۱۸

شیعه، ۶۷

صالحان، ۱۴۷، ۱۸۲

صحابه، ۲۱، ۲۸، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۹۱، ۹۷، ۱۰۷، ۱۲۷، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۷۹

صخره المحتبی، ۵۹

صدر اسلام، ۱۸۳

صلوات بر محمد و آل محمد، ۱۶

صلیبیان، ۱۶

صهیونیسیم، ۱۶

طاجن، ۱۶۳

طاجنین، ۱۶۳

طرح بزرگ توسعه، ۱۶۰

طرح بهسازی و توسعه حرم مطهر، ۱۷۲

طرح توسعه جمرات، ۱۷۰

طرح توسعه حرم، ۱۳۳، ۱۶۴

طرح توسعه مسجد خیف، ۱۶۵

طرح توسعه و اصلاح جمره عقبه، ۱۷۰

طرح جدید شهر مقدس مکه، ۳۶

طرح نخست توسعه حرم شریف، ۱۶۵

طَوَاجِن، ۱۶۳

طواف، ۱۴۰

طواف کنندگان، ۱۰۳

عالمان، ۹۹، ۱۲۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۰

عالمان اهل سنت، ۱۵، ۸۶

عالمان رسمی دستگاه وهابی - سعودی، ۱۸

عالمان غیر شیعه، ۱۷

عالمان فقیه، ۱۴۷

عالمان مدینه، ۱۵۱

عالمان مکه، ۱۲۵

عالمان مکی، ۱۰۲، ۱۸۲

عالمان وهابی - سعودی، ۱۲

عربان جاهلی، ۱۶

عصر رسول خدا، ۱۰۱

عصر عثمانی، ۱۷۴

علماء، ۱۰۲، ۱۲۶

علمای اهل سنت، ۲۰

علمای بزرگ سلفی، ۱۸۴

علمای سلف، ۱۳۴

علمای شیعه، ۸۶

علمای قدیم، ۱۹۲

علمای متأخر، ۱۴۲

علمای مدینه، ۱۹، ۱۴۲

عمره گزاران، ۱۳۶، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۹

غزوات، ۹۹، ۱۰۱

غیر وهابیان، ۱۸

فتح مکه، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۷۰، ۷۷، ۹۲، ۱۰۸، ۱۱۳

فرهیختگان، ۱۲۵

فضای بزرگ، ۸۹

فقیهان، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۷۲، ۸۹، ۹۹، ۱۰۵

۱۰۷، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۰۰، ۲۱۹

فقیهان بزرگ، ۱۱۳

فقیهان [سنی مذهب]، ۱۴۶

فقیهان مکی، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۱۸

قاضیان، ۹۹، ۱۱۷

قریش، ۵۲، ۱۰۴، ۲۰۰

قطع درخت، ۱۵۶، ۱۵۷

قوم وهابی - سعودی، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۸، ۲۹

کبش (قوچ)، ۸۰

کتیبه سنگی، ۷۸

کفار قریش، ۶۰

کنانه، ۲۰۲

کارد، ۶۲

کمونیسم، ۱۶

گروه حفظ قرآن، ۱۶۴

گروه های حج گزار، ۱۷۵

گروه های زائر، ۱۳۶

گروه های مسلمان، ۱۴۱

گسترش حرم شریف، ۱۲۷

گسترش مسجدالحرام، ۳۶

گلدسته ها، ۱۶

گنبد خفته، ۱۶۳

گنبد گرد و بلند، ۱۶۳

مؤذن، ۹۵

مؤسسه بن لادن، ۱۶۲، ۱۷۲

مؤسسه فرقان، ۱۸

مؤلفان، ۵۳

مؤلفان اهل سنت، ۱۴۲

مؤلفان تاریخ مکه، ۱۱۷

مؤلفان مناسک، ۱۳۹

مالکیان، ۲۱۱

مبعث، ۱۴۰

مجاوران، ۱۷۶

محدثان، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۹۹، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۵۶، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۰۰

محدثان بزرگ، ۴۳

مدارس شبانه نجاح، ۱۳۷

مدارس مکه مکرمه، ۳۱

مدنیان، ۱۴

مدینه هجرت، ۵۸

مذاهب چهارگانه [اهل سنت]، ۲۰۹

مذهب شافعی، ۱۹۷

مراکز آموزش عالی عربستان، ۱۲

مردم مکه، ۶۱، ۱۸۲

مرکز مطالعات حج، ۱۷۲

مسئول امور مالی شورای دارالحدیث، ۱۳۴

مسلمانان، ۱۸، ۲۹، ۶۰، ۱۵۸، ۱۸۳، ۱۸۴

مسلمانان صدر اسلام، ۱۴۱

مسلمانان مکه، ۱۶۳

مشاعر مقدس، ۲۴

مشرکان، ۸۹، ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۶۳

ص: ۳۱۱

مصریان، ۱۳

مُصَلِّیات، ۱۶۳

معجزه نبوی، ۷۲

معراج، ۸۳

مفتیان وهابی، ۱۶

مقاومت اسلامی لبنان، ۱۶

مقصوره، ۸۵، ۱۰۱

مکتب تاریخی مکه، ۱۵۹، ۱۶۰

مکیان، ۴۰، ۷۰، ۸۲، ۸۵، ۸۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۷

منبر مبارک نبوی، ۱۹

موافقان، ۱۴۶

مورخان، ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۱۰۵، ۱۵۱، ۱۸۳

مورخان مکی، ۱۵۹

مورخان مکی کهن، ۱۲۷

موسم حج، ۶۶

مهاجران، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۶۳

نیرنگ بازان، ۱۷۵

واعظان، ۱۹۴

وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۰

وزارت تبلیغات، ۱۰۵

وقف نامه، ۱۲۹، ۱۳۱

ولادت علی، ۸۶

وہابیان، ۱۲، ۱۳، ۵۶، ۱۲۸

ہجرت، ۵۲، ۷۰، ۸۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۴۰

ہفتاد پیامبر، ۷۱، ۷۳

ہنگام [حج]، ۷۹

ہنگام ہجرت، ۱۱۲

ہوازن حنین، ۱۴۱

ہیأت امر بہ معروف و نہی از منکر، ۱۸

ہیأت تحریریہ، ۱۸

ح) نمایه اصطلاحات

ابلاغ وحی، ۸۵

اثبات صحت، ۱۰۷

اجابت، ۱۱۲، ۱۲۲

اجتهادی، ۱۸۷

احادیث ضعیف، ۱۹۵

احادیث مرسل، ۱۵۷

احادیث مرفوع، ۱۵۰

احکام شرعی، ۱۰۷، ۱۷۹

اخبار صحیح، ۱۰۴

اخبار متواتر، ۳۵، ۷۶

اذان، ۱۶، ۶۳

استحباب، ۲۶، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۵۳

استفتا، ۲۲۰

اصول عقاید، ۱۷۵

اصول عقیده صحیح، ۱۷۵

اعتدال، ۱۸۵

اعتکاف، ۷۴، ۱۷۶

اقوال ضعیف، ۵۱

امام، ۱۰۹، ۱۶۱

امام جماعت، ۹۶

امر به معروف، ۶۷

انتقال نوشتاری میراث، ۲۹

اوقاف، ۱۰۵

بدعت، ۱۹، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۷، ۲۰۵، ۲۱۷

بدعت گذاری، ۱۴۴

برساخته، ۴۹، ۵۵، ۱۱۷

برکت، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۴۹

بزرگان صحابه، ۱۵۲

بنای عمری، ۱۵۱

بوسیدن حجرالاسود، ۱۳۵

بیعت، ۶۱، ۶۷، ۷۷، ۸۰، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۰

پاکی و نابی عقیده، ۱۲۳، ۱۷۹

پرچم سبز، ۸۷

پیش نماز، ۹۵

تبرک، ۱۹، ۵۹، ۱۱۲، ۱۲۱

تبرک جستن، ۲۰

تبرک جستن به آثار صالحان، ۱۴۸

تحریف، ۲۳۲

تدریس، ۳۱

تربیت [نبوی]، ۴۳

ترک فعل، ۱۵۳

ص: ٣١٣

تكبيره الاحرام، ١٤٣

تواتر، ٤٠، ٩٩، ١٠٧، ١١٣، ١٢٧، ١٧٢

تواتر شفاهى محلى، ١٢٦

تواتر علمى، ٣٨، ٣٩، ٧٦، ١٢٦، ١٧٩

تواتر علمى و فقهى، ١٠٨

تواتر علمى و محلى، ٤٠

تواتر محلى، ٢٠، ٢٦، ٢٧، ٣٧، ١٢٥، ١٢٦، ١٣١، ١٧٩

تواتر محلى مكى، ١٢٥

توحيد، ١٦، ١٢٤، ١٤٥، ١٤٦

توحيد عبدالوهابى، ١١

توحيد ناب، ١٦، ١٣٦

ثبت علمى، ٣٧

ثواب، ١١٦، ١٢٣

جاهليت، ٦١

جائز، ١٤٢

جهاد، ١٥٥

حالت سعى، ٩١

حج، ٣٠، ٨١، ١٠٨، ١١٠، ١١١، ١٣٩، ١٤١، ١٤٧، ١٤١، ١٦٣، ١٦٦

حج عمره، ١١٠

حج عمره و تمتع، ۶۴

حج قرآن، ۶۷، ۱۴۰

حج گزاردن، ۶۳

حجت شرعی، ۱۷۹

حجه الوداع، ۶۷

حد مشروع، ۱۸۴

حدیث صحیح و حسن، ۱۵۵

حدیث ضعیف، ۱۵۵

حدیث متصل، ۱۵۵

حدیث منقطع، ۱۵۵، ۱۵۷

حرام، ۱۶

حکم شرعی، ۱۸۷

حمله دار، ۳۰

خبر صحیح، ۵۱، ۵۵

خبر ضعیف، ۵۵

خبرهای صحیح، ۱۱۷

خبرهای ضعیف، ۵۱

خرافات، ۲۱۷

خلاف شرع، ۱۹، ۱۷۵

دعا، ۲۵، ۴۱، ۴۲، ۹۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶

دعا کردن، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۱۰۲

دعوت، ۱۱۳

دو پرچم سبز، ۹۱

دو میله، ۹۱

دو میله سبز، ۹۱

دو گانه ای، ۷۷، ۱۵۴

ذبح، ۸۰

رؤیای صادق، ۶۴

رحله، ۱۶۴

ص: ۳۱۴

رسالت، ۱۴۰

رقص شمشیر، ۱۶

رمضان، ۱۶۶

رَمی، ۱۲۱

روا شدن دعا، ۱۵۰

روایات صحیح و غیر صحیح، ۱۹۸

روایت، ۴۹

روایت صحیح، ۲۳۲

روایت منقطع، ۱۵۷

رهنمودهای اسلام، ۱۸۴

زنار، ۱۶

زهد، ۱۴۰

زیارت، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۵۶، ۷۸، ۸۱، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳،

۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۷

زیارت خانه، ۵۰، ۵۷

زیارت مکان های تاریخی، ۱۷۹

سعی، ۱۱۵، ۱۲۰

سقیم، ۱۹۴

سنت، ۱۲۱، ۱۴۴، ۱۸۱، ۱۸۲

سنت مشروع، ١٤٠

سنن، ١٥٨، ١٨٤

سيره نبوى، ١٧٥

شأن پیامبر، ١٦

شبيكه، ١٦٤

شرائع، ١٤٧

شرافت زمان، ١٢٤

شرافت مكان، ١٢٤

شرع، ١٢٧

شرعى، ١٤٢

شرك، ١٣، ١٣٥، ١٥٦

شق القمر، ٦٣

صاع، ١٢٦

صحابه، ١٥٧

صحيح، ١٩٤، ٢٢٥

ضعف حديث، ١٥٧

ضعيف، ٩٠، ٢٢٥

طبقات، ١٥٦

طواف، ١١٥، ١٢٠، ١٣٤، ١٥٣، ١٥٤، ١٥٨

طواف وداع، ١٣٤

طواف هفت گانه، ۱۵۳، ۱۵۴

عبادت، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۷۶

عبودیت، ۱۸۵

عرف، ۱۲۷

عقاید اسلام، ۱۸۷

عقاید صحیح اسلامی، ۱۸۴

عقیده، ۱۴۶، ۱۷۹

عقیده صحیح، ۱۸۱

ص: ۳۱۵

علت فقهی، ۱۱۹

علل عادی، ۱۳۵

عمره، ۶۸، ۹۲، ۹۳، ۱۰۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۶۶

عمره جعرانه، ۱۴۰

عمره حدیبیه، ۶۷، ۱۴۰

عمره قضا، ۶۷، ۱۴۰، ۱۴۱

عمره قضیه، ۶۷، ۱۴۱

غیر شرعی، ۱۴۰

فتوا، ۱۳

فضیلت ذاتی و اکتسابی، ۲۶

فقه اسلامی، ۱۱۸

فقه اهل سنت، ۱۵۳

قربانی، ۸۰، ۱۱۵

قصد مشروع، ۱۲۴

قول برتر، ۵۱

قول راجح، ۵۰

قول صحیح، ۵۱

قول مرجوح، ۵۰

کفر آمیز، ۱۹

کفر گویی، ۱۶

کوفی، ۷۸

گزاردن حج، ۴۳

مبارک، ۱۲۳، ۱۴۶، ۱۴۷

متواتر، ۱۰۲

محرم، ۶۸، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۵

مد، ۱۲۶

مرفوعاً، ۱۳۵، ۱۵۰

مسانید حدیث، ۱۹۴

مسئله قبور، ۱۳۵

مستجاب، ۱۲۲

مستحب، ۲۵، ۵۵، ۷۱، ۹۹، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۲

مسلك اسلام صهيونيستي، ۱۶

مشروع، ۱۴۰

مشروعیت، ۱۳۹

معیارهای فقیهان، ۱۲۶

مفهوم فقهی، ۱۱۸

مقطوع، ۱۵۵

مکتب تاریخی مکه، ۱۰۴

مکروه، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۴، ۲۰۵

مناسك [حج]، ۸۸، ۱۸۰

منسك، ۹۶

منهاج، ۲۰۵

موالات، ۱۵۴

موسم حج، ۱۷۰

موقوفه بودن، ۲۶

نابی عقیده، ۱۴۵

نافله، ۱۵۳

نبوت، ۱۴۰، ۱۴۷

نحر، ۸۰، ۸۱

ص: ۳۱۶

نزول فرشته وحی، ۸۵

نقل متواتر، ۳۷

نماز، ۴۳، ۴۵، ۶۲، ۷۱، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۰۵

نماز جماعت زنان، ۱۴۲

نماز جمعه، ۱۶۸

نماز ظهر و عصر، ۷۱

نماز عید فطر، ۱۷۱

نماز گزاردن، ۲۶، ۲۸، ۵۵، ۹۹، ۱۰۸

نماز مکروه، ۱۴۸

نمازهای پنج گانه، ۱۷۱، ۱۷۴

نهی از منکر، ۶۷

وصف کاشف، ۱۴۶

وصی تام الاختیار، ۱۳۰

وقف، ۱۳۰

وقف نامه، ۱۲۹

ویژگی تاریخ، ۱۰۴

ویژگی های مکتب تاریخی مکه، ۷۶

هبوط، ۱۰۹

هجرت، ۱۶۳

هروله، ۹۱، ۱۵۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹